

۵۲۹



KAYHAN.LONDON

بیانکار: دکتر مصطفی مصباح‌زاده
جمعه ۲۱ تا پنجشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۴ خورشیدی
سال چهل و دوم - شماره ۱۹۹۵

IAEA

توافق قاهره خرید وقت با عقب‌نشینی

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۵۳۰ مگابایت
نحوه دریافت سالنامه پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت [کیهان لندن](#) مراجعه فرمایید

قالب فایل: پی‌دی‌اف (PDF) | حجم فایل: ۱۳ مگابایت
نحوه دریافت کتاب پس از پرداخت: از طریق ایمیل
برای خرید سالنامه به سایت [کیهان لندن](#) مراجعه فرمایید

editorial@kayhan.london

[illegible][illegible]

شماره تلفن: 3012796778 و یا 2406027273 در شرق آمریکا تماس حاصل نمائید.
Web: www.pirnia.com E-mail: pirnia@pirnia.com



بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباح زاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

 @KayhanLife

 @kayhanlife

 @KayhanLife

 <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

 @KayhanLondon

 @kayhanlondon

 @kayhanlondon

 https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG

Tel: 0044 (0)20 3633 3684

e-mail:

info@kayhan.london

ads@kayhan.london

editorial@kayhan.london

www.kayhan.london

www.kayhanlife.com

❖❖❖❖❖

سال چهل و دوم

کیهان شماره ۱۹۹۵ (۵۲۹)

۲۱ تا ۲۷ شهریور ۱۴۰۴

۱۲ تا ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۵



کیمهان

فهرست مطالب

۴	سر مقاله - نسل پیروز 🇮🇷 / الاهی بقراط
۴-۵	تیر هفته - توافق قاهره خرید وقت با عقب نشینی ...
۵	تسلیم جمهوری اسلامی در مقابل اروپا یا خرید وقت؟ ...
۶-۷	شاهزاده رضا پهلوی در «کنفرانس ایران»: رژیم ضعیف و آسیب پذیر تنها در صورتی سقوط خواهد کرد که ...
۷	جنگنده های اسرائیل مقرر رهبران حماس را در دوحه هدف قرار دادند ...
۸-۹	چهارمین «کنفرانس ایران» توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن ...
۱۰	هشدار رسانه های حکومتی نسبت به وقوع مجدد جنگ و شروع اعتراضات خیابانی ...
۱۰-۱۱	تغییر نام وزارت دفاع آمریکا به «وزارت جنگ» با فرمان اجرایی دونالد ترامپ ...
۱۱	بدیل! / خبراندیش (احمد احرار)
۱۲-۱۳	پنج گلوله برای شاه (۴) ... گفت و شنود محمود تربتی سنجایی با عبدالله ارگانی
۱۴	نشت سالانه سازمان ملل و طرح ترامپ برای ممنوعیت خرید مقامات جمهوری اسلامی از فروشگاه های ...
۱۵	نشت شورای حکام درباره برنامه های اتمی جمهوری اسلامی و قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل ...
۱۶	دوماه پس از «جنگ ۱۲ روزه»: عبدالرحیم موسوی: «حقوق پایین نظامیان مشکل آفرین شده!» ...
۱۶-۱۷	تایمز اسرائیل: واکنش های جمهوری اسلامی به تحولات هسته ای می تواند با حمله مجدد روبه رو شود ...
۱۷	فرزند مشاور نظامی علی خامنه ای: باید برای احتمال کشته شدن رهبر آماده باشیم ...
۱۸	«اورشلیم پست»: هیأت ایرانی با وزیر علوم و فناوری اسرائیل دیدار کرد تا درباره «روز بعد» ...
۱۹	دولت بریتانیا: دشمنی با اسرائیل در ذات جمهوری اسلامی است و مادر پی رفع خلائای قانونی ...
۲۰-۲۱	آمریکادر شوک: ترور چارلی کرک متحد ترامپ: نتانیاهو: او دوست شیردل اسرائیل بود ...
۲۱	هشدار نتانیاهو به دولت های منطقه: یا تروریست ها را اخراج کنید یا منتظر پیامدهای آن باشید ...
۲۲	حمله پیهادی روسیه به لهستان: دونالد توسک: به درگیری مستقیم باروسیه نزدیک شده ایم ...
۲۳	خارج از سایه ها: درباره ضرر بعدی اسرائیل و سر نوشت احتمالی جمهوری اسلامی و ایران ...
۲۴-۲۵	پدیده «مرگ تخصصی» و مسائل روز ایران ... دکتر رضا سعیدی فیروز آبادی
۲۵	دوران محمدرضا شاه: پایان بلا تکلیفی و ماتم زدگی (صدسال پهلوی؛ ۱۴۰۴ تا ۱۳۰۴) / فرید خلیفی
۲۵	زیرعبای شیخ قطر! ... / بهنام محمدی
۲۶	معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی: احتمال وقوع جنگ جدید با اسرائیل بالاست ...
۲۶-۲۷	پر تاژ آگهی عباس عراقچی در «گاردین»: «آفندر اسرائیل را شکست می دهیم که ...
۲۷	دیدار عراقچی و کلاسر در دوحه: «یک هیأت ایرانی به وین می رود» ...
۲۸	عراقچی: تا مدت ها اگر نتایج ندهد با آژانس همکاری نمی کنیم ...
۲۸-۲۹	ادعای «توافق میان جمهوری اسلامی و آژانس» پس از دیدار گروسی و عراقچی در قاهره ...
۲۹	رافائل گروسی: فرصت زیادی برای همکاری هسته ای با جمهوری اسلامی باقی نمانده است ...
۳۰	«توافق مبهم در قاهره»: شبیه نامه جدید بازرسی از سایت های اتمی که در جنگ ۱۲ روزه ...
۳۱	رافائل گروسی درباره عقب نشینی جمهوری اسلامی: توافق جدید شامل باز دیداز تمام تأسیسات و ...
۳۲	برگزاری نشست غیر علنی هیئت دولت پزشکیان با نمایندگان مجلس شورای اسلامی ...
۳۳	جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان از رژیم مادور و درونز و نلابرای قاچاق کوکائین استفاده می کنند ...
۳۴-۳۵	رویکردی نوین به سیاست و دموکراسی از دیدگاه روانشناسی ...
۳۶-۳۷	نگاهی به یک پژوهش از دانشگاه پرینستون: انقلاب های نو، زاده در شهر و نه سنگر ...
۳۷	دوران محمدرضا شاه: فرصت برای همه (صدسال پهلوی؛ ۱۴۰۴ تا ۱۳۰۴) / فرید خلیفی
۳۸-۳۹	هزینه های باور نکردنی و نجومی دارو و درمان در ایران ...
۳۹	زن ستیزی: زخمی که مرز نمی شناسد: از تریدار سقر تا گلبرگ در تورنتو! / اسپیده حجابی
۴۰-۴۱	گزارش کارشناسی درباره انفجار بندر «رجایی»: ۲۱ نهاد مسئول مقصر شناخته شدند ...
۴۱	برکناری مدیران دولتی: «پاتک جبهه پایداری» با قربانی کردن «خودی» ها توسط ...
۴۲	پولپاشی با وجود کسری بودجه: بودجه برخری نهادهای تبلیغاتی وایدنولوژیک حکومت طی ...
۴۳	اختلاف بر سر باز دید بازرسان آژانس از تأسیسات اتمی: کیهان تهران: گروسی گماشته آمریکای اسرائیل است ...
۴۴-۴۵	رویارویی جناحین حکومت برای گردن تگرفتن «بابک زنجانی» ...
۴۵	اجرای حکم اعدام مهران بهرامیان، از بازداشت شدن اعتراضات ۱۴۰۱ ...
۴۶-۴۷	گزارش «گاردین» درباره جورجیو آرمانی طرح نامدار ایتالیایی که در ۹۱ سالگی درگذشت ...
۴۸	جشنواره وینز به باشوغریه کوچک «ساخته بهرام بیضایی» ۴۰ سال پس از کران جایزه داد ... / احمد رافت
۴۹	هوشمند عقیلی خواننده و آهنگساز خاطره انگیز ایران درگذشت ...
۴۹	گفتگو با گل آذین اردستانی، نقش آفرین فیلم «مرده شور» برنده جشنواره دینورگ ...
۵۰	گسترش فاجعه فرونشست در ایران ...
۵۱	هزینه های چند صد میلیون تومانی درمان نابابوری در ایران ...
۵۲	بحران آب و برق در پاییز و زمستان نیز ادامه خواهد داشت ...
۵۳	رتبه نامید کننده ایران در اقتصاد دیجیتال ...
۵۴-۵۵	جیره بندی و افزایش قیمت برق اثر نداشت: بحران کمبود برق ادامه دارد! ...
۵۵	نتایج یک پژوهش از سبک زندگی زنان در تهران: تحصیلات و وضعیت اقتصادی از تباطؤ مستقیم با ...
۵۶-۵۷	کاهش تقاضا: تهدیدی برای صنعت مونتاز لوازم خانگی در ایران ...
۵۷	نتایج یک پژوهش از سبک زندگی زنان در تهران: تحصیلات و وضعیت اقتصادی از تباطؤ مستقیم با ...
۵۸	هزینه های سرسام آور مدرسه در سال تحصیلی جدید سر درگمی خانواده های دانش آموزان ...
۵۹	خشک شدن سریالی رودخانه ها و سدها: ترک خوردن خانه هادر جنوب تهران بر اثر فرونشست ...
۶۰-۶۱	خبرهای کوتاه ...
۶۲	پشت جلد - عکس هفته / تازمان آزادی ایران و شادوش همه شما مبارزه می کنیم / شاهزاده رضا پهلوی



بازنشر
بازنشر

تیترهفته

توافق قاهره خرید وقت با عقب نشینی



● اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی عضو برجام اگرچه از بازگشت جمهوری اسلامی به میز مذاکره با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای ابراز خوشحالی می‌کنند، ولی به اجرای توافق قاهره زیاد خوشبین نیستند.

غنی‌سازی شده در صورت اجرای توافق قاهره می‌کنند. البته آنچه عباس عراقچی پس از امضای این توافق بیان کرد متفاوت است. وزیر خارجه دولت مسعود پزشکیان که از مصر راهی تونس شد، در پایتخت این کشور عربی گفت: «باید تاکید کنم که بر اساس این توافق هیچ دسترسی به بازرسان [آژانس بین‌المللی انرژی اتمی] الان داده نمی‌شود، مگر در بحث نیروگاه بوشهر به خاطر تعویق سوخت این نیروگاه.» عباس عراقچی همچنین افزود: «این توافق دسترسی ایجاد نمی‌کند و بر اساس گزارش‌هایی که ایران بعدا خواهد داد نوع دسترسی‌ها در زمان خودش مورد مذاکره قرار خواهد گرفت.» به گفته وزیر خارجه جمهوری اسلامی در توافق قاهره «قانون مجلس [شورای اسلامی] ایران پذیرفته شده و هرگونه همکاری باید قبلا به تصویب شورای عالی امنیت ملی برسد».

تهدید عباس عراقچی به عدم اجرای توافق قاهره

عباس عراقچی همچنین تهدید کرد که این توافق با بازگشت تحریم‌های بین‌المللی مصوب شورای امنیت سازمان ملل متحد و «هرگونه اقدام خصمانه» به پایان خواهد رسید. وزیر خارجه جمهوری اسلامی که قبل از نشست قاهره خواهان لغو تحریم‌هایی بود که آمریکا پس از خروج از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ تصویب کرد، در حال حاضر این خواست را کنار گذاشته و تنها خواهان عدم بازگشت تحریم‌های بین‌المللی است. تحریم‌هایی که به گفته عباس عراقچی در صورت بازگشت «پیامدهای خطرناکی خواهند داشت.» وزیر خارجه جمهوری اسلامی فعال شدن مکانیسم ماشه توسط سه کشور اروپایی (آلمان، فرانسه و

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی و رافائل گروسی مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه‌شنبه ۱۸ شهریور ۱۴۰۴ در قاهره با میانجیگری بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر، توافقی را امضا کردند که در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.

رافائل گروسی در بازگشت به وین در نشست ادواری شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی امضای این توافق را بسیار مثبت ارزیابی کرد و از جمله گفت اینکه جمهوری اسلامی تا کنون تصمیم به خروج از NPT (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای) نگرفته، خود حکایت از خواست آن برای ادامه راه دیپلماسی و گفتگو است. مدیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در اشاره به متن این توافق گفت که «ما به همه تاسیسات هسته‌ای ایران» برای بازرسی «دسترسی کامل» خواهیم داشت و تهران پذیرفته است در رابطه با «اورانیوم غنی‌سازی شده موجود در سایت‌هایش اطلاع‌رسانی کند».

سرنوشت اورانیوم ۶۰ درصدی

در گزارش قبلی آژانس صحبت از ۴۰۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی شده است، ولی کارشناسان این نهاد معتقدند که تا تاریخ حمله اسرائیل و آمریکا به تاسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی مقدار اورانیوم ۶۰ درصدی به ۴۴۱ کیلو رسیده بود. رافائل گروسی می‌گوید خبری از محل نگهداری اورانیوم غنی‌سازی شده نداریم ولی احتمالا هنوز زیر آوارهای تاسیسات بمباران‌شده هستند و به محل دیگری منتقل نشده‌اند. برخی از پایگاه‌های خبری داخلی صحبت از آمادگی جمهوری اسلامی برای افشای محل اورانیوم

سرمقاله

نسل پیروز

جامعه‌شناسان و کارشناسان جمعیت فاصله بین دو نسل را معمولا بین ۱۵ تا ۲۰ سال دانسته و معتقدند که هر بیست تا سی سال یک نسل جدید شکل می‌گیرد. به این ترتیب، نسل X از ۱۹۶۶ تا ۱۹۸۰، نسل Y از ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۵، نسل Z از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۹ و نسل آلفا از ۲۰۱۰ تا امروز به دنیا آمده‌اند.

بین ایرانیان اصطلاح «نسل زد» از میانه‌ی دهه نود خورشیدی



تظاهرات همبستگی ایرانیان در برن/ سوئیس/ ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۳ /
عکس از رضا رضائی

و در ارتباط با خواست‌ها و حقوق و نافرمانی‌های این نسل در یک رژیم مذهبی به شدت سرکوبگر بر سر زبان‌ها افتاد و در امتداد اعتراضات آن سال‌ها در جنبش ملی مهسا در سال ۴۰۱ به اوج خود رسید.

این نسل در ایران از مدرسه و دانشگاه تا انواع محیط‌های کار مانند کارگاه و مزارع و همچنین خیابان‌ها صحنه‌ها و ابتکاراتی را در اعتراض به وضعیت موجود و علیه حکومت و فرهنگ و سیاست‌های تحمیلی آن به نمایش گذاشتند که در نوع خود بی‌همتا بود و تصاویر بسیاری از آنها جهانی شد. خود مهسا نیز از همین نسل زد بود که پس از جان باختن وی با وجود سرکوب شدید و مرگبار اما ایستادگی جامعه همراه با حضور فعال همه نسل‌هایش، رژیم را چنان عقب نشانده که حجاب را نه تنها در بسیاری از مناطق از سر زنان، بلکه از چهره‌ی کریه آن نیز برداشت: موضوع و خواست اصلی اکثریت جامعه جوان ایران نه صرفا پوشش اختیاری و رقص و آواز و آزادی‌های مشابه، تازه آنهم با ترس و لرز و بازداشت و توقیف و جرم‌انگاری، بلکه وجود خود جمهوری اسلامی به عنوان یک نظام قرون وسطایی است. در این میان، جریان‌اتی در نظام سعی می‌کنند با تبلیغ این بی‌حجابی و رقص و آواز، آن را به سود و حساب خود رژیم بنویسند!

مدتیست که دوست و دشمن اذعان دارند که حکومت هرگز در عمر خود چنین ضعیف و ذلیل نبوده است. این ضعف و ذلت را در صدای لرزان رهبرش نیز می‌توان دید. رهبری که به این علت هنوز زنده است که رئیس جمهور آمریکا به گفته‌ی خودش وی را از مردن خفت‌بار توسط اسرائیل نجات داد! فقط کافیست که موقعیت امروز رژیم را با یکسال پیش و زمانی که تصمیم گرفت مسعود پزشکیان را در رأس دولت چهاردهم روی کار بیاورد تا دوران شیرین برجام تکرار شود، مقایسه کرد.

بی‌تردید، روی کار آمدن ترامپ، سقوط بشار اسد و عزم اسرائیل در دفاع از موجودیت خود و وارد آوردن ضربات مرگبار علیه جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش با حمایت صریح اروپا و آمریکا و تأیید ضمنی روسیه و چین و کشورهای منطقه، البته هر یک بر اساس منافع خود، نقش تعیین‌کننده در ضعف و ذلت جمهوری اسلامی داشته که کاملا همسو با منافع جامعه جوان و نسل زد ایران نیز هست. نسلی که شاهزاده رضا پهلوی در چهارمین «کنفرانس ایران» که توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) ۱۸ و ۱۹ شهریورماه در واشنگتن برگزار شد، با نشان دادن علامت پیروزی، نسل V نامید. نسلی که سرانجام ایران را بر جمهوری اسلامی پیروز خواهد ساخت.

طرح خروج از NPT ما در مجلس در حال بررسی طرحی دیگر برای بستن تنگه هرمز هم هستیم. طرح بستن تنگه هرمز در گذشته نیز بارها در دستور کار قرار داشت و تنها در یک مورد که تلاش بر اجرای آن را داشتند با شکست مواجه شد. یک دیپلمات باسابقه جمهوری اسلامی که تا کنون

بنیامین نتانیاهو نیز در روزهای گذشته اقدام نظامی دیگری علیه جمهوری اسلامی را منوط به رویکرد و عملکرد تهران در زمینه هسته‌ای و موشکی کرده است. بنابراین این «عقب‌نشینی» جمهوری اسلامی در مقابل خواست‌های سه کشور اروپایی می‌تواند با امید به تأخیر در حمله جدیدی از سوی اسرائیل نیز باشد.

بریتانیا) را «اشتباه محاسباتی فاجعه‌باری» خواند که به گفته او «نتیجه معکوس خواهد داد».

شک و تردید اروپا نسبت به جمهوری اسلامی
اتحادیه اروپا و سه کشور اروپایی عضو برجام اگرچه از بازگشت جمهوری اسلامی به میز مذاکره با آژانس بین‌المللی



مستولیت سفارت‌های جمهوری اسلامی در دو کشور اروپایی را داشته است، به شرط محفوظ ماندن نام خود، می‌گوید: «خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بسیار خطرناک است زیرا جهان آن را به مثابه قصد [رژیم] ایران برای ساخت هب اتم تلقی خواهد کرد و نه تنها اسرائیل بلکه برخی دیگر از کشورهای غربی نیز با حمایت کشورهای منطقه می‌توانند با مجوز شورای امنیت دست به حمله نظامی علیه آن بزنند».

شمشیر داموکلس خروج از «ان پی تی»
البته جمهوری اسلامی هنوز «شمشیر داموکلس» خروج از NPT با همان پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای را غلاف نکرده است. در مجلس شورای اسلامی ده طرح برای خروج از این معاهده روی میز است، اگرچه فعلاً چراغ سبزی از «بیت رهبری» و شخص علی خامنه‌ای برای تصویب آنها نیامده است. اسماعیل کوثری عضو کمیسیون سیاست خارجی و امنیت مجلس شورای اسلامی می‌گوید علاوه بر

انرژی هسته‌ای ابراز خوشحالی می‌کنند، ولی به اجرای توافق قاهره زیاد خوشبین نیستند. این سه کشور اروپایی در بیانیه‌ای که یک روز پس از امضای این توافق در ۱۹ شهریور منتشر کردند می‌نویسند: «زمان آن رسیده است که [جمهوری اسلامی] ایران در عمل نشان دهد که آماده یافتن راه حل دیپلماتیک است نه دادن وعده‌هایی که موکول به آینده می‌کند».

یک دیپلمات ارشد فرانسوی در رم به کیهان لندن می‌گوید: «جمهوری اسلامی تا ۲۷ سپتامبر (۵ مهر) فرصت دارد که به بازرسان آژانس بین‌المللی اجازه ورود به سایت‌های اتمی اعلام‌شده و همچنین مخفی را بدهد و محل نگهداری اورانیوم ۶۰ درصدی را را فاش سازد؛ وگرنه مکانیسم ماشه وارد مرحله اجرا خواهد شد».

کایا کالاس مقام ارشد سیاست خارجی اتحادیه اروپا که ۱۳ شهریور با عباس عراقچی در دوحه دیداری داشت، در اشاره به توافق قاهره می‌گوید: «این توافق در صورتی که [جمهوری اسلامی] ایران اجرای سریع آن را تعیین نکند فاقد اعتبار خواهد بود».

در همین ارتباط، دیپلمات فرانسوی در ادامه گفتگو با کیهان لندن می‌افزاید: «شواهدی وجود دارد که تهران با پذیرفتن برخی از خواست‌های کشورهای اروپایی در نظر ندارد از فعالیت‌های خطرناک هسته‌ای دست بردارد، بلکه تنها با هدف خرید وقت و به تعویق انداختن بازگشت تحریم‌های بین‌المللی و اقدام نظامی مجدد اسرائیل در حرف برخی از این خواست‌ها را پذیرفته است ولی یقیناً به نظر می‌رسد که برنامه هسته‌ای نظامی خود را کنار بگذارد».

همین دیپلمات معتقد است که پیشنهاد روسیه برای تمدید ۶ ماهه «مکانیسم ماشه» با هدف به تعویق انداختن اجرای تحریم‌ها نیز باید در همین راستا دیده شود.



تسلیم جمهوری اسلامی در مقابل اروپا یا خرید وقت؟

آیا جمهوری اسلامی با امضای توافق اخیر با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قاهره که سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۴ انجام شد، واقعا در مقابل خواست‌های سه کشور اروپایی آلمان، فرانسه و بریتانیا که روند فعال شدن «مکانیسم ماشه» را آغاز کرده‌اند، تسلیم شده یا اینکه فقط به دنبال خرید وقت و در انتظار «غروب» برجام در نیمه ماه اکتبر است؟

آیا اروپا هنوز مصمم به بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی علیه رژیم است، یا مکانیسم ماشه را از روی میز شورای امنیت سازمان ملل متحد برخواهد داشت؟ احمد رأفت این پرسش‌ها را با مجید گلپور مشاور نهادهای اروپایی در بروکسل در میان گذاشته است.



شاهزاده رضا پهلوی در «کنفرانس ایران»: رژیم ضعیف و آسیب‌پذیر تنها در صورتی سقوط خواهد کرد که مردم ایران بار دیگر بپا خیزند

● شاهزاده رضا پهلوی در نخستین روز این کنفرانس سالانه که توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن دی‌سی برگزار می‌شود، طی سخنانی بار دیگر به تشریح دیدگاه‌ها و اقدامات خود پرداخت و نسبت به موفقیت مردم ایران در ساقط کردن رژیم جمهوری اسلامی ابراز خوشبینی کرد و شرط اصلی آن را حضور و بپا خاستن ملت ایران دانست.

● بسیاری از مردم در ایران و سراسر جهان می‌پرسند که آیا رژیم از این توفان اخیر جان سالم به در برده است؟ آیا با وجود ضربات ویرانگری که متحمل شده، قادر به تجدید قوا و بقا خواهد بود؟ پاسخ من به این پرسش منفی است. ما از این مرحله عبور کرده‌ایم. اکنون سوال فقط این است که رژیم چه زمانی و چگونه سقوط خواهد کرد و بعد چه خواهد شد.

● می‌خواهم این را نیز روشن بگویم: اگرچه رژیم ضعیف و آسیب‌پذیر است، اما تنها در صورتی سقوط خواهد کرد که مردم ایران بار دیگر بپا خیزند. آنها می‌دانند که آینده ایران در دستان آنهاست. وظیفه من، همراه با بسیاری از شما که امروز اینجا هستید، این است که مطمئن شویم شرایط موفقیت به سود مردم ایران فراهم شده است. و اطمینان پیدا کنیم که ما یک برنامه مشخص برای گذار به دموکراسی و بازسازی اقتصادی داریم.

● ما می‌بایست منظم و مصمم باشیم. من متعهد می‌شوم که دوشادوش همه شما تا زمانی که ایران سرانجام آزاد شود، مبارزه کنم.

شاهزاده رضا پهلوی سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۴ برابر با ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ در چهارمین «کنفرانس ایران» شرکت کرد. این کنفرانس دوازده‌روزه چهارشنبه ۱۹ شهریور به کار خود پایان می‌دهد. شاهزاده در نخستین روز این کنفرانس سالانه که توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن دی‌سی برگزار می‌شود، طی سخنانی بار دیگر به تشریح دیدگاه‌ها و اقدامات خود پرداخت و نسبت به موفقیت مردم ایران در ساقط کردن رژیم جمهوری اسلامی ابراز خوشبینی کرد و شرط اصلی آن را حضور و بپا خاستن ملت ایران دانست.

وی همچنین اطمینان داد که مردم ایران برای تحقق دموکراسی و شکوفایی ایران آمادگی دارند و خود وی تیمی که با او کار می‌کنند، برای گذار بدون هرج و مرج و باثبات برنامه‌های عملی دارند.

متن کامل سخنان شاهزاده را در زیر می‌خوانید.
خانم‌ها و آقایان، مهمانان گرامی و هم‌میهنان عزیز، خوشحالم که بار دیگر به «نوفدی» در «کنفرانس ایران» می‌پیوندم. در طول چهار سال گذشته، این کنفرانس به چیزی بیش از یک رویداد سالانه و به همایشی پیشرو برای بحث و گفتگو در مورد ایران، سیاست ایران و آینده ملت ما تبدیل شده است. چهار سال پیش، شما در این مسیر گام نهادید و در سال‌های بعد، گفتگو در واشنگتن را تغییر داده‌اید تا سرانجام به مردم ما صدایی بدهید.

شما در حال ایجاد همبستگی در میان ایرانیان خارج کشور هستید. من مفتخرم که در کنار شما ایستاده‌ام و مشتاقانه منتظر ادامه همکاری در ماه‌ها و سال‌های حساس پیش



شاهزاده رضا پهلوی در چهارمین «کنفرانس ایران» در واشنگتن ۱۸/ شهریور ۱۴۰۴/ ۹ سپتامبر ۲۰۲۵

رو هستیم.

ماموریت ما فوریت، اما بی‌سمت و سو نیست. من یک استراتژی روشن طراحی کرده‌ام شامل پنج نکته که با هم مسیر ما را از استبداد به سوی آزادی ترسیم می‌کند. نخست، فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی؛ این رژیم با مصونیت از مجازات و سکوت جهان استمرار می‌یابد. ما باید اطمینان حاصل کنیم که جهان هرگز جنایات این رژیم را فراموش نمی‌کند؛ از اعدام‌ها و شکنجه گرفته تا فساد و دزدی در مقیاس ملی.

دوم، حمایت حداکثری از مردم ایران؛ مردم ما باید بدانند در حالی که می‌جنگند، در این مبارزه تنها نیستند بلکه جهان در کنار آنها ایستاده است. آنها می‌توانند روی جامعه ایرانیان مهاجر نیز برای دفاع از حقوق خود حساب کنند. سوم، ریزش حداکثری از رژیم؛ هر ایرانی که حمایت خود را از این نظام قطع کند، ما را به آزادی نزدیک‌تر می‌کند. چه در دولت باشند، چه در دستگاه نظامی یا اداری، ما آنها را تشویق می‌کنیم که ملت را به اشغالگران ترجیح دهند.

چهارم، بسیج و سازماندهی حداکثری فعالان در داخل و خارج کشور؛ مبارزه ما نیاز به نظم، هماهنگی و همبستگی دارد. جمهوری اسلامی می‌خواهد ما را دچار تفرقه و دلسردی کند. ما باید برعکس عمل کنیم؛ باید متحد شویم، بسیج شویم و ایستادگی کنیم.

و پنجم، طرحی برای شکوفایی پس از سقوط رژیم؛ پروژه شکوفایی ایران؛ این پروژه یک شعار نیست بلکه یک طرح کلی برای بازسازی ایران پس از آزادی است؛ بطوری که وقتی روز موعود فرا برسد، ما آماده باشیم. هفته گذشته، هیئت کارشناسان من به اسرائیل سفر کرد. آنها با پرزیدنت ایزاک هرتزوغ، گیل گملیل وزیر علوم و نوآوری و فناوری و همچنین دانشمندان برجسته اسرائیلی دیدار کردند تا نه تنها به بحران‌های آب و برق و اقتصاد ایران بپردازند، بلکه زمینه را برای پیمان کوروش بین اسرائیل و یک ایران آزاد، دموکراتیک و شکوفا فراهم آورند.

این پنج نکته یکدیگر را تقویت می‌کنند. فشار، رژیم را تضعیف می‌کند. حمایت، مردم را توانمند می‌کند. ریزش،

به پایان رژیم سرعت می‌بخشد. بسیج، قدرت می‌سازد. و برنامه‌ریزی تضمین می‌کند که پیروزی منجر به روزی جدید برای ملت ما شود.

برای تحقق این چشم‌انداز، اجازه دهید در مورد دو ستون که برای موفقیت ما ضروری هستند توضیح دهم: فشار حداکثری و حمایت حداکثری.

در مورد حمایت حداکثری؛ می‌خواهم از کار فوق‌العاده‌ای که «نوفدی» در این زمینه انجام داده، قدردانی کنم. دفترچه «حمایت حداکثری» با معرفی ابزارهای عملی برای سیاست‌گذاران، روزنامه‌نگاران و شهروندان در سراسر جهان آزاد تا در کنار مردم ایران بایستند. و طرح سیاسی ۱۵ ماده‌ای برای قانونگذاران غربی و دوستان ایران در واشنگتن، بروکسل، اتاوا شامل گام‌های مشخصی که آنها می‌توانند برای منزوی کردن رژیم و توانمندسازی مردم ما بردارند. اینها فقط یکسری سند نیستند بلکه ابزارهای عملی هستند که ما، با هم، برای شکل دادن به تغییرات واقعی سیاست‌گذاری در راهروهای قدرت از آنها استفاده کرده‌ایم.

در مورد فشار حداکثری؛ طی سال گذشته، من به پایتخت‌های کشورهای غربی، از لندن تا پاریس و فراتر سفر کرده‌ام و برای اقدام قوی‌تر علیه جمهوری اسلامی به استدلال پرداخته‌ام. این تلاش‌های دیپلماتیک نتیجه می‌دهد. در بریتانیا، ما بیش از هر زمان دیگری به ممنوعیت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی نزدیک شده‌ایم. در استرالیا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اکنون رسماً در این فهرست قرار گرفته و سفیر رژیم اخراج شده است. اینها پیروزی‌های مهمی هستند. هر تحریم، هر اخراج، هر به رسمیت شناختن سپاه به عنوان سازمان تروریستی، حلقه محاصره رژیم را تنگ‌تر می‌کند، بر هزینه بقای آن اضافه می‌کند و به مردم ما نشان می‌دهد که جهان نه تنها می‌شود، بلکه عمل می‌کند.

در مورد ریزش حداکثری؛ تیم من گام‌های بی‌سابقه‌ای برداشته تا به آندسته از مقامات و وابستگان رژیم که مایل به ایستادن در کنار مردم هستند، یک راه خروج ارائه دهد. ده‌ها هزار ایرانی در نیروهای مسلح، ادارات

جنگنده‌های اسرائیل مقر رهبران حماس را در دوحه هدف قرار دادند



حماس هدف حمله بوده‌اند. شبکه خبری «المیادین» نیز به نقل از یک منبع در رهبری حماس گزارش داد رهبران حماس جان سالم به در بردند اما برخی منابع می‌گویند این حمله تعدادی کشته برجای گذاشته است.

اعضای شورای رهبری حماس ۱۳ شهریور در دوحه با عباس عراقچی دیدار کرده بودند. چهار روز پس از این دیدار دو تروریست فلسطینی در اورشلیم شهروندان اسرائیلی را در یک اتوبوس به رگبار بستند که چندین کشته و مجروح برجای گذاشت.

روزنامه «اورشلیم پست» گزارش داد، آمریکا از حمله اسرائیل به قطر مطلع بوده و با آن موافقت کرده است. دفتر بنیامین نتانیاهاو اعلام کرد، عملیات علیه رهبران ارشد حماس کاملاً مستقل و توسط اسرائیل اجرا شده و مسئولیت کامل آن بر عهده اسرائیل است.

وزارت خارجه قطر حمله به مقر رهبران حماس را در دوحه محکوم کرد.

● ارتش اسرائیل با همکاری سازمان «شین‌بت» روز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۴ مقر حماس در دوحه قطر را هدف قرار داد. در این عملیات یک ویلا که محل جلسه رهبران حماس بود بمباران شد.

● منابع اسرائیلی گزارش دادند که جنگنده‌های ارتش ۱۲ موشک به مواضع و مقر رهبران حماس شلیک کردند. کانال ۱۴ اسرائیل نیز گزارش داد ۱۰ جنگنده نیروی هوایی اسرائیل در حمله به دفتر حماس در دوحه شرکت داشتند. شبکه الجزیره مدعی شده است که رهبران حماس از این حمله نجات یافتند.

● گفته می‌شود خلیل الحیه و زاهر جبارین دو تن از رهبران حماس هدف حمله بوده‌اند. شبکه خبری «المیادین» نیز به نقل از یک منبع در رهبری حماس گزارش داد رهبران حماس جان سالم به در بردند اما برخی منابع می‌گویند این حمله تعدادی کشته برجای گذاشته است.

ارتش اسرائیل با همکاری سازمان «شین‌بت» روز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۴ مقر حماس را در دوحه پایتخت قطر هدف قرار داد. در این عملیات یک ویلا که محل جلسه رهبران حماس بود بمباران شد.

ارتش اسرائیل در بیانیه‌ای تأیید کرد که با استفاده از نیروی هوایی بطور دقیق مقر رهبری حماس را هدف قرار داده است.

در این بیانیه آمده است: «فرماندهان حماس که هدف قرار گرفتند، سال‌ها فعالیت‌های این گروه را هدایت می‌کردند و مسئولیت مستقیم ارتکاب کشتار هفتم اکتبر و هدایت جنگ علیه اسرائیل را بر عهده داشتند.»

منابع اسرائیلی گزارش دادند که جنگنده‌های ارتش ۱۲ موشک به مواضع و مقر رهبران حماس شلیک کردند. کانال ۱۴ اسرائیل نیز گزارش داد ۱۰ جنگنده نیروی هوایی اسرائیل در حمله به دفتر حماس در دوحه شرکت داشتند. شبکه الجزیره مدعی شده است که رهبران حماس از این حمله نجات یافتند.

گفته می‌شود خلیل الحیه و زاهر جبارین دو تن از رهبران

بازگشت به جایگاه شایسته خود در میان ملت‌هاست. دوستان من،

بسیاری از مردم در ایران و سراسر جهان می‌پرسند که آیا رژیم از این توفان اخیر جان سالم به در برده است؟ آیا با وجود ضربات ویرانگری که متحمل شده، قادر به تجدید قوا و بقا خواهد بود؟

پاسخ من به این پرسش منفی است. ما از این مرحله عبور کرده‌ایم. اکنون سوال فقط این است که رژیم چه زمانی و چگونه سقوط خواهد کرد و بعد چه خواهد شد.

رژیم ضعیف و چندپاره است. به جان خود افتاده و در حال فروپاشی است؛ و هزاران نفر از زمامداران و پرسنل آن در سرویس‌های امنیتی پیشنهاد جدایی از آن می‌دهند. نیروهای نیابتی آن، حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها، در تنگنا قرار گرفته‌اند. اسد سقوط کرده است. این رژیم در سطح بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری در دوران اخیر منزوی شده است.

مردم ایران شجاعانه در سراسر کشور این حکومت را به

و دستگاه‌های دولتی به پلتفرم ریزش که تابستان امسال راه‌اندازی کردیم، پیوسته‌اند. آنها فراخوان سرپیچی از رژیم و پیوستن به ملت را پذیرفته‌اند. این مردان و زنان شجاع و میهن‌پرست، در حال حاضر اقداماتی انجام می‌دهند که ما را به پیروزی نزدیک‌تر می‌کند.

در مورد بسیج حداکثری: تابستان امسال در مونیخ میزبان همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» بودم؛ لحظه‌ای بی‌سابقه در تاریخ جنبش ما. بیش از ۵۰۰ کنشگر و فعالان گروه‌های مخالف از طیف‌های متنوع فرهنگی، مذهبی و سیاسی ایران، با اعلام جسورانه‌ای از همبستگی و هدف گرد آمدند. نشانه‌ای آشکار مبنی بر اینکه این مبارزه دیگر نه با گذشته، بلکه با آینده مشترکی که در حال ساخت آن هستیم، تعریف می‌شود. این همبستگی غنادین نبود؛ بلکه عملی و استراتژیک بود. این نشان داد که اپوزیسیون دموکراتیک، هم سازمانیافته و فراگیر و هم قادر است برای گذار آماده شود.

این همایش همچنین نشان داد که ایرانیان از هر قشری آماده همکاری برای ساخت آینده‌ای پس از جمهوری اسلامی بر اساس این اصول اساسی هستند: تعهد به تمامیت ارضی ایران، حقوق فردی و برابری شهروندان، جدایی دین از دولت و حق مسلم مردم ایران برای انتخاب شکل آینده دموکراسی خود. مونیخ تنها یک آغاز بود. من یکبار دیگر دست خود را دراز کرده و از همه کسانی که با این اصول موافقت دعوت می‌کنم تا در این کارزار به ما بپیوندند.

سال گذشته، در همین کنفرانس، «پروژه شکوفایی ایران» یا IPP را اعلام کردم. این یک چشم‌انداز و نویدی به مردم ایران بود که ما در نخستین روز پس از سقوط این رژیم آماده خواهیم بود.

ما در یکسال پیشرفت چشمگیری داشته‌ایم.

ما نخستین کنفرانس «پروژه شکوفایی ایران» را برگزار کردیم و متخصصان و میهن‌پرستان را از سراسر جهان گرد آوردیم تا بر آینده ایران تمرکز کنند. در آن گردهمایی، ما شش سند سیاست‌گذاری اول را منتشر کردیم شامل پیشنهادها عملی و ملموس در مورد چگونگی بازسازی نهادهای حیاتی، تثبیت اقتصادی و آغاز فرآیند بازسازی ملی. سپس، از «دفترچه مرحله اضطراری» روغایی کردیم؛ سندی حیاتی که آنچه را باید در ماه‌های حساس اولیه پس از فروپاشی رژیم انجام شود، مشخص می‌کند. از تضمین خدمات اساسی گرفته تا ثبات ارز و بازسازی نظم و قانون. این طرح اضطراری به جلوگیری از هرج و مرج و تضمین روند آرام گذار کمک خواهد کرد.

و شاید مهم‌تر از همه، ما یکدوره اظهار نظر عمومی راه‌اندازی کردیم. برای اولین بار در تاریخ مدرن ایران، پروژه‌ای با این مقیاس و اهمیت برای بررسی، ارائه نظر و نقد در اختیار هر ایرانی قرار گرفته که بیش از ۶۰۰۰ نفر در آن شرکت کرده‌اند. این سطح از شفافیت بی‌سابقه است. این نشان‌دهنده باور ماست که آینده ایران نه متعلق به یک فرد یا یک گروه، بلکه متعلق به کل ملت ایران است.

در ماه‌های آینده، کارهای بیشتری انجام خواهد شد. این طرح از طریق بحث، بازخورد و گفتگو تکمیل خواهد شد. و هنگامی که روز آزادی فرا برسد، ما از قبل چارچوب‌های لازم را برای بازسازی نظم و آغاز دوران جدیدی از شکوفایی در دست خواهیم داشت.

اینگونه است که ما تضمین می‌کنیم امروز فداکاری‌های ایرانیان شجاع هدر نمی‌رود. اینگونه است که ما به کسانی که در این مبارزه جان باخته‌اند، ادای احترام می‌کنیم. و اینگونه است که به جهان نشان می‌دهیم که ایران مانند آزمایش‌های شکست‌خورده گذشته نیست، بلکه ملتی قوی و مغرور است که ریشه در ۲۵۰۰ سال شکوه دارد و آماده

چالش می‌کشند و هر روز جسورتر می‌شوند. اپوزیسیون متحدتر و مصمم‌تر است. مونیخ این را نشان داد. و ما یک برنامه و سازماندهی مشخص داریم.

اما می‌خواهم این را نیز روشن بگویم: اگرچه رژیم ضعیف و آسیب‌پذیر است، اما تنها در صورتی سقوط خواهد کرد که مردم ایران بار دیگر بپا خیزند. آنها می‌دانند که آینده ایران در دستان آنهاست. وظیفه من، همراه با بسیاری از شما که امروز اینجا هستید، این است که مطمئن شویم شرایط موفقیت به سود مردم ایران فراهم شده است. و اطمینان پیدا کنیم که ما یک برنامه مشخص برای گذار به دموکراسی و بازسازی اقتصادی داریم.

من خوشبین هستم که موفق خواهیم شد؛ اما نه خودستا. ما می‌بایست منظم و مصمم باشیم. من متعهد می‌شوم که دوشادوش همه شما تا زمانی که ایران سرانجام آزاد شود، مبارزه کنم.

سپاسگزارم، باشد که خداوند مردم ایران را حفظ کند و باشد که به زودی آزادی به میهن ما برکت بخشد.

چهارمین «کنفرانس ایران» توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در واشنگتن برگزار شد



اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی» نیز در همان ساعات اعلام شد، یادآوری و تأکید کرد: «چند بار دیگر باید وقت تلف شود و فرصت مردم ایران برای آزادی خود از دست برود و همزمان باز هم قربانیان بیشتری اشک ریخت؟! این نکته است که باید کاملاً درک شود. من بطور خاص خطایم به تحلیلگران، اهالی رسانه، قانونگذاران و تصمیم‌گیرندگان است. شما باید متوجه باشید که این رژیم به اندازه کافی وقت داشته تا نیت واقعی خود را نشان دهد. و ما می‌دانیم که این نیت مطمئناً خوب نیستند. فقط شر است.»

شاهزاده رضا پهلوی در پایان این صحبت کوتاه افزود: «امیدواریم ما که آلترناتیو این رژیم را نمایندگی می‌کنیم، به جهانیان ثابت کنیم بجای دادن فرصت‌های بیشتر به این رژیم برای اخاذی از دولت‌ها با گروگانگیری و معامله آنها برای بقای خود، باید به همه اینها پایان بدهیم. این فرصتی است که نباید از دست داد و به همین دلیل است که ما امروز اینجا هستیم.»

در سخنرانی اصلی، شاهزاده با اشاره به سفرهای خود به کشورهای مختلف و دیدار با مقامات گفت: «در بریتانیا، ما بیش از هر زمان دیگری به ممنوعیت رسمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی نزدیک شده‌ایم. در استرالیا، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اکنون رسماً در این فهرست قرار گرفته و سفیر رژیم اخراج شده است. اینها پیروزی‌های مهمی هستند. هر تحریم، هر اخراج، هر به رسمیت شناختن سپاه به عنوان سازمان تروریستی، حلقه محاصره رژیم را تنگ‌تر می‌کند، بر هزینه بقای آن اضافه می‌کند و به مردم ما نشان می‌دهد که جهان نه تنها می‌شنود، بلکه عمل می‌کند.»

او در بخش دیگری از این سخنرانی تأکید کرد: «امروز ما تضمین می‌کنیم فداکاری‌های ایرانیان شجاع هدر نمی‌رود. اینگونه است که ما به کسانی که در این مبارزه

«اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) میزبان یک همایش دوازده با عنوان «کنفرانس ایران» در شهر واشنگتن دی‌سی ایالات متحده بود.

چهارمین کنفرانس سالانه «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، نهم و دهم سپتامبر ۲۰۲۵ برابر با ۱۸ و ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴، با حضور تحلیلگران، سیاست‌گذاران، کارشناسان و فعالان سیاسی و مدنی از طیف‌های مختلف در واشنگتن دی‌سی برگزار شد.

نخستین روز کنفرانس به زبان انگلیسی و روز دوم به زبان فارسی بود و در هر دو روز دکتر سعید گنجی مدیر سازمان «نوفدی» به حضار خوشامد گفت و نکاتی را درباره برگزاری این کنفرانس و مباحث مربوطه یادآور شد.

روز نخست «کنفرانس ایران» با حضور کارشناسان و تحلیلگران و سیاستمداران کشورهای مختلف با چند پنل و سخنرانی برگزار شد. روز دوم این کنفرانس نیز برخی نویسندگان «دفترچه مرحله اضطراری» درباره این دفترچه و پرسش‌ها و ابهامات مطرح شده توضیحاتی ارائه کردند.

شاهزاده رضا پهلوی سخنران اصلی این کنفرانس در روز نخست بود و به تشریح دیدگاه‌ها و اقدامات خود پرداخت. او بار دیگر به استراتژی پنجگانه خود شامل فشار حداکثری بر جمهوری اسلامی، حمایت حداکثری از مردم ایران، ریزش حداکثری از رژیم، بسیج و سازماندهی حداکثری فعالان در داخل و خارج کشور و همچنین طرح شکوفایی ایران پس از سقوط رژیم تأکید کرد و درباره آنها توضیح داد.

وی پیش از آغاز سخنرانی رسمی خود نکاتی را در ارتباط با حامیان برنامه‌اش از چهره‌های قدیمی تا نسل‌های جوان مطرح و با نشان دادن علامت پیروزی (V) اعلام کرد که به نظر او نسل Z ایران را می‌بایست نسل V نامید چون آنها پیروز خواهند شد.

شاهزاده در ادامه با توجه به اینکه خبر «توافق جمهوری

● چهارمین کنفرانس سالانه «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، نهم و دهم سپتامبر ۲۰۲۵ برابر با ۱۸ و ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴، با حضور تحلیلگران، سیاست‌گذاران، کارشناسان و فعالان سیاسی و مدنی از طیف‌های مختلف در واشنگتن دی‌سی برگزار شد.

● روز نخست «کنفرانس ایران» با حضور کارشناسان و تحلیلگران و سیاستمداران کشورهای مختلف با چند پنل و سخنرانی به زبان انگلیسی برگزار شد. روز دوم این کنفرانس نیز برخی نویسندگان «دفترچه مرحله اضطراری» درباره این دفترچه و پرسش‌ها و ابهامات مطرح شده توضیحاتی به زبان فارسی ارائه کردند.

● شاهزاده رضا پهلوی سخنران اصلی این کنفرانس در روز نخست بود و به تشریح دیدگاه‌ها و اقدامات خود پرداخت. وی پیش از آغاز سخنرانی رسمی خود نکاتی را در ارتباط با حامیان برنامه‌اش از چهره‌های قدیمی تا نسل‌های جوان مطرح و با نشان دادن علامت پیروزی (V) اعلام کرد که به نظر او نسل Z ایران را می‌بایست نسل V نامید چون آنها پیروز خواهند شد.

● ماریا کورینا ماچادو رهبر اپوزیسیون ونزوئلا، پرتی پتل نماینده پارلمان بریتانیا، یوری رزنتال وزیر امور خارجه سابق پادشاهی هلند، لرد والنی عضو مجلس اعیان بریتانیا، شووالوی ماجومدار نماینده پارلمان کانادا، اندرو میچل نماینده سابق پارلمان بریتانیا، جو ویلسون نماینده کنگره ایالات متحده از دیگر سخنرانان روز نخست این کنفرانس بودند.

● شاهزاده رضا پهلوی در ارتباط با فعالیت‌های جاری تأکید نمود: «این کار، کاری جدیدست و مسئولیت همگانی را می‌طلبد و این مسئولیت‌پذیری باید جای عقده و حسادت را که بزرگترین سرطان ماست بگیرد.»

بحث‌های سیاسی مهم در هفته‌های اخیر در رسانه‌های همگانی و همچنین شبکه‌های اجتماعی تبدیل شده و مسئولان آن در «نوفدی» و «پروژه شکوفایی ایران» اعلام کرده‌اند که با دریافت هزاران نقد و نظر، آن را تکمیل کرده و نسخه جدید آن را نیز در اختیار افکار عمومی قرار خواهند داد. گردآورندگان این دفترچه تأکید می‌کنند که خطوط کلی آنچه در این دفترچه در ارتباط با مسائل سیاسی و حقوقی مطرح شده، مورد توجه و تأیید شاهزاده رضا پهلوی به عنوان رهبر انقلاب ملی و دوران گذار است. آنها تأکید می‌کنند که این دفترچه نسخه اولیه‌ایست که به قصد نظرخواهی از شهروندان و به عنوان یک اقدام دموکراتیک و بی‌بدیل در اختیار همگان قرار گرفته تا پس از بحث و بررسی به مجموعه‌ی بهتری دست یافت.

در پایان دومین روز «کنفرانس ایران» نیز شاهزاده رضا پهلوی سخنانی کوتاه ایراد کرد. وی در این سخنان ضمن سیاست‌گذاری از برگزارکنندگان این کنفرانس و همچنین همه کسانی که در نقد و نظر در ارتباط با «دفترچه مرحله اضطراری» شرکت می‌کنند، تأکید کرد که «اساسا هدف از انتشار این دفترچه در این مقطع همین بود که مورد نقد و بررسی دقیق قرار گیرد، چکش‌کاری شود و در نهایت به بهترین نسخه‌ی خود برای اجرا پس از سقوط این رژیم برسد.»

شاهزاده یادآور شد که «در کنار نقدهای سازنده، تخریب و سنگ‌اندازی و اتهام‌زنی هم متأسفانه بوده است. این موضوع برای من جای تعجب نداشت؛ زیرا اطلاع دقیقی دارم که رژیم در ماه‌های گذشته کارزاری تازه و سازمانیافته برای حمله و تخریب علیه من، تیم و فعالیت‌هایمان آغاز کرده است. این کارزار تخریب به ویژه از زمان اعلام پلتفرم همکاری ملی برای جذب نیروهای نظامی، انتظامی، امنیتی و دولتی شدت گرفت و پس از برگزاری موفقیت‌آمیز و شکوهمند همایش مونیخ [۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵] وارد فاز تازه‌ای شد و با انتشار دفترچه مرحله اضطرار به اوج خود رسید.» او در ادامه تصریح کرد: «تکلیف آنهایی که آگاهانه به دنبال حفظ این رژیم ضدایرانی هستند، روشن است. امیدوارم معدود کسانی نیز که ناآگاهانه در دام رژیم افتاده‌اند، راه خود را از بدخواهان جدا کنند.»

شاهزاده همچنین بار دیگر با یادآوری اصول «همکاری ملی» از همه آنها که می‌خواهند بخشی از راه حل باشند دعوت کرد تا به این همکاری بپیوندند و گرچه «یک ثانیه» نیز برای آنهایی که تصمیم گرفته‌اند بخشی از مشکل باقی بمانند، وقت تلف نخواهد شد.

وی با تأکید دوباره بر «ایمان به پیروزی» و اشاره به این واقعیت که رژیم جمهوری اسلامی در ضعیف‌ترین موقعیت خود طی چهل و شش سال گذشته قرار دارد و از تأمین نیازهای ابتدایی مردم مثل آب و برق و سوخت ناتوان است، افزود: «در مقابل، ما از همین امروز در حال برنامه‌ریزی هستیم تا پس از سقوط رژیم، مشکلات مردم به سرعت حل شود. ما امروز هم برای سرنگونی این رژیم، استراتژی و برنامه داریم و هم برای جایگزینی آن؛ و گام به گام بر اساس این برنامه مدون پیش می‌رویم.»

شاهزاده رضا پهلوی پس از پایان این سخنان، نکاتی را نیز مطرح کرد از جمله اینکه «این کار، کاری جدیست و مسئولیت همگانی را می‌طلبد و این مسئولیت‌پذیری باید جای عقده و حسادت را که بزرگترین سرطان ماست بگیرد.» کنفرانس دو روزه «نوفدی» بعد از ظهر یکشنبه ۱۹ شهریورماه با سخنان کامران خوانساری نیا معاون این سازمان و سپاس وی از همه دست‌اندرکاران این همایش پایان یافت.

کنفرانس شرکت کرده است، گفت که این لحظات نه تنها برای ونزوئلا و آمریکای لاتین، بلکه برای کل جهان و افرادی که به دموکراسی باور دارند سرنوشت‌ساز است. او تأکید کرد: «رژیم‌های تهران و ونزوئلا باید بفهمند که جهان دیگر اقدامات آنان را تحمل نخواهد کرد و هیچ چیز نمی‌تواند مردمی که آزادی را انتخاب کرده‌اند، متوقف کند. به همین دلیل از میان ما آنهایی که آرمان مشترک آزادی دارند باید متحد شوند. همانطور که شرارت‌ها برای بقا دست در دست یکدیگر می‌دهند، آنهایی که در سوی عدالت و آزادی هستند نیز باید سازماندهی و هماهنگی بیشتری داشته باشد.»

رهبر اپوزیسیون ونزوئلا افزود: «وظیفه ما اینست که ساختار جنایتکاری را که در ونزوئلا قدرت را در دست دارد و از حمایت دیکتاتوری چون رژیم ایران برخوردار است از هم فرو بپاشیم. این ساختار توسط اقلیتی نگه داشته شده که از سوی اکثریت قاطع ونزوئلایی‌ها طرد شده و حتی درون رژیم ونزوئلا هم شکاف‌هایی غایان شده است. من یقین دارم که آزادی ونزوئلا پیامدهایی جهانی در پی خواهد داشت و به الگویی برای دیگر ملت‌ها از جمله مردم شجاع ایران تبدیل خواهد شد. مأموریت ما مشترک است و پیروز خواهیم شد. ونزوئلا پیروز خواهد شد. ایران پیروز خواهد شد.»

پرتی پتل نماینده پارلمان بریتانیا، یوری رزنتال وزیر امور خارجه سابق پادشاهی هلند، لرد والنی عضو مجلس اعیان بریتانیا، شووالوی ماجومدار نماینده پارلمان کانادا، اندرو میچل نماینده سابق پارلمان بریتانیا، جو ویلسون نماینده کنگره ایالات متحده و استیو برگر کشیش از دیگر سخنرانان «کنفرانس ایران» در روز نخست بودند.

روز دوم کنفرانس نوفدی به معرفی و بررسی پرسش‌هایی درباره «دفترچه مرحله اضطراری» و برخی پاسخ‌های تهیه‌کنندگان آن به ابهاماتی اختصاص داشت که درباره آن مطرح شده است.

سعید قاسمی‌نژاد مشاور ارشد امور ایران در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» (FDD) و از مدیران «پروژه شکوفایی ایران»، محمدرضا جهان‌پرور اقتصاددان و متخصص اقتصاد کلان مالی، نجات بهرامی پژوهشگر آموزش و معاون پیشین وزیر آموزش و پرورش در دولت حسن روحانی، شیرین گلی متخصص مهندسی محیط زیست و آب، مهدی بیهقی متخصص اقتصاد، مهسا تهرانی متخصص سلامت، بوگان نظامی نرج‌آبادی متخصص اقتصاد، نوید محبی پژوهشگر امنیت، محمد نایب یزدی متخصص محیط زیست، و حسین پورمند متخصص انرژی از جمله سخنرانان روز دوم این کنفرانس بودند.

«دفترچه مرحله اضطراری» در هفته نخست مرداد ۱۴۰۴ پس از همایش «همکاری ملی برای نجات ایران» که شنبه ۲۶ ژوئیه ۲۰۲۵ با حضور شاهزاده رضا پهلوی و بیش از پانصد تن از جریان‌ها و گروه‌های متفاوت سیاسی در مونیخ برگزار گشت، از سوی «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) به عنوان بخشی از «پروژه شکوفایی ایران» رونمایی شد. این دفترچه به مشکلات و ضروریات اجرایی در دوره ۱۰۰ تا ۱۸۰ روزه نخست پس از سقوط جمهوری اسلامی می‌پردازد.

مدیران این پروژه اعلام کرده‌اند که جزئیات مربوط به دوران اضطرار در قالب ۱۵ مقاله تخصصی توسط کارشناسان بررسی و تدوین شده است. این مرحله به عنوان زیرساخت اولیه برای مدیریت بحران، احیای خدمات عمومی و آغاز بازسازی اقتصادی کشور در دوران پس از جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است. «دفترچه مرحله اضطراری» با اعلام موافقت و مخالفت از سوی بسیاری از ایرانیان به یکی از

جان باخته‌اند، ادای احترام می‌کنیم. و اینگونه است که به جهان نشان می‌دهیم که ایران مانند آزمایش‌های شکست‌خورده گذشته نیست، بلکه ملتی قوی و مغرور است که ریشه در ۲۵۰۰ سال شکوه دارد و آماده بازگشت به جایگاه شایسته خود در میان ملت‌هاست.»

شاهزاده رضا پهلوی در توصیف جمهوری اسلامی گفت: «رژیم ضعیف و چندپاره است. به جان خود افتاده و در حال فروپاشی است؛ و هزاران نفر از زمامداران و پرسنل آن در سرویس‌های امنیتی پیشنهاد جدایی از آن می‌دهند. نیروهای نیابتی آن، حماس، حزب‌الله و حوثی‌ها، در تنگنا قرار گرفته‌اند. اسد سقوط کرده است. این رژیم در سطح بین‌المللی بیش از هر زمان دیگری در دوران اخیر منزوی شده است. مردم ایران شجاعانه در سراسر کشور این حکومت را به چالش می‌کشند و هر روز جسورتر می‌شوند. اپوزیسیون متحدتر و مصمم‌تر است.»

وی همچنین تأکید کرد: «اگرچه رژیم ضعیف و آسیب‌پذیر است، اما تنها در صورتی سقوط خواهد کرد که مردم ایران بار دیگر بپا خیزند. آنها می‌دانند که آینده ایران در دستان آنهاست. وظیفه من، همراه با بسیاری از شما که امروز اینجا هستید، این است که مطمئن شویم شرایط موفقیت به سود مردم ایران فراهم شده است. و اطمینان پیدا کنیم که ما یک برنامه مشخص برای گذار به دموکراسی و بازسازی اقتصادی داریم.»

پنل نخست این کنفرانس در روز سه‌شنبه با موضوع «پس از جنگ ۱۲ روزه» با حضور الی کوهنیم عضو ارشد انجمن زنان مستقل، ناتان سیزلر استاد دانشگاه و هماهنگ‌کننده پیشین امور مبارزه با تروریسم آمریکا و خسرو اصفهانی تحلیلگر «نوفدی» برگزار شد.

پنل دیگری با عنوان «تغییر رژیم، حتمی اما چه زمانی» با حضور کامران خوانساری‌نیا نایب رئیس «نوفدی»، لیزا دفتری روزنامه‌نگار، مارک دوبوویتز مدیر عامل اجرایی اندیشکده «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» و کری فیلیپیتی مدیر اجرایی «اتلاف و نندنگ» برگزار شد.

پنل «چه کسی جانشین خامنه‌ای خواهد بود؟» با حضور آدام لایونگر مشاور امور استراتژیک «موسسه طلا»، بهنام طالبلو پژوهشگر ارشد در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها»، لن خودورکوفسکی مشاور ارشد پیشین وزارت خارجه آمریکا و اندرو قلیلی تحلیلگر «نوفدی»، به ارزیابی آینده رژیم در پرتو خواست‌های روزافزون مردم ایران برای تغییر بررسی و پیامدهای آن را بر ایالات متحده را پرداخت.

همچنین در پنل «جنگ تهران علیه آمریکا و غرب» که با حضور ویکتوریا کوتس عضو شورای امنیت ملی آمریکا، اندرو قلیلی تحلیلگر «نوفدی»، نیشاک موتوانی عضو موسسه «سیاست استراتژیک» استرالیا، الینا شیرازی روزنامه‌نگار، و مرجان کیپور موسس و مدیر «اتحاد برای حقوق همه اقلیت‌ها»، کارشناسان به بررسی شیوه‌های هدف قرار دادن ایالات متحده و متحدانش توسط جمهوری اسلامی پرداختند.

بخش دیگری با موضوع «درس‌های شوری برای جنبش آزادیخواهان مردم ایران» به گفتگوی لن خودورکوفسکی مشاور ارشد پیشین وزارت خارجه آمریکا با ناتان شارانسکی قهرمان شطرنج، دیپلمات اسرائیلی، فعال حقوق بشر و نویسنده اختصاص داشت. ناتان شارانسکی در پی مبارزه با حکومت شوری سابق و زندانی شدن در اتحاد جماهیر شوروی به شهرت جهانی رسید.

همچنین ماریا کورینا ماچادو رهبر اپوزیسیون ونزوئلا از دیگر سخنرانان این کنفرانس بود. او در یک پیام ویدئویی با ابراز خرسندی از اینکه در لحظاتی «سرنوشت‌ساز» در این

هشدار رسانه‌های حکومتی نسبت به وقوع مجدد جنگ و شروع اعتراضات خیابانی



تظاهرات ضدحکومتی در ایران در سال ۲۰۲۲

● رسانه‌های حکومتی درباره احتمال وقوع جنگ مجدد و شروع اعتراضات خیابانی هشدار داده‌اند و از وقوع «انقلاب رنگی» با پشتیبانی دولت‌های خارجی ابراز نگرانی کرده‌اند.

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هشدار داد که «حامیان و محرکان اصلی رژیم صهیونی اینبار به بهانه اعمال مکانیسم ماشه و با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های رسانه‌های معاند تلاش دارند تا با ایجاد التهاب اقتصادی در کشور و به تبع آن تشدید تورم و نرخ ارز و دامن زدن به نارضایتی اجتماعی و ایجاد آشوب خیابانی، بستر را برای جبران شکست‌های خود در آن جنگ فراهم کنند.»

● در این مقاله با هشدار نسبت به «بروز شکاف و شکسته شدن انسجام اجتماعی» آمده این موارد زمینه‌ساز ترندهای شیطانی، برای بهم ریختن جوامع، راه انداختن انقلاب‌های رنگی و... تجاوز نظامی خواهد بود.

● روزنامه کیهان چاپ تهران می‌نویسد که وضعیت کشور «عادی» نیست و ممکن است هر لحظه جنگ سخت به جنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اضافه شود.

رسانه‌های حکومتی درباره احتمال وقوع جنگ مجدد و شروع اعتراضات خیابانی هشدار داده‌اند و از وقوع «انقلاب رنگی» با پشتیبانی دولت‌های خارجی ابراز نگرانی کرده‌اند.

● روزنامه «جوان» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مقاله‌ای با عنوان «مکانیسم ماشه و آتش تهیه جنگ شناختی دشمن» هشدار داد که «تشدید جنگ شناختی دشمنان علیه ملت ایران به بهانه اعمال مکانیسم ماشه نشان از آن دارد که حامیان و محرکان اصلی رژیم صهیونی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه که نتوانستند به اهداف خود در آن جنگ دست یابند، اینبار به بهانه اعمال مکانیسم ماشه و البته با بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های رسانه‌های معاند تلاش دارند تا با ایجاد التهاب اقتصادی در کشور و به تبع آن تشدید تورم و نرخ ارز و دامن زدن به نارضایتی اجتماعی و ایجاد آشوب خیابانی، بستر را برای جبران شکست‌های خود در آن جنگ فراهم کنند.»

در این مقاله همچنین آمده «در این میدان عُمل داخلی آنها که نقش اصلی را در دامن زدن به التهابات اقتصادی در کشور داشته و دارند، این بار به عنوان عوامل نفوذی و سرپل داخلی دشمن، ایفای نقش می‌کنند.»

تغییر نام وزارت دفاع آمریکا به «وزارت جنگ» با فرمان اجرایی دونالد ترامپ

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، روز جمعه این هفته طی مراسمی رسمی در کاخ سفید، با صدور فرمانی اجرایی نام وزارت دفاع این کشور را به «وزارت جنگ» تغییر داد.

● به موجب این فرمان، پیت هگست، وزیر دفاع کنونی که از این پس با عنوان «وزیر جنگ» شناخته خواهد شد، مأمور شده است پیشنهادهای لازم را برای تصویب قوانین و اقدامات اجرایی جهت تثبیت نام جدید به کنگره ارائه کند.

● گفتنی است که در ایران نیز که چنین وزارتخانه‌ای در اواخر دوران قاجار در ایران شکل گرفت، با نام وزارت جنگ فعالیت می‌کرد. در دوران محمد مصدق طی دوره‌ای کوتاه به «وزارت دفاع ملی» تغییر نام داد ولی بعد دوباره «وزارت جنگ» نامیده شد. پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی آن را «وزارت دفاع ملی» نامید و از نیمه دهه شصت خورشیدی و در واقع پس از جنگ هشت ساله به بعد «وزارت دفاع» نامیده می‌شود.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده، روز جمعه این هفته طی مراسمی رسمی در کاخ سفید، با صدور فرمانی اجرایی نام وزارت دفاع این کشور را به «وزارت جنگ» تغییر داد.

«وزارت جنگ» عنوانی است که تا پایان جنگ جهانی دوم بر این نهاد نظامی اطلاق می‌شد. این نام در سال ۱۹۴۹ و با هدف تأکید بر نقش بازدارندگی ایالات متحده در دوران پس از جنگ و آغاز عصر هسته‌ای، به «وزارت دفاع» تغییر یافت.

تغییر اخیر از سوی ترامپ تلاشی در راستای بازتعریف جایگاه ارتش ایالات متحده و بازگشت به رویکردی تهاجمی‌تر ارزیابی شده است.

رئیس جمهوری آمریکا هنگام امضای این فرمان، با تأکید بر اهمیت نمادین و راهبردی این تغییر، اظهار داشت: «این نام جدید بیانگر موضعی روشن است و آن موضع پیروزی است. ما دیگر تنها مدافع نیستیم، ما پیروزیم.»

به موجب این فرمان، پیت هگست، وزیر دفاع کنونی که از این پس با عنوان «وزیر جنگ» شناخته خواهد شد، مأمور شده است پیشنهادهای لازم را برای تصویب قوانین و اقدامات اجرایی جهت تثبیت نام جدید به کنگره ارائه کند. تغییر نام وزارتخانه‌های فدرال در ایالات متحده امری کم سابقه است و معمولاً مستلزم تصویب در کنگره است؛ هرچند ترامپ در مراسم یادشده تصریح کرد که مشخص نیست چنین تأییدی ضرورت قانونی داشته باشد.

هگست که حالا دیگر نه وزیر «دفاع» بلکه وزیر جنگ است ضمن حمایت از این تصمیم، در اظهاراتی اعلام کرد: «ما اکنون از وضعیت صرفاً دفاعی، که اغلب مشروعیت آن زیر سؤال می‌رفت، به سوی موضعی تهاجمی حرکت

هرچند روزنامه وابسته به سپاه پاسداران نسبت به پیامدهای مکانیسم ماشه هشدار می‌دهد اما سردار سالار آبنوش یکی از پاسداران ولایت‌مدار مدعی شده این ساز و کار بیش از آنکه تهدید اقتصادی باشد، ابزاری روانی است. او تأکید کرد: «مکانیسم ماشه شبیه اسلحه‌ای بدون خشاب است؛ خطری واقعی ندارد و تنها جنبه تبلیغاتی دارد.»

وی با اشاره به اعمال تحریم‌های گسترده علیه جمهوری اسلامی افزود: «هرآنچه در حوزه اقتصادی، نظامی و تسلیحاتی ممکن بوده، پیشتر علیه جمهوری اسلامی اجرا شده و بازطرح این موضوع تنها برای ایجاد فشار روانی تازه بر مردم است.»

این عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی همچنین مدعی شد: «آمریکا و برخی کشورهای اروپایی با مطرح کردن این بحث تلاش دارند القا کنند که همچنان قدرت اثرگذاری دارند، در حالی که به تدریج جایگاه واقعی خود را در نظام بین‌الملل از دست می‌دهند.»

روزنامه کیهان چاپ تهران نیز با اشاره به افزایش شدید قیمت‌ها در ایران و جنگ ۱۲ روزه نوشت: «در حالی که مشکلات اقتصادی و تورم کمر مردم را شکسته عده‌ای در حالی که «وفاق ملی وفاق ملی» لحظه‌ای از دهانشان نمی‌افتد ناگهان بجای اقتصاد دوباره کنسرت را مسئله اول کشور می‌کنند.»

کیهان تهران افزود: «می‌خواهند در حوزه اجتماعی و فرهنگی نیز کشور را وارد جنگ کنند.» در این گزارش آمده شرایط کشور «عادی» نیست و ممکن است هر لحظه جنگ سخت به جنگ اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اضافه شود.

این رسانه با اشاره به حواشی برگزاری و لغو کنسرت همایون شجریان نوشت: «همه می‌دانیم به احتمال زیاد دشمن در حال طراحی تجاوزی دیگر است.»

در این مقاله با هشدار نسبت به «بروز شکاف و شکسته شدن انسجام اجتماعی» آمده این موارد زمینه‌ساز ترندهای شیطانی، برای بهم ریختن جوامع، راه انداختن انقلاب‌های رنگی و... تجاوز نظامی خواهد بود.

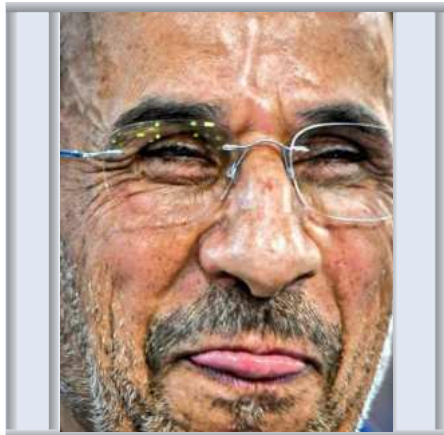
بعد از جنگ ۱۲ روزه کمتر سابقه داشت که روزنامه کیهان تهران و جوان، از موضع ضعف در ارتباط با شرایط به مسئولان نظام در مورد پیامدهای اختلاف هشدار دهند. به نظر می‌رسد فشارهای مضاعف بر حکومت جدال در لایه‌های درونی قدرت را افزایش داده است، موضوعی که به شکندگی نظام سرعت می‌بخشد.

بارش

بدیل!

خبراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۱۵۸) خرداد ۱۳۸۶



انجام می‌رسانند. چارلز مانسون آنها را مغز شویی کرده و متقاعد ساخته بود که باید «مفسدین» را کشت تا زمینه برای ظهور «منجی» مهیا شود. با این اعتقاد، آنها در حالتی شبیه خلسه مذهبی دست به کشتار می‌زدند. کمترین احساس ترحمی به هنگام «انجام تکلیف» به آنان دست نمی‌داد و می‌گفتند و می‌خندیدند و ازین «عبادت» لذت می‌بردند. حتی پس از بازداشت، و در جریان بازجویی و جلسات دادگاه، بدون کمترین ندامتی، با جبین گشاده و لب خندان و کلماتی حاکی از غرور و افتخار به توضیح عقاید و تشریح عملکردشان پرداختند.

نکته‌ای که در طول این برنامه سه هفته، توجه مرا برانگیخت شباهت عجیب شخصیت و گفتار و رفتار چارلز مانسون بود با محمود احمدی‌نژاد. آن مرد لاغر اندام، با یک متر و ۸۵ سانتیمتر قد، دقیقاً همان حرفه‌ای را می‌زد و همان عقایدی را ابراز می‌کرد که امروز از زبان مسگر زاده گرمساری، در مقام ریاست جمهوری اسلامی می‌شنویم. با همان ژست‌ها و همان حرکات و همان ریش‌خندها.

در میان زنان و مردانی که نامشان در تاریخ باقی مانده است، گهگاه چنین شباهت حیرت‌انگیزی می‌توان مشاهده کرد ولو آن که به دو عصر متفاوت و دو سرزمین و دو دین و آئین جدا از یکدیگر تعلق داشته باشند.

به یقین، محمود احمدی‌نژاد اسمی هم از چارلز مانسون نشنیده است و معلومات محدودش اجازه نمی‌دهد که چیزی درباره قتل شارون تیت و بقیه ماجرا بداند. اما اگر این برنامه تلویزیونی را ببیند احساس خواهد کرد که در برابر آئینه نشسته و همزاد خود را در زمانی دیگر و جهانی دیگر به چشم می‌بیند.

چارلز مانسون را به «هیپی‌گری» متهم کرده بودند. او از پشت میله‌های زندان، در حالی که علامت صلیب شکسته (ضد یهود) بر پیشانی خود رسم کرده بود، از خشم به خود می‌پیچید و فریاد می‌زد: این مهملات چیست؟ هیپی کدام است؟ یهودیان با شبکه فاسد اطلاعاتی و تبلیغاتی‌شان مغز شما را از عقل تهی کرده‌اند، چشم شما را بر حقایق بسته‌اند، عقلتان را دزدیده‌اند. من مأموریت آسمانی دارم. من برای نجات بشریت آمده‌ام. می‌خواهم دنیا را از وجود فاسدان و گنهکاران پاک کنم، بیچاره‌ها، شما چه می‌فهمید که من کیستم و چه می‌گویم! و بعد قاه قاه می‌خندید....

فرصتی دست داده بود که شب در خانه باشم و خستگی کار روزانه را با تماشای یک برنامه تلویزیونی از تن به در کنم. برنامه، به ماجرای کشتارهای لوس آنجلس در سال ۱۹۶۹ اختصاص داشت شامل یک فیلم سینمایی که بر اساس قتل عام در ویلای «شارون تیت» و چند کشتار دیگر گروه «چارلز مانسون» تهیه شده بود و سپس گزارش مستندی از جریان محاکمه مانسون و پیروان او.

شاید به یاد داشته باشید که در ۹ اوت ۱۹۶۹ شارون تیت، ستاره جذاب سینما و همسر سینماگر معروف (رومن پولانسکی) به همراه چهار تن (دو مرد و دو زن جوان) که در ویلای با شکوه او میهمان بودند، به طرز فجیعی قتل عام شدند. شارون تیت، در فیلمی که همسرش پولانسکی ساخته بود (بزم در اکولا) نقش اصلی را بر عهده داشت و صحنه قتل نیز به یک فیلم وحشت‌انگیز هالیوودی بیشتر شبیه بود تا یک جنایت عادی. هیچ چیز به سرعت نرفته بود و اثری از درگیری مشاهده نمی‌شد. قرائن و آثار نشان می‌داد که قاتلان با نقشه دقیقی وارد ویلا شده‌اند. برق و تلفن را قطع کرده‌اند و در نهایت خونسردی قربانیان خود را یکی پس از دیگری با شلیک گلوله و ضربات متعدد کارد و چاقو به هلاکت رسانده‌اند.

جسد ستاره زیبای هالیوود که هشت ماهه آبستن بود، نیمه عریان با طنابی نایلونی بر گردنش و زخمهای متعدد بر پیکرش، دراز کشیده بر کف اتاق مشاهده می‌شد. رومن پولانسکی همسر وی در سفر بود و هنگامی که از قضا با مطلع شد و به لوس آنجلس بازگشت، جز حیرت چیزی برای گفتن نداشت. تنها اثری که می‌توانست مأموران تحقیق را در حل معما یاری دهد کلمه Pigs (خوک‌ها) بود که با خون صاحبخانه بر روی در نقش بسته بود. با این حال ابهام همچنان باقی بود تا قتل دیگری در وضع مشابه روی داد. با آن که شباهت زیادی بین شیوه قتل اعضای یک خانواده با کشتار شارون تیت و میهمانانش وجود داشت پلیس، رابطه‌ای میان دو حادثه تشخیص نداد. جنایات بعدی بود که سرانجام پلیس را به ارتباط آنها با یکدیگر متقاعد ساخت و پیگیری‌ها به شناسایی باند چارلز مانسون و بازداشت و محاکمه و محکومیت او و پیروانش انجامید.

باند مانسون تشکیل می‌شد از تعدادی مرد و زن جوان که مجذوب و مسحور رهبر محبوب خود بودند و تعلیمات او را برای تصفیه جهان آلوده به فساد با جان و دل به

می‌کنیم؛ موضعی که نشانه‌ای از قدرت کوبنده و اراده بی‌چون و چرای ملت ماست.»

پیش از این نیز، طرحی برای بازگرداندن عنوان «وزارت جنگ» به ابتکار سه قانونگذار جمهوریخواه، سناتور مایک لی از ایالت یوتا، سناتور ریک اسکات از فلوریدا و نماینده مجلس نمایندگان گرگ استیوب، تدوین و به کنگره ارائه شده



دونالد ترامپ / عکس: رویترز

بود.

تغییرات اخیر در سیاست‌های نظامی دولت ترامپ، از جمله استقرار نیروهای مسلح در شهرهایی چون لس‌آنجلس و واشنگتن و نیز ایجاد مناطق نظامی در مرز جنوبی برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی، از سوی برخی تحلیلگران به منزله عبور از عرف‌های دیرینه و تأکید بر چهره‌ای مقتدر و تهاجمی از ارتش ایالات متحده تعبیر شده است.

در سال‌های اخیر، ترامپ کوشیده است با اقداماتی نمادین، همچون ریاست بر یک رژه نظامی بزرگ در مرکز واشنگتن و تلاش برای بازگرداندن نام‌های قدیمی به پایگاه‌های نظامی که پس از اعتراضات عدالت‌خواهانه سال ۲۰۲۰ تغییر یافته بودند، تصویری جدید از هویت نظامی آمریکا ترسیم کند.

اعتراضات گسترده سال ۲۰۲۰ که با شعار «عدالت نژادی» و در واکنش به کشته شدن جورج فلوید، شهروند آفریقایی تبار آمریکایی، به دست پلیس مینیاپولیس آغاز شد، موجی جهانی از بازنگری در نمادها و ساختارهای مرتبط با تاریخ نظامی و نژادی ایالات متحده به راه انداخت.

بازگشت عنوان «وزارت جنگ» را می‌توان یکی از جنجالی‌ترین اقدامات نمادین در دوران دوم ریاست جمهوری دونالد ترامپ دانست؛ اقدامی که پیامدهای سیاسی، حقوقی و بین‌المللی آن، بی‌تردید محل بحث و مناقشه گسترده خواهد بود.

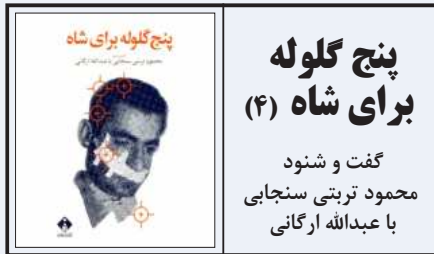
گفتنی است که در ایران نیز که چنین وزارتخانه‌ای در اواخر دوران قاجار در ایران شکل گرفت، با نام وزارت جنگ فعالیت می‌کرد. در دوران محمد مصدق طی دوره‌ای کوتاه به «وزارت دفاع ملی» تغییر نام داد ولی بعد دوباره «وزارت جنگ» نامیده شد. پس از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، جمهوری اسلامی آن را «وزارت دفاع ملی» نامید و از نیمه دهه شصت خورشیدی و درواقع پس از جنگ هشت ساله به بعد «وزارت دفاع» نامیده می‌شود.



متهمین پرونده سوء قصد به شاه در دادگاه نظامی

افسری که معاون زندان بود به معشوقه ناصر فخرآرایی دل باخت و با او ازدواج کرد انجوی شیرازی رابط رزم آرا و حزب توده بود

(تاریخ نشر در کیهان لندن: دی و بهمن ماه ۱۳۸۱ - شماره‌های ۹۴۳ - ۹۳۹)



او، داستان را از زبان شاهدان واقعه و نیز کسانی که پایشان به معرکه کشیده شد، باز می‌گوید. تقریباً همه آنها از جهان رفته‌اند جز يك تن که نزدیکترین دوست ناصر فخرآرایی بود و از قصد او برای کشتن شاه اطلاع داشت اما تا کنون کسی روایت کامل او را ننشیده بود: عبدالله ارگانی.

بخشی از کتاب «پنج گلوله برای شاه» و خاطرات عبدالله ارگانی را برای ملاحظه شما برگزیده‌ایم که در چند شماره خواهید خواند.

پیش از نیم قرن بر حادثه پانزده بهمن (سوء قصد به محمدرضا شاه در محوطه دانشگاه تهران می‌گذرد و هنوز ابهاماتی درباره این رویداد که به انحلال حزب توده و بازداشت گروه زیادی از فعالان سیاسی انجامید باقیست. محمود تربتی سنجابی خبرنگار پیشین روزنامه اطلاعات، اخیراً با تدوین و انتشار کتاب «پنج گلوله برای شاه» این پرونده قدیمی ولی همچنان مفتوح را به نحوی جذاب و عاری از هرگونه جانبداری و جانب‌گیری، در معرض بازنگری قرار داده است.

در طرح ترور، به سه سال زندان محکوم شد. ولی افسری که معاون زندان بود و اختلاف سنی زیادی با وی داشت، عاشق او شد و با وی ازدواج کرد و با اقدامات خود نگذاشت مهین

نقطه مقابل سرهنگ شاهقلی بود. وی با این که تقدس نمایی می‌کرد، در دادگاه تنگاتنگ مهین می‌نشست. ضمن این که از مهین اسلامی حق‌الوکاله گرفته بود، مع‌ذلك

ارگانی- سرهنگ شاهقلی انصافاً خیلی شجاعانه از من دفاع کرد اما چون دولت در مجلس عنوان کرده بود که حزب توده در ترور دست داشته است و من هم عضو حزب توده بوده‌ام، لذا، دادگاه که ریاست آن را سرتیپ شکرالله هدایت - که از اقوام رزم آرا بود - به عهده داشت، مرا به جرم مشارکت در عملیات ترور، به اعدام و همچنین به جرم برنامه‌ریزی و طراحی ترور، به حبس ابد محکوم کرد که طبق قانون، اشد مجازات [اعدام] باید در مورد من اجرا می‌شد.

این رأی در دادگاه تجدید نظر نیز ابرام شد. من در زندان، در انتظار اعدام به‌سر می‌بردم. از طرف دیگر، شاه که به‌خاطر این ترور نافرجام به قدرت تازه‌ای دست یازیده و این تصور برایش به‌وجود آمده بود که رزم آرا در این کار دست داشته است، يك درجه تخفیف به من داد و حکم اعدام من به حبس ابد تبدیل شد. اما سرتیپ بقایی آن را به من ابلاغ نمی‌کرد، سرانجام يك روز آمدند و ضمن اعلام حکم، مرا روانه زندان شیراز کردند.

● آیا غیر از اعضای حزب توده و چند تن از روزنامه‌نگاران، کسان دیگری هم در این رابطه دستگیر و محاکمه شدند؟

- بله. در رابطه با ناصر، من به‌عنوان متهم ردیف اول و حسین اشتری و حسن حداد، متهم ردیف دوم. متهمین ردیف سوم عبارت بودند از علی محبی، دوست ناصر و ستوان ابوالحسن ثقفی (صاحبخانه ناصر). متهم ردیف چهارم، «عزت»، همسر ناصر بود که موهای خود را با روسری مشکی پوشانده و فقط گردی صورتش معلوم بود. متهم ردیف پنجم هم مهین اسلامی، معشوقه ناصر بود. دادستان دادگاه، سرهنگ علی اکبر مهتدی بود. وی در محاکمات اکثر توده‌ایها، مهین سمت را داشت، درشت اندام و تقریباً چاق بود و ادعا می‌کرد که کتاب «روح‌القوانین» اثر منتسکیو را او ترجمه کرده است اما احمد قاسمی معتقد بود که استدلال‌های غیر منطقی و تناقض‌گویی و مغالطه و نتیجه‌گیریهای غلط او در محاکمات، دلالت بر این دارد که ترجمه روح‌القوانین نمی‌تواند از آن او باشد.

البته باید بگویم که پدر ناصر را هم دستگیر کردند ولی وقتی فهمیدند که نقشی در ماجرا نداشته است، او را آزاد کردند.

وکیل مهین اسلامی افسری بی شخصیت و ترسو و درست



محل اصابت گلوله به فرنج و پیراهن محمدرضاشاه

اسلامی در زندان بماند.

● ببینید، دادگاه، عزت، همسر ناصر را آزاد می‌کند ولی مهین اسلامی به‌جرم مباشرت در طرح ترور به سه سال حبس محکوم می‌شود. این می‌رساند که مهین اسلامی از نقشه ترور آگاهی داشته و حتی به ناصر هم کمک مالی می‌کرده است. چرا که طبق گفته شما وضع زندگی ناصر فوق‌العاده بد بود، به‌طوری که حتی قادر به تأمین معاش خود نیز نبوده است. خوب، در آن شرایط سخت و گرانی بعد از جنگ، ناصر چطور دو زن را اداره می‌کرده است با توجه به آن که پدر مهین اسلامی مکتبی نداشته است. حتماً شخص یا سازمانی از طریق مهین اسلامی به ناصر کمک می‌کرده که شما در جریان آن نبوده‌اید. بازپرس یا دادگاه، از پدر مهین اسلامی که باغبان سفارت انگلیس بود، بازجویی نکرد؟

- من در بازجویی مهین اسلامی حضور نداشتم و دادگاه هم او را احضار نکرد.

● ستوان ثقفی را به چه دلیلی دستگیر کردند، در ضمن، رأی دادگاه در مورد متهمین، چه بود؟

- ستوان ابوالحسن ثقفی دوست ناصر و در ضمن

می‌خواست به دادگاه واغود کند که وکالت مهین اسلامی را اجباراً پذیرفته است. روز محاکمه مهین، او در دفاعیه‌اش گفت: جنابان دادرسان محترم! من وقتی خواستم وکالت خانم مهین اسلامی را قبول کنم با قرآن استخاره کردم. این آیه‌ها از سوره یوسف آمد:

«[یوسف] گفت او بود که از من کام می‌خواست؛ و شاهی از کسان زن شهادت داد که اگر پیراهن او از جلو دریده شد، زن راست می‌گوید و مرد دروغ‌گوست. و اگر پیراهنش از پشت دریده شده، زن دروغ می‌گوید و مرد، راست‌گوست». به این جهت وکالت او را قبول کردم.

در این موقع، سرهنگ شاهقلی که خاموش نشسته بود و گوش به سخنان او می‌داد خطاب به رئیس دادگاه (سرتیپ هدایت) گفت: «ما که پارگی در پشت پیراهن خانم اسلامی مشاهده نمی‌کنیم تا ایشان به‌خاطر آن وکالت او را قبول کرده باشد».

نظم دادگاه به‌هم خورد، از رئیس دادگاه و دادرسان گرفته تا متهمین، شروع کردند به خندیدن. خنده‌های «عزت» بیشتر از همه جلب توجه می‌کرد. عزت بعد از محاکمه آزاد شد.

مهین اسلامی، معشوقه ناصر، در دادگاه به‌جرم مباشرت

عکس این مورد هم صدق می‌کند یعنی رزم‌آرا از طریق صادق هدایت با کیانوری باب مراوده را باز می‌کند. رابط رزم‌آرا با حزب، انجوی شیرازی مدیر روزنامه آتشبار بود. برادر بزرگ انجوی، انسانی سالم و پاک و عضو حزب بود ولی به‌خاطر ندارم که خود انجوی هم عضو حزب بود یا نه. اما به‌طور یقین می‌دانم که انجوی از عوامل رزم‌آرا به‌شمار می‌رفت و آشنایی او با کیانوری از طریق صادق هدایت بود. من خود شاهد بودم که چندین بار انجوی پیغام رزم‌آرا را به حزب آورد. حالا یادم نیست پیغام چه بود، ظاهراً کمیته مرکزی تقاضای رزم‌آرا را قبول نکرد. بعد از آن، انجوی پیغامهای رزم‌آرا را فقط به کیانوری که رئیس تشکیلات تهران بود می‌داد.

پس از ترور شاه، اکثر روزنامه‌نگاران، اعم از چپ و راست، به زندان افتادند، و حتی دادستان ارتش برای اکثر آنان، تقاضای مجازات اعدام کرد. اما تنها روزنامه‌نگاری که دستگیر نشد انجوی شیرازی بود. عموی من که در آن ایام برای ملاقات من به زندان می‌آمد، می‌گفت که غالباً انجوی را می‌بند که با اتومبیل بیوک مشکی‌رنگ، بی پروا در خیابانها در رفت و آمد است. و این در حالی بود که شش ماه پیش از ترور شاه، انجوی عکسی از شاه را در حالی که جلو یک دختر ایتالیایی خم شده بود به چاپ رسانده و در پایین عکس نوشته بود: «اعلیحضرت قدر قدرت می‌خواهد پای یک فاحشه را ببوسد».

کرده‌ام تا از نرده‌ها بالا بروم. در صورتی که بالا رفتن از روی نرده‌ها برای ناصر که از آمادگی جسمانی خوبی برخوردار بود، یک کار بسیار سهل و ساده بود.

● چرا ناصر فقط سر شاه را نشانه گرفته بود؟

- من قبلاً به او گفته بودم که شایع است که شاه زیر لباسش، لباس زرده‌دار [جلیقه ضد گلوله] می‌پوشد، تو فقط سرش را هدف بگیر.

● از ارتباط رزم‌آرا با حزب توده چه اطلاعی دارید؟ آیا احتمال می‌دهید کیانوری، رزم‌آرا را در جریان امر گذاشته باشد؟

- ببینید، باز تکرار می‌کنم، رزم‌آرا آدمی زیرک و دیپلمات بود. او سعی می‌کرد با گروههای سیاسی به‌نحوی تماس برقرار کند. همان طور که از طریق اللهیار صالح با لیدر مخالفین در مجلس - دکتر مصدق - در خانه اللهیار صالح ملاقات داشت، با حزب توده هم بی ارتباط نبود ولی این دلیل نمی‌شود که وی به‌خاطر ارتباط با حزب توده، از سوءقصد به شاه اطلاع داشته است. من بعید می‌دانم. درباره نحوه ارتباط او با حزب هم باید کمی به عقب برگردیم. خانم مریم فیروز، زبان فرانسه را بخوبی می‌دانست. وی پس از این که از همسر اول خود جدا شد، در اکثر انجمنهای فرهنگی شرکت می‌کرد و در این انجمنها و محافل فرهنگی بود که با صادق هدایت آشنا می‌شود. در آن زمان، انجمن فرهنگی ایران و فرانسه و انجمن فرهنگی دوستداران فرهنگ اتحاد جماهیر شوروی از مهمترین محافل فرهنگی بودند.

→ صاحبخانه او نیز بود. پدر ثقفی در سال ۱۳۱۷، به دست «بوبر احمدی‌ها» در بهپهان کشته می‌شود. رضاشاه، فرزند وی - ابوالحسن ثقفی - را به مدرسه نظام می‌فرستد. وی پس از این که از دانشکده افسری با درجه ستوان دومی فارغ‌التحصیل شد، به زاهدان منتقل می‌شود. خانه ثقفی در اختیار ناصر بود ولی از ناصر اجاره نمی‌گرفت. بعد از ترور، هنگامی که خانه ناصر را بازرسی می‌کردند، نامه‌ای از ثقفی - که برای ناصر نوشته بود - به دست مأمورین افتاد. در این نامه، ثقفی از این که ناصر در پاسخ نامه‌های او تعلل می‌ورزیده است، او را شامت کرده بود و می‌نویسد: «مثل این که از کون رضاشاه افتاده‌ای». همین یک جمله، باعث درد سر و دستگیری او شد و فکر می‌کنم نزدیک ۶ ماه زندانی شد. او اصلاً در ماجرای ترور نقشی نداشت. بعد از آزاد شدن هم، مجدداً به زاهدان بازگشت. درحال حاضر، بازنشسته است. محبی، همسایه ناصر که پزشکبار بیمارستان دروازه شمیران بود به اتفاق حسین اشتری سال ۱۳۲۹، آزاد شدند. حسن حداد که محکوم به حبس ابد بود، دوازده سال بعد آزاد شد.

● مگر حداد در این ماجرا چه نقشی داشت که به دوازده سال زندان محکوم شد؟

- حداد جوانی بود همسن من. پدرش در دولاب آهنگری و پارکینک درشکه داشت. تا جایی که من اطلاع دارم از جریان سوء قصد اطلاع نداشته ولی با ناصر بسیار نزدیک بود. رئیس



کارت‌های خبرنگاری روزنامه‌های پرچم اسلامی و فریاد ملت که فخرآرائی از آنها استفاده می‌کرد

اگر رزم‌آرا قصد ترور شاه را داشت، می‌توانست شخصاً ابتکار عمل را در دست بگیرد تا ناصر سهلت‌گشاه را بکشد، چون ناصر در موقعیت بسیار بدی به شاه تیراندازی کرد.

ولی موضوعی که برای من مبهم است، این است که نمی‌دانم چرا لنکرانی در زندان آن پیغام را از طرف کیانوری برای من آورد و چرا باید من، رزم‌آرا را عامل ترور شاه معرفی می‌کردم. من فکر می‌کنم کیانوری با این ترفند می‌خواست من را از میان بردارد. چون من با عنوان کردن این موضوع خیلی زود اعدام می‌شدم و راز کیانوری هیچ وقت فاش نمی‌شد.

نکته‌ای که همین حالا در مورد رفتار رزم‌آرا با توده‌ایها، به‌نظرم رسید، این است که وقتی محاکمه من و سران حزب توده پایان یافت ما را به زندانهای شیراز و یزد و کاشان منتقل کردند. خانواده‌های ما به‌عنوان اعتراض در مجلس متحصن شدند. منصورالملک نخست وزیر بود و با بازگشت ما موافقت نمی‌کرد. در اوایل تابستان ۱۳۳۹ رزم‌آرا نخست وزیر شد و چندی بعد همه ما را به تهران انتقال داد.

در شماره آینده: خاطرات زندان ادامه دارد



عزت همسر ناصر فخرآرائی

آشنایی خانم مریم فیروز با صادق هدایت از این محافل فرهنگی شروع شد که بعداً هم این آشنایی ادامه پیدا کرد و من فکر می‌کنم چون رزم‌آرا شوهر خواهر صادق هدایت بود، لذا کیانوری توسط مریم فیروز ابتدا با صادق هدایت آشنا می‌شود و سپس با رزم‌آرا ارتباط برقرار می‌کند. البته

دادگاه معتقد بود که حسن حداد به ناصر اسلحه داده است. وی در دادگاه سخنان بی ربط می‌گفت و صحبت‌های تناقض بسیار داشت. در زندان بچه‌ها سر به‌سرش می‌گذاشتند که یک عدس پلو با ناصر خوردی دوازده سال باید حبس بکشی. رأیی که دادگاه برای او صادر کرد ناقص بود.

● آقای ارگانی! در گفتگویی که با دکتر جهانشاه صالح داشتم، ایشان به من گفتند: با وجودی که رئیس دانشکده پزشکی بود، لذا، مأمورین انتظامات و افسران گارد، هنگام ورود به دانشگاه از او کارت دعوت خواستند. ناصر فخرآرائی که کارت دعوت نداشت چگونه توانست وارد دانشگاه شود؟

- بازپرسی که از من بازجویی می‌کرد، می‌گفت: «ناصر، ابتدا به در ورودی دانشگاه مراجعه می‌کند و کارت خبرنگاری خود را ارائه می‌دهد، مأمورین به لیست مدعوین نگاه می‌کنند و به او می‌گویند که روزنامه پرچم اسلام در لیست مدعوین نیست. ناصر بحثی نمی‌کند و می‌رود. بعد، به طرف غرب دانشگاه رفته و از نرده‌ها بالا می‌رود و خود را به محوطه دانشکده حقوق که فاصله چندانی با نرده‌ها ندارد، می‌رساند». بازپرس معتقد بود که من به ناصر کمک

نشست سالانه سازمان ملل و طرح ترامپ برای ممنوعیت خرید مقامات جمهوری اسلامی از فروشگاه‌های بزرگ این کشور



مقر سازمان ملل متحد در نیویورک

او در گفتگو با روزنامه «دیلی میل» تأکید کرده که این دیپلمات‌ها نماینده مردم ایران نیستند. وی ادامه داد: «آنان تروریست‌هایی هستند که در لباس دیپلمات ظاهر شده‌اند و حتی از بستن کراوات به عنوان احترام، خودداری می‌کنند. آنها نباید اجازه داشته باشند از اتاق‌های هتل خود خارج شوند.» ایرانی-آمریکایی‌ها در گفتگو با روزنامه «دیلی میل» اظهار داشته‌اند که این اقدام ممکن است حرکتی تهاجمی به نظر برسد، اما آنها به راستی امیدوارند که رئیس‌جمهور هدف خود را متوجه مردم عادی نسازد.

ایرانیان مهاجر به این روزنامه گفتند: «تا زمانی که او متعرض ایرانیان عادی و خانواده‌هایشان نشود، جای نگرانی نیست.» بهنام طالب لو مدیر ارشد برنامه ایران در «بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها» نیز اظهار داشت موضوع خرید از فروشگاه‌هایی چون «کاست کو» اساساً نباید برای دولت اهمیتی داشته باشد. او یادآور شده که دونالد ترامپ در دوره نخست ریاست جمهوری خود، رفت و آمد دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را در شعاعی پیرامون مقر سازمان ملل محدود کرده بود.

طالب لو گفت: «همواره اصول زمامداران ایران این بوده است که برای خود می‌خواهند و برای دیگران نه. اما فارغ از سیاست مرغ‌های بریان ارزان قیمت، مجمع عمومی امسال سازمان ملل آزمونی برای دولت ترامپ خواهد بود. آیا این دولت فقط دسترسی دیپلمات‌های ایران به فروشگاه‌های عمده‌فروشی را محدود خواهد کرد؟! در حالی که همزمان مانع ورود یک رهبر فلسطینی می‌شود؟»

روزنامه «دیلی میل» در پاسخ به این پرسش از وزارت خارجه ایالات متحده که این طرح چه زمانی به اجرا گذاشته خواهد شد و آیا کشورهای دیگری نیز افزون بر فهرست کنونی در نظر گرفته شده‌اند یا نه، هنوز پاسخی دریافت نکرده است. مجمع عمومی ۲۰۲۵ سازمان ملل از ۲۲ سپتامبر آغاز می‌شود.

*منبع: دیلی میل

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

شود؛ محدودیت‌هایی که تنها شامل جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود، بلکه کشورهایی چون سودان، زیمبابوه و حتی برزیل را نیز در بر خواهد گرفت.

گنجاندن نام برزیل در این فهرست موجب شگفتی شده، چرا که بر اساس سنتی دیرینه، رئیس‌جمهور برزیل همواره نخستین سخنران در افتتاحیه نشست سران سازمان ملل بوده و پس از او رئیس‌جمهور ایالات متحده سخنرانی می‌کند. در همان یادداشت همچنین آمده که وزارت خارجه آمریکا در حال بررسی تدوین مقررات تازه‌ای است که شرایط متفاوتی برای عضویت و حضور دیپلمات‌های خارجی تعیین خواهد کرد. این پیشنهاد تازه در پی آن مطرح می‌شود که دولت آمریکا از صدور ویزا برای محمود عباس رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین و هیأت همراهش خودداری کرده و عملاً مانع از حضور آنان در نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۲۵ می‌شود.

هرچند این اقدامات هنوز در دست بررسی است و احتمال تغییر آنها وجود دارد، اما در صورت اجرا، گامی دیگر در جهت تشدید طرح‌های گسترده دولت ترامپ برای سختگیری‌های بیشتر در سیاست‌های صدور ویزا به شمار خواهد رفت. این طرح شامل بازنگری گسترده در مورد افرادی نیز می‌شود که پیشتر مجوز قانونی ورود دریافت کرده‌اند، و همچنین متقاضیانی که خواستار حضور در نشست سپتامبر سازمان ملل هستند.

کامران خوانساری نیا از «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) این پیشنهاد وزارت خارجه آمریکا را «اقدامی عالی» خوانده و تأکید کرده است که این وزارتخانه باید اجرای آن را دنبال کند.

خوانساری نیا افزوده: «هیچ دلیلی وجود ندارد که مزدوران آیت‌الله‌ها، کسانی که وقت خود را صرف شعار مرگ بر آمریکا، طراحی حملات تروریستی علیه آمریکایی‌ها و کشتن مردم ایران می‌کنند، زمانشان را در خریدهای یارانه‌ای بگذرانند.»

● ترامپ طرحی را برای ممنوعیت خرید عمده مقامات چند دولت از جمله جمهوری اسلامی از فروشگاه‌های Cost co (کاست کو) و Sam's Club (سمزکلاب) مطرح کرده است. کامران خوانساری نیا از «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) در گفتگو با «دیلی میل» این پیشنهاد وزارت خارجه آمریکا را «اقدامی عالی» خوانده و تأکید کرده است که این وزارتخانه باید اجرای آن را دنبال کند: «هیچ دلیلی وجود ندارد که مزدوران آیت‌الله‌ها، کسانی که وقت خود را صرف شعار مرگ بر آمریکا، طراحی حملات تروریستی علیه آمریکایی‌ها و کشتن مردم ایران می‌کنند، زمانشان را در خریدهای یارانه‌ای بگذرانند.»

دولت ترامپ محدودیت‌هایی را برای سفر هیأت‌های خارجی به آمریکا در نظر گرفته است. بر اساس گزارش‌ها، دولت دونالد ترامپ در حال بررسی برنامه محدودیت‌های جدید برای سفر چندین هیئت خارجی است. طبق این طرح، رفت و آمد اعضای این هیئت‌ها فراتر از حوزه شهر نیویورک بطور قابل توجهی محدود خواهد شد.

بر اساس گزارش‌ها، یکی از طرح‌های جنجالی که مطرح شده، دیپلمات‌های جمهوری اسلامی را از خرید عمده از فروشگاه‌های بزرگ مانند کاست کو و سمزکلاب منع می‌کند مگر آنکه پیشتر از وزارت امور خارجه ایالات متحده مجوز دریافت کرده باشند.

این فروشگاه‌ها سال‌هاست در میان دیپلمات‌های رژیم ایران مستقر در نیویورک یا همان این شهر محبوبیت دارند؛ چرا که آنان می‌توانند کالاهایی را که در ایران کمیاب یا گران است، به صورت عمده تهیه کنند. این اقلام با قیمت نسبتاً پایین عمده‌فروشی خریداری شده و سپس به ایران فرستاده می‌شود.

به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس و بر اساس یادداشت داخلی در وزارت خارجه آمریکا، ممکن است به زودی محدودیت‌های تازه‌ای برای سفر هیأت‌های خارجی اعمال

نشست شورای حکام درباره برنامه‌های اتمی جمهوری اسلامی و قطعنامه ۲۲۳۱ سازمان ملل برگزار خواهد شد



شورای امنیت سازمان ملل متحد / نیویورک

محمد سراج نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه چین و روسیه اجازه حمله نظامی مجدد را نمی‌دهند مدعی شده که آنها مصوبه احتمالی شورای امنیت درباره حمله به جمهوری اسلامی ایران را وتو خواهند کرد!

میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید، آمریکا و تروئیکای اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان) برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را سیاسی کرده‌اند.

اولیانوف در مصاحبه اختصاصی با «پرس تی‌وی» با انتقاد از مواضع اروپا و آمریکا در قبال جمهوری اسلامی تاکید کرد که آنها به تلاش‌های دیپلماتیک در پرونده هسته‌ای آسیب می‌رسانند.

این دیپلمات روس تاکید کرد، غرب بطور مداوم اقداماتی انجام می‌دهد که وضعیت را وخیم‌تر می‌کند.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی نیز در یک مصاحبه گفته: «اروپایی‌ها اشتباه بزرگی کردند به سمت مکانیسم ماشه رفتند و کار را سخت‌تر کردند».

سه کشور اروپایی پس از هشدارهای مکرر به جمهوری اسلامی «مکانیسم ماشه» را فعال کردند. شماری از مقامات مدعی‌اند بازگشت تحریم‌ها بیشتر از آنکه اثر عملی داشته باشد، بار روانی دارد اما در مقابل شمار زیادی از تحلیلگران می‌گوید اوضاع اقتصادی را بدتر می‌کند و زمینه‌ساز اقدام نظامی مجدد خواهد شد.

سه مرحله مذاکرات جمهوری اسلامی با نمایندگان سه کشور اروپایی و اتحادیه اروپا نیز پس از اعلام «آتش‌بس» بی‌نتیجه ماند و آنها موضوع فعال کردن مکانیسم ماشه را به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع دادند.

آن فعال ساختن مکانیسم ماشه توسط سه قدرت اروپایی جمهوری اسلامی را در موضعی ضعیف‌تر از پیش قرار داده است.

شبکه فرانسوی «فرانس ۲۴» در تحلیلی درباره پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه به نقل از برخی تحلیلگران فرانسوی نوشته است که این اقدام با قرار دادن جمهوری اسلامی در «جایگاه متهم بین‌المللی» از نظر حقوق بین‌الملل می‌تواند «به حمله جدید اسرائیل مشروعیت ببخشد».

تیری کوویل پژوهشگر موسسه روابط استراتژیک و بین‌الملل در پاریس با اشاره به پیامدهای اقتصادی بازگشت تحریم‌ها به «فرانس ۲۴» گفت: «بازگشت احتمالی تحریم‌های سازمان ملل در تهران این نگرانی را برانگیخته که این انزوای دیپلماتیک می‌تواند به حمله تازه اسرائیل مشروعیت ببخشد».

او افزود: «از سوی دیگر، مردم ایران به ویژه درباره فعالیت اقتصادی کشور که عملاً در حالت تعطیل است، بسیار نگرانند».

پس از اعلام آغاز روند فعال ساختن مکانیسم ماشه از سوی سه کشور اروپایی، ارزش ریال و شاخص بورس در ایران باز هم سقوط کرد.

«فرانس ۲۴» در ادامه می‌نویسد، که زندگی روزمره مردم ایران نیز هر روز نامطمئن‌تر به نظر می‌رسد، چرا که کشور با کمبود آب و برق دست و پنجه نرم می‌کند و آتش‌بس شکننده‌ای با اسرائیل که پس از بمباران‌های مهلک «جنگ ۱۲ روزه» برقرار شد نیز همچنان مایه نگرانی عمیق است. امیدواری جمهوری اسلامی به حمایت‌های چین و روسیه است؛ هرچند که بعید به نظر می‌رسد آنها کار ویژه‌ای از دستشان ساخته باشد.

● نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شهریور ۱۴۰۴ که از ۱۷ تا ۲۱ شهریور برگزار می‌شود، برای جمهوری اسلامی حیاتی است. محور این نشست «فعالیت‌های اتمی» تهران و همچنین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی است.

● شبکه فرانسوی «فرانس ۲۴» در تحلیلی درباره پیامدهای فعال شدن مکانیسم ماشه به نقل از برخی تحلیلگران فرانسوی نوشت که این اقدام با قرار دادن جمهوری اسلامی در «جایگاه متهم بین‌المللی» از نظر حقوق بین‌الملل می‌تواند «به حمله جدید اسرائیل مشروعیت ببخشد».

● محمد سراج نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه چین و روسیه اجازه حمله نظامی مجدد را نمی‌دهند مدعی شد آنها مصوبه احتمالی شورای امنیت درباره حمله به جمهوری اسلامی ایران را وتو خواهند کرد!

● میخائیل اولیانوف نماینده روسیه در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی می‌گوید، آمریکا و تروئیکای اروپایی (فرانسه، انگلیس و آلمان) برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی را سیاسی کرده‌اند.

نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در شهریور ۱۴۰۴ که از ۱۷ تا ۲۱ شهریور برگزار می‌شود، برای جمهوری اسلامی حیاتی است. محور این نشست «فعالیت‌های اتمی» تهران و همچنین قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل و بازگشت تحریم‌های بین‌المللی است. سختگیری‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و در پی

تایمز اسرائیل: واکنش‌های جمهوری اسلامی به تحولات هسته‌ای می‌تواند با حمله مجدد روبرو شود

● روزنامه «تایمز اسرائیل» با اشاره به اقدام سه قدرت اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه) برای فعال ساختن مکانیسم ماشه، به نقل از کارشناسان امنیتی نوشت که برنامه اتمی جمهوری اسلامی در «وضعیت تعلیق» بسر می‌برد، اما امکان حمله مجدد اسرائیل و آمریکا در مقابل واکنش‌های تهران وجود دارد.

● جاناتان روهه مدیر سیاست خارجی در موسسه یهودی امنیت ملی آمریکا در همین ارتباط گفت تهران در مقطع کنونی به دلیل هراس از حمله دوباره اسرائیل از برداشتن گام‌های بعدی برای پیشبرد برنامه اتمی‌اش خودداری کرده است.

● روهه می‌افزاید: «عامل کلیدی در گام‌های بعدی هسته‌ای ایران فنی نیست، بلکه روانی است. [تهران] فعلا به دلیل ترس از حمله دوباره فعالیت خود را متوقف کرده است.»

● کلسی داونپورت مدیر سیاست منع گسترش در انجمن کنترل تسلیحات گفت، تا زمانی که بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر به ایران بازنگردند و وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده و شمار سانتریفیوژهای از بین رفته را روشن نکنند، نمی‌توان ارزیابی دقیقی از سرعت بازگشت جمهوری اسلامی به آستانه هسته‌ای داشت.

روزنامه «تایمز اسرائیل» با اشاره به اقدام سه قدرت اروپایی (بریتانیا، آلمان و فرانسه) برای فعال ساختن مکانیسم ماشه، به نقل از کارشناسان امنیتی نوشت که برنامه اتمی جمهوری اسلامی در «وضعیت تعلیق» بسر می‌برد، اما امکان حمله مجدد اسرائیل و آمریکا در مقابل واکنش‌های تهران وجود دارد.

جاناتان روهه مدیر سیاست خارجی در موسسه یهودی امنیت ملی آمریکا در همین ارتباط گفت، تهران در مقطع کنونی به دلیل هراس از حمله دوباره اسرائیل از برداشتن گام‌های بعدی برای پیشبرد برنامه اتمی‌اش خودداری کرده است.

به گفته او، جمهوری اسلامی احتمالا هنوز «بخشی از زیرساخت و دانش لازم» برای ساخت نمونه‌ای ابتدایی از یک سلاح هسته‌ای آزمایشی را حفظ کرده، اما به این باور رسیده است که هرگونه اقدام در این زمینه به «مجازات» خواهد انجامید.

روحه می‌افزاید: «عامل کلیدی در گام‌های بعدی هسته‌ای ایران فنی نیست، بلکه روانی است. [تهران] فعلا به دلیل ترس از حمله دوباره فعالیت خود را متوقف کرده است.» در بخشی از این گزارش آمده، حکومت ایران در شرایط کنونی بیش از هر چیز بر بازسازی سامانه‌های پدافندی و جبران خسارات ناشی از حملات اسرائیل متمرکز است و نه بر توسعه برنامه هسته‌ای.

روحه با اشاره به پیامدهای فعال شدن مکانیسم

دو ماه پس از «جنگ ۱۲ روزه» عبدالرحیم موسوی: «حقوق پایین نظامیان مشکل آفرین شده!»



بازدید عبدالرحیم موسوی از پایگاه شکاری دزفول / اردیبهشت ۱۴۰۴

و معاونان ایشان مورد بحث قرار گرفت و ستاد کل پیشنهاد خوبی در این زمینه ارائه داد و قرار شد که کمیسیون هم آن را پیگیری کند.

این نماینده تأکید کرده است: «معتقدیم حقوق پرسنل نیروهای مسلح در مقایسه با نیروهای دستگاه‌های مختلف ناچیز است.»

این از محدود دفاعتی است که به صراحت در مورد پایین بودن حقوق نظامیان و مشکلات ناشی از آن علنی صحبت شده است.

پیامدهای جنگ ۱۲ روزه، تلفات سنگین نیروها، کمبود تجهیزات، تسلیحات فرسوده و حقوق پایین به نارضایتی در نیروهای مسلح دامن زده است.

یکسال پیش از این (چهارم شهریور ۱۴۰۳) حبیب‌الله سیاری رئیس ستاد و معاون هماهنگ‌کننده ارتش جمهوری اسلامی به همراه مسعود مقدس معاون طرح، برنامه و بودجه ارتش درباره وضعیت معیشتی پرسنل نظامی با حمید پورمحمدی رئیس سازمان برنامه و بودجه جلسه داشتند.

روزنامه «جمهوری اسلامی» سه‌شنبه ۲۷ آذرماه ۱۴۰۳ با اشاره به سرنگونی رژیم بشار اسد هشدار داده بود که «بحران اقتصادی در هر کشوری می‌تواند باعث از دست رفتن پشتوانه مردمی نظام‌های سیاسی شود و زمینه را برای تضعیف و حتی سقوط آنها فراهم نماید.»

در این گزارش آمده بود: «عده‌ای از دست‌اندرکاران امور مرتبط با جبهه مقاومت، در بررسی علل سقوط سریع بشار اسد بر مشکلات اقتصادی موجود در سوریه تکیه می‌کنند و می‌گویند چون وضع مردم، کارمندان، نیروهای نظامی و تمام اقشار جامعه سوریه از نظر معیشتی نابسامان بود، رژیم بشار اسد نتوانست در برابر تهاجمی که صورت گرفت دوام بیاورد و به همین دلیل فروپاشید.»

● فرمانده ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در جلسه‌ای با شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هشدار داده است حقوق پایین نظامیان مشکل آفرین شده است.

● حسین مالکی عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «روز سه‌شنبه ۱۴ شهریورماه ۱۴۰۴ با عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و سرتیپ عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جلسه داشتیم که گزارشی از مشکلات نیروهای مسلح را به ما ارائه کردند.» ● به گفته مالکی، «موضوع حقوق پایین پرسنل نیروهای مسلح از جمله مسائلی بود که در نشست با امیر موسوی و معاونان ایشان مورد بحث قرار گرفت و ستاد کل پیشنهاد خوبی در این زمینه ارائه داد و قرار شد که کمیسیون هم آن را پیگیری کند.»

فرمانده ستادکل نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در جلسه‌ای با شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی هشدار داده است حقوق پایین نظامیان مشکل آفرین شده است.

حسین مالکی عضو کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی می‌گوید: «روز سه‌شنبه ۱۴ شهریورماه ۱۴۰۴ با عبدالرحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح و سرتیپ عزیز نصیرزاده وزیر دفاع جلسه داشتیم که گزارشی از مشکلات نیروهای مسلح را به ما ارائه کردند.» او توضیح داد: «در کنار این موضوع مسائلی هم درباره برخی تنگناهای مالی نیروهای مسلح مطرح و قرار شد که کمیسیون امنیت ملی با جدیت مسئله را پیگیری کند تا این مشکل نیروهای مسلح حل شود.»

به گفته مالکی، «موضوع حقوق پایین پرسنل نیروهای مسلح از جمله مسائلی بود که در نشست با امیر موسوی

فرزند مشاور نظامی علی خامنه‌ای: باید برای احتمال کشته شدن رهبر آماده باشیم؛ بدترین سناریو «نمدمال» شدن است!



گفتگوی علی خامنه‌ای با مسئولان نظام، اسفند ۱۴۰۳

او از اقدامات احتمالی اسرائیل به عنوان «سناریوهای تخریبی و ایدایی» نام برد و گفت که باید برای این سناریوها حتی مستقل از مجوز آمریکا و از طرف اسرائیل آماده بود. حمزه صفوی گفت: «اگر بحث دسترسی به نفر اول و نفر دوم کشور به وجود بیاید، با هر هزینه‌ای که باشد حتی با پذیرش ریسک احتمال جنگ، این کار را انجام می‌دهند.»

صفوی افزود: «ترامپ به زبان می‌آورد که اینها می‌خواستند انجام بدهند و من جلوشان را گرفتم. الان سوال این است: اگر روزی اینها بدون اجازه آمریکا این کار را انجام بدهند، آمریکا چه خواهد کرد؟ یعنی در موقعیتی قرار می‌گیرد که کار انجام شده است.»

او همچنین گفت: «اگر اسرائیل این کار را بدون اجازه آمریکا انجام دهد، آمریکا در مقابل عمل انجام شده قرار می‌گیرد و [جمهوری اسلامی] ایران دچار مسئله می‌شود، اما باید بنشیند و فکر کند.»

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا شش تیرماه ۱۴۰۴ گفت که در جریان جنگ ۱۲ روزه، علی خامنه‌ای را از «مرگی بسیار زشت و خفت‌بار» نجات داده است.

حمزه صفوی در بخش دیگری از صحبت‌های خود با محتمل دانستن جنگ دوم با اسرائیل گفت: «بدترین سناریو، جنگ نیست. بدترین سناریو نمدمال شدن است.»

او با اشاره به اینکه تا قبل از جنگ تصور این بود که اگر به جمهوری اسلامی حمله کنند، سربازهای آمریکایی کشته می‌شوند، کشته‌ها آسیب می‌بینند، نفت بالا می‌رود، گفت: «ولی هیچکدام از آنها رخ نداد. این پیام بسیار خطرناکی است؛ خیلی خطرناک است. یکسری قبح‌ها شکسته شده که به این زودی‌ها هم قابل ترمیم نیست. قبح اقدامات از بین رفته، و همین مسیر را برای جنگ بعدی باز می‌کند.»

فرزند یحیی رحیم‌صفوی افزود: «همه نگرانی من از سناریو نمدمال شدن با تحقیرها و فشارهای تدریجی است.»

● حمزه صفوی فرزند یحیی رحیم‌صفوی مشاور عالی و دستیار نظامی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی با بیان اینکه نمی‌داند چقدر سناریو کشتن علی خامنه‌ای به دست اسرائیل می‌تواند درست باشد، ترور رهبر جمهوری اسلامی را محتمل دانست و گفت باید برای این اقدامات اسرائیل آماده بود.

● صفوی که استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران معرفی شده، در مصاحبه ویدیویی چند بار از احتمال کشته شدن علی خامنه‌ای و توانایی اسرائیل در انجام چنین کاری صحبت کرد.

● او از اقدامات احتمالی اسرائیل به عنوان «سناریوهای تخریبی و ایدایی» نام برد و گفت که جمهوری اسلامی ایران باید برای این سناریوها حتی مستقل از مجوز آمریکا و از طرف اسرائیل آماده باشد.

● حمزه صفوی همچنین گفت: «اگر بحث دسترسی به نفر اول و نفر دوم کشور به وجود بیاید، با هر هزینه‌ای که باشد حتی با پذیرش ریسک احتمال جنگ، این کار را انجام می‌دهند... همه نگرانی من از سناریو نمدمال شدن با تحقیرها و فشارهای تدریجی است.»

حمزه صفوی فرزند یحیی رحیم‌صفوی، مشاور عالی و دستیار نظامی علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، با بیان اینکه نمی‌داند چقدر سناریو کشتن علی خامنه‌ای به دست اسرائیل می‌تواند درست باشد، ترور رهبر جمهوری اسلامی را محتمل دانست و گفت که باید برای این اقدامات اسرائیل آماده بود.

حمزه صفوی که استاد علوم سیاسی دانشگاه تهران معرفی شده، در مصاحبه ویدیویی چند بار از احتمال کشته شدن علی خامنه‌ای و توانایی اسرائیل در انجام چنین کاری صحبت کرد.

➡ ماشه علیه جمهوری اسلامی می‌گوید: «تحریم‌ها می‌توانند به اندازه‌ای که آمریکا، اروپا و دیگران می‌خواهند، به رژیم ایران آسیب بزنند. تحریم‌های مکتوب سازمان ملل فوق‌العاده قوی هستند و عملاً تمام برنامه‌های هسته‌ای و موشک‌های بالستیک [رژیم] ایران را ممنوع کرده، جمهوری اسلامی را از تجارت جهانی تسلیحات قطع نموده و رعایت مقررات تحریم‌ها را از همه اعضای سازمان ملل می‌خواهند. اما اجرای آن نیازمند رهبری دیپلماتیک هماهنگ آمریکا



جنگنده‌های اف۳۵- / عکس: رویترز

و اروپا است. اعتبار نظامی اسرائیل نیز اهرم مفیدی برای آمریکا و اروپا ارائه می‌دهد.»

تایمز اسرائیل خروج از پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار همگانی (ان‌پی‌تی) را «نگران‌کننده‌ترین واکنش» احتمالی جمهوری اسلامی به تحولات اخیر خواند و نوشت: «این تصمیم پیامدهای سنگینی خواهد داشت؛ هم از نظر بازگرداندن آمریکا، اسرائیل و [رژیم] ایران به مسیر درگیری، و هم برای مقررات جهانی عدم گسترش تسلیحات اتمی.» تایمز اسرائیل افزود: «در برابر هر اقدام تلافی‌جویانه تهران، امکان حمله دوباره اسرائیل با آمریکا وجود دارد. مسیر دیپلماسی همچنان باز است، اما مسیر جنگ نیز همچنان پیش رو قرار دارد.»

کلسی داوینپورت مدیر سیاست منع گسترش در انجمن کنترل تسلیحات گفت، تا زمانی که بازسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر به ایران بازنگردند و وضعیت ذخایر اورانیوم غنی‌شده و شمار سانتریفیوژهای از بین رفته را روشن نکنند، نمی‌توان ارزیابی دقیقی از سرعت بازگشت جمهوری اسلامی به آستانه هسته‌ای داشت.

اغلب مقامات جمهوری اسلامی مدام هشدار می‌دهند که احتمال وقوع جنگ مجدد وجود دارد.

شبکه خبری «فرانس ۲۴» در ۱۴ شهریورماه گزارش داد فعال شدن مکانیسم ماشه با قرار دادن جمهوری اسلامی در «جایگاه متهم» از منظر حقوق بین‌الملل می‌تواند «حمله جدید اسرائیل را مشروعیت ببخشد».

پیشتر رافائل گروسی مدیرکل آژانس نیز در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داده بود: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.» او به حکومت اخطار داد: «بدون نظارت آژانس در ایران هیچ مذاکره جدی شکل نمی‌گیرد.»

«اورشلیم پست»: هیأت ایرانی با وزیر علوم و فناوری اسرائیل دیدار کرد تا درباره «روز بعد» در ایران گفتگو کند



گیلا گاملیل وزیر نوآوری، علوم و فناوری میزبان هیأتی از پژوهشگران ایرانی تبعیدی است که از سوی ولیعهد رضا پهلوی به اسرائیل اعزام شده و در کنفرانس «فراتر از افق ۲۰۲۵» با حضور رئیس جمهور ایزاک هرتزوک شرکت کردند

می‌دهد: «گروه ما شامل اقتصاددانان و دانشمندان ایرانی اینجا هستند تا در زمانی که رژیم تهران بحران شدید آب، کمبود برق و اقتصاد در حال فروپاشی را بر کشور تحمیل کرده، بر حفظ پیوند بین ایران و اسرائیل تأکید کنند.» او همچنین گفت که این هیأت در اسرائیل «بذر پیمان کوروش را می‌کارد.

قاسمی نژاد افزود: «همکاران من در اینجا به همراه دیگر متخصصان، طرحی برای تولد دوباره ایران به نام پروژه شکوفایی ایران تهیه کرده‌اند. ما بخشی از این تلاش هستیم تا از دانشمندان اسرائیلی بیاموزیم و بذر همکاری‌های آینده بین دو ملت خود را بکاریم.»

پیمان کوروش و پروژه شکوفایی ایران

به نوشته «اورشلیم پست»، ماموریت این هیأت بر «پیمان کوروش» متمرکز است؛ چشم‌اندازی برای همکاری جامع ایران و اسرائیل که به نام پادشاه باستانی ایران نامگذاری شده که یهودیان را از تبعید بابل در ۲۵۰۰ سال پیش آزاد کرد.

گزارش «اورشلیم پست» می‌افزاید که این دیدار، پس از سفر تاریخی ولیعهد رضا پهلوی به کشور یهود در دو سال پیش، نشان‌دهنده پیشرفت قابل توجهی در ارتباط مخالفان ایرانی با اسرائیل است.

در این گزارش همچنین آمده که «پروژه شکوفایی ایران» که شامل بیش از ۱۰۰ مشاور و متخصص است که برای احیای آینده اقتصادی و سیاسی ایران تلاش می‌کنند، یک طرح بازسازی اضطراری ۱۷۰ صفحه‌ای منتشر کرده که ۱۵ حوزه حیاتی، از گذار سیاسی و اصلاحات امنیتی تا مشکلات تکنولوژیک از جمله انرژی، مدیریت آب و احیای محیط زیست را در بر می‌گیرد.

در همین ارتباط، دو سال پیش در آوریل ۲۰۲۳ شاهزاده رضا پهلوی و همسرش بانو یاسمین با هیأت همراه به اسرائیل سفر کرده بودند که مورد توجه افکار عمومی ایران و همچنین محافل بین‌المللی قرار گرفت. به ویژه آنکه پس از طرح و پیشبرد «پیمان ابراهیم» در مورد عادی شدن ارتباط اسرائیل با کشورهای عرب به کوشش دولت اول دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰) موضوع مناسبات عادی ایران و اسرائیل نیز با طرح «پیمان کوروش» مورد توجه قرار گرفت. این پیمان و مناسبات اما تا زمانی که جمهوری اسلامی در ایران قدرت را در دست دارد قطعاً تحقق نخواهد یافت.

«اورشلیم پست» پنجشنبه ۴ سپتامبر ۲۰۲۵ در گزارشی به سفر اخیر هیأت اعزامی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل می‌پردازد. این روزنامه می‌نویسد، دکتر سعید قاسمی‌نژاد اقتصاددان ایرانی ریاست یک هیأت هفت‌نفره را در سفر به اسرائیل بر عهده دارد و می‌گوید: «ما در این دوران سخت حامل پیام صلح، دوستی و همبستگی هستیم.»

این روزنامه نوشته، یک هیأت بلندپایه اپوزیسیون ایرانی که توسط ولیعهد رضا پهلوی اعزام شده بود، این هفته با گیلا گاملیل وزیر نوآوری، علوم و فناوری دیدار کرد تا در مورد برنامه‌های ایران پس از جمهوری اسلامی و همچنین راهکارهایی برای بحران آب در ایران گفتگو کند.

به گزارش «اورشلیم پست»، گاملیل اظهار داشت: «لحظه‌ای فرا خواهد رسید که مردم ایران در مورد سرنوشت خود تصمیم خواهند گرفت و ما در کنار آنها خواهیم بود.» وزیر علوم و فناوری همچنین از این هیأت که به اسرائیل سفر کرده‌اند تا فناوری‌ها و پیشرفت‌ها را ببینند و یاد بگیرند و ایران را برای روز بعد واقعاً آماده کنند، تشکر کرد.

«اورشلیم پست» می‌نویسد که سعید قاسمی‌نژاد توضیح

● دو سال پیش در آوریل ۲۰۲۳ شاهزاده رضا پهلوی و همسرش بانو یاسمین با هیأت همراه به اسرائیل سفر کرده بودند که مورد توجه افکار عمومی ایران و همچنین محافل بین‌المللی قرار گرفت. به ویژه آنکه پس از طرح و پیشبرد «پیمان ابراهیم» در مورد عادی شدن ارتباط اسرائیل با کشورهای عرب به کوشش دولت اول دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا (۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰) موضوع مناسبات عادی ایران و اسرائیل نیز با طرح «پیمان کوروش» مورد توجه قرار گرفت. این پیمان و مناسبات اما تا زمانی که جمهوری اسلامی در ایران قدرت را در دست دارد قطعاً تحقق نخواهد یافت.

● «اورشلیم پست» پنجشنبه ۴ سپتامبر ۲۰۲۵ در گزارشی به سفر اخیر هیأت اعزامی شاهزاده رضا پهلوی به اسرائیل می‌پردازد. این روزنامه می‌نویسد، دکتر سعید قاسمی‌نژاد اقتصاددان ایرانی ریاست یک هیأت هفت‌نفره را در سفر به اسرائیل بر عهده دارد و می‌گوید: «ما در این دوران سخت حامل پیام صلح، دوستی و همبستگی هستیم.»

● گیلا گاملیل وزیر نوآوری و علوم و فناوری اسرائیل‌هازار داشت: «لحظه‌ای فرا خواهد رسید که مردم ایران در مورد سرنوشت خود تصمیم خواهند گرفت و ما در کنار آنها خواهیم بود.»

هفته گذشته هیأتی از کارشناسان از «پروژه شکوفایی ایران» که تحت نظارت شاهزاده رضا پهلوی و در ارتباط با «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی) فعالیت می‌کند، به اسرائیل اعزام شد. اعضای هیأت در این سفر از جمله با اسحاق هرتزوک رئیس جمهور اسرائیل و گیلا گاملیل وزیر علوم و فناوری این کشور دیدار و گفتگو کردند.

دولت بریتانیا: دشمنی با اسرائیل در ذات جمهوری اسلامی است و ما در پی رفع خلأهای قانونی برای تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران هستیم



نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در راهپیمایی حکومتی «روز قدس» / عکس: رویترز

اطلاعاتی و پلیسی برای مقابله با تهدیدات جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته خواهد شد.

در این گزارش تأکید می‌شود: «جمهوری اسلامی شبکه‌ای از روابط پیچیده با گروه‌های شبه‌نظامی و تروریستی در سراسر خاورمیانه ایجاد کرده است که سطوح و انواع مختلفی از حمایت را به آنها ارائه می‌دهد و این روابط را از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و وزارت اطلاعات و امنیت، به ویژه نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که آموزش، کمک‌های مرگبار، بودجه و در برخی موارد، جهت‌دهی به این گروه‌ها را فراهم می‌کند، حفظ می‌کند.»

دکترین «عمق استراتژیک»

دولت بریتانیا اعلام کرده است که این شبکه بخشی از دکترین «عمق استراتژیک» رژیم ایران است که تضمین می‌کند با قدرت‌های برتر در داخل مرزهای خود وارد درگیری نشود. این امر به رژیم ایران ابزاری غیرقابل انکار برای تهدید دشمنان خود مانند نیروهای مسلح بریتانیا و متحدان منطقه‌ای بریتانیا و همچنین تضعیف منافع غرب در منطقه با حداقل خطر تلافی‌جویی علیه رژیم در خاک ایران می‌دهد.

دولت بریتانیا در این بیانیه تأیید کرده است که پشت بسیاری از طرح‌های ترور، عملیات اطلاعاتی و حملات سایبری در خاک بریتانیا، جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی قرار دارند.

در این بیانیه همچنین آمده دولت بریتانیا که درباره تروریستی اعلام نکردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد انتقادهای بسیار قرار گرفته است به دنبال رفع خلأهای قانونی در این رابطه است تا بتواند سپاه پاسداران را در لیست تروریستی بریتانیا قرار دهد.

نوشته شده است.

کمیته اطلاعات و امنیت پارلمان بریتانیا در گزارشی که پنجشنبه ۱۹ تیرماه منتشر کرد، به افزایش چشمگیر تمایل تهران برای انجام «ترور، جاسوسی و حملات سایبری» در خاک بریتانیا اشاره کرده و از دولت خواسته بود تا در استراتژی خود نسبت به جمهوری اسلامی «بازنگری اساسی» انجام دهد.

بر اساس ارزیابی دولت بریتانیا، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تصمیم‌گیر نهایی در سیاست داخلی و خارجی است و دشمنی ایدئولوژیک با اسرائیل بخشی از «دی‌ان‌ای رژیم» محسوب می‌شود.

در بخشی از این گزارش آمده، محور اصلی عملیات مداخله‌جویانه جمهوری اسلامی در بریتانیا تلاش برای ارباب مخالفان و روزنامه‌نگاران به ویژه کارکنان رسانه‌هایی چون «ایران اینترنشنال» است.

این فشارها تأثیر محسوسی بر جامعه ایرانیان مقیم بریتانیا گذاشته است؛ بسیاری از فعالان تماس‌های اجتماعی خود را با ایرانیان محدود کرده، انتقاداتشان را کاهش داده و از فعالیت‌های علنی درباره موضوعات حساس ایران پرهیز کرده‌اند.

به گفته دولت بریتانیا، از سال ۲۰۲۲ تا کنون دست‌کم ۱۵ تلاش حکومت ایران برای قتل یا ربودن مخالفان، روزنامه‌نگاران رسانه‌های فارسی‌زبان و همچنین جامعه یهودی و اسرائیلی در خاک بریتانیا شناسایی شده است. رژیم ایران حتی از باندهای تبهکار اروپایی مانند شبکه فاکستروت (Foxtrot) برای اجرای عملیات استفاده کرده است.

به گفته دولت، بریتانیا هیچ‌گونه تهدید یا ارباب علیه افراد مقیم این کشور را تحمل نخواهد کرد و تمامی ابزارهای

● دولت بریتانیا در ارزیابی تازه‌ای جمهوری اسلامی را «یک تهدید امنیتی پیچیده، گسترده و مستمر» معرفی کرده و دشمنی با اسرائیل را بخشی از ماهیت رژیم ایران خوانده است.

● در این گزارش که پنجشنبه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) منتشر شد، تأکید شده جمهوری اسلامی ایران از زمان اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی در مقر «گشت ارشاد»، دست‌کم ۲۰ طرح برای ترور یا ربودن مخالفان خود در بریتانیا تدارک دیده است.

● بر اساس ارزیابی دولت بریتانیا، علی‌خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی تصمیم‌گیر نهایی در سیاست داخلی و خارجی است و دشمنی ایدئولوژیک با اسرائیل بخشی از «دی‌ان‌ای رژیم» محسوب می‌شود.

● در این بیانیه همچنین آمده دولت بریتانیا که درباره تروریستی اعلام نکردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد انتقادهای بسیار قرار گرفته است به دنبال رفع خلأهای قانونی در این رابطه است تا بتواند سپاه پاسداران را در لیست تروریستی بریتانیا قرار دهد.

دولت بریتانیا در ارزیابی تازه‌ای جمهوری اسلامی را «یک تهدید امنیتی پیچیده، گسترده و مستمر» معرفی کرده و دشمنی با اسرائیل را بخشی از ماهیت رژیم ایران خوانده است. در این گزارش که پنجشنبه ۴ سپتامبر (۱۳ شهریور) منتشر شد، تأکید شده جمهوری اسلامی ایران از زمان اعتراضات پس از مرگ مهسا امینی در مقر «گشت ارشاد»، دست‌کم ۲۰ طرح برای ترور یا ربودن مخالفان خود در بریتانیا تدارک دیده است.

گزارش دولت بریتانیا در پاسخ به گزارش کمیته اطلاعاتی و امنیتی پارلمان این کشور درباره تهدیدهای جمهوری اسلامی

آمریکا در شوک؛ ترور چارلی کرک متحد ترامپ؛ نتانیاهو: او دوست شیردل اسرائیل بود



چارلی کرک / عکس: رویترز

نوشت: «چارلی کرک به خاطر بیان حقیقت و دفاع از آزادی به قتل رسید. او که دوست شیردل اسرائیل بود، با دروغ‌ها جنگید و برای تمدن یهودی-مسیحی تمام‌قد ایستاد. من همین دو هفته پیش با او صحبت کردم و او را به اسرائیل

پاتل از مقامات محلی و ایالتی در یوتا برای همکاری با اف‌بی‌آی قدرانی کرد و گفت هر زمان که امکان داشته باشد، اطلاعات‌رسانی‌های بیشتری ارائه خواهد شد. به گفته رئیس اف بی آی، جستجو برای یافتن مظنون



دعوت کردم. متأسفانه، این دیدار انجام نخواهد شد. او تأکید کرد: «ما یک انسان فوق‌العاده را از دست دادیم. افتخار بی‌حد و حصر او به آمریکا و اعتقاد شجاعانه‌اش به آزادی بیان، تأثیر ماندگاری برجای خواهد گذاشت. چارلی کرک یادت جاودان.»

روز فاجعه‌بار تاریخ آمریکا
ترور این فعال سیاسی سرشناس، موجی از واکنش‌ها را در میان مقامات و رهبران سیاسی آمریکا برانگیخته است. جی‌دی ونس معاون رئیس جمهوری آمریکا با انتشار تصویری از خود و چارلی کرک گفت: «اگر واقعاً به



تیراندازی و تحقیقات با جدیت ادامه دارد. جف لانگ رئیس پلیس دانشگاه یوتانیز گفت که در رویداد دانشگاهی که چارلی کرک در آن مورد اصابت گلوله قرار گرفت و کشته شد، بیش از ۳ هزار نفر حضور داشتند و ۶ افسر در حال نگهبانی بودند. لانگ چهارشنبه شب به وقت محلی در نشست خبری گفت: «این رویداد در محوطه مرکزی دانشگاه برگزار شد و افسران پلیس لباس شخصی نیز در میان جمعیت به همراه تیم امنیتی کرک که با او سفر می‌کنند، حضور داشتند.»

واکنش‌ها به ترور کرک
بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل نیز در پیامی

● چارلی کرک بنیانگذار گروه «ترنینگ پوینت یواس‌ای» (نقطه عطف آمریکا) و از حامیان اسرائیل، عصر چهارشنبه ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور) هنگام سخنرانی برای دانشجویان در دانشگاه «یوتا ولی» در ایالت یوتا هدف گلوله قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.
● کرک نقشی اساسی در جلب حمایت رأی‌دهندگان جوان به دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ داشت.

● دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در یک پیام تسلیت نوشت: «چارلی کرک بزرگ و حتی افسانه‌ای، درگذشت. هیچکس قلب و روح جوانان ایالات متحده آمریکا را مانند چارلی درک نکرد. او محبوب و مورد ستایش همه بود، به ویژه من.»

● بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل در پیامی نوشت: «چارلی کرک به خاطر بیان حقیقت و دفاع از آزادی به قتل رسید. او که دوست شیردل اسرائیل بود، با دروغ‌ها جنگید و برای تمدن یهودی-مسیحی تمام‌قد ایستاد.»

در حالی که شهروندان آمریکا در شوک قتل دختر پناهجوی اوکراینی در یک اتوبوس توسط یک قاتل سایه‌پوست بودند، چارلی کرک سیاستمدار سرشناس و از متحدان دونالد ترامپ رئیس جمهوری ایالات متحده نیز در یک سخنرانی ترور و کشته شد.

چارلی کرک بنیانگذار گروه «ترنینگ پوینت یواس‌ای» (نقطه عطف آمریکا) و از حامیان اسرائیل، عصر چهارشنبه ۱۰ سپتامبر (۱۹ شهریور) هنگام سخنرانی برای دانشجویان در دانشگاه «یوتا ولی» در ایالت یوتا هدف گلوله قرار گرفت و پس از انتقال به بیمارستان جان باخت.
کرک به عنوان یکی از جوانان سیاسی بسیار فعال در ایالات متحده، نقش اساسی در جلب حمایت رأی‌دهندگان جوان به دونالد ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری نوامبر ۲۰۲۴ داشت.

دونالد ترامپ در یک پیام تسلیت نوشت: «چارلی کرک بزرگ و حتی افسانه‌ای، درگذشت. هیچکس قلب و روح جوانان ایالات متحده آمریکا را مانند چارلی درک نکرد. او محبوب و مورد ستایش همه بود، به ویژه من؛ و اکنون دیگر در میان ما نیست. من و ملانیا همدردی خود را به همسر زیبایش، اریکا، و خانواده‌اش ابراز می‌کنیم. چارلی، ما دوستت داریم!»

ترامپ همچنین دستور داد که پرچم‌های آمریکا در سراسر این کشور تا ساعت ۶ عصر یکشنبه به نشانه احترام به چارلی کرک نیمه‌افراشته شوند.

رئیس جمهوری آمریکا در همین ارتباط نوشت: «به افتخار چارلی کرک، میهن‌پرستی بزرگ و واقعی آمریکایی، دستور می‌دهم که تمامی پرچم‌های آمریکا در سراسر ایالات متحده تا عصر یکشنبه نیمه‌افراشته شوند.»

کش پاتل رئیس پلیس فدرال آمریکا (FBI) نیز چهارشنبه شب به وقت محلی گفت که عامل تیراندازی که جان چارلی کرک را گرفت «اکنون در بازداشت است.» اما بعداً اعلام شد که مظنون سالخورده‌ای که بازداشت و فیلم آن نیز در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود، پس از رفع سوء ظن آزاد شده است.

هشدار نتانیا هو به دولت‌های منطقه: یاتروریست‌ها را اخراج کنید یا منتظر پیامدهای آن باشید!



سخنرانی بنیامین نتانیا هو در سالروز یادبود هولوکاست / آوریل ۲۰۲۵

وزارت خارجه قطر در بیانیه خود تأکید کرد این کشور «تهدیدهای صریح و آشکار به نقض احتمالی حاکمیت ملی» خود را محکوم می‌کند. این وزارتخانه اظهارات نتانیا هو را «تلاش بی‌شرمانه» برای توجیه حمله به دوحه خواند.

در این بیانیه آمده است: «نتانیا هو به خوبی می‌داند که میزبانی دفتر حماس [در دوحه] در چارچوب تلاش‌های میانجیگرانه قطر که به درخواست ایالات متحده و اسرائیل بود، انجام شده است.»

قطر همچنین بر نقش این دفتر در تسهیل تبادلات و آتش‌بس‌های متعدد که «مورد تأیید و قدردانی گسترده جامعه بین‌الملل قرار گرفته و موجب تسکین و امدادسانی به غیرنظامیان فلسطینی و گروگان‌های اسرائیلی شده» تأکید کرده و گفته است که نتانیا هو به خوبی از این موضوع آگاهی دارد.

از سوی دیگر محمد بن عبدالرحمن آل ثانی نخست‌وزیر قطر نیز در مصاحبه‌ای با شبکه «سی‌ان‌ان»، نتانیا هو را متهم کرد که با حمله به مقر رهبری حماس در دوحه، سرنوشت گروگان‌ها در غزه را به خطر انداخته است. او گفت: «من فکر می‌کنم آنچه نتانیا هو انجام داد، هرگونه امید برای این گروگان‌ها را از بین می‌برد.»

قطر به همراه مصر و ایالات متحده نقش میانجی را در جنگ غزه میان اسرائیل و گروه تروریستی حماس ایفا می‌کند. پس از حمله اسرائیل، این کشور نسبت به مشارکت آینده خود در مذاکرات آتش‌بس ابراز تردید کرده و گفته است که این موضوع را مورد بازنگری کامل قرار خواهد داد.

نخست‌وزیر قطر روز پنجشنبه ۲۰ شهریورماه در نشست اضطراری شورای امنیت سازمان ملل درباره حمله اسرائیل شرکت می‌کند. این نشست قرار بود چهارشنبه برگزار شود، اما یک روز به تعویق افتاد تا محمد بن عبدالرحمن آل ثانی امکان شرکت در آن را بیابد.

● نخست‌وزیر اسرائیل، از قطر و کشورهای که «به تروریست‌ها پناه می‌دهند» هشدار داده یا عوامل تروریست را اخراج کنند، یا منتظر پیامدهای آن باشند. قطر این هشدار را محکوم کرد و گفت، اقدامات نتانیا هو جان گروگان‌ها را به خطر می‌اندازد.

● بنیامین نتانیا هو گفته بود: «به قطر و تمام کشورهای که به تروریست‌ها پناه می‌دهند می‌گویم، یا آنها را اخراج کنید یا پاسخگو. چون اگر شما این کار را نکنید، ما خودمان اقدام خواهیم کرد.»

● وزارت خارجه قطر در بیانیه خود تأکید کرده این کشور «تهدیدهای صریح و آشکار به نقض احتمالی حاکمیت ملی» خود را محکوم می‌کند. این وزارتخانه اظهارات نتانیا هو را «تلاش بی‌شرمانه» برای توجیه حمله به دوحه خواند.

بنیامین نتانیا هو نخست‌وزیر اسرائیل به قطر و کشورهای که «به تروریست‌ها پناه می‌دهند» هشدار داده یا عوامل تروریست را اخراج کنند، یا منتظر پیامدهای آن باشند. قطر این هشدار را محکوم کرد و گفت، اقدامات نتانیا هو جان گروگان‌ها را به خطر می‌اندازد.

پس از حمله هوایی اسرائیل به مقر رهبران حماس در دوحه، انتقاد مقامات قطری از نتانیا هو بالا گرفت. در پی این حمله اما رهبران اسرائیل به دولت‌هایی که مانند حکومت قطر مأمون تروریست‌ها هستند هشدار دادند و خواستار اخراج تروریست‌ها شدند.

در واکنش به این درخواست، وزارت خارجه قطر با انتشار بیانیه‌ای این اظهارات را «گستاخانه» خوانده و محکوم کرده است.

نتانیا هو گفته بود: «به قطر و تمام کشورهای که به تروریست‌ها پناه می‌دهند می‌گویم، یا آنها را اخراج کنید یا پاسخگو. چون اگر شما این کار را نکنید، ما خودمان اقدام خواهیم کرد.»

→ همایش‌های چارلی نگاه کنید، برخلاف بریده‌های جعلی، از معدود مکان‌هایی هستند که در آنجا گفتگوی آزاد و صادقانه بین چپ و راست وجود دارد. او به هر سؤالی پاسخ می‌داد و با همه صحبت می‌کرد.»

مارکو روبریو وزیر امورخارجه آمریکا نیز گفت از خبر کشته شدن چارلی کرک غمگین و خشمگین است.

اسپنسر کاکس فرماندار ایالت یوتا در یک نشست خبری در مورد تیراندازی مرگبار به چارلی کرک گفت: «می‌خواهم روشن کنم که این یک ترور سیاسی است.»

فرماندار ایالت یوتا این روز را «روزی سیاه» برای ایالت یوتا و روزی فاجعه‌بار برای آمریکا خواند و با تأیید بازداشت مظنون به قتل کرک، گفت که هنوز حکم اعدام در این ایالت وجود دارد و اشد مجازات برای محکوم به قتل درخواست خواهد شد.

مایک جانسون رئیس جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا نیز این ترور را «به شدت ناراحت‌کننده» دانست و گفت: «چارلی دوست نزدیک و مورد اعتماد بود. بسیاری جای خالی او را به شدت احساس خواهند کرد. باید با صدای بلند و واضح این خشونت را محکوم کرد. برای همسر و فرزندان چارلی کرک دعا می‌کنم.»

جو بایدن رئیس جمهوری دموکرات پیشین آمریکا نیز در پیامی در رسانه‌های اجتماعی با تسلیت به خانواده چارلی کرک، گفت: «در کشور ما جایی برای این نوع خشونت وجود ندارد و باید همین حالا پایان یابد.»

باراک اوباما رئیس جمهوری دموکرات پیشین آمریکا نیز با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس به خانواده چارلی کرک تسلیت گفت و نوشت: «هنوز نمی‌دانیم چه انگیزه‌ای پشت تیراندازی و قتل چارلی کرک بوده، اما چنین خشونت نفرت‌انگیزی جایی در دموکراسی ما ندارد. من و میشل امشب برای خانواده چارلی دعا خواهیم کرد، به ویژه برای همسرش اریکا و دو فرزند خردسالشان.»

بیل کلینتون رئیس جمهوری دموکرات پیشین آمریکا نیز با تسلیت به خانواده چارلی کرک گفت: «از قتل چارلی کرک غمگین و خشمگین هستم. امیدوارم همه ما بطور جدی به درون خود نگاه کنیم و تلاش‌هایمان را برای مشارکت در بحث‌ها با شور، اما به صورت مسالمت‌آمیز، دوچندان نماییم.»

جرج بوش رئیس جمهوری جمهوریخواه پیشین آمریکا نیز گفت: «تبادل آزادانه دیدگاه‌های مخالف در محوطه دانشگاه باید مقدس باشد. اعضای احزاب سیاسی دیگر، دشمن ما نیستند؛ آنها هموطنان ما هستند.»

نانسی پلوسی رئیس سابق مجلس نمایندگان آمریکا و قانونگذار دموکرات نیز در پیامی که پیش از خبر کشته شدن چارلی کرک منتشر کرده بود، گفت: «تیراندازی وحشتناک امروز در دانشگاه یوتا سزاوار سرزنش است. خشونت سیاسی مطلقاً جایی در کشور ما ندارد.»

تد کروز سناتور جمهوریخواه نیز گفت: «من و هایدی همسر تد کروز بسیار اندوهگین و دلشکسته هستیم. قتل چارلی کرک یک اقدام شیطانی و صفت‌ناپذیر است. چارلی دوست صمیمی ما بود؛ ما اولین بار او را در ۱۸ سالگی ملاقات کردیم؛ او نقطه عطف ایده‌ای نوپا بود.» اشاره تد کروز به گروه «ترنینگ پوینت یواس‌ای» است که چارلی کرک بنیانگذار آن بود.

تد کروز تصریح کرد: «چارلی شجاع، باهوش، دلسوز و به شکلی پرقدردان صادق بود. او یک مسیحی استوار بود که با جسارت، انجیل را موعظه می‌کرد. چارلی کشور ما را عمیقاً دوست داشت و ما همیشه او را به یاد خواهیم داشت و میراث‌اش را گرامی خواهیم داشت.»

حمله پهبادی روسیه به لهستان؛ دونالد توسک: به درگیری مستقیم با روسیه نزدیک شده‌ایم



اصابت لاشه پهبادهای ساقط شده روسی به مناطق مسکونی

خواسته‌اند تا به حمایت‌های خود از روسیه در جنگ علیه اوکراین پایان دهد؛ این در حالیست که تهران ادعا می‌کند در جنگ میان مسکو و کیف، رویکرد بی‌طرفانه اتخاذ کرده است؛ ادعایی که با واقعیت‌ها و مدارک موجود هیچ همخوانی ندارد.

وزیر خارجه آلمان: روسیه نشان داد آماده دیپلماسی نیست

یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان گفت: «روسیه با ورود پهبادهای به لهستان، عملاً یک تشدید تنش را پذیرفته است.» او افزود «روسیه آماده دیپلماسی نیست، بنابراین ما پاسخ قاطع خواهیم داد.» وزیر خارجه آلمان گفت: «اکنون باید بررسی کنیم در چه وضعیتی قرار داریم و مقصود روسیه چه بوده است.»

ایوت کوپر وزیر خارجه بریتانیا نیز در واکنش به بمباران شبانه اوکراین و ورود پهبادهای روسی به حریم هوایی لهستان گفت این اقدامات «نمونه‌های آشکار دیگری از بی‌پروایی پوتین و بی‌اعتنایی او به جان انسان‌ها و صلح» است. او تأکید کرد: «بریتانیا در برابر اقدامات فاحش روسیه در کنار لهستان و اوکراین ایستاده است.»

بلاروس: پهبادهای روسی پس از جنگ الکترونیکی گم شدند
ارتش بلاروس مدعی شد پهبادهای روسی که وارد لهستان شده بودند، پس از تأثیر «جنگ الکترونیکی» مسیر خود را گم کردند. برخی تحلیلگران می‌گویند پایانه ارتش بلاروس به عنوان متحد روسیه، تلاشی برای توجیه اقدام جنگ‌افروانه‌ی مسکو است.

در مقابل اما آندری اورداش کاردار روسیه در ورشو، پس از ترک وزارت خارجه لهستان گفت: «ما یک چیز را می‌دانیم؛ این پهبادهای از سمت اوکراین پرواز می‌کردند.»

سرنگون شده‌اند و احتمال سقوط یک پهباد دیگر نیز وجود دارد. او تأکید کرد که این حوادث، موازنه سیاسی و امنیتی منطقه را تغییر داده است.

درخواست برای فعال ساختن ماده ۴ ناتو
لهستان رسماً خواستار فعال شدن ماده ۴ پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) شده است. ماده ۴ پیمان ناتو به کشورهای عضو اجازه می‌دهد در صورت احساس تهدید علیه تمامیت ارضی، استقلال سیاسی یا امنیت خود، خواستار تشکیل جلسه مشورتی با دیگر اعضا شوند. برخلاف ماده ۵ که شامل واکنش نظامی جمعی می‌شود، ماده ۴ بیشتر بر رایزنی و ارزیابی خطرات تمرکز دارد.

استفاده از پهبادهای ساخت جمهوری اسلامی
طبق برخی از گزارش‌ها، روسیه در این اقدام از پهبادهای «شاهد» ساخت جمهوری اسلامی استفاده کرده است. در همین ارتباط، جو ویلسون عضو مجلس نمایندگان آمریکا با اشاره به اینکه روسیه «با پهبادهای شاهد ساخت ایران به متحد ناتو، لهستان، حمله کرد»، نوشت که این یک «اقدام جنگی» از سوی مسکو است.

در سال‌های گذشته گزارش‌های زیادی درباره حمایت نظامی و لجستیک تهران و مسکو از یکدیگر منتشر شده است. طبق گزارش‌ها، روسیه از پهبادهای «شاهد» ساخت جمهوری اسلامی در جنگ علیه اوکراین استفاده می‌کند. از جمله در جدیدترین مورد، سرویس امنیتی اوکراین در میانه‌های امردادماه امسال اعلام کرد که پهبادهای این کشور به چند هدف صنعتی و نظامی در مناطق مختلف روسیه، از جمله پالایشگاه‌ها، مراکز سوخت و انبار ذخیره پهبادهای انتحاری «شاهد» حمله کرده‌اند.

کشورهای غربی تا کنون بارها از جمهوری اسلامی

● دولت لهستان اعلام کرد چند فروند پهباد روسی را که وارد حریم هوایی این کشور شده بودند، منهدم کرده است. در پی ورود این پهبادهای به آسمان لهستان، جنگنده‌های این کشور با پشتیبانی اعضای ناتو، بامداد روز چهارشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴ برای هدف گرفتن این پهبادهای به پرواز درآمدند.

● دونالد توسک نخست‌وزیر لهستان با هشدار در مورد تشدید تهدیدات امنیتی از سوی روسیه اعلام کرد که این کشور در پی نفوذ پهبادهای روسی به حریم هوایی‌اش، در «نزدیک‌ترین شرایط به درگیری مستقیم از زمان جنگ جهانی دوم» قرار گرفته است.

● لهستان رسماً خواستار فعال ساختن ماده ۴ پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) برای رایزنی و تبادل نظر درباره این واقعه شده است.

● یوهان وادفول وزیر خارجه آلمان گفت: «روسیه با ورود پهبادهای به لهستان، عملاً یک تشدید تنش را پذیرفته است.» او افزود «روسیه آماده دیپلماسی نیست، بنابراین ما پاسخ قاطع خواهیم داد.» وزیر خارجه آلمان گفت: «اکنون باید بررسی کنیم در چه وضعیتی قرار داریم و مقصود روسیه چه بوده است.»

● ایوت کوپر وزیر خارجه بریتانیا نیز در واکنش به بمباران شبانه اوکراین و ورود پهبادهای روسی به حریم هوایی لهستان گفت این اقدامات «نمونه‌های آشکار دیگری از بی‌پروایی پوتین و بی‌اعتنایی او به جان انسان‌ها و صلح» است.

دولت لهستان اعلام کرد چند فروند پهباد روسی را که وارد حریم هوایی این کشور شده بودند، منهدم کرده است. در پی ورود این پهبادهای به آسمان لهستان، جنگنده‌های این کشور با پشتیبانی اعضای ناتو، بامداد روز چهارشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴ برای هدف گرفتن این پهبادهای به پرواز درآمدند.

از زمان آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین این نخستین بار است که اروپا با چنین تهدیدی روبرو می‌شود. ارتش لهستان شمار این پهبادهای را «ده‌ها» فروند اعلام کرده که بسیاری از آنها سرنگون شدند.

مقامات لهستانی تأکید کردند که بلافاصله فرماندهی ناتو را در جریان این حمله قرار داده‌اند. پس از ورود پهبادهای روسی به حریم هوایی لهستان فرودگاه بین‌المللی ورشو بسته شد و ارتش در حالت آماده باش کامل قرار گرفت.

دونالد توسک نخست‌وزیر لهستان با هشدار در مورد تشدید تهدیدات امنیتی از سوی روسیه اعلام کرد که این کشور در پی نفوذ پهبادهای روسی به حریم هوایی‌اش، در «نزدیک‌ترین شرایط به درگیری مستقیم از زمان جنگ جهانی دوم» قرار گرفته است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، توسک روز چهارشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴ طی سخنانی در پارلمان لهستان گفت که شب گذشته دست‌کم ۱۹ مورد نفوذ پهباد به آسمان این کشور ثبت شده است. وی افزود: «ادعای منم در آستانه جنگ هستیم، اما (پهبادهای روسی) از مرز عبور کرده که شرایط را به مراتب خطرناک‌تر از گذشته کرده است.»
به گفته نخست‌وزیر لهستان، سه پهباد روسی بطور قطعی

خارج از سایه‌ها؛ درباره ضربه بعدی اسرائیل و سرنوشت احتمالی جمهوری اسلامی و ایران



تهران در اولین ساعات حمله خردادماه اسرائیل

اسرائیل و متحدانش روی آن حساب باز کرده‌اند زیرا ساختار حکومت در تهران پس از دست دادن پشتیبانی لجستیک و مالی و... توانایی کنترل جمعیت را از دست خواهد داد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که تیم‌های ویژه اسرائیلی در ماه‌های اخیر با تحلیل دقیق رفتار اجتماعی ایرانیان سناریویی طراحی کرده‌اند که از آن به عنوان «اثر دومینو» یاد می‌شود طبق این طرح ضربه نظامی اولیه تنها یک سیگنال برای آغاز فروپاشی درونی است و به محض اینکه مردم شاهد آسیب شدید به مراکز حساس مانند سپاه و وزارت اطلاعات و پایگاه‌های موشکی باشند اعتماد به قدرت حکومت فرو می‌ریزد و موجی خودجوش از اعتراضات گسترده در شهرهای بزرگ از تهران تا اصفهان و شیراز شکل خواهد گرفت. این اعتراضات در ساعات اولیه بدون سازماندهی رسمی اما با سرعتی خارج از کنترل گسترش می‌یابد و در همان لحظات حساس حلقه‌های فرماندهی سپاه برای سرکوب ناتوان می‌شوند چون خطوط ارتباطی و مراکز فرماندهی از بین رفته‌اند.

این واقعیت که عملیات دوم اسرائیل نه فقط یک حمله نظامی بلکه یک طراحی پیچیده روانی و اجتماعی است و آن را از تمام حملات پیشین متمایز می‌کند. کارشناسان اطلاعاتی می‌گویند اسرائیل بر این باور است که رژیم جمهوری اسلامی پس از این حمله درگیر بحرانی ترکیبی از فروپاشی امنیتی و اقتصادی و اجتماعی خواهد شد و هیچ ساختار جایگزینی برای مدیریت وضعیت وجود ندارد. در چنین شرایطی موج تظاهرات می‌تواند بدون شلیک حتی یک گلوله کل بدنه سیاسی تهران را از هم پاشد و این همان نقطه‌ای است که تحلیلگران امنیتی اسرائیل از آن به عنوان لحظه تعیین‌کننده یاد می‌کنند؛ لحظه‌ای که مردم و نه ارتش کار حکومت را تمام خواهند کرد.

*دکتر بهزاد معصومی تحلیلگر سیاسی و نظامی

سامانه‌های راداری در ایران با پهنادهای کوچک و موشک‌های نقطه‌زن است که در حمله ماه ژوئن ۲۰۲۵ موفقیت‌آمیز اجرا شدند و حالا همان مدل عملیات با تکنیک‌های پیشرفته‌تر دوباره به کار گرفته می‌شود و اسرائیل می‌داند که اینبار باید ضربه آخر را بزند.

در تهران فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به خوبی درک کرده‌اند که حمله بعدی می‌تواند ستون فقرات دفاعی آنها را به کلی نابود کند و به همین دلیل ایران در هفته‌های اخیر سامانه‌های پدافندی «باور۳۷۳» و «خرداد۱۵» را در اطراف سایت‌های حساس مانند فردو و نطنز مستقر کرده است. اما کارشناسان می‌دانند که این لایه دفاعی برای مقاومت در برابر موج حملات هوایی اسرائیل کافی نخواهد بود زیرا اسرائیل قادر است همزمان از موشک‌های ضدپدافندی دالبی و پهپادهای انتحاری بهره بگیرد و ساختار پدافند ایران را فلج کند.

برخی منابع امنیتی اروپایی می‌گویند تمرکز اسرائیل بر «حمله کورکننده» است. یعنی ضربه‌ای که قبل از هر واکنشی تمام مراکز فرماندهی و خطوط ارتباطی سپاه را از بین می‌برد و این یک نقطه عطف در تاریخ جنگ‌های هوایی خاورمیانه خواهد بود. اما در این میان یک نکته کلیدی وجود دارد و آن تاثیر اجتماعی چنین حمله‌ای است. تحلیل‌های امنیتی و همچنین دیدگاه شخصی من نشان می‌دهد که در صورت اجرای عملیات دوم، مردم ایران خودکار و بدون سازماندهی خاصی به خیابان‌ها خواهند آمد زیرا این حمله نه فقط زیرساخت نظامی بلکه ستون روانی رژیم را نابود خواهد کرد. برنامه‌ریزی طوری انجام شده که خاموشی‌های گسترده شبکه برق، قطع اینترنت و فروپاشی کنترل امنیتی موجب هرج و مرج داخلی خواهد شد و در این شرایط مردم برای نجات خود مجبور می‌شوند از خانه بیرون بیایند. این دقیقاً همان چیزی است که

● نشانه‌ها آشکار است؛ تصاویر ماهواره‌ای از تحرکات گسترده یگان‌های هوایی اسرائیل نشان می‌دهد که در هفته‌های آینده یک عملیات جدید در راه است؛ عملیاتی که نه یک نبرد گسترده بلکه یک ضربه محدود و دقیق خواهد بود. ● گزارش‌ها نشان می‌دهد که تیم‌های ویژه اسرائیلی در ماه‌های اخیر با تحلیل دقیق رفتار اجتماعی ایرانیان سناریویی طراحی کرده‌اند که از آن به عنوان «اثر دومینو» یاد می‌شود طبق این طرح ضربه نظامی اولیه تنها یک سیگنال برای آغاز فروپاشی درونی است و به محض اینکه مردم شاهد آسیب شدید به مراکز حساس مانند سپاه و وزارت اطلاعات و پایگاه‌های موشکی باشند اعتماد به قدرت حکومت فرو می‌ریزد و موجی خودجوش از اعتراضات گسترده در شهرهای بزرگ از تهران تا اصفهان و شیراز شکل خواهد گرفت.

بهزاد معصومی - در حالی که سایه جنگ همچنان بر آسمان خاورمیانه گسترده شده، اسرائیل پس از موفقیت در عملیات ژوئن و ضربات دقیق علیه مراکز هسته‌ای و فرماندهی جمهوری اسلامی اکنون در مرحله‌ای قرار دارد که باید موازنه قدرت را برای همیشه به نفع خود تثبیت کند. نشانه‌ها آشکار است؛ تصاویر ماهواره‌ای از تحرکات گسترده یگان‌های هوایی اسرائیل نشان می‌دهد که در هفته‌های آینده یک عملیات جدید در راه است؛ عملیاتی که نه یک نبرد گسترده بلکه یک ضربه محدود و دقیق خواهد بود. هدف نیز روشن است: از کار انداختن ظرفیت هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران در زمانی که هنوز کامل نشده و حذف کامل زیرساخت‌های موشکی و فرماندهی که تهدیدی مستقیم برای تل‌آویو و حیفا محسوب می‌شود. منابع اطلاعاتی غربی تایید می‌کنند که مוסاد از تابستان گذشته شبکه‌ای پیچیده از عملیات نفوذی و خرابکاری را طراحی کرده است. این عملیات‌ها شامل از کار انداختن

پدیده «مرگ تخصص» و مسائل روز ایران



می‌کنند در حالی که خود مثلاً جهت درمان خود یا حل مشکلات و معضلات دیگر فردی و اجتماعی به «تخصص» آنها نیاز دارند.

- در یک ارتباط و تأثیرگذاری متقابل، پوپولیسم با تضعیف نهادهای علمی و حرفه‌ای رشد می‌کند.

۵. پیامدهای بی‌اعتنایی به تخصص

- در پزشکی، علم، سیاست عمومی و حقوق، نادیده گرفتن نظر متخصصان می‌تواند پیامدهای خطرناک داشته باشد.

- در نتیجه، جامعه در معرض تصمیم‌گیری‌های غلط، کاهش اعتماد عمومی و سوء استفاده سیاسی قرار می‌گیرد.

۶. لزوم برقراری توازن

- نیکولز این واقعیت را تأیید می‌کند که متخصصان نیز خطا می‌کنند و اساساً پدیده «آزمون و خطا» بخشی از روند فعالیت تخصصی و حرفه‌ای است. اما همزمان کسب تخصص و ارتقاء آن، بر اساس شواهد و مستندات، نقد تطبیقی و مدام و روندهای اصلاحی پیش می‌رود؛ در حالی که صرف «عقیده» و «نظر» غالباً در برابر تصحیح و اصلاح مقاومت می‌کند و اساساً ساکن و راکد است و خود را نیازمند بررسی به روش‌های علمی و تخصصی نمی‌داند.

- مردم باید میان احترام به دانش تخصصی و شک علمی و آگاهانه تعادل برقرار کنند.

- این کتاب هشدار می‌دهد که کاهش و فرسایش احترام به تخصص در جوامع خطرناک است. نیکولز تأکید دارد که بی‌اعتمادی به متخصصان نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری جمعی را پایین می‌آورد، بلکه اعتماد اجتماعی و پایه‌های دموکراسی را نیز تضعیف می‌کند.

کتاب «مرگ تخصص» تام نیکولز اگرچه درباره بحران بی‌اعتمادی به متخصصان در آمریکا و غرب نوشته

را زیر سؤال می‌برد و باور دارند که نظر شخصی آنان به همان اندازه دانش تخصصی ارزش دارد.

نکات اصلی کتاب را می‌توان چنین برشمرد:

۱. رشد ضد روشنفکری و ضد تخصص

- بی‌اعتمادی به متخصصان و انکار این واقعیت که بسیاری از دانش‌ها نیازمند سال‌ها آموزش و تجربه‌اند.
- ارتقاء «عقل سلیم» یا باور شخصی به جایگاه برابر با تخصص علمی.

۲. نقش اینترنت و رسانه‌های اجتماعی (سوشال مدیا)

- اینترنت دسترسی به اطلاعات را همگانی کرده، اما همزمان راه را برای گسترش شایعات و اطلاعات نادرست باز کرده است.

- بسیاری از کاربران رسانه‌های اجتماعی «اطلاعات» و «خبر» و «تحلیل» شخصی افراد را با «دانش» و «فهم» اطلاعات «درک علمی» اشتباه می‌گیرند.
- در چنین فضایی، پژواک فریب و جعل و نظریه‌های توطئه تقویت می‌شوند.

۳. آموزش عالی و ذهنیت مصرف‌گرایانه

- دانشگاه‌ها گاه دانشجو را مانند «مشتري» می‌بینند و از سختگیری علمی و پرورش فکر و درک مستقل آنان می‌کاهند.

- این امر حس حق به جانب بودن ایجاد می‌کند که نظر چنین دانشجویی باید هم‌سنگ حقیقت تلقی شود، همانگونه که در بازار، حق با «مشتري» است!

۴. رسانه‌ها و سیاست‌های پوپولیستی

- برخی رسانه‌ها و سیاستمداران بی‌اعتمادی به متخصصان را تشویق می‌کنند و آنان را نخبه‌گرا یا جدا از مردم معرفی

● تام نیکولز استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در کتاب «مرگ تخصص» استدلال می‌کند که جامعه امروز با یک بحران روبروست: مردم روز به روز بیشتر اعتبار و مرجعیت متخصصان، پژوهشگران و صاحبان دانش حرفه‌ای را زیر سؤال می‌برند و باور دارند که نظر شخصی آنان به همان اندازه دانش تخصصی ارزش دارد.

● بسیاری از کاربران رسانه‌های اجتماعی «اطلاعات» و «خبر» و «تحلیل» شخصی افراد را با «دانش» و «فهم» اطلاعات «درک علمی» اشتباه می‌گیرند.

● مردم باید میان احترام به دانش تخصصی و شک علمی و آگاهانه تعادل برقرار کنند. - این کتاب هشدار می‌دهد که کاهش و فرسایش احترام به تخصص در جوامع خطرناک است. نیکولز تأکید دارد که بی‌اعتمادی به متخصصان نه تنها کیفیت تصمیم‌گیری جمعی را پایین می‌آورد، بلکه اعتماد اجتماعی و پایه‌های دموکراسی را نیز تضعیف می‌کند.

● کتاب «مرگ تخصص» تام نیکولز اگرچه درباره بحران بی‌اعتمادی به متخصصان در آمریکا و غرب نوشته شده، ولی وقتی به شرایط امروز ایران نگاه کنیم، شباهت‌ها و درس‌های مهمی برای جامعه ما نیز دارد. آنهم در حالی که چند دهه تلاش مداوم جمهوری اسلامی در گسترش خردستیزی و خرافه به این امر دامن نیز زده است.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - نویسنده کتاب «مرگ تخصص» (The Death of Expertise) تام نیکولز (Tom Nichols) است. او استاد علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در دانشگاه هاروارد (Harvard Extension School) بوده و تخصص اصلی‌اش در حوزه سیاست خارجی، امنیت ملی و مسائل نظامی است.

تام نیکولز در این کتاب استدلال می‌کند که جامعه امروز با یک بحران روبروست: مردم روز به روز بیشتر اعتبار و مرجعیت متخصصان، پژوهشگران و صاحبان دانش حرفه‌ای

دوران محمد رضا شاهی؛ پایان بلا تکلیفی و ماتم زدگی

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



ویدئو

می‌دادند روزی سیصد هزار لیره از منابع نفت کشور تامین کنند، اشخاصی که با برقراری حکومت نظامی مخالفت می‌کردند، عناصری که وعده انتخابات آزاد می‌دادند، در چاه‌های نفت را بستند و یک دقیقه بدون حکومت نظامی زندگی نکردند و بسیاری را قربانی دخالت‌های انتخاباتی و تحمیلی خود نمودند...

۲۸ مرداد ۱۳۳۶ در سالروز قیام ملی ۲۸ مرداد شاه در پیامی به ملت ایران بیان داشت: «در مردادماه ۱۳۳۲ بلا تکلیفی و ماتم‌زدگی بر کلیه مملکت مستولی شده بود. هر روز در کوچه و بازار به تحریک خائنان دسته‌هایی به راه می‌افتادند و صداهایی از حلقوم آنها شنیده می‌شد که آتش خرابی و ویرانی کشور را دامن می‌زد. کسانی که وعده

زیر عبا ی شیخ قطر!



© کیهان لندن / کارتون‌های بهنام محمدی

→ شده، ولی وقتی به شرایط امروز ایران نگاه کنیم، شباهت‌ها و درس‌های مهمی برای جامعه ما نیز دارد آنهم در حالی که چند دهه تلاش مداوم جمهوری اسلامی در گسترش خردسبزی و خرافه به این امر دامن نیز زده است.

۱. وضعیت امروز ایران و بی‌اعتمادی گسترده به نخبگان و متخصصان

- در ایران امروز، شکاف بزرگی میان مردم و متخصصان شکل گرفته است.
- حکومت بسیاری از متخصصان (پزشکان، دانشگاهیان، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان) را یا به حاشیه رانده یا سانسور و عوامل خود را جانشین آنها کرده است.
- در نتیجه، مردم هم گاه میان متخصص واقعی و «کارشناس حکومتی» تفاوتی قائل نمی‌شوند و به کل از تخصص فاصله می‌گیرند.

۲. رسانه‌های حکومتی و ترویج شبه‌علم

- رسانه‌های رسمی بجای تکیه بر دانش تخصصی، اغلب روایت‌های ایدئولوژیک یا شبه‌علمی را پخش می‌کنند (مثلاً در مورد کرونا، محیط زیست، یا اقتصاد).
- این امر باعث می‌شود مردم به منابع غیررسمی پناه ببرند، که خود می‌تواند زمینه‌ساز انتقال و دریافت اطلاعات جعلی و شایعات و تئوری‌های توطئه شود.

۳. مهاجرت نخبگان (فرار مغزها)

- به‌علت فشارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، بسیاری از متخصصان ایران را ترک کرده‌اند.
- در چنین چرخه‌ی معیوبی، وقتی حضور متخصصان در داخل کشور کم‌رنگ می‌شود، میدان برای افراد غیرمتخصص و تصمیم‌گیران ایدئولوژیک بیشتر باز می‌شود. این دقیقاً مصداق «مرگ تخصص» است.

۴. پوپولیسم و شعارهای سطحی

- در سیاست ایران نیز مثل بسیاری از نقاط جهان، شعارهای پوپولیستی و عوام‌پسند جایگزین برنامه‌های علمی و کارشناسی شده‌اند.
- نمونه روشن آن در حوزه اقتصاد و مدیریت منابع ملی است که بارها با نادیده گرفتن توصیه‌های اقتصاددانان، تصمیم‌های کوتاه‌مدت و غیرعلمی گرفته شده و در نتیجه کشور را دچار انواع بحران‌ها ساخته است.

۵. خطر برای آینده جامعه

- همانطور که نیکولز هشدار می‌دهد، نادیده گرفتن تخصص منجر به تصمیم‌های غلط و بحران‌های جدی می‌شود.
- در ایران، این امر را در بحران‌های محیط زیستی (خشک شدن دریاچه‌ها و رودخانه‌ها)، نظام سلامت (کمبود دارو و مهاجرت پزشکان) و همچنین اقتصاد (تورم و سقوط ارزش پول ملی) به روشنی می‌بینیم.
کتاب «مرگ تخصص» به ما یادآوری می‌کند که احترام به دانش تخصصی و حرفه‌ای برای بقای هر جامعه حیاتی است. در ایران امروز، یکی از ریشه‌های بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همین بی‌توجهی به متخصصان و غلبه ایدئولوژی و پوپولیسم بر علم و عقلانیت، بر دانش و خرد، است. اگر جامعه ایران بخواهد از این چرخه‌ی بحران‌ساز و تشدیدشونده بیرون بیاید، باید گوش سپردن به متخصصان مستقل را به عنوان یک اصل حیاتی به سیاست و اجتماع و اقتصاد و همه‌ی عرصه‌های زندگی بازگرداند.

معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی: احتمال وقوع جنگ جدید با اسرائیل بالاست



جنگ ۱۲ روزه، تهران

● سعید خطیب‌زاده از معاونین وزارت خارجه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه تلویزیونی در بغداد پیش‌بینی کرد احتمال وقوع جنگ جدید با اسرائیل بالاست.

● او در این مصاحبه به کشته شدن بیش از ۲۵ فرمانده ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ساعات اولیه جنگ ۱۲ روزه اشاره کرد و گفت: «شهادت فرماندهان ایران یک جنایت است و روش و منش اسرائیل بر ترور استوار است. رژیم صهیونیستی پس از تجاوز به حاکمیت ایران، پاسخ قوی از سوی ایران دریافت کرد.»

● مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی ۲۲ تیرماه ۱۴۰۴ در یک سخنرانی گفته بود: «در تلاش هستیم با پیشبرد مسیر دیپلماسی از تکرار جنگ و درگیری جلوگیری شود». اما با عدم پذیرش شروط غربی‌ها برای مذاکره و توافق، حکومت در آستانه یک جنگ دیگر قرار گرفته است.

سعید خطیب‌زاده از معاونین وزارت خارجه جمهوری اسلامی در یک مصاحبه تلویزیونی در بغداد پیش‌بینی کرد که احتمال وقوع جنگ جدید با اسرائیل بالاست.

او در این مصاحبه به کشته شدن بیش از ۲۵ فرمانده ارشد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی در ساعات اولیه جنگ ۱۲ روزه اشاره کرد و گفت: «شهادت فرماندهان ایران یک جنایت است و روش و منش اسرائیل بر ترور استوار است. رژیم صهیونیستی پس از تجاوز به حاکمیت ایران، پاسخ قوی از سوی ایران دریافت کرد.»

خطیب‌زاده افزود: «به دلیل ترور فرماندهان با یک چالش امنیتی مواجه شدیم، اما توانستیم پس از ساعتی زمام امور را بدست بگیریم.»

او همچنین گفت: «ما تلاش می‌کنیم که منطقه وارد جنگ دیگری نشود، اما احتمال وقوع جنگ میان ایران و رژیم صهیونیستی بسیار بالاست. جنگی که علیه ایران صورت گرفت، حقیقت روی زمین را به‌خصوص در موضوع

رپرتاژ آگهی عباس عراقچی در «گاردین»؛ آنقدر اسرائیل را شکست می‌دهیم که به «بابابزرگ» پناه برد!

● عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی یک رپرتاژ آگهی در روزنامه «گاردین» نوشت، جمهوری اسلامی ایران آماده است تا به توافقی واقعی و پایدار شکل دهد که نظارت دقیق و محدودیت‌هایی در غنی‌سازی را در ازای لغو تحریم‌ها به همراه داشته باشد.

● وزیر خارجه جمهوری اسلامی با زبانی تهدیدآمیز سه قدرت اروپایی را متهم به «کینه‌توزی» کرده و می‌نویسد: «آنها به‌شکلی هدفمند و با تمرکز کامل در حال دنبال کردن مسیری خطرناک هستند، با این منطق که شاید این اقدام به آنها جایگاهی در میز مذاکره درباره مسائل دیگر بدهد.» او همچنین تهدید کرده است که فعال کردن مکانیسم ماشه «اشتباه بزرگ» است که به ضرر اروپایی‌ها تمام می‌شود.

● عراقچی در ادامه‌ی این آگهی با لحنی بسیار تند می‌نویسد: «اسرائیل ممکن است خود را قادر به جنگیدن به نمایندگی از غرب نشان دهد، اما همانطور که در ماه خرداد دیدیم، حقیقت این است که نیروهای مسلح قدرتمند [جمهوری اسلامی] ایران بار دیگر آماده و توانمندند تا اسرائیل را چنان شکست دهند که مجبور شود برای نجات به بابابزرگ [آمریکا] پناه برد.»

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی طی یک رپرتاژ آگهی در روزنامه «گاردین» نوشت، جمهوری اسلامی ایران آماده است تا به توافقی واقعی و پایدار شکل دهد که نظارت دقیق و محدودیت‌هایی در غنی‌سازی را در ازای لغو تحریم‌ها به همراه داشته باشد.

عراقچی سه قدرت اروپایی را به دلیل فعال کردن مکانیسم ماشه متهم به «کینه‌توزی» کرد و تهدید کرد که پیامدهای خطرناکی در انتظار آنهاست! او همچنین درباره اسرائیل نوشت: «حقیقت این است که نیروهای مسلح قدرتمند ایران بار دیگر آماده و توانمندند تا اسرائیل را چنان شکست دهند که مجبور شود برای نجات به بابابزرگ [آمریکا] پناه برد!»

در مقدمه این رپرتاژ آگهی که ۷ سپتامبر (۱۶ شهریور) منتشر شد آمده است: «بیش از دو دهه است که اروپا در کانون بحران ساختگی و ادامه‌دار پیرامون برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشور قرار دارد. از جهات زیادی، نقش اروپا بازتاب‌دهنده وضعیت کلی‌تر روابط قدرت در عرصه بین‌المللی بوده است. اروپا که زمانی نیروی میانه‌رو بود و تلاش می‌کرد تا آمریکا را که در منطقه ما اهداف حداکثری داشت مهار کند، امروزه به تسهیل‌گر زیاده‌خواهی‌های واشنگتن تبدیل شده است.»

عراقچی با اشاره به فعال شدن «مکانیسم ماشه» توسط سه قدرت اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان) آن را —

هسته‌ای تغییر داد و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قادر به حمایت از تاسیسات هسته‌ای ایران نبود.»

مسعود پزشکیان رئیس دولت جمهوری اسلامی ۲۲ تیرماه ۱۴۰۴ در یک سخنرانی گفته بود: «در تلاش هستیم با پیشبرد مسیر دیپلماسی از تکرار جنگ و درگیری جلوگیری شود». اما با عدم پذیرش شروط غربی‌ها برای مذاکره و توافق، حکومت در آستانه یک جنگ دیگر قرار گرفته است.

در ایران بخشی از حکومت «مقاومت» را نسخه‌ی نجاتبخش جمهوری اسلامی می‌دانند. آنها می‌گویند: «وقایع جنگ ۱۲ روزه تکرار تاریخ عاشورا بود.»

مرکز امنیت و امور خارجی اورشلیم اخیراً در تحلیلی نوشت، جمهوری اسلامی ایران در شرایطی شکننده قرار دارد؛ علی‌خامنه‌ای در آستانه افول است و هیچ‌یک از گزینه‌های مطرح برای جانشینی توان حفظ اصل ولایت فقیه را ندارند.

پیشتر رکسانا نیکنامی استاد مطالعات منطقه‌ای دانشگاه تهران در رابطه با احتمال وقوع جنگ مجدد میان جمهوری اسلامی و اسرائیل در مصاحبه با «ایلنا» گفته بود: «فعال شدن مکانیسم ماشه خطر جنگ را افزایش خواهد داد، زیرا هزینه‌های حمله به ایران برای اسرائیل در بعد بین‌الملل کمتر خواهد شد.»

او توضیح داد: «فعال شدن مکانیسم ماشه به معنای اعلام جنگ است و جو داخلی ایران هم بطور قطع واکنش‌هایی را به همراه خواهد داشت که ممکن است ترس را در افکار عمومی اروپا ایجاد کند. بنابراین در این فضا، شرایط برای اینکه اسرائیل بخواهد اقدامی کند، پیشتر فراهم می‌شود.»

پیامدهای جنگ ۱۲ روزه، فعال شدن مکانیسم ماشه و تکرار احتمالی یک جنگ دیگر بر زندگی مردم و اقتصاد ایران سایه افکنده است به ویژه آنکه به نظر می‌رسد حکومت گزینه‌ای برای خروج از بحران ندارد و شروط غربی‌ها نیز تا کنون از سوی تهران پذیرفته نشده است.

دیدار عراقچی و کالاس در دوحه؛ «یک هیأت ایرانی به وین می‌رود»



عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران

عراقچی در دوحه علاوه بر کالاس، با امیر قطر و رهبران گروه تروریستی حماس نیز دیدار کرد. سه دولت اروپایی بریتانیا، آلمان و فرانسه ششم شهریور در نامه‌ای به شورای امنیت اعلام کردند که مکانیسم ماشه را فعال کردند. از لحاظ قانونی طرفین برجام ۳۰ روز از زمان ارسال نامه به شورای امنیت و تا پیش از آغاز بازگشت تحریم‌ها (پایان ماه اکتبر) فرصت دارند تا به توافقی دست یابند؛ اما بعید به نظر می‌رسد با وجود اختلاف‌های فراوانی که میان جمهوری اسلامی ایران و طرفین غربی وجود دارد، این امر امکان‌پذیر باشد با اینهمه طرفین ادعا می‌کنند درهای دیپلماتیک برای گفتگو باز است.

اروپایی‌ها سه شرط پیش روی جمهوری اسلامی قرار داده‌اند: از سر گرفتن مذاکرات با ایالات متحده، بازگرداندن دسترسی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به برخی تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی و ارائه گزارشی شفاف و کامل درباره ذخایر اورانیوم غنی‌شده به ویژه بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی که طبق گزارش آژانس، همچنان در اختیار جمهوری اسلامی ایران است. علاوه بر این هر سه کشور اروپایی تأکید کرده‌اند که باید بر سر مسائل موشکی و اتمی نیز تکلیف روشن شود. آمریکا از این مواضع اروپا حمایت می‌کند.

دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا خواستار برچیده شدن تمام ظرفیت‌های غنی‌سازی در ایران است و در مقابل مقامات تهران می‌گویند اینها «خطوط قرمز نظام است». وبسایت «فرارو» در گزارشی می‌نویسد: «از آنجایی که شروط ارائه شده به نوعی با خطوط قرمز ایران در تضاد است و خصوصاً ایران پس از جنگ ۱۲ روزه عملاً نمی‌تواند اطمینان کاملی به طرف‌های غربی داشته باشد؛ از همین رو از سرگیری دیپلماسی در چنین فضایی عملاً دور از ذهن به نظر می‌رسد؛ هرچند در میدان سیاست تا آخرین لحظه هیچ احتمالی را نمی‌توان کاملاً بعید شمرد.»

● خبرنگار روزنامه «والاستریت ژورنال» در پیامی مدعی شده که قرار است روز جمعه ۵ سپتامبر (۱۴ شهریور) یک هیئت دیپلماتیک ایرانی به وین سفر کند. او نوشت «این سفر پس از گفتگوهای دیشب با کالاس در دوحه انجام می‌شود.»

● به گزارش «ایرنا»، عراقچی از کالاس خواست تا به عنوان هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام در جهت انجام مسئولیت خود در راستای قطعنامه ۲۳۲۱ گام بردارد و آنچه را او «تحركات علیه دیپلماسی» خواند، «خنثی کند.»

خبرنگار روزنامه «والاستریت ژورنال» در پیامی مدعی شده که قرار است روز جمعه ۵ سپتامبر (۱۴ شهریور) یک هیئت دیپلماتیک ایرانی به وین سفر کند. او نوشت: «این سفر پس از گفتگوهای دیشب با کالاس در دوحه انجام می‌شود.» عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز پنجشنبه در دوحه با کالاس مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا دیدار کرد. هدف از این دیدار، تلاش برای دستیابی به راه حلی دیپلماتیک برای رفع اختلافات بر سر برنامه هسته‌ای ایران عنوان شده است.

گفته می‌شود طرفین اروپایی خواستار دستیابی به راه حلی هستند که در آن بر سر دسترسی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای و روشن شدن سرنوشت ذخایر اورانیوم با غلظت بالا در ایران توافق شود.

رسانه‌های حکومتی در ایران گزارش دادند که عراقچی در دیدار با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر «پایبندی مستمر جمهوری اسلامی ایران به مسیر دیپلماسی» تأکید کرده و گفته که «ایران در این موضع خود جدی و ثابت‌قدم است.» به گزارش «ایرنا»، عراقچی از کالاس خواست تا به عنوان هماهنگ‌کننده کمیسیون مشترک برجام در جهت انجام مسئولیت خود در راستای قطعنامه ۲۳۲۱ گام بردارد و آنچه را او «تحركات علیه دیپلماسی» خواند، «خنثی کند.»

«بی‌پایه» و «بدون مبنای قانونی» دانست و مدعی شد سه کشور اروپایی می‌خواهند جهان فراموش کند که این آمریکا بود که به صورت یکجانبه از برجام خارج شد، نه جمهوری اسلامی ایران.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی با زبانی تهدیدآمیز سه قدرت اروپایی را متهم به «کینه‌توزی» کرده و می‌نویسد: «آنها به‌شکلی هدفمند و با تمرکز کامل در حال دنبال کردن مسیری خطرناک هستند، با این منطق که شاید این اقدام به آنها جایگاهی در میز مذاکره درباره مسائل دیگر بدهد.» او همچنین تهدید کرده است که فعال کردن مکانیسم ماشه «اشتباه بزرگ» است که به ضرر اروپایی‌ها تمام می‌شود.

در بخش دیگری از این رپرتاژ آگهی آمده: «همانطور که به هم‌تایان خود در سه کشور اروپایی هشدار داده‌ام، بازی آنها نتیجه‌ای را که می‌خواهند در پی نخواهد داشت. برعکس، این امر فقط باعث حذف سه کشور از روندهای دیپلماتیک آینده خواهد شد که پیامدهای منفی گسترده‌ای برای کل اروپا از نظر اعتبار و جایگاه جهانی آن به همراه خواهد داشت.»

عراقچی همچنین با خرج کردن از کیسه‌ی «ملت ایران» مدعی شده: «ملت ایران خواستار تضمین» به عنوان پیش‌شرط مذاکره است. اشاره او به تضمین درواقع عدم استفاده از گزینه نظامی علیه جمهوری اسلامی است.

بازی باخت-باخت

وزیر خارجه جمهوری اسلامی توصیه کرده است: «برای خروج از این بازی باخت-باخت کنونی، سه کشور اروپایی باید مسیر مخرب خود را عوض کنند؛ نه به خاطر خشنود کردن ایران بلکه به خاطر خودشان و به این دلیل که قربانی کردن منافع امنیتی خود در یک پرونده، هیچ جایگاهی در مسائل دیگر برای آنها به همراه نخواهد داشت.» او افزود: «ایران آماده است تا توافقی واقعی و پایدار شکل دهد که نظارت دقیق و محدودیت‌هایی در غنی‌سازی را در ازای لغو تحریم‌ها به همراه داشته باشد. اگر این فرصت کوتاه برای تغییر مسیر از دست برود، پیامدهایی به همراه خواهد داشت که می‌تواند برای منطقه و فراتر از آن بطور بی‌سابقه‌ای مخرب باشد.»

تهدید مستقیم اسرائیل

عراقچی در ادامه‌ی این آگهی با لحنی بسیار تند می‌نویسد: «اسرائیل ممکن است خود را قادر به جنگیدن به نمایندگی از غرب نشان دهد، اما همانطور که در ماه خرداد دیدیم، حقیقت این است که نیروهای مسلح قدرتمند [جمهوری اسلامی] ایران بار دیگر آماده و توانمندند تا اسرائیل را چنان شکست دهند که مجبور شود برای نجات به بابایزرگ [آمریکا] پناه ببرد.»

او با اشاره به جنگ ۱۲ روزه مدعی شده: «ریسک شکست‌خوردگی اسرائیل در تابستان امسال میلیاردها دلار از جیب مالیات‌دهندگان آمریکایی هزینه برداشت، تجهیزات حیاتی آمریکا را که اکنون از موجودی آن حذف شده، از بین برد و تصویری از ایالات متحده را به عنوان قدرتی بی‌پروا که مستعد کشیده شدن به جنگ‌های دلبخواهی بازیگران سرکش است، ترسیم کرد.»

در پایان این رپرتاژ آگهی آمده است: «اگر اروپا واقعاً به دنبال راه حلی دیپلماتیک است، و اگر دونالد ترامپ می‌خواهد فرصت تمرکز بر مسائل واقعی را که در تل‌آویو ساخته نشده‌اند، داشته باشد، باید به دیپلماسی زمان و فضای لازم را برای موفقیت بدهند. در غیر اینصورت، نتیجه، چندان خوشایند نخواهد بود.»

عراقچی: تا مذاکرات نتیجه ندهد با آژانس همکاری نمی‌کنیم



دیدار عراقچی و گروسی در نیویورک / سپتامبر ۲۰۲۴

ادعای «توافق میان جمهوری اسلامی و آژانس» پس از دیدار گروسی و عراقچی در قاهره با حضور وزیر خارجه مصر



دیدار عباس عراقچی با رافائل گروسی در حضور وزیر خارجه مصر

● رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سه‌شنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) در قاهره با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد. در این دیدار بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر نیز حضور داشت.

● جزئیات زیادی از محتوای این جلسه رسانه‌ای نشد، اما اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی درباره این ملاقات گفته بود، طرفین برای «جمع‌بندی مذاکرات مربوط به شیوه‌نامه جدید تعامل و همکاری میان تهران و آژانس» با یکدیگر ملاقات خواهند داشت.

● ساعاتی پس از این دیدار، لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافق دست یافتند.

رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) در قاهره با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد. در این دیدار بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر نیز حضور داشت. ←

در سه سایت اعلام نشده (لویزان، توزقوآباد، ورامین و مریوان) نشد. این ذرات منشاء انسانی داشتند اما جمهوری اسلامی ادعا کرد بازرسان آژانس ذرات را به داخل تأسیسات منتقل کردند!

اکنون پس از جنگ ۱۲ روزه اختلاف جمهوری اسلامی و آژانس به مراتب بیشتر از قبل از جنگ شده است. سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده ۶۰ درصدی مشخص نیست، جمهوری اسلامی همکاری با آژانس را به حالت تعلیق درآورده است و گزارش‌هایی از آزمایش موشک‌های تاکتیکی اتمی وجود دارد که غربی‌ها و دولت‌های منطقه‌ای را به شدت نگران می‌کند.

عدم همکاری با جمهوری اسلامی خطی است که از سوی رهبر جمهوری اسلامی یا نزدیک‌ترین مشاوران او دیکته می‌شود، چنانکه حتماً امامان جمعه نیز درباره آن خطبه می‌خوانند. محمدباقر محمدی لائینی نماینده خامنه‌ای در ساری و امام جمعه این شهر خطاب به مسئولان نظام گفته است: «اجازه بازرسی به بازرسان جاسوس آژانس اتمی از مراکز هسته‌ای آسیب‌دیده و ندیده را ندهید.»

بسیاری تحلیلگران بر این باورند اگر حکومت در سیاست‌های خود در قبال پذیرش شروط غرب برای «توافق» و ادامه همکاری با آژانس دگرگونی اساسی ایجاد نکند احتمال از سر گرفته شدن جنگ حتمی است.

گروسی مدیرکل آژانس در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داده است: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.» او همچنین گفت: «بدون نظارت آژانس در ایران هیچ مذاکره جدی شکل نمی‌گیرد.»

در چنین شرایطی گزارش‌های رسمی و غیررسمی حکایت از آماده شدن اسرائیل برای اقدام نظامی مجدد دارد. انتقال محموله‌های تسلیحاتی به این کشور، مواضع مقامات و گره کور مذاکرات مجموعه دلایلی است که نشان می‌دهد روزهای سخت‌تری در انتظار جمهوری اسلامی است.

● عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی تهدید کرده است تا زمانی که مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نتیجه نرسد، «هیچ همکاری جدیدی» میان ایران و آژانس شکل نخواهد گرفت.

● عراقچی با اشاره به تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه گفته است که این وقایع ایجاب می‌کند که چارچوب جدیدی برای همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعریف شود.

عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی تهدید کرده است تا زمانی که مذاکرات با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به نتیجه نرسد، «هیچ همکاری جدیدی» میان ایران و آژانس شکل نخواهد گرفت.

عراقچی با اشاره به تحولات پس از جنگ ۱۲ روزه گفته است که این وقایع ایجاب می‌کند که چارچوب جدیدی برای همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تعریف شود. مقامات جمهوری اسلامی معتقدند گزارش آژانس و جاسوسی بازرسان زمینه‌ساز حمله اسرائیل و آمریکا به تأسیسات و مراکز اتمی در ایران بود.

کمیسیون «امنیت ملی» مجلس شورای اسلامی چهارم شهریورماه در بیانیه‌ای اعلام کرد، رافائل گروسی مدیرکل آژانس «عنصر سرسپرده آمریکا و اسرائیل» است. در همین بیانیه تأکید شد: «واقعیت این است که ما به آژانس اعتمادی نداریم و اجازه ندهید آنها زمینه‌ساز مجدد حملات بعدی آمریکا و اسرائیل به مراکز هسته‌ای جمهوری اسلامی باشند.» تا پیش از جنگ ۱۲ روزه حدود دو سال و نیم آژانس از جمهوری اسلامی می‌خواست از افزایش تولید اورانیوم ۶۰ درصدی خودداری کند. در همین دوران تهران ذخایر اورانیوم ممنوعه خود را افزایش داد، دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات کلیدی را قطع کرد، دوربین‌های نظارتی جمع‌آوری شد و مجرب‌ترین بازرسان آژانس از ایران اخراج شدند و حکومت نیز پاسخگوی علت وجود ذرات اورانیوم

رافائل گروسی: فرصت زیادی برای همکاری هسته‌ای با جمهوری اسلامی باقی نمانده است



دیدار عباس عراقچی با رافائل گروسی در حضور وزیر خارجه مصر

مدیرکل آژانس افزود: «بررسی برنامه هسته‌ای ایران در چند هفته گذشته و به ویژه پس از حملات ماه ژوئن، در مرکز تلاش‌های ما باقی مانده است.»

گروسی پیشتر گفته بود، بازرسان این آژانس هنوز اجازه ورود به سایت‌های هسته‌ای نطنز و اصفهان و بررسی ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم با غلظت ۶۰ درصد را نیافته‌اند.

او در گزارش خود تأکید کرده: «ما هفته‌ها بحث‌های فنی را در وین و تهران پیش بردیم تا درباره اقدامات عملی که امکان از سر گرفتن فعالیت‌های بازرسی تحت توافقنامه نظارت‌های NPT را فراهم می‌کند، به توافق برسیم. پیشرفت‌هایی حاصل شده است و امیدوارم به زودی بتوانیم به یک راه حل عملی دست یابیم.»

همزمان حسینی حاجی‌دلگانی نماینده مجلس شورای اسلامی خبر داده که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی قرار است ۱۸ شهریور به مصر برود و به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش بدهد.

او گفت، متنی برای عراقچی تهیه شده که در آن آمده جمهوری اسلامی باید به آژانس گزارش بدهد که نقاط بیمارانشده چه وضعیتی دارند. این نماینده مجلس اسلامی بازرسان آژانس را «جاسوس» خواند و گفت عراقچی قرار است به آنها اطلاع دهد تهران اورانیوم غنی‌شده را کجا نگهداری می‌کند.

حاجی‌دلگانی خطاب به وزیر خارجه جمهوری اسلامی گفت: «آقای عراقچی اگر خطایی کنی استیضاح و دادگاهی‌ات می‌کنیم.»

اختلاف بر سر ادامه همکاری با آژانس در بین مقامات جمهوری اسلامی بیش از پیش علنی شده و مجلس شورای اسلامی به دنبال بررسی خروج جمهوری اسلامی از پیمان منع گسترش تسلیحات کشتار همگانی (NPT) است اما هنوز از رهبر نظام و تصمیم‌گیرندگان اصلی چراغ سبز دریافت نکرده است.

● نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز دوشنبه ۸ سپتامبر (۱۷ شهریورماه) در وین آغاز شد. یکی از محورهای اصلی این نشست، عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

● رافائل گروسی در گزارشی اعلام کرد: «ما هفته‌ها بحث‌های فنی را در وین و تهران پیش بردیم تا درباره اقدامات عملی که امکان از سر گرفتن فعالیت‌های بازرسی تحت توافقنامه نظارت‌های NPT را فراهم می‌کند، به توافق برسیم. پیشرفت‌هایی حاصل شده است و امیدوارم به زودی بتوانیم به یک راه حل عملی دست یابیم.»

● گروسی ابراز امیدواری کرد طی چند روز آینده بتوان به نتیجه موفقیت‌آمیز در این گفتگوها رسید. او گفت که «هنوز زمان باقیست، اما نه خیلی زیاد.»

● همزمان حسینی حاجی‌دلگانی نماینده مجلس شورای اسلامی گفت که عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی قرار است ۱۸ شهریور به مصر برود و به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش بدهد.

نشست فصلی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، روز دوشنبه ۸ سپتامبر (۱۷ شهریورماه) در وین آغاز شد. یکی از محورهای اصلی این نشست، عدم همکاری جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.

مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفته است، در مذاکرات با جمهوری اسلامی ایران در مورد از سر گرفتن کامل بازرسی‌ها پیشرفت حاصل شده است.

رافائل گروسی ابراز امیدواری کرد طی چند روز آینده بتوان به نتیجه موفقیت‌آمیز در این گفتگوها رسید. او گفت که «هنوز زمان باقیست، اما نه خیلی زیاد.»

عراقچی و رافائل گروسی در شرایطی دیدار کردند که نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین در حال برگزاری است. مدیرکل آژانس بین‌المللی که درواقع یکی از اعضای کلیدی برای اداره نشست شورای حکام است، با پنج ساعت تأخیر به قاهره رسید.

جزئیات زیادی از محتوای این جلسه رسانه‌ای نشد، اما اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی درباره این ملاقات گفته بود، طرفین برای «جمع‌بندی مذاکرات مربوط به شیوه‌نامه جدید تعامل و همکاری میان تهران و آژانس» با یکدیگر ملاقات خواهند داشت.

ساعتی پس از این دیدار، لارنس نورمن خبرنگار وال‌استریت ژورنال مدعی شد که جمهوری اسلامی ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافق دست یافتند.

این نخستین دیدار میان مقامات جمهوری اسلامی و مدیرکل آژانس از زمان توقف همکاری جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه با اسرائیل است؛ جنگی که طی آن اسرائیل و ایالات متحده تأسیسات هسته‌ای جمهوری اسلامی را هدف قرار دادند. اکنون جمهوری اسلامی اعلام کرده است که برای آغاز همکاری با آژانس ابتدا باید تضمین داده شود که حمله مجدد به آن نخواهد شد.

از سوی دیگر خواسته‌ی اصلی آژانس در این مرحله بازدید از تأسیسات اتمی فردو، اصفهان و نطنز است که در حملات آمریکا و اسرائیل بمباران شدند. آژانس به دنبال آن است تا سرنوشت بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم ۶۰ درصدی را مشخص کند اما مقامات تهران اجازه بازدید از این مکان‌ها را به بازرسان آژانس نمی‌دهند.

پس از آغاز روند فعال شدن مکانیسم ماشه، جمهوری اسلامی برای پذیرش شروط سه قدرت اروپایی برای توافق زیر فشار قرار گرفته اما در خود رژیم مخالفان همکاری با آژانس جریان قدرقندی حاضر نیست در این مقطع شروط بریتانیا، آلمان و فرانسه را بپذیرد. این شروط عبارتند از: پایبندی به تعهدات برجام از جمله همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، پاسخگویی درباره محل اورانیوم‌های غنی‌شده که دست‌کم ۴۰۰ کیلوگرم آن غلظت ۶۰ درصدی دارد و مذاکره با آمریکا.

فرای اینها اروپایی‌ها خواستار تعیین تکلیف درباره مسائل موشکی و منطقه‌ای جمهوری اسلامی هستند و آمریکا نیز اولتیماتوم داده است که باید تمام ظرفیت غنی‌سازی در ایران برچیده شود.

اسماعیل بقایی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی توضیح داد که «متن شیوه‌نامه تعامل ایران و آژانس برای اجرای تعهدات پادمانی، با در نظر گرفتن واقعیات میدانی ناشی از حملات غیرقانونی اسرائیل و آمریکا علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، قانون مجلس و ملاحظات شورای عالی امنیت ملی، طی سه دور مذاکرات بین نمایندگان ایران و آژانس تدوین شده و در آخرین مراحل جمع‌بندی نهایی است؛» اما همزمان محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی گفته «صنعت هسته‌ای ما با هیچ بیماری‌ناپود نمی‌شود و هیچکس نمی‌تواند این صنعت را از ما بگیرد.»

این در حالیست که بین دولت‌های غربی هیچکدام اصراری نداشته‌اند که توان هسته‌ای ایران از میان برود بلکه از ابتدا مسئله بر سر ظرفیت غنی‌سازی با غلظت غیرمجاز بود که هیچ توجیه غیرنظامی ندارد. اما وقتی جمهوری اسلامی نه تنها تمامی تعهدات خود را زیر پا گذاشت بلکه بر شدت و سطح غنی‌سازی اورانیوم افزود، کشورهای غربی نیز موضوع برچیدن تمامی ظرفیت غنی‌سازی جمهوری اسلامی را مطرح کردند.

«توافق مبهم در قاهره»؛ شیوه‌نامه جدید بازرسی از سایت‌های اتمی که در جنگ ۱۲ روزه بمباران شدند



توافق عباس عراقچی و رافائل گروسی در قاهره بر سر شیوه جدید همکاری ایران و آژانس

از سوی دیگر، عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی همواره می‌گفت توافق با آژانس فقط زمانی انجام می‌شود که نظام «تضمین عدم حمله دریافت کند» و «آژانس حملات اسرائیل و آمریکا به تأسیسات اتمی در ایران را محکوم کند». حالا مشخص نیست که آیا حکومت تحت فشار مجبور به امضاء توافق با آژانس شده و یا از آژانس و غرب امتیازاتی دریافت کرده است که البته بعید به نظر می‌رسد.

«تله امنیتی»

برخی تحلیلگران می‌گویند این توافق درواقع سند عقب‌نشینی جمهوری اسلامی است، بدون اینکه امتیازی دریافت کرده باشد.

تقریباً همزمان با امضاء این توافق، اسرائیل در یک حمله هوایی محل جلسه سران حماس در دوحه پایتخت قطر را هدف قرار داد. رهبران گروه تروریستی حماس جمع شده بودند تا در باره مسائل غزه و گروگان‌ها گفتگو کنند. برخی مقامات و رسانه‌های حکومتی از جمله کیهان چاپ تهران با اشاره به این اقدام اسرائیل نسبت به «تله امنیتی مذاکرات» هشدار داده‌اند.

حسین شریعتمداری مدیرمسئول کیهان تهران نوشت: «اکنون با جرأت و بدون کمترین تردیدی می‌توان گفت از این پس کسانی که پیشنهاد مذاکره با آمریکا را مطرح می‌کنند، یا فوق‌العاده احمقند و یا خائند و نقش پادوهای داخلی دشمن را بر عهده دارند.»

مقاماتی که به قدرت اصلی در ایران نزدیک هستند تا پیش از امضاء این توافق در قاهره مدام می‌گفتند دسترسی بازرسان آژانس به تأسیسات اتمی ایران در ایران باعث لو رفتن اطلاعات و اقدام مجدد نظامی خواهد شد. حالا معلوم نیست با توافقی که قاعدتا می‌بایست دسترسی بازرسان را به این تأسیسات ممکن سازد، چه خواهند گفت.

اسنپ‌ک چقدر اطلاعات کسب خواهد کرد و چقدر به وعده‌های دسترسی پس از آن مهلت متکی خواهد بود؟ اینهمه در حالیست که امضای چنین توافقی در میانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عجیب و ناگهانی به نظر می‌رسد آنهم در حالی که تا پیش از آنکه عراقچی به قاهره برود، شماری از مقامات تهران مدیرکل آژانس بین‌المللی را «جاسوس موساد» و «خائن» نامیدند! برخی مقامات از جمله برادران لاریجانی نیز او را تهدید جانی کرده و نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم در بیانیه‌ای اعلام کردند آژانس سرسپرده آمریکا و اسرائیل است و مشروعیت خود را از دست داده است.

البته مفاد این توافق هنوز مشخص نیست. اما آنچه آژانس طی این مدت از جمهوری اسلامی می‌خواست شامل بازدید از تأسیسات اتمی بمباران شده، مکان نگهداری از بیش از ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی و صدور مجوز برای بازرسان مجرب و همچنین دسترسی به دوربین‌های نظارتی بود که جمهوری اسلامی با همه آنها مخالفت کرده بود.

پیشتر، رافائل گروسی مدیرکل آژانس در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داده بود: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.» او به حکومت اخطار داد: «بدون نظارت آژانس در ایران هیچ مذاکره جدی شکل نمی‌گیرد.»

با توجه به اینکه مقامات رژیم از جمله عباس عراقچی بارها گفته بودند که تصمیم‌های کلان نظام از سوی علی خامنه‌ای گرفته می‌شود، مشخص نیست آیا او با حضور بازرسان آژانس در ایران و بازدید از تأسیسات فردو، اصفهان و نطنز موافق کرده است یا نه؟ علی خامنه‌ای در تازه‌ترین سخنان خود گفته بود که می‌بایست به حالت «نه جنگ نه صلح» با کار و فعالیت پایان داد!

● دو و ماه نیم پس از اعلام آتش‌بس توسط دونالد ترامپ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) در قاهره با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد. در این دیدار بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر نیز حضور داشت.

● لارنس نورمن خبرنگار روزنامه «والاستریت ژورنال» نوشت: «این توافق می‌تواند تأثیر مهمی روی روند مکانیسم ماشه بگذارد اما به تنهایی نمی‌تواند مهلت مکانیسم ماشه را تهدید کند... یک پرسش کلیدی این است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قبل از پایان مهلت ۳۰ روزه اسنپ‌ک چقدر اطلاعات کسب خواهد کرد و چقدر به وعده‌های دسترسی پس از آن مهلت متکی خواهد بود؟»

● امضای چنین توافقی در میانه نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عجیب و ناگهانی به نظر می‌رسد آنهم در حالی که تا پیش از آنکه عراقچی به قاهره برود، شماری از مقامات تهران مدیرکل آژانس بین‌المللی را «جاسوس موساد» و «خائن» نامیدند! برخی مقامات از جمله برادران لاریجانی نیز او را تهدید جانی کرده و نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم در بیانیه‌ای اعلام کردند آژانس سرسپرده آمریکا و اسرائیل است و مشروعیت خود را از دست داده است.

دو و ماه نیم پس از اعلام آتش‌بس توسط دونالد ترامپ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) در قاهره با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران دیدار کرد. در این دیدار بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر نیز حضور داشت.

این توافق پس از آن انجام شد که برخی منابع داخلی مدعی شدند پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی که توسط علی شمخانی دبیر پیشین شورای عالی «امنیت ملی» جمهوری اسلامی «راهبری» می‌شد، از او گرفته و به علی لاریجانی دبیر جدید این شورا سپرده شد.

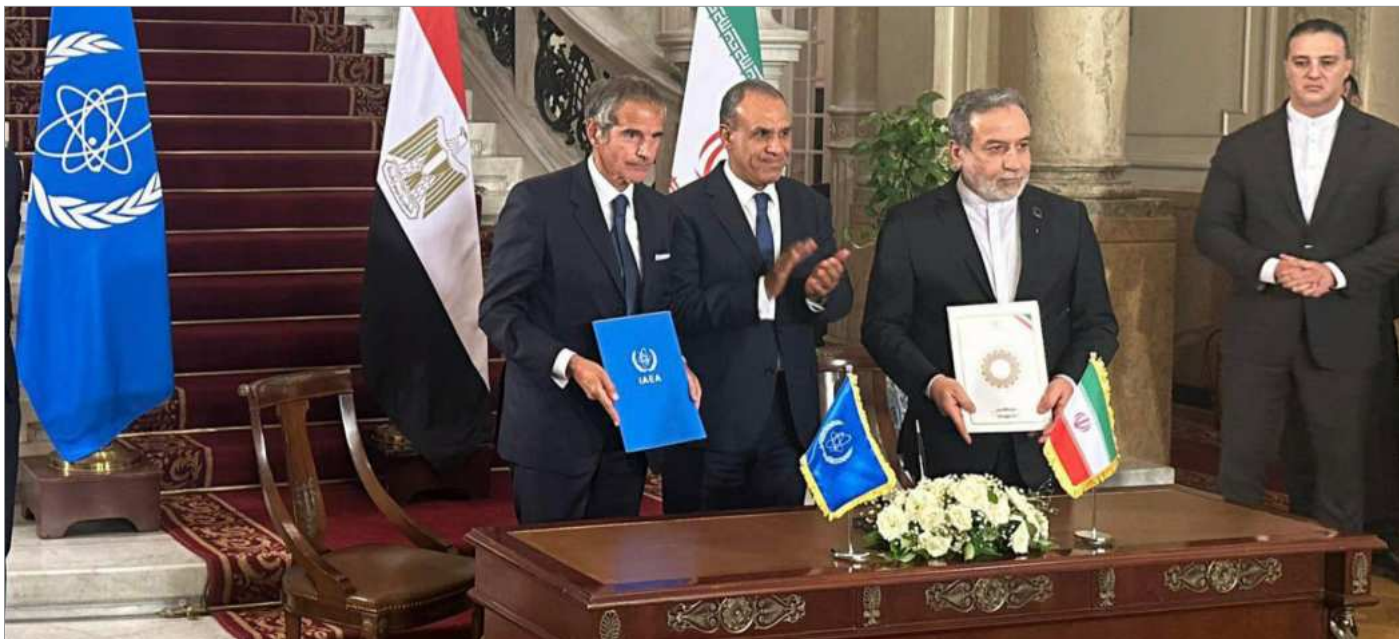
طبق گفته‌ی گروسی این توافق قرار است شرایط دسترسی بازرسان به تأسیسات اتمی در ایران را فراهم کند. او در همین ارتباط در «ایکس» نوشت: «از رئیس جمهور مصر به خاطر فراهم کردن چارچوبی که توافق امروز در مورد جزئیات فنی برای اجرای بازرسی‌ها در ایران را ممکن ساخت، سپاسگزارم. گامی در مسیر درست که در را برای دیپلماسی و ثبات باز می‌کند.»

لارنس نورمن خبرنگار روزنامه «والاستریت ژورنال» شامگاه سه‌شنبه به نقل از منابع خود نوشت: «من متوجه شده‌ام که [جمهوری اسلامی] ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به یک توافق دست پیدا کرده‌اند، این می‌تواند تأثیر مهمی روی روند مکانیسم ماشه بگذارد اما این توافق به تنهایی نمی‌تواند مهلت مکانیسم ماشه را تهدید کند. جزئیات برای نحوه تصمیم‌گیری سه قدرت اروپایی و آمریکا در این موضوع بسیار مهم است.»

فرصت کوتاه برای دسترسی به سایت‌ها

نورمن همچنین نوشت: «یک پرسش کلیدی این است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قبل از پایان مهلت ۳۰ روزه

رافائل گروسی درباره عقب‌نشینی جمهوری اسلامی: توافق جدید شامل بازدید از تمام تأسیسات و مراکز هسته‌ای می‌شود



توافق عباس عراقچی و رافائل گروسی در قاهره بر سر شیوه جدید همکاری ایران و آژانس

تازه تصویب‌شده» پیروی می‌کند! بسیاری از تحلیلگران می‌گویند، حکومت زیر فشارهای بین‌المللی مجبور به عقب‌نشینی شده است، اما عباس عراقچی مدعی است این توافق یک ساز و کار عملی برای همکاری برقرار می‌کند که هم شرایط استثنائی امنیتی ایران و هم الزامات فنی آژانس را بازتاب می‌دهد و مغایر با قانون مجلس شورای اسلامی نیز نیست.

گروسی ۱۷ شهریور در نشست شورای حکام آژانس هشدار داد وقت زیادی برای همکاری هسته‌ای با تهران باقی نمانده است. وی در عین حال اظهار امیدواری کرد با از سر گرفتن بازرسی‌ها از سایت‌های اتمی جمهوری اسلامی، احتمال حملات نظامی هم منتفی شود.

پیشتر، رافائل گروسی مدیرکل آژانس در مصاحبه با «فاکس نیوز» به جمهوری اسلامی هشدار داده بود: «اگر بخواهید از تکرار آنچه در ژوئن [جنگ ۱۲ روزه] دیدیم جلوگیری کنید، باید فعالیت‌های آژانس از سر گرفته شوند.» او به حکومت اخطار داد: «بدون نظارت آژانس در ایران هیچ مذاکره جدی شکل نمی‌گیرد.»

اینهمه در حالیست که محمد اسلامی رئیس سازمان اتمی جمهوری اسلامی گفته بود: «ما دیگر اعتمادی به آژانس و بازرسی‌های آن نداریم؛ چراکه همه این ابزارها در خدمت جاسوسی برای رژیم صهیونیستی بوده است!»

محمدباقر قالیباف نیز چهارم تیرماه ۱۴۰۴ در «ایکس» نوشته بود: «ورود بازرسان آژانس تا تضمین امنیت مراکز دانشمندان هسته‌ای ممنوع است.»

مقامات جمهوری اسلامی پس از جنگ ۱۲ روزه بارها اعلام کردند که شرط همکاری با آژانس، تضمین عدم حمله‌ی مجدد به آنهاست. اما اکنون مشخص نیست آیا این تضمین به جمهوری اسلامی داده شده است یا نه!

بازدید از تمام تأسیسات و مراکز هسته‌ای می‌شود. رافائل گروسی چهارشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴ در جلسه شورای حکام اعلام کرد این سند فنی شامل همه تأسیسات و مراکز در ایران می‌شود و همچنین ارائه گزارش‌های الزامی درباره همه تأسیسات مورد حمله قرار گرفته از جمله وضعیت مواد هسته‌ای موجود در آنها را نیز در بر می‌گیرد.

مدیرکل آژانس افزود که برای این منظور، جمهوری اسلامی ایران از رویه‌های داخلی تازه تصویب‌شده‌ی خود پیروی می‌کند و این راه را برای بازرسی‌ها و دسترسی‌های لازم باز خواهد کرد.

گروسی گفت: «بگذارید بگویم که امید صادقانه من این است که از سر گرفتن فعالیت‌های بازرسی ما در ایران بتواند نشانه‌ای مثبت باشد؛ نشانه‌ای که یادآور شود توافقی‌ها و تفاهم‌ها ممکن است و اینکه اگر کسی خواهان راه حل‌های پایدار و بادوام برای چالش‌های بین‌المللی مانند این مورد باشد، هیچ چیز جایگزین گفتگو نمی‌شود.»

اشاره مدیرکل آژانس به مخالفت اولیه جمهوری اسلامی برای بازدید بازرسان آژانس از تأسیسات فردو، نطنز و اصفهان است که توسط آمریکا در جریان جنگ ۱۲ روزه بمباران شدند.

دو و ماه نیم پس از اعلام آتش‌بس توسط دونالد ترامپ میان جمهوری اسلامی و اسرائیل، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سه‌شنبه ۹ سپتامبر (۱۸ شهریور) در قاهره با عباس عراقچی وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران یک توافق جدید امضاء کرد که محور آن بازدید از تأسیسات اتمی تخریب شده در جنگ ۱۲ روزه است؛ موضوعی که با «قانون الزام دولت به توقف همکاری با آژانس» که مجلس شورای اسلامی بعد از جنگ با اسرائیل تصویب کرده مغایرت دارد. حالا اما رافائل گروسی می‌گوید که رژیم ایران برای اجرای این توافق از «رویه‌های داخلی

● در پی توافق جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر ساز و کار جدید برای اجرای تعهدات پادمانی و تداوم همکاری، مدیرکل آژانس در ارتباط با عقب‌نشینی رژیم ایران، در جلسه شورای حکام گفت این توافق شامل بازدید از تمام تأسیسات و مراکز هسته‌ای می‌شود.

● رافائل گروسی چهارشنبه ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴ در جلسه شورای حکام اعلام کرد این سند فنی شامل همه تأسیسات و مراکز در ایران می‌شود و همچنین ارائه گزارش‌های الزامی درباره همه تأسیسات مورد حمله قرار گرفته از جمله وضعیت مواد هسته‌ای موجود در آنها را نیز در بر می‌گیرد.

● گروسی گفت: «بگذارید بگویم که امید صادقانه من این است که از سر گرفتن فعالیت‌های بازرسی ما در ایران بتواند نشانه‌ای مثبت باشد.»

● اینهمه در حالیست که محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی گفته است: «ما دیگر اعتمادی به آژانس و بازرسی‌های آن نداریم؛ چراکه همه این ابزارها در خدمت جاسوسی برای رژیم صهیونیستی بوده است!»

● محمدباقر قالیباف نیز چهارم تیرماه ۱۴۰۴ در «ایکس» نوشته بود: «ورود بازرسان آژانس تا تضمین امنیت مراکز دانشمندان هسته‌ای ممنوع است.» مقامات جمهوری اسلامی پس از جنگ بارها اعلام کردند که شرط همکاری با آژانس، تضمین عدم حمله به آنهاست. اما اکنون مشخص نیست آیا این تضمین به جمهوری اسلامی داده شده است یا نه!

در پی توافق جمهوری اسلامی با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بر سر ساز و کار جدید برای اجرای تعهدات پادمانی و تداوم همکاری، مدیرکل آژانس در ارتباط با عقب‌نشینی رژیم ایران، در جلسه شورای حکام گفت این توافق شامل

برگزاری نشست غیرعلنی هیئت دولت پزشکيان با نمايندگان مجلس شورای اسلامی



گفته «این جلسه به اسم غیرعلنی بود اما حتی ارزش علنی بودن هم نداشت. یک سری مطالب و صحبت‌های کلیشه‌ای مطرح شد. همه سؤال کردیم که چرا وضعیت اینطور است اما هیچ خروجی در این جلسه حاصل نشد.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی افزوده «اینکه دولت بیان مسئله را بسیار زیبا مطرح می‌کند، که همه مشکلات را قبول دارد، حرف‌ها و انتقادات نمایندگان را می‌پذیرد، ما خطاب به دولت گفتیم: این روضه‌هایی که برای وضعیت عجیب و غریب مالی کشور بلد هستید، بسیار خوب، اما برنامه اجرایی شما کجاست؟ طرح اقدامی شما برای اصلاح امور کجاست؟ برنامه عملیاتی و زمان‌بندی که باید به نمایندگان بدهید تا به مردم منتقل کنیم، را ندیدیم.»

مصطفی پوردهقان افزوده «این حجم از درآمدی که دولت دارد - از نفت، مالیات و... - در مقابل، هزینه‌هایش را نتوانسته کنترل کند. رئیس سازمان برنامه و بودجه گفت هر جا دست می‌زنم صدای یک عده درمی‌آید. ما هم گفتیم اینجا سران اصلی کشور نشسته‌اند، صدای چه کسی درمی‌آید؟ اگر غیر از دولت، مجلس یا قوه قضائیه یا نهاد دیگری هست، شفاف بگویید تا ما هم بدانیم.»

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی «بودجه ۱۴۰۴ همان چیزی بود که دولت خواست، با آن موافقت کردیم. درخواست‌های شهرداری را کم کردیم، بودجه را هزینه‌ای نکردیم، اما شش ماه از سال گذشته و هیچ اتفاقی نیفتاده که نشان دهد دولت مطابق بودجه و برنامه هفتم عمل می‌کند.»

مصطفی پوردهقان افزوده «این شرایط نگران‌کننده است. بار این هزینه‌های اضافی بر دوش مردم است و چشم‌انداز روشنی هم وجود ندارد که مردم احساس کنند در آینده اوضاع بهتر خواهد شد.»

عباس گودرزی گفته «همچنین نمایندگان مجلس در این جلسه بر حفظ اقتدار ملی در مقابل دشمنان تأکید کردند و گفتند ما باید مبتنی بر عزت و اقتدار با دشمنان مواجه شویم و نباید به گونه‌ای صحبت شود که روایت ناصحیحی به گوش بدخواهان برسد.»

سخنگوی مجلس شورای اسلامی افزوده «تأکید شد که دولت و مسئولان سیاست خارجی باید متمرکز بر عزت و اقتدار ملی در مقابل دشمنان بایستند و دشمنان بدانند که ملت ایران ملت مقاومت هستند و اهل تسلیم در برابر دشمن نیستند و از خطوط قرمز خود کوتاه نمی‌آیند.»

فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکيان هم پس از این نشست در جمع خبرنگاران گفت «در جلسه غیرعلنی با مجلس گزارش سازمان برنامه و بودجه به منظور بررسی نقاط قوت و ضعف کشور و تشریک مساعی دولت و مجلس برای شناسایی و رفع مشکلات ارائه شد.»

سخنگوی دولت گفته «موضوع اصلاح ساختار بودجه و تراز کردن دخل و خرج در دستور کار است. یکی از این راه‌ها اصلاح هزینه‌های دولت است، سازمان اداری و استخدامی متولی [مسئول] این کار است و از وزارت جهادکشاورزی آغاز شده است.»

فاطمه مهاجرانی افزوده «دغدغه‌های نمایندگان مجلس در مورد موضوعات کشور قابل احترام است. مرکز پژوهش‌های مجلس در زمینه کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت همکاری خواهد کرد.»

با اینهمه برگزاری نشست مشترک هیئت دولت با نمایندگان مجلس شورای اسلامی برخی نمایندگان را راضی نکرده و انتقادات به برنامه‌ها و عملکرد دولت ادامه دارد.

مصطفی پوردهقان پس از نشست امروز با هیئت دولت

● علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد: «شاه‌بیت موضوعات این بود که بتوانیم بودجه عملیاتی داشته باشیم. اخیراً مجلس نیز طرحی را تصویب کرد که بودجه به صورت یک مرحله‌ای باشد و این طرح برای تأیید به شورای نگهبان فرستاده شده است.»

● فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت: موضوع اصلاح ساختار بودجه و تراز کردن دخل و خرج در دستور کار است. یکی از این راه‌ها اصلاح هزینه‌های دولت است، سازمان اداری و استخدامی متولی [مسئول] این کار است و از وزارت جهادکشاورزی آغاز شده است.

عباس گودرزی سخنگوی مجلس شورای اسلامی: نمایندگان مجلس در این جلسه بر حفظ اقتدار ملی در مقابل دشمنان تأکید کردند و گفتند ما باید مبتنی بر عزت و اقتدار با دشمنان مواجه شویم و نباید به گونه‌ای صحبت شود که روایت ناصحیحی به گوش بدخواهان برسد.

● مصطفی پوردهقان نماینده مجلس شورای اسلامی: ما خطاب به دولت گفتیم این روضه‌هایی که برای وضعیت عجیب و غریب مالی کشور بلد هستید، بسیار خوب، اما برنامه اجرایی شما کجاست؟ طرح اقدامی شما برای اصلاح امور کجاست؟ برنامه عملیاتی و زمان‌بندی را که باید به نمایندگان بدهید تا به مردم منتقل کنیم، ندیدیم.

نشست غیرعلنی مجلس شورای اسلامی با حضور اعضای هیئت دولت چهاردهم و نمایندگان مجلس شورای اسلامی درباره مسائل اقتصادی و لایحه بودجه برگزار شد.

امروز سه‌شنبه ۱۸ شهریورماه ۱۴۰۴ نشست غیرعلنی مجلس شورای اسلامی با حضور مسعود پزشکیان و اعضای کابینه دولت و نمایندگان مجلس شورای اسلامی برگزار شد. محمداقبر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی گفته این جلسه در ارتباط با برنامه هفتم توسعه و موضوعات اقتصادی بود.

علی نیکزاد نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اعلام کرد که «در این جلسه مباحث مهمی در رابطه با بودجه و ناترازی‌های مالی کشور که می‌تواند در آینده مشکلاتی ایجاد کند، مطرح شد.»

علی نیکزاد افزوده «شاه بیت موضوعات این بود که بتوانیم بودجه عملیاتی داشته باشیم. اخیراً مجلس نیز طرحی را تصویب کرد که بودجه به صورت یک مرحله‌ای باشد و این طرح برای تأیید به شورای نگهبان فرستاده شده است.»

عباس گودرزی سخنگوی مجلس شورای اسلامی نیز گفته در این نشست «حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه در این جلسه گزارشی از روند اجرای قوانین از جمله قانون برنامه هفتم ارائه داد و تأکید کرد که بودجه ریزی باید عملیاتی باشد، بین منابع و مصارف باید هم‌ترازی وجود داشته باشد، افزایش بهره وری، رفع ناترازی‌ها در قالب بودجه ریزی صحیح، کوچک سازی و اصلاح دولت باید مورد توجه قرار گیرد.»

اگر چه محمداقبر قالیباف گفته موضوع این نشست اقتصاد بوده اما توضیحات عباس گودرزی نشان می‌دهد درباره مسائل امنیتی و هسته‌ای نیز در این نشست گفتگو

جمهوری اسلامی و حزب الله لبنان از رژیم مادورو در ونزوئلا برای قاچاق کوکائین استفاده می‌کنند



دیدار نیکلاس مادورو با علی خامنه‌ای / آبان ۱۳۹۵

بخشی از همین همکاری نظامی است. کارشناسان معتقدند نقطه‌ضعف این شبکه، بخش مالی آن است. تاونسند می‌گوید: «اگر بتوانیم شریان‌های مالی را قطع کنیم، تجارت کوکائین دیگر سودآور نخواهد بود.» سیتزینوویچ نیز تأکید می‌کند: «با تضعیف مادورو، حضور ایران در آمریکای لاتین هم ضعیف می‌شود و توانایی تهران برای تهدید خاک آمریکا کاهش می‌یابد.»

به باور تحلیلگران، امپراتوری مواد مخدر حزب الله در ونزوئلا امروز نه تنها تهدیدی منطقه‌ای، بلکه خطری مستقیم برای امنیت ایالات متحده به شمار می‌آید. دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری آمریکا ۱۱ شهریورماه ۱۴۰۴ اعلام کرد که ارتش ایالات متحده به یک شناور ونزوئلایی حامل محموله مواد مخدر در آب‌های کارائیب حمله کرده است. در این عملیات ۱۱ عضو گروه «ترن د آراگوا» کشته شدند. خبرگزاری رویترز ۱۴ شهریورماه نوشت که در حال حاضر هفت ناو جنگی ایالات متحده به همراه یک زیردریایی هسته‌ای در منطقه حضور دارند یا به زودی مستقر خواهند شد؛ مجموعه‌ای که بیش از چهار هزار و ۵۰۰ ملوان و تفنگدار دریایی را در برمی‌گیرد.

پیش از این، وزارت خارجه آمریکا در چارچوب برنامه «پاداش برای عدالت» تا ۱۰ میلیون دلار جایزه برای اطلاعاتی تعیین کرده بود که به مختل کردن فعالیت‌های مالی حزب الله لبنان در آمریکای جنوبی منجر شود. منطقه موسوم به «مثلث مرزی» میان آرژانتین، برزیل و پاراگوئه بهشت قاچاقچیان مواد مخدر است؛ جایی که حزب الله لبنان نیز از طریق قاچاق، پولشویی، تجارت مواد مخدر و جعل اسناد، میلیون‌ها دلار به دست می‌آورد. برآوردها نشان می‌دهد حزب الله سالانه حدود یک میلیارد دلار از فعالیت‌های تجاری در سراسر آمریکای لاتین، از جمله ساخت و ساز و خرید و فروش املاک درآمد دارد.

کارشناسان همچنین به همدستی ساختاری در دولت ونزوئلا اشاره می‌کنند. آنها می‌گویند زیر نظر هوگو چاوز و سپس مادورو، این کشور به مسیر اصلی انتقال کوکائین



پاداش ۱۰ میلیون دلاری آمریکا
برای افشای شبکه مالی حزب الله در
آمریکای جنوبی

کلمبیا تبدیل شده است؛ از بنادر و پایگاه‌های هوایی گرفته تا کاروان‌های نظامی برای جابجایی محموله‌ها استفاده می‌شود. به گفته تاونسند، «افسران ارشد نظامی از این محموله‌ها محافظت می‌کنند و حزب الله پول‌های حاصل را می‌شوید.»

جمهوری اسلامی ایران علاوه بر این، میلیاردها دلار در اقتصاد ونزوئلا سرمایه‌گذاری کرده و حتی در ساخت پهنپاد برای ارتش این کشور مشارکت داشته است. پروازهای مداوم نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کاراکاس،

کارشناسان امنیتی می‌گویند حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران با بهره‌برداری از رژیم نیکلاس مادورو در ونزوئلا، به شبکه‌ای بزرگ برای قاچاق و پولشویی مواد مخدر را دست یافته‌اند.

برایان تاونسند مأمور پیشین اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا (DEA)، می‌گوید: «حزب الله خودش وارد قاچاق نمی‌شود، بلکه شبکه‌های پولشویی و ارتباطات لازم را در اختیار کارتل‌ها قرار می‌دهد و بخشی از سود را به دست می‌آورد. این پول سپس صرف فعالیت‌هایشان در خاورمیانه می‌شود.»

دنی سیتزینوویچ پژوهشگر ارشد در مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل نقش جامعه مهاجر لبنانی را کلیدی می‌داند و می‌گوید: «بخش بزرگی از جامعه شیعه در آمریکای لاتین لبنانی هستند. حزب الله با استفاده از پیوندهای خانوادگی و مراکز مذهبی و آموزشی نفوذ خود را تثبیت کرده و از این طریق با کارتل‌ها همکاری می‌کند تا مواد مخدر بفروشد و پول آن را به لبنان منتقل کند.»

به گفته او، این نقش واسطه‌ای حزب الله برای استراتژی جمهوری اسلامی ایران در نیمکره غربی حیاتی است و حضور رژیم ایران در ونزوئلا تا زمانی که مادورو در قدرت باشد، ادامه خواهد داشت.

فاکس نیز ۱۶ شهریورماه گزارش داد که کارشناسان امنیتی می‌گویند حزب الله لبنان و جمهوری اسلامی ایران با بهره‌برداری از رژیم نیکلاس مادورو در ونزوئلا، به شبکه‌ای بزرگ برای قاچاق و پولشویی مواد مخدر را دست یافته‌اند. طبق گزارش‌ها، گروه تبهکار «ترن د آراگوا» در همکاری نزدیک با «کارتل خورشیده‌ها» شبکه‌ای مخفی از فرماندهان و افسران ارشد نظامی ونزوئلا فعالیت می‌کند. این شبکه همچنین در همکاری با حزب الله به جابجایی محموله‌های کوکائین می‌پردازد.

مقامات آمریکایی تأکید دارند دولت دونالد ترامپ تحریم‌های متعددی علیه حزب الله و حامیان مالی آن اعمال کرده و هر گروهی که امنیت آمریکا را از طریق قاچاق مواد مخدر تهدید کند، پاسخگو خواهد بود.

برایان تاونسند مأمور پیشین اداره مبارزه با مواد مخدر آمریکا (DEA)، می‌گوید: «حزب الله خودش وارد قاچاق نمی‌شود، بلکه شبکه‌های پولشویی و ارتباطات لازم را در اختیار کارتل‌ها قرار می‌دهد و بخشی از سود را به دست می‌آورد. این پول سپس صرف فعالیت‌هایشان در خاورمیانه می‌شود.»

دنی سیتزینوویچ پژوهشگر ارشد در مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل نقش جامعه مهاجران لبنانی را کلیدی می‌داند و می‌گوید: «بخش بزرگی از جامعه شیعه در آمریکای لاتین لبنانی هستند. حزب الله با استفاده از پیوندهای خانوادگی و مراکز مذهبی و آموزشی نفوذ خود را تثبیت کرده و از این طریق با کارتل‌ها همکاری می‌کند تا مواد مخدر بفروشد و پول آن را به لبنان منتقل کند.»

به گفته او، این نقش واسطه‌ای حزب الله برای استراتژی جمهوری اسلامی ایران در نیمکره غربی حیاتی است و حضور رژیم ایران در ونزوئلا تا زمانی که مادورو در قدرت باشد، ادامه خواهد داشت.

رویکردی نوین به سیاست و دموکراسی از دیدگاه روانشناسی



از دست می‌دهند. دموکراسی نه در کتاب بلکه در دل و ذهن مردم زنده می‌ماند. حرف آنها خلاصه آنست که دموکراسی را تنها در کتاب‌ها نمی‌توان داشت. آن چیزی که می‌خواهیم عملی شود باید در دل و ذهن مردم بماند. به همین دلیل من احساس کردم که ترجمه این کتاب برای خوانندگان فارسی‌زبان ضروریست. از نشر «ققنوس» هم تشکر می‌کنم که امکان ترجمه و انتشار این کتاب را فراهم کرد.

ما بارها در جامعه‌مان واقعاً تجربه می‌کنیم که حضور اقشار و طبقاتی که بی‌اعتمادند و شنیده و دیده نمی‌شوند چگونه می‌تواند تنش و شکاف‌های اجتماعی را شدت بخشد و عمیق‌تر کند. همانطور که آروین یالوم به خواندگانش کمک می‌کند که رابطه سالم‌تری با خودشان و اطرافیانشان بسازند، به نظر من این کتاب هم می‌تواند کمک کند که ما رابطه سالم‌تری با جامعه و سیاست و فرهنگ‌مان برقرار کنیم. بنابراین، فقط در ظاهر این کتاب از مسیر قبلی من متفاوت به نظر می‌رسد ولی در باطن ادامه همان دغدغه‌هاست. دغدغه شنیده شدن، معنا یافتن و ساختن یک فضای انسانی‌تر برای زندگی.

● می‌توان از محتوای کتاب «روانشناسی دموکراسی» این برداشت فشرده را داشت که برخلاف تصور رایج که سیاست صرفاً امری بیرونی و مربوط به دولت‌ها، انتخابات و احزاب است ولی در واقع از امیدها، خشم‌ها و تعلقات شهروندان تغذیه می‌کند...

-بله، دقیقاً اینطور است. در پاسخ به پرسش اول به این موضوع اشاره کردم. ما عادت کرده‌ایم به سیاست به عنوان امری کاملاً بیرونی نگاه کنیم. انگار که فقط مربوط به دولت، احزاب و انتخابات است. اما کتاب «روانشناسی دموکراسی» زاویه دید ما را عوض می‌کند و نشان

«روانشناسی دموکراسی» کتابی است به زبان انگلیسی به قلم درن ج. لیلکر و بیلور آسلان اوزگول که هردو استادان رشته ارتباطات سیاسی در دانشگاه‌های بریتانیا هستند. این کتاب اخیراً توسط نازی اکبری به فارسی ترجمه و توسط انتشارات «ققنوس» در ایران منتشر شده است. در ارتباط با این کتاب کیهان لندن با مترجم گفتگو کرده است.

● خانم اکبری، چه چیز در کتاب «روانشناسی دموکراسی» شما را ترغیب به ترجمه آن کرد؟ این کتاب خارج از دایره‌ی کتاب‌هاییست که شما قبلاً ترجمه کرده‌اید. - شاید در نگاه اول کتاب «روانشناسی دموکراسی» خارج از دایره کتاب‌هایی قرار بگیرد که من قبلاً ترجمه کردم به ویژه در مقایسه با کتاب‌های آروین یالوم که بیشتر بر تجربه‌های فردی و روان‌درمانی و رابطه بین فردی تمرکز دارند. ولی برای من دو حوزه روان‌درمانی فردی و روانشناسی دموکراسی عمیقاً بهم وصل هستند. یالوم همیشه روی این نکته پافشاری دارد که انسان نیاز دارد شنیده شود، رابطه معنادار بسازد و معنای زندگی خودش را بیابد. حال اگر تمام این مفاهیم را از سطح فردی به سطح جمعی بیاوریم می‌رسیم به مسائلی که در کتاب «روانشناسی دموکراسی» به آنها پرداخته شده. یعنی نیاز جامعه به شنیده شدن و داشتن معنا در ساختار سیاسی و اجتماعی. درواقع به نظر من این کتاب به ما یادآوری می‌کند که دموکراسی تنها نهاد و قانون نیست، بلکه یک تجربه روانی و عاطفی جمعی هم هست. چیزی که مرا به شدت جذب این کتاب کرد این بود که نویسندگان کتاب نشان می‌دهند که اگر احساسات شهروندان مانند اعتماد، تعلق خاطر و امنیت روانی و امکان بیان آزاد تضعیف شود، حتی بهترین نهادهای دموکراتیک هم دچار فرسایش می‌شوند و کارکردشان را

● نازی اکبری مترجم کتاب «روانشناسی دموکراسی»: این کتاب به ما یادآوری می‌کند که دموکراسی تنها نهاد و قانون نیست، بلکه یک تجربه روانی و عاطفی جمعی هم هست... نویسندگان کتاب نشان می‌دهند که اگر احساسات شهروندان مانند اعتماد، تعلق خاطر و امنیت روانی و امکان بیان آزاد تضعیف شود، حتی بهترین نهادهای دموکراتیک هم دچار فرسایش می‌شوند و کارکردشان را از دست می‌دهند. دموکراسی نه در کتاب بلکه در دل و ذهن مردم زنده می‌ماند.

● «ما عادت کرده‌ایم به سیاست به عنوان امری کاملاً بیرونی نگاه کنیم. انگار که فقط مربوط به دولت، احزاب و انتخابات است. اما کتاب «روانشناسی دموکراسی» زاویه دید ما را عوض می‌کند و نشان می‌دهد که سیاست از دل تجربه‌های احساسی و روانی انسان‌ها نیز سرچشمه می‌گیرد. وقتی شهروندان احساس تعلق می‌کنند، امید و به آینده اعتماد دارند و خوشحال هستند، سیاست هم با ثبات‌تر، مشارکتی‌تر و دموکراتیک‌تر می‌شود. برعکس، وقتی خشم و ناامیدی و بی‌قدرتی بین مردم غالب می‌شود واکنش‌شان خیلی شدید می‌تواند تغییر کند.»

● کتاب «روانشناسی دموکراسی» نشان می‌دهد که اخلاق زیرساخت روانی دموکراسی است؛ چیزی که باعث می‌شود اعتماد شکل بگیرد و همکاری ممکن بشود و مردم احساس کنند که واقعاً یک شهروند هستند و نه فقط یک تماشاگر... اینجاست که نقش رهبر خدمتگزار خیلی پررنگ می‌شود. رهبر خدمتگزار خودش را بالاتر از مردم نمی‌بیند بلکه خودش را به چشم یک خدمتگزار به جامعه می‌بیند. چنین رهبری به مردم پیام می‌دهد که این نوع رهبری برای مهار و کنترل نیست بلکه برای مراقبت و حمایت از مردم است. وقتی که رهبران با کردار خود این را به مردم نشان دهند اخلاق در سیاست جامعه جا می‌افتد.»

فعالیت در دموکراسی دست یابند، شما از لزوم بازسازی اخلاقی جامعه و رعایت اکید اصول اخلاقی صحبت می‌کنید. ممکن است توضیح بدهید چگونه می‌توان به بازسازی اخلاقی دست یافت؟

- ببینید، وقتی از بازسازی اخلاقی جامعه صحبت می‌کنیم منظورمان فقط نصیحت و توصیه اخلاقی نیست. کتاب «روانشناسی دموکراسی» نشان می‌دهد که اخلاق زیرساخت روانی دموکراسی است؛ چیزی که باعث می‌شود اعتماد شکل بگیرد و همکاری ممکن بشود و مردم احساس کنند که واقعاً یک شهروند هستند و نه فقط یک تماشاگر. بازسازی اخلاقی یعنی ما یاد بگیریم گوش بدهیم، صبور باشیم و با تفاوت‌هایمان کنار بیاییم. این دقیقاً برمی‌گردد



به همان واقعیت در عمق فرهنگ ما، که همیشه گفته‌ام، و آن نیاز به شنیدن و درک شدن است. وقتی این نیاز نادیده گرفته می‌شود نتیجه‌اش یا ناامیدی و سکوت است و یا خشم و افراط. پس اولین قدم برای بازسازی اخلاقی اینست که یاد بگیریم چگونه فضایی بسازیم که همه حس کنند که صدایشان مهم است و جدی گرفته می‌شوند. اینجاست که نقش رهبر خدمتگزار خیلی پُررنگ می‌شود. رهبر خدمتگزار خودش را بالاتر از مردم نمی‌بیند بلکه خودش را به چشم یک خدمتگزار به جامعه می‌بیند. چنین رهبری به مردم پیام می‌دهد که این نوع رهبری برای مهار و کنترل نیست بلکه برای مراقبت و حمایت از مردم است. وقتی که رهبران با کردار خود این را به مردم نشان دهند اخلاق در سیاست جامعه جا می‌افتد.

به نظر من برای رسیدن به این بازسازی چند راه عملی وجود دارد. اولین و مهم‌ترین آموزش مهارت‌های گفتگو، و شنیدن فعال است که باید از کودکی آموزش داده شود. دیگری شفافیت و مسئولیت‌پذیری در سیاست و رسانه‌هاست. یکی دیگر که خیلی اهمیت دارد تمرین مشارکت، رواداری و تاب‌آوری در نهادهای مدنی و اجتماعی است. موضوع دیگری که این کتاب مطرح می‌کند، تغییر روایت‌های عمومی در زبان حذف و دشمنی و جایگزین کردن و رواج دادن زبان همکاری و همبستگی است. در نهایت بازسازی اخلاقی همان است که فرهنگ ما مردم همیشه عطش آن را داشته‌اند و آن شنیده شدن و درک شدن است. وقتی این اتفاق بیفتد، جامعه روان‌شناسی لازم را برای زیستن در دموکراسی پیدا می‌کند.

که فهم دموکراسی بدون فهم احساسات جمعی مردم اصلاً ممکن نیست.

● **آیا با اتکاء به نظریات نویسندگان ین کتاب، می‌توان گرایش استبدادی را بین نیروهای اپوزیسیون ایرانی توضیح داد؟**

- یکی از بحث‌های اساسی این کتاب آنست که استبداد فقط یک ساختار حکومتی نیست، بلکه می‌تواند در روان و فرهنگ سیاسی یک جامعه رسوب کند؛ یعنی وقتی انسان‌ها در یک سیستم استبدادی و ایدئولوژیک زندگی کنند، ناخودآگاه آن الگو را درونی می‌کنند. یاد می‌گیرند که سیاست یعنی حذف رقیب؛ یعنی یا من یا تو؛ یا خودی و غیرخودی



و نه گفتگو و توافق. برای همین وقتی که به اپوزیسیون نگاه می‌کنیم می‌بینیم که همان فرهنگ استبدادی را که تجربه می‌کردیم در روابط بین نیروهای مخالف هم دیده می‌شود؛ بی‌اعتمادی، ناشکیبایی، نداشتن ظرفیت شنیدن حرف‌های همدیگر. کتاب توضیح می‌دهد که این واقعیت نه ناشی از بد بودن افراد بلکه نتیجه تجربه‌های عینی و فضای اجتماعی است که افراد بر بستر آن رشد می‌کنند. نویسندگان کتاب توضیح می‌دهند که دموکراسی فقط به صندوق رای و آزادی بیان خلاصه نمی‌شود. دموکراسی یعنی توانایی ساختن یک فضای مشترک برای تمرین شنیدن صدای متفاوت حتی اگر با آن موافق نباشیم. اگر نیروهای اپوزیسیون نتوانند این فضا را بین خودشان بسازند، بعید است بتوانند بعد از رسیدن به قدرت مسیر دموکراتیک را در پیش بگیرند؛ عین زبازند «سالی که نکوست از بهارش پیداست».

اگر از نگاه روانشناسی اجتماعی نگاه کنیم، ریشه این مشکل همان بی‌اعتمادی و بی‌قدرتی مزمن است. کسی که سال‌ها حس کرده که صدایش هیچ کجا شنیده نمی‌شود، وقتی فرصتی بکند خودش به همان چرخه حذف و سرکوب دامن می‌زند زیرا ناخودآگاه این تنها راهی است که یاد گرفته است. کتاب می‌گوید که تنها راه شکستن این چرخه، ساختن فرهنگ گفتگو، آموزش مدارا، رواداری، تاب‌آوری و تمرین مشارکت است. ساده‌تر اینکه، اگر اپوزیسیون ایرانی نتواند دموکراسی را در عمل تمرین کند، بعد از رسیدن به قدرت خیلی سخت است بتواند آن را پیاده کند.

● **برای اینکه انسان‌ها به روان مناسب برای زیستن و**

می‌دهد که سیاست از دل تجربه‌های احساسی و روانی انسان‌ها نیز سرچشمه می‌گیرد. وقتی شهروندان احساس تعلق می‌کنند، امید و به آینده اعتماد دارند و خوشحال هستند، سیاست هم با ثبات‌تر، مشارکتی‌تر و دموکراتیک‌تر می‌شود. برعکس، وقتی خشم و ناامیدی و بی‌قدرتی بین مردم غالب می‌شود واکنش‌شان خیلی شدید می‌تواند تغییر کند. به عنوان مثال از کناره‌گیری کامل از صندوق رای گرفته تا پیوستن به جنبش‌های افراطی. خیلی ساده اگر بگویم، سیاست بدون روان انسان‌ها نمی‌تواند وجود داشته باشد. درست مانند اینکه دموکراسی روی کاغذ یعنی به صورت نوشتاری با قانون و نهاد تعریف می‌شود، ولی زمانی زنده می‌ماند که مردم حس کنند دیده و شنیده می‌شوند و نقش و صدایی دارند و اگر این حس تضعیف بشود، نهادها و قوانین هم دیر یا زود کارکردشان را از دست می‌دهند. برای همین هم هست که این کتاب در مجموعه کتاب‌های «همه چیز» انتشارات معروف «راتلیج» منتشر شده است، زیرا می‌خواهد بگوید که دموکراسی را نمی‌توان فقط از نگاه علوم سیاسی و حقوقی فهمید بلکه باید ذهنیت، احساسات و روان جمعی مردم را هم جدی گرفت. این رویکرد بین رشته‌ای به نظر من کمک می‌کند تا بفهمیم که چرا دموکراسی‌ها بعضی وقت‌ها بسیار قدرتمند و پایدار می‌مانند و بعضی وقت‌ها دچار بحران و فروپاشی می‌شوند.

● **آیا نویسندگان کتاب از نقطه نظر روانشناسی اجتماعی در دهه‌های اخیر، گرایش به راست افراطی را در جوامع غربی و نیز پایداری استبداد سنتی حاکم در کشورهای خاورمیانه توضیح می‌دهند؟**

-نویسندگان این کتاب بر این نظر هستند که سیاست مجموعه‌ای از نهادها و قوانین نیست، بلکه واکنش عمیق انسانی به احساسات و شرایط زندگی نیز هست. برای همین وقتی که می‌بینیم مردم در جوامع غربی به طرف راست افراطی می‌روند باید نگاه کنیم به احساسات زیربنایی آنها. بسیاری از کسانی که جذب این جریان‌ها می‌شوند حس می‌کنند که جایگاه‌شان در جامعه کم‌رنگ شده، امنیت اقتصادی‌شان از بین رفته یا فرهنگ و هویت‌شان در خطر است. این حس بی‌قدرتی و بی‌اعتمادی باعث می‌شود که دنبال رهبران و گفتمانی بروند که به آنها احساس قدرت و هویت می‌دهند و هویت و فرهنگ‌شان را به آنها برمی‌گردانند، هرچند که این گفتمان حتماً غیردموکراتیک باشد مانند برخی سیاست‌های ترامپ؛ درواقع به زبان ساده‌تر وقتی مردم حس می‌کنند که نظام دموکراتیک جواب نیازهایشان را نمی‌دهد جذب راه حل‌های ساده و سریع می‌شوند حتی اگر این راه‌ها دموکراسی را تضعیف کنند.

اما در خاورمیانه داستان به شکل دیگریست اگرچه ریشه‌ها مشابه هستند. آنجا استبداد سنتی و سرکوب نیازهای روانی مانند شنیده شدن، آزادی بیان، مشارکت اجتماعی، مردم را در یک چرخه ناامیدی نگه می‌دارد. اما همچنانکه در این کتاب توضیح داده می‌شود، نیازهای روانی سرکوب‌شدنی نیستند. ممکن است که سال‌ها زیر خاکستر بمانند ولی بالاخره خودشان را نشان می‌دهند مانند بهار عربی که از دل همین عطش برای شنیده شدن و تغییر روی داد. پس چه در غرب و چه در شرق وقتی مردم حس کنند که تعلق ندارند و یا بی‌قدرت هستند واکنش نشان می‌دهند، یا می‌روند سمت افراط گرایی یا انفجار اجتماعی. به همین دلیل است که نویسندگان کتاب تأکید می‌کنند

نگاهی به یک پژوهش از دانشگاه پرینستون؛ انقلاب‌های نو، زاده در شهر و نه سنگر



جایی که حضور میلیونی مردم و اشغال فضاهای عمومی اعتبار حکومت را از درون تهی می‌کند. همین ویژگی است که به انقلاب‌های امروز چهره‌ای تازه داده و آنها را به «انقلاب‌های مدنی شهری» بدل کرده است.

اگر به تجربه‌های تاریخی نگاه کنیم، این تحلیل بیسینگر را بهتر درک می‌کنیم. در سال ۱۹۸۹، مردم اروپای شرقی با حضور میلیونی در ورشو، پراگ و برلین شرقی توانستند بدون شلیک یک گلوله رژیم‌های کمونیستی را فروپاشند. در تونس در سال ۲۰۱۱ نیز اعتراضات شهری به سقوط زین‌العابدین بن‌علی انجامید و الگویی برای بهار عربی ساخت. در مقابل، نمونه‌های شکست نیز کم نیستند. تیان‌مین در چین (۱۹۸۹) با وجود حضور گسترده مردمی به سرکوب خونین ارتش انجامید و در سوریه همان سال، جنبش‌های شهری به سرعت از مسیر مدنی خارج شد و کشور را به میدان جنگ داخلی کشاند.

بیسینگر تأکید می‌کند که انقلاب‌های شهری غیرمسلح اخیر بیش از گذشته توانسته‌اند رژیم‌ها را سرنگون کنند، اما پیامدهایشان مبهم‌تر است. این نوع انقلاب‌ها برای جذب طیف وسیع‌تری از جامعه معمولاً اهداف محدودتر و کمتر رادیکال دارند، و همین ویژگی هرچند سرنگونی رژیم‌ها را آسان‌تر می‌سازد، اما بازسازی سیاسی و نهادی را در غیاب مدیریت ساختارمند دشوار و پرابهام می‌کند. او در جمله‌ای کلیدی می‌نویسد: «انقلاب‌های امروز بیش از آنکه با خشونت پیروز شوند، با تمایز جمعیت پیروز می‌شوند، اما همین ویژگی تغییرات بنیادی را دشوارتر می‌سازد.» به باور او، ماهیت انقلاب‌ها تغییر کرده و از خشونت‌های مسلحانه و ایدئولوژیک گذشته، امروز به بسیج و هم‌افزایی مدنی رسیده‌اند. از همین‌رو، بیسینگر سه نکته‌ی کلیدی را یادآور می‌شود:

← نخست آنکه پیروزی در عصر جدید نه از لوله‌ی تفنگ،

و نظامی حکومت می‌ایستند. اما پژوهش‌های دانشگاه پرینستون، به ویژه آثار مارک آر. بیسینگر استاد علوم سیاسی نشان می‌دهد که چنین برداشتی ساده‌انگارانه است. انقلاب‌ها پدیده‌هایی چندلایه‌اند و اگر به بُعد سرکوب تقلیل داده شوند، جوهر اصلی‌شان از دست می‌رود.

همین نگاه در مقاله‌ای از او با عنوان «بررسی تکاملی انقلاب» (The Evolving Study of Revolution) که در سال ۲۰۲۳ در نشریه معتبر «سیاست جهانی» (World Politics) منتشر شد، به خوبی شرح داده شده است. بیسینگر در آن مقاله می‌نویسد: «اکثر مطالعات کنونی انقلاب‌ها بر فرآیندهای اعتراضی تمرکز دارند. اما نیاز به رویکردی یکپارچه‌تر وجود دارد، رویکردی که تاریخ را بهتر دربرگیرد، شکاف‌ها را در متون نظری پر کند، آنچه را پیش و پس از انقلاب می‌آید، در نظر گیرد، و فرآیندهای انقلابی و عوامل ساختاری زیربنایی را در گفتگو با یکدیگر قرار دهد.» این سخن روشن می‌کند که سرکوب تنها یک حلقه در زنجیره‌ی انقلاب است، نه کل آن. مبارزه با دستگاه‌های امنیتی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است، اما اگر نگاه ما در همان نقطه متوقف بماند، بقیه‌ی معما، از دلایل شکل‌گیری نارضایتی تا نهادسازی دوران گذار نادیده گرفته می‌شود.

به همین دلیل بیسینگر در کتاب مهم خود «شهر انقلابی: شهرنشینی و دگرگونی جهانی شورش» (The Revolution in the City: Urbanization and the Global Transformation of Rebellion) از انتشارات دانشگاه پرینستون، ۲۰۲۲، بحث را فراتر می‌برد و نشان می‌دهد که انقلاب‌های مدرن بیش از آنکه محصول جنگ مسلحانه باشند، ریشه در شهرنشینی و بسیج و هم‌افزایی شهری دارند. او در جایی از کتاب می‌نویسد: «انقلابات شهری مدرن غیرمسلح بر قدرت اعداد تکیه دارند، نه بر نیروی اسلحه.» به باور او، میدان اصلی انقلاب نه در سنگرها بلکه در میدان‌های شهری است؛

● پژوهش‌های دانشگاه پرینستون، به ویژه آثار مارک آر. بیسینگر استاد علوم سیاسی نشان می‌دهد این برداشت که انقلاب یعنی خیابان، خون، و تقابل مستقیم با نیروهای سرکوبگر و ایستادن مردم بی‌سلاح (یا با سلاح) مقابل دستگاه امنیتی و نظامی یک حکومت، ساده‌انگارانه است. انقلاب‌ها پدیده‌هایی چندلایه‌اند و اگر به بُعد سرکوب تقلیل داده شوند، جوهر اصلی‌شان از دست می‌رود.

● بیسینگر سه نکته‌ی کلیدی را یادآور می‌شود: نخست آنکه پیروزی در عصر جدید نه از لوله‌ی تفنگ، بلکه از بسیج و هم‌افزایی مردمی در شهرها می‌گذرد؛ دوم آنکه بقای جنبش وابسته به شبکه‌سازی اجتماعی و اعتماد عمومی است؛ سوم آنکه سرنوشت نهایی انقلاب را نهادسازی پس از پیروزی تعیین می‌کند.

● اپوزیسیون و نیروهای مدنی ناگزیر باید از هم‌اکنون به فکر فردای سقوط جمهوری اسلامی باشند؛ چه نهادهایی جایگزین خواهند شد؟ چه ساختارهایی تضمین‌کننده آزادی و ثبات خواهند بود؟ و چگونه می‌توان جلوی بازتولید چرخه‌ی استبداد را گرفت؟ توجه اخیر شاهزاده رضا پهلوی و تیم «تحت نظارت» او به این مهم نشان از چنین درایتی دارد. با این حال، مدیریت پس از گذار تنها بخشی از معماست و نمی‌توان آن را بدون برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن نقطه، از جمله ساختارسازی و مدیریت دوران گذار، در نظر گرفت.

دیوید اعتباری - هنگامی که سخن از انقلاب به میان می‌آید، نخستین تصویری که در ذهن بسیاری شکل می‌گیرد خیابان، خون، و تقابل مستقیم با نیروهای سرکوبگر است. در نگاه عمومی، گویی تمام مبارزه در همان نقطه‌ای خلاصه می‌شود که مردم بی‌سلاح (یا با سلاح) مقابل دستگاه امنیتی

دوران محمدرضا شاهی؛ فرصت برای همه

(صد سال پهلوی؛ ۱۳۰۴ تا ۱۴۰۴)



آذر ۱۳۳۶ فرمان شاه مبنی بر بستن قرارداد ساخت سد
لار صادر شد.
به دعوت کامیل شمعون پریزیدنت لبنان برای دیداری هفت
روزه رهسپار بیروت شدند.
روشگاه فردوسی در خیابان فردوسی به وسیله شاه
دی‌ماه ۱۳۳۶ قرارداد لوله‌کشی آب و فاضلاب شهر اصفهان
گشایش یافت و ۲۵ آذر ۱۳۳۶ محمدرضا شاه و ملکه ثریا
از سوی شهرداری این شهر و سازمان برنامه بسته شد...

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت به قلم حامد محمدی (افسر خلبان)»

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته‌های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می‌کشد.
علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با کیهان لندن ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشی‌های معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی‌های زیر به مبلغ معادل ۲۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk
Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD
Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA
Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN
UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE
Forough Publishing and Bookshop, Jahn-straÙe 24, 50676 Kln, GERMANY

بلکه از بسیج و هم‌افزایی مردمی در شهرها می‌گذرد؛ دوم آنکه بقای جنبش وابسته به شبکه‌سازی اجتماعی و اعتماد عمومی است؛

سوم آنکه سرنوشت نهایی انقلاب را نهادهای پس از پیروزی تعیین می‌کند.

تجربه‌ی ایران را نیز می‌توان با چنین دیدی ارزیابی کرد. بسیاری از مخالفان رژیم اسلامی تصور می‌کنند که شکست دادن نیروهای سرکوبگر کلید اصلی تغییر است، اما واقعیت آن است که این تنها بخشی از مسیر است. اتکا به خشونت مسلحانه در ایران نه ممکن است و نه کارآمد.

این روزها برخی با تبلیغ مبارزه مسلحانه، جوانان مستأصل را به افتادن در دام رژیم‌ی تروریست و چریک‌پرور تشویق می‌کنند که هسته‌ی اصلی قدرت آن بر تجربه‌ی گروه‌هایی چون حماس، حزب‌الله و حشدالشعبی استوار است. چنین رژیم‌ی با ماجراجویی مسلحانه و ایدئولوژیک از میدان به در نخواهد رفت. نیروی اصلی در شهرها و در بسیج و هم‌افزایی مردمی نهفته است، اما این هم‌افزایی تنها زمانی قدرت واقعی پیدا می‌کند که با شبکه‌های اعتماد اجتماعی، سازماندهی مدنی و هماهنگی فراگیر همراه باشد. اپوزیسیون و نیروهای مدنی ناگزیر باید از هم‌اکنون به فکر فردای سقوط جمهوری اسلامی باشند: چه نهادهایی جایگزین خواهند شد؟ چه ساختارهایی تضمین‌کننده آزادی و ثبات خواهند بود؟ و چگونه می‌توان جلوی بازتولید چرخه‌ی استبداد را گرفت؟

توجه اخیر شاهزاده رضا پهلوی و تیم «تحت نظارت» او به این مهم نشان از چنین درایتی دارد. با این حال، مدیریت پس از گذار تنها بخشی از معماست و نمی‌توان آن را بدون برنامه‌ریزی برای رسیدن به آن نقطه، از جمله ساختارسازی و مدیریت دوران گذار، در نظر گرفت. به نیروهای خارجی نیز، همانگونه که شاهزاده رضا پهلوی نیز بارها تأکید کرده است، نمی‌توان اتکا کرد، زیرا آنها در لحظه آخر ممکن است برای منافع خود به هرگونه زد و بند دست بزنند، زیرا منافع ملی ایران و ایرانی در اولویت آنها نیست. اگر این پرسش‌ها امروز بی‌پاسخ بمانند، فردای پیروزی همان خواهد شد که بیسینگر در مورد بسیاری از انقلاب‌های ناکام توضیح می‌دهد: رژیم سقوط می‌کند، اما دولت‌های پس از انقلاب شکننده و ناپایدار خواهند بود.

*دیوید اعتباری، نویسنده کتاب Beyond Ideology: The Technocratic Roadmap to a Free Iran (۲۰۲۵)، بنیانگذار سازمان Stop Child Executions و از نظریه‌پردازان گذار ساختارمند، دموکراتیک و فن‌سالار در ایران است.

– مارک آر. بیسینگر استاد علوم سیاسی در دانشگاه پرینستون و از متخصصان برجسته سیاست تطبیقی و جنبش‌های اجتماعی است. حوزه‌ی اصلی تحقیقات او ملی‌گرایی، فروپاشی اتحاد شوروی و پویایی‌های انقلاب‌ها بوده است. کتاب Nationalist Mobilization and the Collapse of the Soviet State (۲۰۰۲) از آثار مهم اوست که جوایز علمی متعددی دریافت کرده و یکی از مراجع مطالعات فروپاشی شوروی به شمار می‌رود. بیسینگر همچنین سال‌ها ریاست مؤسسه مطالعات بین‌المللی و منطقه‌ای پرینستون را بر عهده داشته و مقالات او در نشریات معتبر علوم سیاسی از جمله World Politics منتشر شده است.

Mark R. Beissinger, The Evolving Study of – (Revolution, World Politics, Vol. 75, No. 4 (2023
Mark R. Beissinger, The Revolutionary City:– Urbanization and the Global Transformation of Rebellion, Princeton University Press, 2022

هزینه‌های باورنکردنی و نجومی دارو و درمان در ایران



دولتی مراجعه کند، همچنان پوشش بیمه‌ای را خواهد داشت اما به دلیل افزایش نرخ خدمات، دارو و تجهیزات باید رقم قابل توجهی پرداخت کند و البته از سال گذشته بسیاری از داروها نیز به علت حذف ارز ترجیحی با افزایش ۲۰۰ تا ۶۰۰ درصدی قیمت روبرو شدند و تفاوتی ندارد در مراکز دولتی ارائه شوند یا خصوصی.

خدمات سنگ‌شکن کلیه توسط یک متخصص شامل هزینه ۴۰۰ هزار تومانی ویزیت، و پس از آن، بسته به دولتی بودن یا خصوصی بودن مرکز درمانی که در آن قرار است سنگ‌شکن انجام شود، در صورت داشتن بیمه پایه باید بین ۵۰۰ هزار تومان تا شش میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کند. در غیر این صورت هزینه سنگ‌شکن او از ۱۵ تا ۴۰ میلیون تومان متغیر است. این هزینه‌ها شامل داروهای دوران نقاهت بیمار نخواهد بود!

یکی دیگر از بخش‌های درمانی که هزینه‌های سرسام‌آور دارد بخش ارتوپدی است. هزینه ویزیت پزشک متخصص ارتوپد در مطلب ۴۰۰ هزار تومان است، اما با توجه به اینکه بسیاری از بیماران نیازمند به خدمات ارتوپدی باید در منزل ویزیت شوند، باید برای یک ویزیت ساده بدون نسخه دارویی بیش از دو میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کنند. هزینه ویزیت و دو سه قلم داروی ساده سرماخوردگی برای بیماری که به مراکز دولتی مراجعه کرده باشد دست‌کم ۲۰۰ هزار تومان است و همین خدمات در صورت مراجعه به مراکز خصوصی و در صورت داشتن بیمه تا نیم میلیون تومان خواهد بود. اگر بیمار مبتلا به سرماخوردگی به تزریق آمپول یا سرم نیاز داشته باشد باید بیش از یک میلیون تومان هزینه کند.

در بخش دندانپزشکی افزایش هزینه‌ها آنچنان زیاد بوده که بر اساس آمارهای رسمی هر ایرانی بطور متوسط ۶ دندان پوسیده درمان نشده دارد. ۸۰ درصد از کودکان نیز حداقل ۵ دندان پوسیده یا کشیده شده دارند.

همچنین به گفته محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت ۵۵ درصد از سالمندان بالای ۶۵ سال کشور فاقد دندان ←

فاصله زیادی با درآمد اکثر خانوارها در کشور دارد. در همین رابطه مسعود قاسمی رئیس انجمن آترواسکلروز ایران به تازگی با اشاره به افزایش هزینه درمانی بیماران قلبی و عروقی از احتمال محروم ماندن بسیاری از بیماران از درمان‌های به‌روز و مؤثر خبر داده است.

به گفته مسعود قاسمی رئیس انجمن آترواسکلروز ایران، «یک بیمار برای آنژیوپلاستی باید حداقل ۵۰۰ میلیون تومان در بخش خصوصی هزینه کند و در بیمارستان‌های دولتی نیز ۸۰ درصد همین هزینه را در نظر بگیرد.»

رئیس انجمن آترواسکلروز ایران با بیان اینکه هزینه باتری ساده برای قلب، از ۱۰ میلیون به ۵۰ میلیون تومان و باتری پیشرفته، از ۷۰ میلیون به ۷۰۰ میلیون تومان رسیده است، گفته بود «۷۰ درصد پرداختی هزینه‌های درمان از جیب مردم است، درحالی‌که باید ۳۰ درصد باشد.»

به گفته او، به دنبال حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی هزینه درمان بیماران قلبی و عروقی افزایش پیدا کرده است. قاسمی پیشنهاد کرد: «کمیته‌های وزارت بهداشت، مکانیزمی را طراحی کنند تا این بیماران، کمتر دچار مشکل هزینه‌ای شوند.»

این متخصص قلب و عروق همچنین هشدار داده بود «مشکلی که در حال حاضر وجود دارد، اختلاف نرخ ارز است که بین وزارت بهداشت و بیمه‌ها وجود دارد. این شرایط، ما را مجبور می‌کند ۹۰ درصد بیماران را از درمان‌های جدید محروم کنیم؛ چون بیمه‌ها نمی‌توانند هزینه‌ها را تحت پوشش قرار دهند و فقط عده‌ای خاص، توان پرداخت هزینه‌های درمان را دارند.»

روزنامه «پیام ما» هم در گزارشی از افزایش هزینه‌ها در دیگر بخش‌های درمان خبر داده بطوری که ساده‌ترین خدمات پزشکی نیز هزینه‌هایی میلیونی روی دست شهروندان می‌گذارد.

برای نمونه یک ویزیت ساده توسط پزشک متخصص ۴۰۰ هزار تومان است. در صورتی که بیمار نیاز به آزمایش، سرم‌تراپی، تصویربرداری و... داشته باشد، باید بیش از ۱۰ میلیون تومان بپردازد. اگر چه ظاهراً اگر بیمار به مرکز

● به گفته مسعود قاسمی رئیس انجمن آترواسکلروز ایران، «یک بیمار برای آنژیوپلاستی، باید حداقل ۵۰۰ میلیون تومان در بخش خصوصی هزینه کند و در بیمارستان‌های دولتی نیز ۸۰ درصد همین هزینه را در نظر بگیرد.»

● یک ویزیت ساده توسط پزشک متخصص ۴۰۰ هزار تومان است. در صورتی که بیمار نیاز به آزمایش، سرم‌تراپی، تصویربرداری و... داشته باشد، باید بیش از ۱۰ میلیون تومان بپردازد.

● یک بیمار برای کشیدن دندان خود بسته به مرکز دولتی یا خصوصی باید بین ۱۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کند. این هزینه برای دندان عقل بسته به پیچیدگی و جراحی بین یک تا چهار میلیون تومان است.

● هر دور آزمایش‌های هورمونی مرتبط با باروری تا ۶۰ میلیون تومان و رحم اجاره‌ای تا بیش از یک میلیارد تومان هزینه دارد.

● هزینه بستری کردن یک بیمار برای کمتر از ۲۰ روز در برخی بیمارستان‌ها به بیش از ۶۲۰ میلیون تومان می‌رسد.

رشد تورم در بخش درمان از ابتدای سال ۱۴۰۴ با سرعت بیشتری در حال افزایش است و بسیاری از بیماران را از دسترسی به دارو و درمان لازم و به‌موقع محروم کرده است. تعرفه‌های خدمات درمانی نیز نشان می‌دهد در کنار دارو، خدمات درمانی با افزایش تعرفه قابل توجهی روبرو شده است.

محمدرضا ظفرقندی وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، اوایل شهریورماه جاری مدعی شد که افزایش تعرفه خدمات درمانی از میانگین عمومی نرخ تورم پایین‌تر بوده است. او گفته «تعرفه‌های درمان در ۹ سال گذشته بین صفر تا حداکثر ۲۰ درصد افزایش یافته و هیچ‌گاه بیش از نرخ تورم نبوده است.»

این ادعا در حالی مطرح شده که گزارش رسانه‌های داخلی از تعرفه خدمات درمانی بیانگر ارقام هنگفتی است که

زن ستیزی؛ زخمی که مرز نمی شناسد؛ از ثریا در سقز تا گلبرگ در تورنتو!

مردانی که در چنین ساختاری رشد می کنند، خشونت را بخشی از «حق» خود می پندارند. و وقتی مهاجرت می کنند، این فرهنگ بیمار را مثل بخشی از محتوای چمدانشان به کیلومترها دورتر می برند؛ به کانادا، به اروپا، به هر جایی که قرار است «آغاز تازه» باشد... تنها جسمشان از ایران خارج می شود؛ روح و ذهنشان همچنان زیر سایه همان رژیم ضد زن گرفتار است. این فرهنگ بیمار با آنان سفر می کند؛ به کوچه های سقز، به خیابان های تورنتو، به هر جایی که زن ایرانی امید زندگی تازه دارد، اما باز هم به جهنم بدل می شود.

ثریا در سقز سوخت. گلبرگ در تورنتو.

این همزمانی، بیش از آنکه اتفاقی باشد، گواه یک درد مشترک است؛ زخمی زنانه، زخمی تاریخی، زخمی که مرز و جغرافیا نمی شناسد.

زن ایرانی، چه در ایران ماند و چه به غربت پناه برد، همچنان در حصار خشونت است که از دل قوانین تبعیض آمیز، سنت های پوسیده و ساختارهای پدرسالار می آید. خانه ای که باید امن ترین پناهگاه باشد، بدل به زندان، به میدان جنگ و در نهایت به اتاقی پر از شعله و دود می شود.

روایت گلبرگ و ثریا تنها روایتی فردی از خشونت نیست. در ایران، هر سال ده ها زن و دختر قربانی قتل های ناموسی یا خشونت های خانگی می شوند؛ آماري که به دلیل سکوت و

● **صبح یازدهم شهریور ۱۴۰۴، در سقز، «ثریا علی محمدی» ۳۲ ساله با دست و پای بسته در میان شعله های آتش گرفتار شد. همزمان، هزاران کیلومتر آنسو تر، در تورنتو، خانه ی خانواده «بهاری کاشانی» در آتش سوخت. «گلبرگ بهاری کاشانی» زن ۴۲ ساله که از خشونت های همسرش به خانه پدری پناه برده بود، قربانی همان تهدیدهایی شد که بارها به پلیس گزارش داده بود.**

● **سرنوشتی که بارها و بارها تکرار می شود؛ زنانی که در خانه هایشان - امن ترین جای ممکن - به دست نزدیک ترین عضو خانوادگی خود جان می بازند.**

سپیده حمامی - صبح یازدهم شهریور ۱۴۰۴، در سقز، «ثریا علی محمدی» ۳۲ ساله با دست و پای بسته در میان شعله های آتش گرفتار شد. همسرش بنزین ریخته و خانه را به آتش کشیده و گریخته بود. ساعتی بعد، ثریا در بیمارستان جان سپرد.

همزمان، هزاران کیلومتر آنسو تر، در تورنتو، خانه ی خانواده «بهاری کاشانی» در آتش سوخت. «گلبرگ بهاری کاشانی» زن ۴۲ ساله که از خشونت های همسرش به خانه پدری پناه برده بود، قربانی همان تهدیدهایی شد که بارها به پلیس گزارش داده بود. شعله های آتش رؤیاهای یک خانواده را بلعیدند: «هلیا»، خواهر گلبرگ و «رز»، کودک یازده ساله گلبرگ در آتش جان دادند؛ گلبرگ و پدر و مادرش



گلبرگ بهاری کاشانی (راست)، ثریا علی محمدی



سانسور حکومت هرگز بطور کامل منتشر نمی شود. زن کشی و دختر کشی دیگر به یک بحران اجتماعی تبدیل شده، بحرانی که ریشه در فرهنگ زن ستیز و قوانین تبعیض آمیز جمهوری اسلامی دارد. این روایت ها تنها سوگواری برای دو زن نیستند؛ هشداري اند برای همه ما:

اگر ریشه های زن ستیزی درمان نشود، اگر فرهنگ پدرسالار و ایدئولوژی ضد زن نقد و متوقف نشود، اگر صدای زنان شنیده نشود، چرخه ی این خشونت همچنان ادامه خواهد یافت؛ از سقز تا تورنتو، از هر خانه در ایران تا هر خانه در غربت. ثریا و گلبرگ دو نام اند، دو روایت اند. اما حقیقت این است که هر زن ایرانی می تواند و می تواند جای آنها باشد.

با سوختگی های شدید در بیمارستان بستری شدند، و اکنون میان مرگ و زندگی در جدال هستند.

دو زن، دو شهر، دو سرزمین. اما یک سرنوشت. سرنوشتی که بارها و بارها تکرار می شود؛ زنانی که در خانه هایشان - امن ترین جای ممکن - به دست نزدیک ترین عضو خانوادگی خود جان می بازند.

این تراژدی ها جدا از هم نیستند؛ آنها در امتداد یک ریشه اند. خشونت که در بافت جامعه ایران و در سایه حکومتی شکل گرفته که بیش از چهار دهه است زنان را تحقیر و سرکوب می کند. نظامی که زن را نه به عنوان انسان مستقل، بلکه به عنوان «ملک مرد» تعریف کرده؛ برای کنترل، برای مالکیت، برای تسلط.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی هم در گزارشی رسمی، تأکید کرده که شاخص پوسیدگی دندان (DMFT) در کودکان ایرانی بالا است و میانگین کشوری در ۶ سالگی به ۸۴/۵ می رسد و در ۱۲ استان، وضعیت بدتر از میانگین ملی است.

این آمار تکان دهنده در حالیست که هزینه های بالای خدمات دندان پزشکی سبب شده بسیاری از شهروندان نتوانند برای درمان به دندان پزشکی مراجعه کنند و دولت هم خدمات حمایتی، حتی برای اقشار تنگدست، در دستور کار ندارد!

یک بیمار برای یک ویزیت ساده در بخش دولتی ۸۶ هزار تومان و در بخش خصوصی ۲۳۰ هزار تومان پرداخت می کند. این هزینه فقط برای ویزیت است و شامل هیچ درمانی نمی شود!

یک بیمار برای کشیدن دندان خود بسته به مرکز دولتی یا خصوصی باید بین ۱۵۰ تا ۵۰۰ هزار تومان پرداخت کند. این هزینه برای دندان عقل بسته به پیچیدگی و جراحی بین یک تا چهار میلیون تومان است. همچنین، اگر دندان کشیدن او شکسته باشد، باید بین ۵۰۰ هزار تا یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان هزینه کند. این هزینه ها تنها برای درمان های ساده دندان پزشکی است. در بخش درمان ریشه، پروتز و... این هزینه ها بسیار سرسام آور هستند. برای نمونه هزینه ایمپنت هر دندان بر اساس تجهیزات استفاده شده بین ۱۰ تا ۲۵ میلیون تومان هزینه دارد.

همچنین بر اساس گزارش ها هر دور آزمایش های هورمونی مرتبط با باروری تا ۶۰ میلیون تومان و رحم اجاره ای تا بیش از یک میلیارد تومان هزینه دارد. پانکچر و فریز تخمک بین ۶۸ تا ۸۵ میلیون تومان و انتقال جنین حدود ۳۰ میلیون تومان است که بدون آزمایش های مورد نیاز بیش از ۱۱۰ میلیون تومان می شود.

روزنامه «هفت صبح» هم اوایل شهریور ماه جاری گزارش داد هزینه بستری کردن یک بیمار برای کمتر از ۲۰ روز در برخی بیمارستان ها به بیش از ۶۲۰ میلیون تومان می رسد. این هزینه در حالیست که در مواردی ویزیت های صوری پزشکان و آزمایش های غیر ضروری به فاکتور بیماراران اضافه می شود!

داروهایی مانند «آلبومین» و «آمینواسید» در مراکز رسمی نایاب است و بیماران باید آنها را از بازار آزاد با قیمتی ۳ تا ۵ برابر نرخ رسمی تهیه کنند. تنها در ۱۲ روز مصرف این داروها، بیش از ۶۰ میلیون تومان هزینه به خانواده ها تحمیل می شود.

عبدالحسین هوشمند مدیرعامل انجمن ام اس ایران نیز خبر داده که هزینه درمان بیماران ام اس به ۲۰ میلیون تومان در ماه رسیده است.

ماه گذشته نیز فاطمه محمد بیگی نایب رئیس اول کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی از افزایش سهم مردم در پرداخت هزینه درمان خبر داده و گفته بود «اکنون میزان هزینه پرداختی مردم از جیب افزایش پیدا کرده و کم کم از مرز ۷۰ درصد عبور می کند؛ در حالی که باید این مقدار برعکس باشد؛ یعنی مردم ۳۰ درصد و دولت ۷۰ درصد پرداخت کند».

وی گفته بود «به دلیل نقایص ساختاری و عدم اعمال صحیح تعرفه های بیمه ای، عدم پرداخت به موقع بیمه ها، عدم تغذیه شدن صنعت بیمه و عیوب ساختاری که وجود دارد ما عملاً می بینیم پوشش بیمه ای ما مرتب در حال کاهش است و این موضوع به مردم به ویژه اقشار کم برخوردار و ضعیف آسیب می رساند».

گزارش کارشناسی درباره انفجار بندر «رجایی»: ۲۱ نهاد مسئول مقصر شناخته شدند



قرار گرفته است.

«ضعف در عملکرد سامانه‌های الزامی قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عدم وجود برنامه زمان بندی برای ترخیص اولویت دار کالاهای حساس و مواد شیمیایی، ضعف در تدوین دستورالعمل نظارت و اجرای برچسب گذاری مواد شیمیایی، ضعف نظارتی در حوزه HSE بر بندار و اپراتورها، تعلل در ترخیص کالا بعد از مهلت قانونی، عدم رعایت طبقه بندی و استانداردهای بین‌المللی نگهداری مواد شیمیایی» از دیگر موارد مطرح شده در این گزارش هستند. تأکید بر لزوم بازنگری و اجرای دقیق مقررات بین‌المللی، تقویت نظارت مستقل و ایجاد فرهنگ ایمنی فعال و پیشگیرانه در تمامی زنجیره تأمین و نگهداری مواد شیمیایی و خطرناک، از جمله مهمترین نتایج مطرح شده در این گزارش است.

گزارش کارشناسان با توجه به مدارک و اسناد واصله، فیلم دوربین‌های مدار بسته و سایر فیلم‌های موجود و مصاحبه‌های انجام شده در ۸ بخش و ۴۵ صفحه ارائه شده است.

انفجار در بندر «رجایی» نیمروز شنبه ششم اردیبهشت‌ماه رخ داد؛ این حادثه با انفجار مواد شیمیایی در یک کانتینر آغاز شد و به سرعت به هزاران کانتینر سرایت کرد.

در این حادثه بیش از ۱۰۰ تن جان باختند؛ شماری ناپدید و دست‌کم ۱۳۷۵ تن مجروح شدند. خسارت اقتصادی ناشی از این انفجار دست‌کم چهار میلیارد دلار برآورد شده است.

مهرداد حسن‌زاده، مدیر کل مدیریت بحران

الزامات ایمنی، در وقوع آن نقش داشته‌اند.

همچنین تأکید شده گزارش کارشناسی با توجه به مستندات ارائه شده و به بررسی عمیق ماهیت خطرناک کودهای شیمیایی، بازسازی فرضی حادثه، شناسایی مقصرین احتمالی در سطوح مختلف و ارائه توصیه‌های جامع برای پیشگیری از تکرار چنین فجایی پرداخته است.

بر اساس نظریه کارشناسی، در ۹۲ شاخص، ۲۱ نهاد مسئول مقصر شناخته شده‌اند. «اداره کل بندار و دریانوردی استان هرمزگان، بانک مرکزی، وزارت بهداشت و درمان، وزارت راه و شهرسازی، وزارت صمت، سازمان حفاظت از محیط زیست، سازمان بندار و دریانوردی، شرکت‌های کشتیرانی، وزارت اقتصاد و امور دارایی، اداره محیط زیست هرمزگان، سازمان استاندارد کل کشور، سازمان پدافند غیر عامل کل کشور، بنیاد مستضعفان، و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز از جمله نهادهایی هستند که در این گزارش مقصر شناخته شده‌اند.

در این گزارش محورهایی چون «عدم رعایت استانداردهای همجواری و واکنش کالاهای شیمیایی نسبت به یکدیگر، عدم نظارت و اجرای ساز و کار مناسب و کار مناسب جهت تشخیص و هدایت کالاهای مختلف صادراتی و وارداتی، نگهداری حجم انبوهی از مواد شیمیایی مختلف در شرایط نالایم و نظارت غیر مؤثر، عدم نظارت و عدم ایجاد ساز و کار جهت تشخیص و هدایت کالاهای مختلف صادراتی و وارداتی، ضعف در اجرای الزامات بهداشت و ایمنی در محل کار (HSE)، بالاخص برای مواد شیمیایی» مورد اشاره

● در گزارش کارشناسان تأکید شده عوامل متعددی از جمله نگهداری نامناسب مواد خطرناک برای مدت طولانی، فقدان کنترل‌های محیطی کافی، ضعف در هماهنگی بین سازمانی و غلبه ملاحظات اقتصادی بر الزامات ایمنی، در وقوع آن نقش داشته‌اند.

● در نخستین ساعات پس از این انفجار «نیویورک تایمز» به نقل از یک منبع نزدیک به سپاه پاسداران و شرکت امنیتی «آمری» اعلام کرد که علت اصلی انفجار در «بندر رجایی» انبار کردن محموله سوخت جامد موشک بوده است.

● در این حادثه بیش از ۱۰۰ تن جان باختند؛ شماری ناپدید و دست‌کم ۱۳۷۵ تن مجروح شدند. خسارت اقتصادی ناشی از این انفجار دست‌کم چهار میلیارد دلار برآورد شده است.

بر اساس نظر کارشناسان که با بررسی ۹۲ شاخص انجام شده، ۲۱ نهاد مسئول در انفجار اردیبهشت‌ماه اسکله «رجایی» بندرعباس مقصر شناخته شده‌اند.

پس از گذشت چهار ماه از وقوع انفجار مهیب در بندر تجاری «رجایی» در بندرعباس، گزارش کارشناسی درباره علل وقوع حادثه منتشر شد.

در این گزارش آمده تحلیل این حادثه نشان می‌دهد، عوامل متعددی از جمله نگهداری نامناسب مواد خطرناک برای مدت طولانی، فقدان کنترل‌های محیطی کافی، ضعف در هماهنگی بین سازمانی و غلبه ملاحظات اقتصادی بر

برکناری مدیران دولتی؛ «پاتک جبهه پایداری» یا قربانی کردن «خودی»ها توسط پزشکیان برای ماندن در قدرت؟



حجت میرزایی، حسین علایی، نادره رضایی

رانتی از سوی جریان اصلاح طلب صورت گرفته و همین موضوع به ابزار فشاری بر عباس صالحی وزیر ارشاد شده است.

در روزهای گذشته تغییرات دیگری نیز در سطح مدیران سطح بالای دولت صورت گرفته است. با حکمی از سوی حمید بورد مدیر عامل شرکت ملی نفت، سعید صادقی به عنوان مدیر امور بین الملل شرکت ملی نفت ایران منصوب شد. پیش از این هوتن سالاری سرپرستی این امور را بر عهده داشت.

سعید صادقی هم اکنون عهده دار مدیرعاملی شرکت نیکو نیز هست و پیشتر سابقه مدیر عاملی پتروشیمی امیرکبیر را دارد. بر اساس گزارشها سعید صادقی پیشتر «سردفتر ازدواج» بوده و برخی رسانهها نیز از او به عنوان اسپانسر ستاد انتخاباتی سعید جلیلی نام برده اند.

به نظر می رسد برکناری های صورت گرفته با فشار جریان اصولگرایی «جبهه پایداری» که حامی سرسخت سعید جلیلی هستند صورت گرفته است.

ساعاتی پیش از اعلام رسمی خبر رسمی برکناری نادره رضایی، امیرحسین ثابتی نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی و از مشاوران سعید جلیلی در شبکه «ایکس» نوشت: «با پیگیری های مکرر کمیسیون فرهنگی مجلس، نادره رضایی معاون هنری وزارت ارشاد به خاطر حواشی فراوانی که در یک سال گذشته ایجاد کرده بود برکنار شد. دقایقی قبل با یکی از مسئولان وزارتخانه گفتگوی تلفنی داشتم و این خبر را تایید کرد.»

رسانه های اصلاح طلب در ساعات گذشته در برابر این برکناری ها وضع گرفته و حتی برکناری مدیران دولتی را «پاتک جریان پایداری به وفاق پزشکیان» ارزیابی کرده اند. در آنسو اما به نظر می رسد مسعود پزشکیان که با وعده اصلاح از سوی جریان اصلاح طلب و با حمایت تمام قد آنان در انتخابات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۳ شرکت کرد، خواست اصلاح طلبان نیز برایش چندان مهم نیست و در بزنگاهها آنها را قربانی قدرت خواهد کرد!

نادره رضایی معاون هنری این وزارتخانه را برکنار کرد. محمدمهدی احمدی مشاور عالی وزیر و رئیس حوزه ریاست وزارت فرهنگ به عنوان سرپرست معاونت هنری وزارت ارشاد منصوب شده است.

نادره رضایی در ۱۴ آبان ۱۴۰۳ به عنوان معاون هنری منصوب شد و از ابتدای فعالیت به عنوان معاون هنری وزارت ارشاد مورد حمله جریانات تندرو اصولگرا قرار داشت.

برای نمونه او ویدئوی منتشر شده از سوی پرستو احمدی، خواننده ای که آذر ۱۴۰۳ با پوشش اختیاری در کاروانسرای دیر گچین کنسرت برگزار کرده بود، را در شبکه های اجتماعی لایک کرد. همین موضوع موج حملات به او را گسترده کرد.

بیش از ۱۷۰ نماینده مجلس شورای اسلامی در نامه ای به وزیر فرهنگ از او خواستند نسبت به «اصلاح روندهای مخرب معاونت هنری» اقدام کند. حتی در ادامه مجلس شورای اسلامی به عباس صالحی کارت زرد داد. برخی نمایندگان اصولگرا، از جمله علی خضریان و مجتبی زارعی، بارها نادره رضایی را «بی تجربه» و «فاقد برنامه ریزی» معرفی کردند.

عدم شناخت نادره رضایی از دفاتر و ادارات کل زیرمجموعه اش از جمله اداره کل هنرهای تجسمی، اداره کل هنرهای نمایشی، دفتر موسیقی و دفتر برنامه ریزی و آموزش های هنری و همچنین ناآشنایی اش با هنرمندان فعال این حوزه ها و عدم شناخت متقابل هنرمندان از او، نکته دیگری بود که مورد اشاره منتقدان قرار داشت.

در روزهای گذشته و در پی خبرهایی که پیرامون برگزاری و سپس لغو کنسرت همایون شجریان در میدان شهید (آزادی) منتشر شد، بار دیگر نادره رضایی به علت صدور مجوز برای این کنسرت مورد حمله اصولگرایان قرار گرفت.

به نظر می رسد انتخاب نادره رضایی که از تجربه کافی برای معاونت وزارتخانه برخوردار نبوده در روندی

● روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۴ حجت میرزایی از مدیرعاملی صندوق بازنشستگی کشوری، حسین علایی از مدیرعاملی صندوق بازنشستگی فولاد و نادره رضایی از معاونت هنری وزارت ارشاد اسلامی برکنار شدند.

● عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، نادره رضایی معاون هنری این وزارتخانه را برکنار کرد.

● به نظر می رسد مسعود پزشکیان که با وعده اصلاح از سوی جریان اصلاح طلب و با حمایت تمام قد آنان در انتخابات جمهوری اسلامی تیرماه ۱۴۰۳ شرکت کرد، خواست اصلاح طلبان نیز برایش چندان مهم نیست و در بزنگاهها آنها را قربانی قدرت خواهد کرد!

سه مدیر دولتی شامل معاون هنری وزیر ارشاد اسلامی، مدیرعامل صندوق بازنشستگی فولاد و مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری برکنار شدند.

روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۴ حجت میرزایی از مدیرعاملی صندوق بازنشستگی کشوری، حسین علایی از مدیرعاملی صندوق بازنشستگی فولاد و نادره رضایی از معاونت هنری وزارت ارشاد اسلامی برکنار شدند.

به گزارش رسانه های داخلی برکناری حسین علایی و حجت میرزایی با تصویب انتقال صندوق حمایت و بازنشستگی کارکنان فولاد به صندوق بازنشستگی کشوری انجام شده است. همچنین با حکمی از سوی احمد میدری وزیر کار، علالدین ازوجی به عنوان سرپرست صندوق بازنشستگی کشوری و فولاد منصوب شد.

همزمان عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی،

→ استان هرمزگان اعلام کرد منشاء حادثه انفجار مواد شیمیایی نگهداری شده در کانتینرهای دپو شده در بندر شهید رجایی بوده است.

در نخستین ساعات پس از این انفجار «نیویورک تایمز» به نقل از یک منبع نزدیک به سپاه پاسداران و شرکت امنیتی «آمری» اعلام کرد که علت اصلی انفجار در «بندر رجایی» انبار کردن محموله سوخت جامد موشک بوده است. شرکت امنیت دریایی بریتانیایی «آمری» اعلام کرده انفجار روز شنبه ناشی از مدیریت نادرست یک محموله مواد شیمیایی شامل پرکلرات آمونیوم و مورد استفاده در تولید سوخت موشک بوده که چند هفته پیش توسط دو کشتی از چین با ایران ارسال و در این بندر تخلیه شده بود.

مرتضی محمودی عضو هیئت اعزامی رئیس مجلس شورای اسلامی به «بندر رجایی» برای بررسی حادثه نیز تأیید کرد ماده شیمیایی منفجر شده در این بندر اگر چه برای ساخت سم و کود کشاورزی و مواد بهداشتی کاربرد دارد اما در حوزه نظامی نیز استفاده می شود.

مجید تقی لو معاون اتکایی بیمه مرکزی اعلام کرده «۲۲۸۱ دستگاه خودرو در محوطه بندر رجایی خسارت دیده اند که از این تعداد ۱۵۹۶ دستگاه خودرو متاسفانه بیمه بدنه ندارند.»

وی با اشاره به اینکه ۷۰ درصد از اتومبیل های آسیب دیده در این انفجار بیمه بدنه نداشته اند گفته فقط ۶۸۵ دستگاه اتومبیلی که بیمه بدنه داشتند خسارت دریافت می کنند.

پولپاشی با وجود کسری بودجه؛ بودجه برخی نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت طی شش سال ۹۶۱۶ درصد افزایش یافت!



● بودجه تعدادی از نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت طی ۶ سال از ۳۵۹ تا ۹۶۱۶ درصد افزایش داشته است.

● طی شش سال گذشته بودجه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۲۱۸۲ درصد بیشتر شده، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۱۵۷۵ درصد افزایش بودجه داشته، و افزایش بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۶۶۳ درصد و سازمان تبلیغات اسلامی ۲۲۱۰ درصد بوده است.

● «مرکز داده‌های باز ایران» نیز گزارش داده «راهیان نور» به عنوان یکی از برنامه‌های تبلیغاتی حکومت بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان (حدود دو میلیون دلار) از بودجه عمومی دریافت می‌کند. آنهم در حالی که ده‌ها دانش‌آموز در این برنامه تبلیغاتی جان خود را از دست داده و یا مجروح و معلول شده‌اند!

در شرایطی که جمهوری اسلامی هر سال با کسری بودجه روبروست اما گزارش‌ها نشان می‌دهد بودجه تعدادی از نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت طی ۶ سال از ۳۵۹ تا ۹۶۱۶ درصد افزایش داشته است.

کسری بودجه در سال‌های گذشته مرتب تکرار شده و منابع درآمدی پیش‌بینی شده در لایحه بودجه از هزینه‌ها کمتر بوده است. با اینهمه همچنان پولپاشی به نهادهای بی‌خاصیت ایدئولوژیک و تبلیغاتی حکومت که نقشی در تولید و بهره‌وری کشور ندارند ادامه دارد.

دولت پزشک‌باز نیز برخلاف وعده‌هایی که داده بود نتوانست در سال نخست فعالیت خود بودجه‌ای را تنظیم کند که درآمدهای پیش‌بینی شده در آن تحقق یابد و هزینه‌ها با درآمد دولت همخوانی داشته باشد.

در پنجمین ماه سال، علی مدنی‌زاده وزیر اقتصاد اعلام کرد که دولت با دست‌کم ۸۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه روبروست. کسری بودجه دولت پزشک‌باز به یکی از محورهای نشست غیرعلنی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اعضای هیئت دولت بوده است.

در آنسو وزیر اقتصاد به دنبال راهکاری برای کاهش بخشی از هزینه‌ها در شرایطی است که درآمدهای دولت تحقق نیافته است. با اینهمه به نظر نمی‌رسد کاهش یا حذف بودجه نهادهای ایدئولوژیک و تبلیغاتی در دستور کار باشد! روزنامه «هم‌میهن» روز پنجشنبه ۲۰ شهریور ۱۴۰۴ در گزارشی نشان داده بودجه تعدادی از نهادهای تبلیغاتی و ایدئولوژیک حکومت طی ۶ سال از ۳۵۹ تا ۹۶۱۶ درصد افزایش داشته است.

در این گزارش آمده، بودجه دانشگاه تهران نزدیک ۶۵۰۰ میلیارد تومان و بودجه سازمان محیط زیست حدود ۸۰۰۰ میلیارد تومان است. یعنی مجموع بودجه این دو نهاد حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان است، در حالی که بودجه ۸۴ هزار میلیارد تومانی برای تعدادی از نهادهای مذهبی صرف می‌شود.

در سال ۱۴۰۴ سازمان تبلیغات اسلامی نزدیک به ۶۲۵۸ میلیارد تومان، ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۲۵۹ میلیارد تومان، نهادی به اسم قرب بقیه‌الله ۱۹۵۴ میلیارد تومان، آستان خمینی ۳۱۰ میلیارد تومان، دبیرخانه شورای عالی انقلاب ۱۰۴۳ میلیارد تومان، ستاد اقامه نماز ۱۳۸

کاروان‌های «راهیان نور» زیر نظر سازمان بسیج مستضعفین سپاه پاسداران و بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس به مناطق عملیاتی جنگ هشت‌ساله ایران و عراق اعزام می‌شوند. هدف رسمی این برنامه ایجاد پیوند میان «نسل امروز و حماسه‌سازان دیروز» و «ترویج فرهنگ ایثار، مقاومت و ولایت‌مداری» عنوان شده است.

بر اساس این گزارش برآورد دقیق بودجه واقعی «راهیان نور» ممکن نیست، زیرا این برنامه زیر نظر نهادهای وابسته به رهبر جمهوری اسلامی اداره می‌شود که به منابع مالی غیرشفاف گسترده‌ای دسترسی دارند. با این حال ستاد مرکزی «راهیان نور» از بودجه عمومی دولت نیز سهم قابل توجهی دریافت می‌کند.

بررسی‌های «مرکز داده‌های باز ایران» نشان می‌دهد که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۳، دست‌کم ۷۰ میلیارد تومان به‌عنوان ردیف اصلی برای «راهیان نور» اختصاص یافته و در جدول شماره ۱۲ نیز ۱۴۰ میلیارد تومان دیگر از محل هزینه‌های شرکت‌های دولتی و بانک‌ها به آن افزوده شده است.

«مرکز داده‌های باز ایران» افزوده در مجموع، بودجه این برنامه در سال جاری به حدود ۲۱۰ میلیارد تومان، (حدود ۲ میلیون دلار) می‌رسد.

بر اساس این گزارش مبنای پیش‌بینی و تخصیص بودجه‌های «راهیان نور» روشن نیست. اگر این ارقام بر اساس گزارش‌های عملکرد سالانه تعیین می‌شوند، توقف انتشار آمار همزمان با افزایش بودجه پرسش‌برانگیز است؛ وضعیتی که می‌تواند به معنای تخصیص منابع عمومی بر پایه اطلاعات غیرواقعی باشد.

همچنین سفرهای «راهیان نور» در گذشته به دلیل تصادفات جاده‌ای و تلفات سنگین مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. با اینهمه علی‌فعلی فرمانده قرارگاه مرکزی «راهیان نور» به تازگی اعلام کرد که امسال برای سفر بیش از ۷ میلیون نفر به مناطق جنگی برنامه‌ریزی شده است.

میلیارد تومان بودجه دریافت کردند. بودجه مجمع جهانی اهل بیت ۲۹۱ میلیارد تومان، مجمع تقریب مذاهب ۱۴۱ میلیارد تومان، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم ۹۱۴ میلیارد تومان، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۸۸۶۱ میلیارد تومان، مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۴۰۹۷ میلیارد تومان، موسسه امام خمینی (مربوط به آیت‌الله مصباح) نزدیک ۵۰۰ میلیارد تومان؛ جامعه‌المصطفی ۱۷۵۵ میلیارد تومان بوده است.

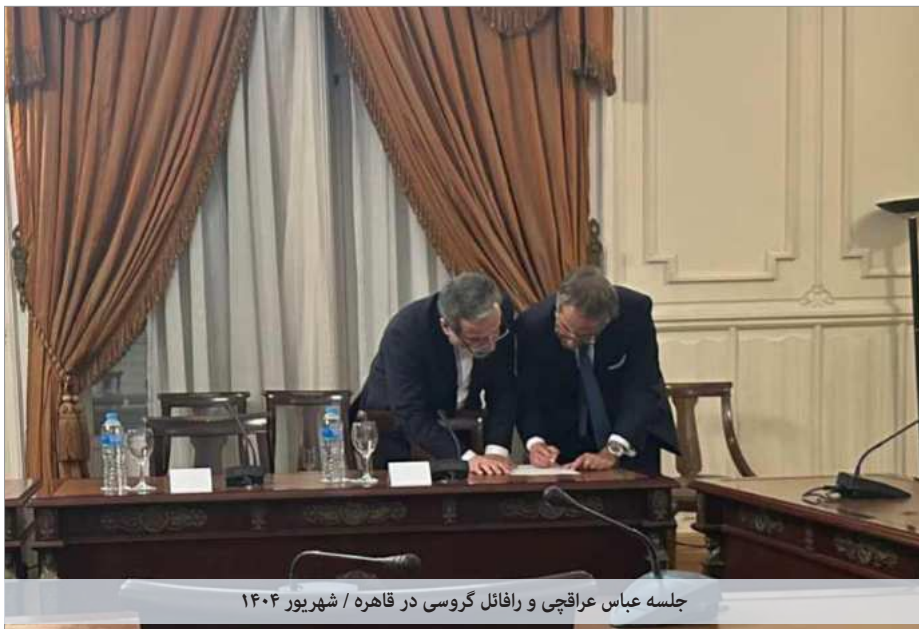
همچنین پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی ۱۳۵ میلیارد تومان، شورای سیاست‌گذاری ائمه جمعه ۲۷۱ میلیارد تومان و مرکز رسیدگی به امور مساجد ۱۵۱ میلیارد تومان بودجه می‌گیرند که جمع کل آن‌ها تقریباً ۸۴ هزار و ۱۵۰ میلیارد تومان می‌شود. این تنها بخشی از بودجه تبلیغاتی است که در اینجا آورده شده است.

این ارقام هنگامت تنها بخشی از بودجه‌پاشی دولت به نهادهای حکومتی است. بر اساس گزارش «هم‌میهن» طی شش سال گذشته بودجه صداوسیما ۱۴۴۷ درصد افزایش پیدا کرده است.

در همین مدت دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی ۱۷۶۳ درصد افزایش بودجه داشته، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۹۶۱ درصد افزایش بودجه داشته، ستاد امر به معروف و نهی از منکر ۷۲۲ درصد افزایش بودجه را تجربه کرده، بودجه حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۲۱۸۲ درصد بیشتر شده، شورای عالی حوزه‌های علمیه ۱۵۷۵ درصد افزایش بودجه داشته، و افزایش بودجه مرکز خدمات حوزه‌های علمیه ۱۶۶۳ درصد و سازمان تبلیغات اسلامی ۲۲۱۰ درصد بوده است.

«مرکز داده‌های باز ایران» هم گزارش داده که با وجود توقف رسمی انتشار آمارهای «راهیان نور» و افشای ساختگی بودن تعداد شرکت‌کنندگان در این اردوها، این برنامه تبلیغاتی حکومت همچنان بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان (حدود دو میلیون دلار) از بودجه عمومی دریافت می‌کند.

اختلاف بر سر بازدید بازرسان آژانس از تأسیسات اتمی؛ کیهان تهران: گروسی گماشته آمریکا و اسرائیل است



جلسه عباس عراقچی و رافائل گروسی در قاهره / شهریور ۱۴۰۴

شدن «مکانیسم ماشه» نیز گفت: «جمهوری اسلامی بر این نکته تأکید دارد که ابتدا باید خسارت‌های ناشی از جنگ ۱۲ روزه توسط آمریکا و اسرائیل جبران شود و تأسیسات هسته‌ای ما دوباره به مرحله فعال‌سازی برسند. تنها پس از بازگشت این سایت‌ها به چرخه فعالیت، امکان بازرسی فراهم خواهد شد.»

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در «ایکس» نوشت: «آقا تعارف نداریم مشکل سوپرانقلابی‌ها و پایداری با رهبر، جرئت ندارند، عراقچی رو می‌زنند خلاص.»

مخالفان حکومت و آنهایی که طرفدار سرنوشتی نظام هستند، امضاء توافق با آژانس را ناشی از «وضعیت فلاکت‌بار» جمهوری اسلامی می‌دانند.

در این میان، اظهارات گروسی و عراقچی بعد از توافق مبهم قاهره، متناقض است. مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کرد، «امکان دسترسی به همه تأسیسات هسته‌ای ایران فراهم شده است» اما عراقچی گفته «دسترسی‌ای در کار نیست.»

اتحادیه اروپا در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هشدار داد که حکومت ایران باید فوراً همکاری با آژانس را از سر بگیرد و گزارش‌های فنی و داده‌های به‌روز درخواستی را ارائه کند.

نماینده اتحادیه اروپا با اشاره به فعال شدن «مکانیسم ماشه» در شورای امنیت گفت: «ما در نقطه‌ای حساس قرار داریم. ایران باید گام‌های عملی بردارد تا نشان دهد که در پی یافتن راه حل دیپلماتیک است و بطور معنادار با پیشنهاد تهدید قطعنامه ۲۳۳۱ از سوی سه کشور اروپایی وارد معامله شود.»

به نظر می‌رسد اروپایی‌ها در آخرین فرصت منتظرند که آیا جمهوری اسلامی اجازه بازدید از تأسیسات تخریب شده در بمباران را به بازرسان می‌دهد یا نه؟ وگرنه با فعال شدن مکانیسم ماشه، ساز و کار بازگشت تحریم‌های شدید نهایی خواهد شد.

تعطیلی بودار مجلس شورای اسلامی
در شرایطی که گروهی از مخالفان مذاکره با آژانس،



عراقچی را متهم می‌کنند که «قانون تعلیق همکاری با آژانس» را دور زده است، مجلس شورای اسلامی تا پنجم مهرماه تعطیل اعلام شده؛ از این رو محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی متهم شده است که به عمد مجلس را تعطیل کرده تا اعتراض‌ها به توافق با آژانس کمتر شود.

محمدرضا محسنی ثانی عضو کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه با ایسنا می‌گوید، «رافائل گروسی و دیگر بازرسان آژانس حق ورود به ایران را ندارند.»

او ادامه داد: «آژانس خواستار بازدید از برخی سایت‌های هسته‌ای ماست. اما این تأسیسات، طبق ادعای آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها، در جریان بمباران‌ها آسیب دیده‌اند و طبیعتاً هنوز شرایط لازم برای بازدید را ندارند.»

محسنی ثانی درباره موضع تهران نسبت به احتمال فعال

● بعید است که توافق جمهوری اسلامی و آژانس در قاهره بدون کسب اجازه از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی امضاء شده باشد اما بیشترین انتقاد به آن، از سوی جریان‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «جبهه پایداری» مطرح می‌شود که وابسته به حلقه مرکزی قدرت‌اند. روزنامه کیهان چاپ تهران مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «گماشته آمریکا و اسرائیل» و «جاسوس نشانه‌دار» خوانده و می‌نویسد امضاء توافق عراقچی و گروسی «عملاً دور زدن قانون تعلیق همکاری با آژانس، مصوب مجلس» است.

● در شرایطی که گروهی از مخالفان مذاکره با آژانس، عراقچی را متهم می‌کنند، «قانون تعلیق همکاری با آژانس» را دور زده، مجلس شورای اسلامی تا پنجم مهرماه تعطیل شده است. از این رو محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی متهم شده که به عمد مجلس را تعطیل کرده تا اعتراض‌ها به توافق با آژانس کمتر شود.

● محمدرضا محسنی ثانی عضو کمیسیون امنیت و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی در مصاحبه با ایسنا می‌گوید، «رافائل گروسی و دیگر بازرسان آژانس حق ورود به ایران را ندارند.»

● اتحادیه اروپا در نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی هشدار داد که حکومت ایران باید فوراً همکاری با آژانس را از سر بگیرد و گزارش‌های فنی و داده‌های به‌روز درخواستی را ارائه کند.

توافق مبهم میان جمهوری اسلامی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در قاهره امضاء شد با انتقاد گسترده از سوی مخالفان مذاکره با آمریکا و آژانس روبرو شده است.

هرچند بعید است این توافق بدون کسب اجازه از علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی امضاء شده باشد اما بیشترین انتقاد به آن، از سوی جریان‌های نزدیک به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و «جبهه پایداری» مطرح می‌شود که وابسته به حلقه مرکزی قدرت‌اند.

روزنامه کیهان چاپ تهران مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را «گماشته آمریکا و اسرائیل» و «جاسوس نشانه‌دار» خوانده و می‌نویسد امضاء توافق عراقچی و گروسی «عملاً دور زدن قانون تعلیق همکاری با آژانس، مصوب مجلس» است. کیهان تهران اشاره نمی‌کند که چطور بدون اجازه نهادهای تصمیم‌گیرنده نظام و علی خامنه‌ای، وزیر خارجه رفته و زیر یک توافق امنیتی امضاء کرده است!

اما فراتر از این، کیهان تهران می‌نویسد توافق با آژانس یک «تله» است و نه تنها جلوی اقدام نظامی را نمی‌گیرد بلکه «فقط زمان خریدن برای طرف مقابل و تبدیل شدن ایران به بازیچه‌ای در دست غرب است.»

در بخشی از این مطلب آمده گروسی «سودای رسیدن به دبیرکلی سازمان ملل را در سر دارد و برای این هدف، از هیچ خوش خدمتی به اسرائیل و آمریکا دریغ نمی‌کند.»

کیهان تهران در پایان هشدار داده است، گروسی و بازرسان آژانس «در قامت بازوی جاسوسی اسرائیل و آمریکا ظاهر می‌شوند» و «در پوشش مأموریت رسمی، اطلاعات حساس ایران را به دشمن منتقل می‌کنند» و زمینه‌ساز «خرابکاری دشمن» می‌شوند.

رویارویی جناحین حکومت برای گردن نگرستن «بابک زنجانی»

مدعی شده ۲۰ تا ۵۰ میلیارد دلار پول آماده کرده تا وارد کشور کند. این ادعا با واکنش‌هایی روبرو شد.

رسانه‌های داخلی نوشتند اگر بابک زنجانی ۵۰ میلیارد دلار سرمایه داشته باشد، یعنی یکی از ۳۰ فرد ثروتمند کل دنیا است. ادعایی که به سختی می‌شود آن را باور کرد اما اگر راست بگوید و ۵۰ میلیارد دلار سرمایه داشته باشد، این پرسش پیش می‌آید که چطور چنین ثروتی در اختیار فردی که به اتهام فساد فی‌الارض حکم اعدام داشته، قرار گرفته است؟

او همچنین در ادعای دیگری گفت در حال خرید ۳۲ فروند هواپیما است که حدود ۱۰ فروند آنها در مراحل نهایی شدن است.

رسانه‌های داخلی به این ادعا هم واکنش نشان دادند و نوشتند مگر در چنین شرایط تحریمی، می‌شود هواپیما خرید و وارد کرد؟ آنهم در زمانی که بازار تولید و فروش هواپیما دنیا در دست شرکت‌های آمریکایی است.

چند روز پیشتر و در ۲۵ امداد ویدئویی منتشر شد که نشان می‌داد ۳۰۰ تاکسی برقی شرکت «دات وان» متعلق به زنجانی در خیابان‌های تهران رژه رفتند.

بابک زنجانی خردادها هم نیز در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» از تأسیس ۲۰ شرکت بزرگ خبر داد و نوشت: «در ۹ ماه گذشته، در گروه ارزش‌آفرینی تازه‌تأسیس وان «دات‌وان»، تا کنون موفق به ایجاد ۲۰ شرکت شدیم.»

این شرکت‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله بانکداری، بازرگانی، حمل و نقل، لوازم خانگی، انرژی، اتومبیل‌سازی و سینما فعال هستند.

همچنین در اواخر بهار خبری درباره امضای قرار داد دولت مسعود پزشکیان با شرکت «آوان ریل» که زنجانی از سهامداران عمده آن است منتشر شد. این قرارداد به ارزش ۶۴ هزار میلیارد تومان، و شامل خرید و تولید ۳۰۰ واگن مسافری خودکششی، ۵۰ لوکوموتیو باری و ۶۰۰ واگن باری مخزن‌دار است.

خرساز شدن بابک زنجانی در حالیکه آبر بدهی او بابت به جیب زدن پول‌های فروش نفت تحریمی ایران همچنان مبهم بود، سبب واکنش‌هایی شد.

چند روز پس از آنکه بابک زنجانی از شرکت‌های تازه تأسیس خود روغایی کرد مصطفی قمری مدیرکل روابط عمومی بانک مرکزی هفته سوم تیرماه در شبکه «ایکس» خطاب به زنجانی نوشت «جناب کلاهبردار و ابردهکار به جای توصیه به مقامات کشور، بدهی خود به بیت‌المال را پرداخت کن؛ نیازی به راه‌حل‌های مشعشع شما نیست.»

در ادامه این پیام آمده بود «تو از بانک مرکزی و هیچ نهاد قانونی کشور، مجوز فعالیت اقتصادی نداری و کمتر دروغ بگو!»

بانک مرکزی رقم بدهی بابک زنجانی را یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورو اعلام کرده است. محمدرضا فرزین رئیس بانک مرکزی اردیبهشت ماه امسال درباره آخرین وضعیت بدهی بابک زنجانی به دولت گفته بود: «نیکل‌های بابک زنجانی در صندوق خزانه و بانک مرکزی است. توافق نیز این بوده که وی خودش این نیکل‌ها را بفروشد و طلب بانک مرکزی را بدهد. این توافق همچنان برقرار است بنابراین نیکل درباره تقلبی بودن یا نبودن آنها اطلاعی نداریم.»

رئیس کل بانک مرکزی افزوده بود «در مورد اینکه ارزش این نیکل‌ها چقدر است بانک مرکزی ورودی نداشته و ما از وی خواستیم که خودش نیکل‌ها را بفروشد و طلب



بابک زنجانی

اظهارات متناقض بانک مرکزی و قوه قضاییه و دولت درباره بدهی‌ها و فعالیت اقتصادی بابک زنجانی گفته «یک دستگاه نظارتی و یا اجرایی نباید ساز مخالف با قسمت‌های دیگر کشور بزند، چرا که این کار بی‌اعتمادی ایجاد می‌کند. بانک مرکزی یک صحبتی می‌کند، وزارت اطلاعات یک صحبتی دارد، سازمان اطلاعات سپاه یک صحبتی برای خودش دارد و دستگاه قضایی برای خودش یک صحبتی دارد. همه دستگاه‌های نظارتی، اجرایی و قضائی باید یک صدای واحد در این خصوص داشته باشند، چرا که پول کمی نیست.»

بابک زنجانی که نام او در حافظه عمومی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین نمادهای فساد اقتصادی و رانت‌خواری در جمهوری اسلامی ثبت شده، طی هفته‌های گذشته خرساز شده است. در شرایطی که بانک مرکزی همچنان او را بدهکار رسمی معرفی می‌کند، شواهدی وجود دارد که بابک زنجانی پس از نجات از حکم اعدام، وارد فعالیت‌های اقتصادی شده است. بابک زنجانی که از جمله دلالان نفت تحریمی ایران به شمار می‌رفت، دوازده سال پیش با اتهام اختلاس پول‌های نفت ایران بازداشت و به اعدام محکوم شد. پس از سال‌ها کشمکش قضایی و تلاش برای بازگرداندن دارایی‌ها، بنا به گزارش‌های رسمی، با بازگرداندن حدود ۱/۲ میلیارد دلار دارایی، حکم اعدام او در بهار سال گذشته به ۲۰ سال زندان تغییر پیدا کرد.

زمستان گذشته نیز گزارش‌هایی درباره آزادی مشروط و بازگشت او به فعالیت‌های تجاری و قراردادهای بزرگ منتشر شد؛ موضوعی که در ماه‌های گذشته با روغایی از بخشی از فعالیت‌های اقتصادی او و البته فعالیت آزادانه او در شبکه‌های اجتماعی و حضور در نشست‌ها و دیدارها قطعی شده و انتقاداتی را در پی داشته است.

برای نمونه بابک زنجانی در ۷ شهریور ماه ۱۴۰۴ در نمایشگاه بین‌المللی تهران که با موضوع صنعت حمل و نقل برگزار شد، حضور پیدا کرد. دلیل حضور زنجانی شرکت دات وان و تاکسی‌هایی بود که وارد کرده تا به شبکه حمل‌ونقل تاکسیرانی تهران تزریق کند.

بابک زنجانی در بخشی از سخنانش در این نمایشگاه

● محمد باقری بناب عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از تلاش شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای تحقیق و تفحص از وزارت نفت درباره پرونده بابک زنجانی خبر داده است.

● محمد باقری بناب گفته: «باید به صورت کامل مشخص شود بدهی ایشان برای کشور و وزارت نفت چقدر بوده است؟ بعضی‌ها رقم ۲ میلیارد دلار را عنوان می‌کنند و برخی دیگر از ۴ میلیارد و ۱۰ میلیارد دلار سخن می‌گویند.»

● در شرایطی که بانک مرکزی همچنان زنجانی را بدهکار رسمی معرفی می‌کند، شواهدی وجود دارد که او پس از نجات از حکم اعدام، وارد فعالیت‌های اقتصادی شده است.

● بابک زنجانی خردادها هم نیز در حساب کاربری خود در شبکه «ایکس» از تأسیس ۲۰ شرکت بزرگ خبر داده بود. این شرکت‌ها در حوزه‌های مختلف از جمله بانکداری، بازرگانی، حمل و نقل، لوازم خانگی، انرژی، اتومبیل‌سازی و سینما فعال هستند.

● بابک زنجانی در ۷ شهریور ماه ۱۴۰۴ در نمایشگاه بین‌المللی تهران حاضر و مدعی شد ۲۰ تا ۵۰ میلیارد دلار پول آماده کرده تا وارد کشور کند. این ادعا با واکنش‌هایی روبرو شد.

● او در ادعایی دیگر گفت در حال خرید ۳۲ فروند هواپیما است که حدود ۱۰ فروند آنها در مراحل نهایی شدن است.

● بانک مرکزی رقم بدهی بابک زنجانی را یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورو اعلام کرده است.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی از تلاش شماری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی برای تحقیق و تفحص از وزارت نفت درباره پرونده بابک زنجانی خبر داده است.

محمد باقری بناب عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفته فعالیت‌های اقتصادی بابک زنجانی سوالاتی را در افکار عمومی ایجاد کرده و «باید به صورت کامل مشخص شود بدهی ایشان برای کشور و وزارت نفت چقدر بوده است؟ بعضی‌ها رقم ۲ میلیارد دلار را عنوان می‌کنند و برخی دیگر از ۴ میلیارد و ۱۰ میلیارد دلار سخن می‌گویند.»

او افزوده «دستگاه‌ها باید به صورت شفاف نحوه تسویه کردن بدهی ایشان را به خصوص برای مردم مشخص کنند. از قبل پرونده‌های کلانی وجود داشتند و دستگاه‌های نظارتی ورود پیدا کردند و گفتند مثلاً فلان قدر بدهی دارند و آنها هم تسویه کردند.»

محمد باقری بناب تأکید کرده «دستگاه‌ها باید به صورت شفاف نحوه تسویه کردن بدهی ایشان را به خصوص برای مردم مشخص کنند. از قبل پرونده‌های کلانی وجود داشتند و دستگاه‌های نظارتی ورود پیدا کردند و گفتند مثلاً فلان قدر بدهی دارند و آنها هم تسویه کردند. در خصوص پرونده آقای بابک زنجانی هم ما پیگیر بودیم تا زمانی که تسویه بدهی نکرده اعدام نشود.»

او گفته «الان هم که دستگاه قضائی ورود پیدا کرده است که این مسئله را حل و فصل کند، بگوید بدهی وی چقدر بوده است و مثلاً فلان قدر طلا وارد کرده است. یا مثلاً خودرو، اتوبوس، واگن و یا هواپیما وارد کرده برای دولت، نه خودش. این‌ها باید به صورت شفاف به مردم گفته شود.»

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی با اشاره به

اجرای حکم اعدام مهران بهرامیان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات ۱۴۰۱



مهران و فاضل بهرامیان دو برادری هستند که در پرونده‌ای مشترک به اتهام واهی «محاربه» به اعدام محکوم شدند. مراد بهرامیان دیگر برادر مهران و فاضل در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم مأموران جمهوری اسلامی کشته شد.

این دو برادر دی‌ماه ۱۴۰۱ پس از شرکت در مراسم چهل‌م برادرشان و دیگر جانب‌گذاختگان اعتراضات شهر سمیرم بازداشت شدند. نهادهای امنیتی با پرونده‌سازی این دو برادر را متهم به قتل محسن رضایی، مامور یگان ویژه، کردند.

هر دو برادر در طول بازجویی‌ها برای اعتراف اجباری زیر شکنجه شدید جسمی و روحی قرار داشتند و از حقوق اولیه مانند دسترسی به وکیل و ملاقات با خانواده محروم بودند.

مهران و فاضل بهرامیان توسط یکی از شعب دادگاه انقلاب اصفهان به اعدام محکوم شدند. حکم صادره چندی بعد توسط دیوان عالی کشور لغو و جهت رسیدگی دوباره به دادگاه هم‌عرض ارجاع شد. پس از رسیدگی دوباره حکم اعدام این زندانی مجدداً صادر شد و در نهایت دیوان عالی کشور نیز این حکم را تأیید کرد.

فاضل بهرامیان با اتهامات مشابه مهران در زندان دست‌گردد محبوس است و حکم اعدام او از سوی مراجع قضایی تأیید شده است.

همچنین گزارش شده که مهران و فاضل ماه‌ها در سلول انفرادی نگهداری شده‌اند. آنها پس از آزادی موقت دوباره در امداد ۱۴۰۴ بازداشت شدند.

سازمان حقوق بشر ایران نوشته اعدام این شهروند پس از دادگاه‌های نمایشی و اعتراف اجباری تحت شکنجه، صورت گرفته است.

محمود امیری‌مقدم مدیر این سازمان گفته «حکم اعدام مهران بهرامیان بر اساس اعتراف زیر شکنجه و بدون دادرسی عادلانه صادر شده بود؛ اعدام او یک قتل فراقضایی است. حکومت ناکارآمد و غرق در بحران جمهوری اسلامی برای پیشگیری از اعتراضات در آستانه سالگرد خیزش زن-زندگی-آزادی دست به این جنایت زد.»

● پس از اجرای حکم اعدام مهران بهرامیان، پیکر این جوان به خانواده تحویل داده نشد و توسط مأموران در آرامستان «باغ رضوان» شهر اصفهان به خاک سپرده شده است.

● مهران و فاضل بهرامیان دو برادری هستند که در پرونده‌ای مشترک به اتهام واهی «محاربه» به اعدام محکوم شدند. مراد بهرامیان دیگر برادر مهران و فاضل در جریان اعتراضات ۱۴۰۱ با شلیک مستقیم مأموران جمهوری اسلامی کشته شد.

● این دو برادر دی‌ماه ۱۴۰۱ پس از شرکت در مراسم چهل‌م برادرشان و دیگر جانب‌گذاختگان اعتراضات شهر سمیرم بازداشت شدند. نهادهای امنیتی با پرونده‌سازی این دو برادر را متهم به قتل محسن رضایی، مامور یگان ویژه، کردند.

● فاضل بهرامیان با اتهامات مشابه مهران در زندان دست‌گردد محبوس است و حکم اعدام او از سوی مراجع قضایی تأیید شده است.

حکم اعدام مهران بهرامیان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ سحرگاه روز شنبه ۱۵ شهریورماه اجرا شد. مهران بهرامیان در شهر سمیرم بازداشت و به اتهام محاربه از طریق قتل مامور یگان ویژه به اعدام محکوم شده بود. خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضاییه جمهوری اسلامی صبح روز شنبه ۱۵ شهریورماه ۱۴۰۴ از اجرای حکم اعدام مهران بهرامیان، از بازداشت‌شدگان اعتراضات سراسری ۱۴۰۱ خبر داد.

به گزارش منابع حقوق بشری پس از اجرای حکم اعدام مهران بهرامیان، پیکر این جوان به خانواده تحویل داده نشد و توسط مأموران در آرامستان «باغ رضوان» شهر اصفهان به خاک سپرده شده است.

ساعاتی پیش از انتشار خبر اجرای حکم اعدام مهران بهرامیان، کانون حقوق بشر ایران گزارش داده بود خانواده بهرامیان برای ملاقات آخر به زندان دست‌گردد اصفهان فراخوانده شده‌اند.

➡ ما را بدهد. در مورد رمز ارز بانک زنجانی نیز باید قوه قضاییه توضیح دهد و هر مبلغی را قاضی پرونده وی به نهای می کند دریافت خواهیم کرد.»

در روزهای گذشته اما بار دیگر بابک زنجانی به ابزار درگیری جناح‌های حکومتی تبدیل شده است. جریانات اصلاح‌طلب و اصولگرا تلاش کردند مسئولیت بابک زنجانی را به گردن یکدیگر بیندازند.

روزنامه «اعتماد» در مقاله مشترکی با امضای عباس عبدی، فیاض زاهد و محمد مهاجری نوشته «با کسانی در فضای عمومی مواجه هستیم که قاطعانه از بابک زنجانی حمایت می‌کنند، در حالی که همچنان منادیان سرمایه‌داری و سرمایه‌گذاری، بدون قواعد اقتصاد بازار بوده و طرفدار سرمایه‌دارانی تابع و گوش به فرمان نهادهای قدرت هستند که این تناقضی جدی است.»

روزنامه کیهان چاپ تهران در مطلبی به اختلافات در مورد بابک زنجانی اشاره کرده و نوشته «واکنش هیجانی و پر از تناقض برخی افراطیون مدعی اعتدال و اصلاحات در ماجرای بابک زنجانی، در حالی است که آنها در برکشیدن وی نقش منحصربه‌فردی داشته‌اند. در عین حال در دهه گذشته، پروژه دیگری را تعریف کردند تا با بهانه قرارداد عدم بازگشت بخشی از پول نفت صادراتی، به تسویه حساب سیاسی بپردازند. چند ماه قبل از اینکه تیم «روحانی، زنگنه و جهانگیری»، بابک زنجانی را بهانه‌ای برای تسویه حساب سیاسی قرار دهند، نشریه کارگزارانی «آسمان» (به سردبیری محمد قوچانی)، گفت‌وگویی با زنجانی ترتیب داد و تصویر او را بر صفحه اول نشاناند. این گفت‌وگو نشان می‌دهد که زنجانی، در واقع سوگلی چه کسانی بوده است.»

کیهان تهران در ادامه از بابک زنجانی دفاع کرده و نوشته «بابک زنجانی در جابجایی میلیاردها یورو از وجوه مسدود ایران و کمک به بانک مرکزی و وزارت نفت برای تسهیل در دور زدن تحریم‌ها نقش داشته و همین موجب تحریم وی توسط خزانه‌داری آمریکا و اروپا شد.»

روزنامه اصلاح‌طلب «شرق» هم در مطلبی نوشته «امروز بابک زنجانی ها دست بالاتر را در فضای اقتصادی کشور یافته‌اند و افراد و جریان‌های قدرتمندی نیز از آنان حمایت می‌کنند. نتیجه این روند معیوب، توسعه اقتصادی و صنعتی و تضعیف شدید نوآوری و خلاقیت و ارتباط با جهان آزاد است؛ روند معیوبی که متأسفانه در صورت به کار افتادن مکانیسم ماشه و بزرگ‌شدن اقتصاد غیررسمی و سایه، بیش از پیش تشدید می‌شود.»

«شرق» افزوده «بابک زنجانی و «بابک زنجانی»‌ها نماد و نشانه سرمایه‌سازی صنعتی و توسعه الیگارشیکی متکی به رانت‌های عظیم‌اند که نسبتی با جهان دانش‌محور امروز ندارند و در صورت نبود چاره‌اندیشی عاجل، دولت و نظام اقتصادی کشور را مانند همتایان روسی خود به تسخیر درآورده و ریشه‌های الگوی اقتصاد آزاد و رقابتی و سرمایه‌دار کارآفرین در خدمت پیشرفت و توسعه کشور را که نهالی تازه احیا شده است، درهم می‌شکنند.»

اکنون در حالی بابک زنجانی فعالیت‌های اقتصادی خود را در اقتصاد بحران‌زده و تحریمی ایران از سر گرفته که بر اساس اعلام بانک مرکزی، او طبق دستور مقام قضایی در خرداد ۱۴۰۴ می‌بایست تمام بدهی خود را ظرف مدت یک ماه به صورت یورو پرداخت می‌کرده است، اما به‌رغم چندین بار اعلام علنی و نامه‌های رسمی مراجع ذیصلاح به نامبرده، زنجانی نه تنها هیچ اقدامی جهت تسویه بدهی خود به بیت‌المال نکرده است بلکه با اظهارات و ادعاهای مجرمانه جدید، اقدامات خود در جهت افتراها و تشویش اذهان عمومی و فرار از پرداخت بدهی سنگین خود را ادامه می‌دهد!

گزارش «گاردین» درباره جورجیو آرمانی طراح نامدار ایتالیایی که در ۹۱ سالگی درگذشت

● طراح ایتالیایی که مفهوم «ظرافت بی‌پیرایه» را به یک امپراتوری چند میلیارد دلاری مُد تبدیل کرد، در ۹۱ سالگی درگذشت.

جورجیو آرمانی طراح پرآوازه مد و بنیانگذار سبکی که همواره با وقار و ظرافت ایتالیایی شناخته می‌شد، در نود و یک سالگی چشم از جهان فروبست. خانه مُد او روز پنجشنبه چهارم سپتامبر خبر درگذشت این چهره برجسته دنیای مد را اعلام کرد. طراح بزرگی که با نگاه خویش «پوشش قدرت» را بازآفرینی کرد، مفهوم مدرن بودن را از نو تعریف نمود و طرحی نوین برای پوشش و سبک زندگی معاصر پدید آورد.

او که همواره با صلابت، وقار و اندکی رازآلودگی شناخته می‌شد، از این جهان رفته است، اما یاد و میراثش هرگز از خاطرها محو نخواهد شد.

آرمانی در واپسین ماه‌های زندگی به دلیل بیماری از حضور در سه نمایشگاه پایانی خود که در ماه‌های ژوئن و ژوئیه برگزار شد، بازماند. او قرار بود در جشن‌های پنجاهمین سالگرد پُرنشد که قرار است در همین ماه در میلان برپا شود، از جمله در نمایشگاهی شاخص در موزه «پیناکوتکا دی بررا» شرکت کند.

وی بنیانگذار و تنها سهامدار نهادهی بود که در طول دهه‌ها از بزرگ‌ترین شرکت‌های لوکس جهان پیشنهاد خرید گرفت اما او همواره این وسوسه را رد کرد و استقلال پُرنَد خویش را «ارزشی اساسی» می‌دانست و بر این باور بود که هویت «آرمانی» جز با حفظ این استقلال معنایی ندارد.

جورجیو آرمانی؛ معمار شیک‌پوشی معاصر این طراح بزرگ ایتالیایی نه تنها یک نام در دنیای مد، که خود به پدیده‌ای فرهنگی بدل شد. نخستین نمایش او در سال ۱۹۷۵، با معرفی پوششی نرم و بی‌تکلف برای قدرت، او را به لقب «پادشاه پِلِزِر (گُت)» رساند. گُت‌های بلند، شلوارهای آزاد با چین ملایم و پالتوهای کمربنددار تا زمین، تعریف تازه‌ای از جامه رسمی آفریدند؛ تعریفی که به همان شیوه به پوشاک زنان نیز راه یافت و بسیاری را از قالب‌های تنگ و پر زرق و برق رها کرد. طیفی از رنگ‌های خنثی، خاکستری و بژ، به امضای او بدل شد؛ چیزی که سال‌ها بعد با عنوان «لوکس خاموش» شناخته شد.

شهرت جهانی‌اش در ۱۹۸۰ با فیلم «ژیکولوی آمریکایی» اوج گرفت؛ جایی که ریچارد گیر در کت و شلوارهای او بر پرده ظاهر شد. از آن پس رابطه‌ای نو میان هالیوود و مُد شکل گرفت.

دایان کیتون در ۱۹۷۸ نخستین ستاره‌ای بود که جامه او را بر فرش قرمز اسکار پوشید. جودی فاستر در ۱۹۸۹ تا کنون جز یکبار همواره با طرح‌های آرمانی بر صحنه جوایز حاضر شده و جولیا رابرتس با کت و شلوار خاکستری استیل او در مراسم گلدن گلوب ۱۹۹۰ تصویری ماندگار آفرید.

آرمانی در ۱۹۳۴ در پیاجنزا واقع در شمال ایتالیا زاده شد. در آغاز پزشکی خواند، اما دانشگاه میلان را پیش از پایان رها کرد و به ارتش رفت. اندکی بعد به دنبال راهی دیگر گشت. خود گفته بود: «بطور اتفاقی وارد دنیای مُد شدم، اما رفته رفته چنان در من ریشه کرد که سراسر زندگی‌ام را بلعید.» او



جورجیو آرمانی / ۲۰۰۹ / رویترز

شده است.

اکنون سیل ستایش ستارگان و طراحان، با شنیدن خبر درگذشت او، روان شده است. دونالدلا ورساچی نوشت: «جهان امروز غولی را از دست داد.» شارل لوکلر راننده فرمول یک فراری نوشت «افتخار بزرگی بود با چنین انسان شگفتی همکاری کنم.» جولیا رابرتس او را «دوستی حقیقی و اسطوره‌ای بی‌بدیل» خواند.

راسل کرو تعریف کرده که چگونه در راه جشنواره کن در سال ۱۹۷۷، پس از گم شدن چمدان‌هایش، با آرمانی آشنا شد و از آن پس همه لحظات بزرگ زندگی‌اش را با جامه‌های طرح او گذراند. او نوشته: «من او را تحسین می‌کردم. او بسیار مهربان بود. لحظات مهم زیادی در زندگی من، جوایز، عروسی، ویمبلدون... همه در آرمانی بود. چه زندگی‌ای داشت، از آغاز تا شکوهش.»

دایان کروگر بازیگر نوشت: «از شنیدن خبر درگذشت جورجیو آرمانی فوق‌العاده متأثر شدم. او یکی از بهترین افراد و مربیانی بود که به اندازه کافی خوش‌شانس بودم تا با او ملاقات و همکاری کنم.»

ادوارد ایننفول سردبیر سابق مجله ووگ نوشت: «آرمانی اهمیت کارآفرینی و اجتماع و اعتقاد به خلاقیت خود را به من آموخت. از زمان آشنایی در دهه ۹۰، او همیشه به من ایمان داشت و از روز اول به من جایی در کنار خود داد. از طراحی کمپین‌هایش گرفته تا سخنان حکیمانه بی‌پایانش در هر مرحله از حرفه‌ام، همیشه باعث می‌شد احساس کنم دیده می‌شوم.»

آرمانی طی مصاحبه‌ای در ۲۰۲۲ گفته بود: «دوست دارم مرا به عنوان انسانی صادق به یاد آورند. من همانی را می‌گویم که در دل دارم.» او تا واپسین روزها کار می‌کرد؛ حتی دعوتنامه‌های نمایش آینده‌اش در سپتامبر ۲۰۲۵ میلان از پیش ارسال شده بود.

او روزی گفته بود: «ظرافت آن نیست که دیده شوی؛ آنست که در یاد بمانی.» و اکنون که رفته است، جهان

ابتدا ویت‌ترین‌آرای فروشگاه «لاریناشنته» در میلان بود، سپس فروشنده و سرانجام طراح مردانه در شرکت «نینو چِروُتی». اما داستان آرمانی با یک کت و شلوار آغاز شد؛ کت و شلواری که از قالب‌های خشک و اداری رها شده و به جامه‌ای شهری، پرکشش و حتی آمیخته با جذابیتی اغواگر بدل گشت.

او می‌گفت: «سبک برای من حال و هوایی است که می‌توان بر هر چیزی جاری ساخت. مُد فقط لباس نیست؛ راهی برای بودن است.» کت و شلوار آرمانی، مرد را همزمان شهری، متمدن، نیرومند و جذاب می‌کرد.

در ۴۱ سالگی، با تشویق شریک زندگی و همکارش، سرجو گالتوُتی که مهندس معماری بود، ماشین فولکس‌واگن خود را فروخت تا پُرنَد خودش را بنیان گذارد. گالتوُتی به امور مالی می‌رسید و آرمانی به خلاقیت می‌پرداخت. پس از درگذشت گالتوُتی در ۱۹۹۵، او راه را به تنهایی ادامه داد. تا ۲۰۲۱ امپراتوری آرمانی از پوشاک و عطر تا هتل، رستوران، باشگاه شبانه و حتی شکلات و گل‌آرایی، ۳/۵ میلیارد پوند درآمد داشت. با همه شهرت، استقلال پُرنَدش را «ارزش بنیادین» می‌دانست و هرگز پیشنهاد پیوستن به چهار گروه بزرگ مد را نپذیرفت. در سال‌های پایانی زندگی، گرچه به سبب بیماری از نمایشگاه‌های ژوئن و ژوئیه غایب بود، اما از راه دور با ویدئو و نامه‌نگاری طراحی و هماهنگی را هدایت می‌کرد. قرار بود در روز ۲۸ سپتامبر امسال پنجاهمین سالگرد پُرنَدش در میلان جشن گرفته شود.

شخصیت او همواره با وقار، اندکی رازآلود و تا حدی دور از دسترس توصیف می‌شد. دوستان و همکاران او را نه با نام کوچک، که همیشه «سینیور» یا «مستر آرمانی» می‌خواندند. او از اسراف و زیاده‌روی در صنعت مُد بیزار بود و در نامه‌ای در سال ۲۰۲۰ نوشت: «غیراخلاقی است که مجموعه‌ها سه هفته در فروشگاه بمانند و کهنه شوند. من چنین کاری نمی‌کنم.» همان پافشاری، امروز، با گرایش جهان به پایداری و ماندگاری لباس، به حقیقتی پیشرو بدل

۲۰۰۰ نمایشگاه بزرگی از ۲۵ سال نخست کار او برگزار کرد. او در توصیف فلسفه کاری‌اش گفته بود: «من عاشق چیزهایی هستم که خوب پیر می‌شوند، تاریخ مصرف ندارند و به نمونه‌های زنده بهترین‌ها تبدیل می‌شوند.»

امپراتوری آرمانی امروزه بیش از ۹ هزار کارمند دارد؛ نیمی از مدیران اجرایی آن زنان هستند. بر اساس آمار ۲۰۲۳، این



گروه شامل هفت مرکز صنعتی و بیش از ۶۰۰ فروشگاه در سراسر جهان است. علاوه بر مد و اکسسوری، این برند عطر، لوازم آرایشی، دکوراسیون منزل و حتی شیرینی، گل و کتاب عرضه می‌کند.

او از سال ۱۹۹۸ تا کنون بیش از ۲۰ رستوران، چندین کافه و باشگاه افتتاح کرد و بخش قابل توجهی از اوقات فراغت خود را در ویلاهای شخصی‌اش در برونی، کاپری، جزیره پانتلریا و سن تروپه می‌گذراند؛ خانه‌هایی که همگی بازتابی از سبک مینیمالیستی او بودند.

در سال ۲۰۰۶، او مراسم پر سر و صدای ازدواج تام کروز و کیتی هولمز را در قلعه‌ای قرون‌وسطایی در نزدیکی رم مدیریت کرد و شخصاً لباس عروس و داماد را طراحی نمود. همچون بسیاری از هم‌نسلان خود، آرمانی بخشی از شهرت و ثروتش را صرف فعالیت‌های نیکوکاری می‌کرد. او حامی پرشور مبارزه با ایدز بود و در سال ۲۰۰۲ به عنوان سفیر حسن نیت سازمان ملل در امور پناهندگان منصوب شد.

آرمانی هیچ فرزندی نداشت، اما رابطه نزدیکی با برادرزاده‌اش، روبرتا داشت. روبرتا حرفه سینمایی خود را رها کرد تا مدیر روابط عمومی عمویش شود و در بسیاری از رویدادهای اجتماعی بجای او حضور یابد.

بر اساس گزارش‌های رسمی از جمله مصاحبه او با فایننشال تایمز، جورجیو آرمانی هیچ وارث یا مدیرعامل مشخصی به عنوان جانشین قطعی معرفی نکرد و تأکید کرد: «ارزش اساسی شرکت Giorgio Armani S.P.A استقلال آن است و برنامه جانشینی من شامل انتقال تدریجی مسئولیت‌ها به نزدیک‌ترین افرادم است، همچون لئو دل‌اورکو (رئیس دفتر سبک مردانه)، اعضای خانواده‌ام و کل تیم کاری. دوست دارم جانشینی به صورت ارگانیک رخ دهد، نه به شکل یک گسست ناگهانی.»

*منبع: گاردین

*ترجمه و تنظیم از کیهان لندن

خود آراست؛ لباس‌هایی با پارچه‌های فوق‌العاده نرم و رنگ‌های ملایم. کت و شلوارهای رسمی مشکی و لباس‌های شب پرزرق و برق آرمانی اغلب در مراسم فرش قرمز جوایز سینمایی چشم‌ها را خیره می‌کرد.

این طراح همچنین مالک چندین بار، باشگاه، رستوران و تیم بسکتبال «المپیا میلان» بود. از سال ۱۹۹۸ تا کنون بیش

از ۲۰ رستوران از میلان تا توکیو افتتاح کرد و همچنین دو هتل، یکی در دوبی (۲۰۰۹) و دیگری در میلان (۲۰۱۰) داشت.

سبک آرمانی

سبک آرمانی از خود او آغاز می‌شد: چشمان آبی نافذ، چهره آفتاب سوخته، موهای نقره‌ای که از سنین جوانی با او همراه بود، جین و تی‌شرت به عنوان لباس کاری همیشگی و طراحی مینیمالیست خانه‌های شخصی‌اش.

دیدگاه او نسبت به مد، «ظرافت بی‌تکلف» بود که توجه به جزئیات در آن تفاوت ایجاد می‌کرد.

او بارها گفته بود: «من برای آدم‌های واقعی طراحی می‌کنم. هیچ فضیلتی در خلق لباس‌ها و تزئیناتی که کاربردی نیستند، وجود ندارد.»

لیخند دلنشین و رفتار مودبان‌اش اغلب چهره سخت‌کوش یک تاجر را پنهان می‌کرد که توانسته بود استعداد خلاقانه‌اش را به یک امپراتوری ۱۰ میلیارد دلاری تبدیل کند. او هرگز ادغام یا فروش برندش را نپذیرفت و همواره رئیس خود باقی ماند.

درخشش در اسکار

شب‌های اسکار همیشه با لباس‌های آرمانی می‌درخشید. شان پن در سال ۲۰۰۹ جایزه بهترین بازیگر مرد را در کت و شلوار مشکی آرمانی دریافت کرد و آن هاتاوی نامزد بهترین بازیگر زن در یک لباس شب سفید و درخشان از مجموعه «پرابوه» آرمانی روی فرش قرمز درخشید.

از علاقمندان دیرینه او می‌توان به جودی فاستر، جورج کلونی، سوفیا لورن و برد پیت اشاره کرد. دیوید و ویکتوریا بکهام نیز چهره تبلیغاتی کمپین لباس زیر او در سال ۲۰۰۹ بودند.

اهمیت سبک آرمانی تنها در پوشاک نبود، بلکه در تغییر نگرش به مد بود؛ تا جایی که موزه گوگنهایم نیویورک در سال

مد وامدار اوست؛ مردی که پوشاک را از اسارت تکرار رها کند و بر قامت قرن بیست و بیست و یکم جامه‌ای جاودان بپوشاند.

آرمانی که ۹۱ سال داشت، مترادف با ظرافت مدرن ایتالیایی تعریف می‌شد. او ترکیبی از خلاقیت یک طراح و درایت یک تاجر را در خود داشت و شرکتی را اداره می‌کرد که سالانه حدود ۲/۳ میلیارد یورو (۲/۷ میلیارد دلار) گردش مالی داشت.

در بیانیه‌ای که از طرف کارمندان و خانواده او منتشر شد، آمده است: «در این شرکت، ما همیشه احساس می‌کردیم که عضوی از یک خانواده هستیم. امروز، با احساسات عمیق، جای خالی کسی را که این خانواده را با بینش، اشتیاق و فداکاری تأسیس و پرورش داد، احساس می‌کنیم. اما دقیقاً به خاطر روحیه اوست که ما، کارمندان و اعضای خانواده که همیشه در کنار آقای آرمانی کار کرده‌ایم، متعهد می‌شویم که از آنچه او ساخته محافظت کنیم و شرکت او را با احترام، مسئولیت و عشق به یاد او پیش ببریم.»

در زمان مرگ، آرمانی امپراتوریش را به ارزش بیش از ۱۰ میلیارد دلار ساخته بود که علاوه بر پوشاک، اجناس تزئینی، دکوراسیون منزل، عطر، لوازم آرایشی، کتاب، گل و حتی شکلات تولید می‌کرد. طبق گزارش فوربس، او در میان ۲۰۰ میلیارد برتر جهان قرار داشت.

وی مدتی بود که بیمار بود و مجبور شد در ژوئن امسال از حضور در نمایش‌های گروه‌اش در «هفته مد مردان میلان» کناره‌گیری کند؛ رویدادی که برای نخستین بار در طول دوران حرفه‌ای‌اش در آن غیبت می‌کرد. او قصد داشت همین ماه رویداد بزرگی را برای جشن پنجاهمین سالگرد برند «جورجیو آرمانی» برگزار کند.

این طراح که به «شاه جورجیو» معروف بود، دقت و وسواسی در مورد جزئیات مجموعه و همه بخش‌های کسب و کار خود از مرتب کردن موی مُدل‌ها پیش از رفتن به روی صحنه تا کارهای تبلیغاتی از خود نشان می‌داد.

شرکت آرمانی اعلام کرده است که اتاق یادبود او روزهای شنبه و یکشنبه در میلان برپا خواهد بود و پس از آن مراسم خاکسپاری خصوصی در تاریخی که هنوز معلوم نیست برگزار می‌شود.

آغاز مد او از کجا بود؟

در سال ۱۹۷۵، او و شریکش، سرژیو گالوتی، ماشین فولکس‌واگن خود را فروختند و با ۱۰ هزار دلار برند پوشاک مردانه «آماده‌پوش» خود را راه‌اندازی کردند. پوشاک زنانه نیز یک سال بعد معرفی شد.

نماد سبک جدید او کت ورزشی بدون آستر بود که در اواخر دهه ۱۹۷۰ عرضه شد و به سرعت از هالیوود تا وال‌استریت موفقیت جهانی یافت. آرمانی آن را با یک تی‌شرت ساده که آن را «الفبای مد» می‌نامید، ترکیب می‌کرد.

کت و شلوارهای آرمانی به سرعت به یکی از ضروریات کمد مردان خوش‌پوش تبدیل شد. برای زنان نیز معرفی کت و شلوار رسمی در محیط‌های کاری تقریباً انقلابی بود. این لباس‌ها که «پاور سوت» یا «کت و شلوار قدرت» نام گرفتند، با شانه‌های پهن و شلوارهای مردانه‌دوخت، به نماد زنان مدیر دهه ۱۹۸۰ بدل شدند.

در سال‌های بعد، آرمانی این استایل را با جزئیات ظریف‌تر، پارچه‌های لوکس و رنگ‌های روشن‌تر نرم‌تر کرد. اصرار او بر کت و شلوار موجب شد تا برخی منتقدان، مد او را «بی‌جنسیت» توصیف کنند.

از دفاتر اجرایی تا پرده نقره‌ای هالیوود، آرمانی ثروتمندان و چهره‌های مشهور را در لباس‌های کلاسیک و خوش‌دوخت

جشنواره ونیز به «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی ۴۰ سال پس از اکران جایزه داد



صحنه‌ای از فیلم «باشو غریبه کوچک»

نکرد، «کمدی الهی» علی عسگری بود. «کمدی الهی» روایت سانسور در جمهوری اسلامی است. روایت مشکلات «بهمن» کارگردانی ۴۰ ساله که تمام فیلم‌های خود را به زبان ترکی آذربایجانی ساخته و به همین دلیل هیچ‌کدام مجوز پخش و اکران دریافت نکرده‌اند. «بهمن» پس از اینکه آخرین کارش نیز نتوانست مجوز اکران از وزارت ارشاد اسلامی دریافت کند، تصمیم می‌گیرد همراه با «صدف»، تهیه‌کننده فیلم، با موتورسیکلتی فیلم را به نقاط مختلف کشور برود و به صورت غیرقانونی نمایش دهد. «کمدی الهی» تجربه این کارگردان را که زیر تیغ سانسور قرار گرفته روایت می‌کند.

هیئت داوران جشنواره ونیز که ریاست آن را الکساندر پین، کارگردان آمریکایی، عهده‌دار بود و محمد رسول‌اف نیز در آن حضور داشت جایزه بهترین بازیگر زن را به شین ژلی به خاطر نقش‌آفرینی در فیلم «خورشید بر همه ما طلوع می‌کند» ساخته کای شانگ‌جون که درباره یک مثلث عشقی در دنیای کارگاه‌های گوانگژو است، اهدا کرد. تونی سرویلو بازیگر سرشناس ایتالیایی نیز برای ایفای نقش رئیس‌جمهوری در پایان دوران مسئولیتش در فیلم «عفو» ساخته پائولو سورنتینو، جایزه بهترین بازیگر مرد را دریافت کرد.

جایزه بهترین کارگردان به بنی سفدی برای فیلم «ماشین خردکن» درباره مارک کر، مبارز ورزش‌های رزمی ترکیبی، تعلق گرفت. جایزه بهترین فیلمنامه به والری دونزلی و ژیل مارشان برای فیلم فرانسوی «مشغول کار» اهدا شد. فیلمساز ایتالیایی، جیانفرانکو زُری، نیز برای مستند «زیر ابرها» که درباره شهر ناپل در جنوب ایتالیاست یکی دیگر از جوایز ویژه هیئت داوران را دریافت کرد.

در مراسم پایانی جشنواره سینمایی ونیز همچنین از جورجیو آرمانی، طراح مد مشهور ایتالیایی، که روز پنجشنبه ۴ سپتامبر در ۹۱ سالگی درگذشت، تقدیر به عمل آمد. برند «آرمانی بیوتی» از سال‌ها پیش یکی از حامیان اصلی این جشنواره است.

مؤلفین حضور داشت، توانست جایزه بهترین کارگردانی را به دست آورد. امیر عزیزی که با نقش‌آفرینی در فیلم «ضد گلوله» قدم به جهان سینما گذاشت، در گذشته به عنوان دستیار کارگردان با کیانوش عیاری و رخشان بنی‌اعتماد همکاری داشته است. امیر عزیزی پس از ساختن چند مستند در سال ۱۳۹۴ با اولین فیلم بلندش با عنوان «موقت» به جشنواره پکن دعوت شد. دومین فیلم بلند این کارگردان با عنوان «دو سگ» نیز ۵ سال بعد در بخش رقابتی جشنواره ورشو در لهستان حضور پیدا کرد.

«درون امیر» روایت جوانی به نام «امیر» در تهران این روزها است. این جوان که قصد ترک کشور را دارد در روزهایی که به کندی می‌گذرند، سوار بر دوچرخه در خیابان‌های پایتخت در جستجوی خاطرات خود رکاب می‌زند. فیلم که با فرم داستان خیابانی تهیه شده، زندگی او از جمله روزهایی را که با دوست دخترش که به ایتالیا مهاجرت کرده در همین خیابان‌ها گشت می‌زد، روایت می‌کند.

«روزهای مؤلفین» همچنین میزبان آخرین مستند فیروزه خسروانی با عنوان «گذشته آینده استمراری» بود. این مستند جایزه «سینما و هنر» را دریافت کرد. فیروزه خسروانی که در آکامی هنرهای زیبای بررا در شمال ایتالیا تحصیل کرده، نامی آشنا در این کشور است. کار قبلی این کارگردان با عنوان «رادیوگرافی یک خانواده» در سال ۲۰۲۰ میلادی توانست جایزه «استفاده خلاقانه از آرشیو» جشنواره بین‌المللی فیلم‌های مستند آمستردام را به دست آورد. داستان آخرین مستند فیروزه خسروانی به سال ۱۳۵۷ و دوران انقلاب اسلامی باز می‌گردد. با روی کار آمدن حکومت اسلامی بسیاری از دوستان مریم بازداشت شده و به زندان می‌روند. مریم که ۲۰ سال بیشتر ندارد به صورت غیرقانونی ایران را ترک می‌کند و به ترکیه و سپس ایالات متحده می‌رود.

تنها فیلمی از یک کارگردان ایرانی که جایزه‌ای دریافت

فیلم «پدر مادر خواهر برادر» ساخته جیم جارموش فیلمساز سرشناس آمریکایی که روایتی طنزآمیز از روابط خانوادگی است، شیر طلایی هشتاد و دومین جشنواره سینمایی ونیز را به دست آورد.

در این جشنواره در بخش «کلاسیک» فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی ۴۰ سال پس از اکران، جایزه بهترین فیلم ترمیم‌شده را گرفت. محمد رسول‌اف کارگردان ایرانی که یکی از اعضای هیئت داوران این جشنواره نیز بود، به نمایندگی از بهرام بیضایی این جایزه را دریافت کرد.

احمد رأفت - هشتاد و دومین جشنواره سینمایی ونیز با اهدای شیرهای طلایی و نقره‌ای و دیگر جوایز شامگاه یکشنبه ۱۵ شهریور (۶ سپتامبر) به پایان رسید. فیلم «پدر مادر خواهر برادر» ساخته جیم جارموش فیلمساز سرشناس آمریکایی که روایتی طنزآمیز از روابط خانوادگی است، جایزه شیر طلایی هشتاد و دومین جشنواره سینمایی ونیز را به دست آورد. جیم جارموش هنگام دریافت شیر طلایی با نقل قول از آکیرا کوروساوا کارگردان شهیر ژاپنی که زمانی در مراسم اسکار و در آخرین سال‌های زندگی گفته بود نگران است هنوز نداند چه می‌کند، گفت «من نیز همچنان در حال یاد گرفتن هستم.»

اگر انتخاب «پدر مادر خواهر برادر» را کسی پیش‌بینی نکرده بود، شکی در اهدای جایزه‌ای به مستند داستانی «صدای هند رجب» کارگردان تونس‌ی کوثر بن هنیه وجود نداشت. این فیلم با موضوع تلاش ناموفق برای نجات یک دختر شش ساله هنگام یک تماس تلفنی همراه با صدای گلوله‌ها در غزه در ژانویه ۲۰۲۴ برنده شیر نقره‌ای ویژه هیئت داوران شد. در این فیلم از صدای واقعی تماس این دختر ۶ ساله با جمعیت «هلال احمر» فلسطین استفاده شده است. پس از نخستین نمایش، «صدای هند رجب» تماشاگران حاضر در سالن رکورد تشویق جشنواره سینمایی ونیز را با ۲۴ دقیقه کف زدن ایستاده شکستند.

در این جشنواره در بخش «کلاسیک»، فیلم «باشو غریبه کوچک» ساخته بهرام بیضایی ۴۰ سال پس از اکران، جایزه بهترین فیلم ترمیم‌شده را گرفت. محمد رسول‌اف کارگردان ایرانی که یکی از اعضای هیئت داوران این جشنواره نیز بود، به نمایندگی از بهرام بیضایی این جایزه را دریافت کرد و پیام این کارگردان را خواند.

بهرام بیضایی در پیام خود گفت: «حالا درست چهل سال از فیلمبرداری باشو غریبه‌ی کوچک در شمال و جنوب ایران می‌گذرد. تابستان گرمی بود مثل همین روزها؛ هر حرفی که در آن جنگ ستوده نمی‌شد به تهدید و قویا ممنوع بود ولی آیا پناه دادن به یک کودک مهاجر جنگزده هم ممنوع بود؟ با این فیلم همکاران، ریشه‌ی کار مرا در کانون زندند و فیلم نزدیکی به چهار سال کنار نهاده شد. ولی امروز چهل سال بعد با کمال فروتنی به همه‌ی قربانیان بی‌گناه آن جنگ هشت ساله‌ی بی‌معنا درود می‌فرستم و نفرین می‌ماند به همه‌ی سودبران هر جنگی!»

البته دو فیلم دیگر ایرانی نیز با دستان پر از ونیز به تهران باز خواهند گشت. «درون امیر» کاری از بازیگر و کارگردان جوان ایرانی امیر عزیزی که در بخش جانبی «روزهای

جهانبخش پازوکی که از دوستان دوران کودکی او بود، گسترش داد و ترانه‌های «نوبت توست»، «فردا تو می‌آیی»، «شن داغ» و «چراغ خونه» را اجرا کرد. تمام این ترانه‌ها در «استودیو کاسپین» اجرا و پخش شدند و او را خیلی زود به یک آوازخوان موسیقی کلاسیک (سنتی) تبدیل کردند.

فرهنگ شریف، نصرالله زرین پنجه، لطف‌الله مجد، اصغر

او دانش‌آموخته کارشناسی زبان انگلیسی بود و پس از پایان تحصیلات کارشناسی، با بورس «یونسکو» به بریتانیا رفت و در زمینه تعاون آموزش در مقطع فوق‌لیسانس تحصیل کرد و بعد از بازگشت به ایران، در وزارت تعاون مشغول به کار شد.

هوشمند عقیلی از نوجوانی با حمایت پدرش در دوره‌های

هوشمند عقیلی خواننده و آهنگساز خاطره‌انگیز ایران درگذشت

● هوشمند عقیلی‌مهر معروف به هوشنگ عقیلی از بهاییان ایران، سوم امرداد ۱۳۱۶ در آباده استان فارس متولد شد.

● او دانش‌آموخته کارشناسی زبان انگلیسی بود و پس از پایان تحصیلات کارشناسی، با بورس «یونسکو» به بریتانیا رفت و در زمینه تعاون آموزش در مقطع فوق‌لیسانس تحصیل کرد.

● هوشمند عقیلی از سال ۱۳۳۴ فعالیت رسمی هنری خود را آغاز کرد و برنامه‌های گوناگونی را در رادیو اصفهان اجرا کرد. اولین اثر اجرا شده از سوی هوشنگ عقیلی «ساقی‌نامه» بود که با آهنگسازی اسماعیل مهرتاش منتشر شد.

● او از جمله هنرمندانی بود که به مراسم افتتاحیه تلویزیون ملی ایران دعوت شد تا با ارکستر ملی و در کنار آهنگسازانی چون مرتضی حنانه و حسین قوامی اجرای زنده داشته باشد.

● هوشمند عقیلی سال ۱۳۵۶ به ایالات متحده سفر کرد و پس از انقلاب ۵۷ مانند بسیاری دیگر از هنرمندان ناچار شد به مهاجرت ناخواسته تن دهد.

هوشمند عقیلی خواننده و آهنگسازی با ترانه‌های خاطره‌انگیز روز جمعه ۱۴ شهریور ۱۴۰۴ پس از یک دوره بیماری در سن ۸۸ سالگی در لس‌آنجلس درگذشت.

هوشمند عقیلی‌مهر معروف به هوشنگ عقیلی از بهاییان ایران، سوم امرداد ۱۳۱۶ در آباده استان فارس متولد شد و در کودکی به همراه خانواده به شهر اصفهان مهاجرت کرد.



باهری و حسن ناهید از دیگر آهنگسازان برجسته‌ای بودند که هوشمند عقیلی با آنها همکاری داشت.

عقیلی با ترانه‌های خود به سرعت مشهور شد و از جمله هنرمندانی بود که به مراسم افتتاحیه تلویزیون ملی ایران دعوت شد تا با ارکستر ملی و در کنار آهنگسازانی چون مرتضی حنانه و حسین قوامی اجرای زنده داشته باشد.

هوشمند عقیلی در سال ۱۳۵۶ به ایالات متحده سفر کرد و پس از انقلاب ۵۷ مانند بسیاری دیگر از هنرمندان ناچار شد به مهاجرت ناخواسته تن دهد و دور از وطن بماند.

آکادمیک موسیقی اساتیدی همچون تاج اصفهانی شرکت کرد و دستگاه‌های همایون و سه‌گاه را فرا گرفت. هوشمند عقیلی پس از شرکت در کلاس‌های محمود کریمی و اسماعیل مهرتاش، از سال ۱۳۳۴ فعالیت رسمی هنری خود را آغاز کرد و برنامه‌های گوناگونی را در رادیو اصفهان اجرا کرد.

اولین اثر اجرا شده از سوی هوشمند عقیلی «ساقی‌نامه» بود که با آهنگسازی اسماعیل مهرتاش منتشر شد. از جمله آثار او می‌توان به «فردا تو می‌آیی» و «دریا» اشاره کرد.

در اوایل دهه ۵۰، هوشمند عقیلی همکاری خود را با

گفتگو با گل‌آذین اردستانی، نقش‌آفرین فیلم «مرده‌شور» برنده جشنواره ادینبورگ

«مرده‌شور» تازه‌ترین فیلم عبدالرضا کاهانی توانست تنها جایزه هفتاد و هشتمین دوره جشنواره جهانی ادینبورگ را که به نام شان کانری، بازیگر برجسته اسکاتلندی، نامگذاری شده به دست آورد.

عبدالرضا کاهانی که پس از توقیف فیلم‌هایش در جمهوری اسلامی به کانادا مهاجرت کرد، پس از موفقیت «یک زیارتگاه» در دومین تجربه مشابه باز به سینمایی روی آورده که با کمترین بودجه و به شکل تک‌نفره خلق می‌شود. این کارگردان غیر از بازیگران، از عوامل دیگری استفاده نمی‌کند و تمام فیلم هم با یک تلفن همراه تصویربرداری می‌شود.



ایفا می‌کند که به خاطر تهدیدهای جمهوری اسلامی در کانادا نیمه‌مخفی زندگی می‌کند و قصد دارد با خودکشی صدای اعتراض خود را به گوش جهانیان برساند.

احمد رأفت گفتگوئی با این هنرمند موسیقی و سینما انجام داده است.

گل‌آذین اردستانی که با نام «گلا» شهرت دارد از خوانندگان پرکار و معتز ایران است که در این سال‌ها شهرت یافته. ترانه‌های اعتراضی این خواننده از جمله زالو و خداوند شما و همچنین حقمه مورد توجه بسیار قرار گرفتند.

در فیلم «مرده‌شور»، گل‌آذین نقش خواننده معتز را

گسترش فاجعه فرونشست در ایران



فروریزش زمین در تهران

تهران، هفته گذشته به خبرنگاران گفته بود «آمار فرونشست تهران محرمانه است و نمی‌توانم آن را بیان کنم. همین قدر بدانید که این آمار وحشتناک است.»

رئیس کمیته عمران شورای اسلامی شهر تهران گفته بود که در منطقه ۱۸ شهرداری تهران که از نقاط اصلی روی آبخوان زیر شهر تهران به شمار می‌رود، برداشت بی‌رویه آب از سفره زیرزمینی به حدی بوده که این منطقه اکنون با ۲۰ سانتی‌متر فرونشست مواجه شده است.

آمارها نشان می‌دهد بیشترین میزان فرونشست، به دشت بهرام در استان کرمان با ۳۱ سانتی‌متر و نیز یکی از مناطق تهران با حدود ۳۰ سانتی‌متر مربوط می‌شود.

در ایران بیش از ۸۵ درصد فرونشست زمین ناشی از برداشت بی‌رویه و غیرمنطقی از آب‌های زیرزمینی است. مقامات جمهوری اسلامی از یکسو مدیریت منابع آبی را بیش از چهار دهه است که رها کرده‌اند و از سوی دیگر با تأکید بر خودکفایی در محصولات کشاورزی سبب به هدر رفتن منابع آبی شده اما سوءمدیریت در دیگر بخش‌های حکومت‌داری سبب شده خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی نیز با مجموعه‌ای از ابهامات روبرو باشد.

در این میان دولت تنها کاری که کرده اینست که چیره‌بندی آب بخش خانگی و صنعتی را در دستور کار قرار داده و هیچ اقدام موثری برای مدیریت منابع آبی کشور و کاهش بحران انجام نمی‌دهد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با اشاره به عمیق‌تر شدن خشکسالی گسترده‌تر شدن پیامدهای آن هشدار داده «مسئله آب و فرونشست تنها یک چالش محیط‌زیستی نیست، بلکه مساله‌ای امنیتی، اجتماعی و اقتصادی است.» این گزارش تأکید کرده «فرونشست می‌تواند شبکه حمل‌ونقل، خطوط انتقال انرژی و حتی سکونتگاه‌های انسانی را به خطر بیندازد. هزینه‌های بازسازی و جبران خسارت به‌مراتب بیشتر از هزینه پیشگیری خواهد بود. از این‌رو عقلانیت حکم می‌کند که هرچه زودتر به جای تداوم سیاست‌های گذشته، تصمیم‌های دشوار اما ضروری برای کاهش سطح زیرکشت و مدیریت منابع آب گرفته شود.»

هامون عنوان کرده و گفته «کشور از سال ۷۷ تاکنون درگیر خشکسالی است و از آن زمان تاکنون فشار بر منابع آبی گسترش یافته، ضمن آنکه میزان تبخیر نیز بیشتر است.» یکی دیگر از پیامدهای برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی و بی‌توجهی مقامات جمهوری اسلامی به مدیریت آب در ایران، خشکی تالاب‌ها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها است. از جمله دریاچه ارومیه که به گفته کارشناسان این روزها آخرین روزهای حیات را تجربه می‌کند!

خبرگزاری «ایلنا» در گزارشی به بحران کم‌آبی در استان آذربایجان غربی پرداخته و نوشته بحران کم‌آبی در این استان فقط به زمین‌های کشاورزی محدود نمی‌شود؛ خشک شدن تدریجی دریاچه ارومیه، یکی از بزرگ‌ترین دریاچه‌های شور جهان، زندگی کل استان را تحت‌الشعاع قرار داده است. حسین کاظمی، فعال محیط زیست، در گفتگو با «ایلنا» هشدار داده که «خشک شدن کامل دریاچه، فقط از بین رفتن یک پهنه آبی نیست؛ بلکه آغاز زنجیره‌ای از مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی است. گرد و غبار نمکی، مهاجرت اجباری روستاییان و نابودی اکوسیستم منطقه، بخشی از پیامدهای آن خواهد بود.»

مجید رستگاری، مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای آذربایجان غربی نیز به «ایلنا» گفته طی یک سال گذشته و تا پایان تیرماه ۱۴۰۴، مقدار ۲۴۷ میلیون مترمکعب از ذخایر آب‌های زیرزمینی نسبت به تیرماه ۱۴۰۳ کاسته شده است. به گفته او، در بین آبخوان‌های استان بیشترین کاهش مربوط به آبخوان میان‌دوآب با ۴۵ میلیون مترمکعب است. همچنین در دوره درازمدت یک‌هزار و ۳۶۹ میلیون مترمکعب از ذخایر آب‌های زیرزمینی کاهش یافته که آبخوان خوی با کسری ۴۱۶ میلیون مترمکعبی بیشترین افت را داشته است. بلای خشکسالی در آذربایجان غربی در دیگر استان‌های کشور نیز در جریان است. آخرین آمارهای تک‌اندنده درباره وضعیت فرونشست در ایران نشان می‌دهد بیش از ۸۰۰ شهر و ۱۶ کلانشهر در معرض خطر فرونشست زمین قرار دارند.

محمد آقامیری، رئیس کمیته عمران شورای اسلامی شهر

● رضا شهبازی معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی گفته پژوهشگران از ۲۰ سال پیش بحران فرونشست زمین را به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کشور گوشزد کرده‌اند اما توجهی به این هشدارها نشده است.

● آخرین آمارهای تک‌اندنده درباره وضعیت فرونشست در ایران نشان می‌دهد بیش از ۸۰۰ شهر و ۱۶ کلانشهر در معرض خطر فرونشست زمین قرار دارند.

● در ایران بیش از ۸۵ درصد فرونشست زمین ناشی از برداشت بی‌رویه و غیرمنطقی از آب‌های زیرزمینی است.

معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی می‌گوید که خشکسالی ۲۷ ساله در ایران و فشار مضاعف بر آبخوان‌ها و ذخیره‌گاه‌های آبی از علل اصلی بروز فرونشست در ایران است.

رضا شهبازی معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی گفته پژوهشگران از ۲۰ سال پیش بحران فرونشست زمین را به تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کشور گوشزد کرده‌اند اما توجهی به این هشدارها نشده است.

او گفته در آن زمان سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور در مطالعات خود در زمینه فرونشست تهران در نقطه‌ای با فرونشست ۳۶ سانتی‌متری مواجه شد و آن را علنی کرد. رضا شهبازی معتقد است این عدد در ادبیات باقی ماند و به نظر می‌رسد اعلام اعداد بزرگ درباره پدیده فرونشست زمین در آن زمان موجب شد که امروز مخاطب نسبت به این پدیده بی‌تفاوت باشد. او گفته نخستین نقشه فرونشست زمین در ایران در دهه ۸۰ خورشیدی انجام شد و چندی پیش نیز پیمایش سوم انجام شده و قابل توجه اینکه همان استان‌هایی که در دهه ۸۰ صدرنشین فرونشست بودند در پیمایش سوم نیز همچنان صدرنشین هستند.

رضا شهبازی افزوده در اواسط دهه ۹۰ اولین نقشه احتمالی فرونشست زمین منتشر شد و در آن زمان استان اصفهان در معرض ریسک خطر قرار داشت و اکنون این ریسک به خطر واقعی فرونشست تبدیل شده است. در حالیکه از سال‌های قبل محققان در این‌باره تحقیق و نتیجه آن را اعلام کردند و در این زمینه سکوت نکردند.

معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی با اشاره به گسترش فرونشست زمین در محیط‌های شهری گفته برای جبران فرونشست در محیط‌های شهری کار زیادی نمی‌توان کرد و باید امیدوار باشیم که گسترش فرونشست در کشور بیشتر از این میزان توسعه نیابد.

او در بخش دیگری از توضیحات درباره وضعیت فرونشست در ایران گفته در سال ۹۸ دو استان گلستان و لرستان در زیر آب بودند، ولی این سیل هیچ اثری روی آبخوان‌های کشور نداشت و این پیام ناخوشایند را به ما می‌دهد که گویا پیوند هیدرولوژی میان سطح زمین و زیر سطح قطع شده است. رضا شهبازی افزوده ما همواره به استان سیستان و بلوچستان به دلیل وجود هامون از جنبه خطر فرونشست خوشبین بودیم، ولی در مطالعات سال ۱۴۰۰ مشاهده کردیم که این استان در جایگاه چهارم فرونشست زمین در کشور قرار گرفته است.

معاون زمین‌شناسی سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی همچنین دلیل وقوع پدیده فرونشست در استان سیستان و بلوچستان را برداشت آب از پیرامون و بستر

هزینه‌های چندصد میلیون تومانی درمان ناباروری در ایران



بسیاری از زوجها ترجیح می‌دهند عطای داشتن فرزند را به لقایش ببخشند.

هزینه بالای درمان ناباروری از آنجا قابل توجه است که بر اساس آمارهای رسمی حدود ۳/۵ میلیون زوج در کشور با مشکل ناباروری دست و پنجه نرم می‌کنند. این آمار به این معناست که ۳/۵ میلیون زوج تصمیم به فرزندآوری داشته و متوجه ناباروری شده‌اند.

در آنسو اما جمهوری اسلامی اصرار زیادی به فرزندآوری و افزایش جمعیت دارد اما حتی برای زوج‌هایی نیز که تصمیم به داشتن فرزند گرفته ولی با مشکل ناباروری روبرو هستند، هیچ خدمات حمایتی ایجاد نکرده و سهم بیمه‌ها در پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور درمان ناباروری بسیار ناچیز است.

مهرماه ۱۴۰۰ و در ابتدای تشکیل دولت سیزدهم، تحت‌پوشش قرار گرفتن هزینه‌های درمان ناباروری و نازایی یکی از مصوبه‌های هیئت دولت بود. در ابلاغیه‌های رسمی هم آمده است که هزینه‌های درمان زوج‌های نابارور در مراکز دولتی تا ۹۰ درصد و در مراکز خصوصی تا ۷۰ درصد براساس تعرفه بیمه سلامت پرداخت می‌شود. همچنین سخنگوی دولت وقت اعلام کرد که همه مراکز درمانی موظف به عقد قرارداد با سازمان‌های بیمه پایه هستند و تمدید پروانه این مراکز مشروط به قرارداد با بیمه‌های پایه خواهد بود. با این حال، بیماران می‌گویند بیمه‌ها هزینه‌ها را پرداخت نمی‌کنند و هر دوره درمان ناباروری حتی در مراکز دولتی ده‌ها میلیون تومان هزینه برای زوج‌های نابارور دارد. «فرهیختگان» نیز گزارش داده درمان ناباروری برای بسیاری از خانواده‌ها در ایران به پروژه‌ای غیرممکن تبدیل شده است. فروش خانه، رهن دادن ملک، قرض از آشنایان و حتی گرفتن وام‌های کلان تنها بخشی از راهکارهایی است که زوجها برای تأمین هزینه‌ها به آن متوسل می‌شوند. برخی نیز با ناامیدی از درمان رسمی، به دلال‌ها و واسطه‌هایی پناه می‌برند که در فضای مجازی بازار سیاهی پررونق به راه انداخته‌اند؛ بازاری که خود داستانی جداگانه و پرچالش دارد.

این گزارش افزوده مرکز ناباروری «ر» که از پیشرفته‌ترین مراکز در کشور محسوب می‌شود برای عمل پانکچر و فریز تخمک، رقمی حدود ۲۵ میلیون تومان مطالبه می‌کند و برای انتقال جنین نیز تا ۴۰ میلیون تومان هزینه از زوجها دریافت می‌شود. در مرکز «میم»، این رقم‌ها سرسام‌آورتر است؛ پانکچر و فریز تخمک بین ۶۸ تا ۸۵ میلیون تومان و انتقال جنین حدود ۳۰ میلیون تومان است که بدون آزمایش‌های مورد نیاز بیش از ۱۱۰ میلیون تومان می‌شود. «ب» نیز برای همان مراحل اصلی درمان بین ۴۶ تا ۶۶ میلیون تومان دریافت می‌کند. حتی مرکز «الف» که به‌ظاهر هزینه‌هایش کمتر از سایر مراکز خصوصی است، برای پانکچر و فریز حدود ۳۰ میلیون و برای انتقال جنین نزدیک به ۱۳ میلیون تومان مطالبه می‌کند.

در بخش دیگری از گزارش آمده این اعداد به روشنی نشان می‌دهند که درمان ناباروری در ایران به مسیری بسیار پرهزینه بدل شده است. اما مشکل زمانی حادتر می‌شود که بدانیم اغلب زوجها تنها به یک دوره درمانی بسنده نمی‌کنند. آمارها و تجربه‌های مردمی نشان می‌دهد که بسیاری از بیماران مجبور می‌شوند چندین بار عمل IVF یا ICSI را تکرار کنند. هر بار تکرار یعنی چند ده میلیون تومان هزینه تازه، چندین روز بستری، صدها آمپول هورمونی و ماه‌ها انتظار. در نتیجه، هزینه‌ها در یک بازه چندساله به چند صد میلیون تومان می‌رسد.

برخی زوجها در نهایت ناچار هستند از رحم اجاره‌ای دریافت کنند. زنانی که رحم خود را اجاره می‌دهند هزینه‌هایی از چندصد میلیون تا بیش از یک میلیارد تومان دریافت می‌کنند. زوج‌هایی که از رحم اجاره‌ای استفاده می‌کنند هزینه‌های جانبی دیگری مانند آزمایش‌ها و چک‌آپ‌های منظم را نیز باید بپردازند.

«فرهیختگان» نوشته این شرایط به ویژه در حالی رخ می‌دهد که قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت، دولت را مکلف به تأمین حمایت‌های مالی، دارویی و بیمه‌ای کرده است. با اینهمه، شکاف میان «قانون روی کاغذ» و «واقعیت در میدان» به‌قدری عمیق است که

● جمهوری اسلامی اصرار زیادی به فرزندآوری و افزایش جمعیت دارد اما حتی برای زوج‌هایی نیز که تصمیم به داشتن فرزند گرفته ولی با مشکل ناباروری روبرو هستند، هیچ خدمات حمایتی ایجاد نکرده و سهم بیمه‌ها در پرداخت هزینه‌های سرسام‌آور درمان ناباروری بسیار ناچیز است. ● در یک مرکز ناباروری پانکچر و فریز تخمک بین ۶۸ تا ۸۵ میلیون تومان و انتقال جنین حدود ۳۰ میلیون تومان است که بدون آزمایش‌های مورد نیاز بیش از ۱۱۰ میلیون تومان هزینه دارد.

هزینه درمان ناباروری در ایران نجومی شده است و بر اساس گزارش‌ها هر دور آزمایش‌های هورمونی مرتبط با باروری تا ۶۰ میلیون تومان و رحم اجاره‌ای تا بیش از یک میلیارد تومان هزینه دارد.

مقامات جمهوری اسلامی بر فرزندآوری و افزایش جمعیت اصرار دارند اما خدمات مرتبط با باروری و حمایت از مادران و نوزادان هزینه‌هایی بالا دارد و بسیاری از زوجها به دلیل ناتوانی در پرداخت هزینه‌ها از فرزندآوری صرف نظر می‌کنند. روزنامه «فرهیختگان» در گزارشی درباره هزینه‌های درمان ناباروری نوشته هزینه‌های سنگین و گاه کمرشکن برای دارو، جراحی و روش‌های کمک‌باروری، پوشش ناکافی بیمه‌ها، کمبود مراکز درمانی استاندارد در شهرهای کوچک و بروکراسی پیچیده‌ای که بسیاری از خانواده‌ها را ناامید می‌کند.

«فرهیختگان» نوشته در بیمارستان «آ»، یکی از مراکز درمان ناباروری، عمل پانکچر حدود سه میلیون تومان و انتقال جنین نزدیک به دو میلیون تومان هزینه دارد؛ اما این تنها نوک کوه یخ است. با اضافه شدن هزینه‌های جانبی همچون داروها، آزمایش‌ها و خدمات پاراکلینیکی، یک دوره درمانی در این مرکز می‌تواند به‌راحتی تا ده میلیون تومان برای یک خانواده آب بخورد. حال تصور کنید در کشوری که حداقل حقوق کارگر در سال جاری حدود ۱۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان تعیین شده، یک زوج جوان تنها برای یک بار شانس مادر و پدر شدن، باید بیش از یک ماه حقوق کامل خود را خرج کنند.

بحران آب و برق در پاییز و زمستان نیز ادامه خواهد داشت



نفت است که باعث از مدار خارج شدن بخش دیگری از نیروگاه‌ها خواهد شد. همچنین وزارت نفت در بسیاری موارد به جای گاز، مازوت و گازوئیل تحویل می‌دهد که هم آلودگی دارد و هم راندمان نیروگاه‌ها را کاهش می‌دهد. بنابراین احتمال خاموشی زمستانی همچنان جدی است.»

او سیاست‌های وزارت نیرو در دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی را عامل عدم سرمایه‌گذاری در صنعت برق عنوان کرده و گفته «سرمایه‌گذاری کافی در سالهای اخیر انجام نشده است. سه منبع سرمایه‌گذاری شامل سرمایه‌گذاری خارجی (که به دلیل شرایط بین المللی ناممکن است)، سرمایه‌گذاری دولتی (که با کسری بودجه ۷۰۰ همتی مواجه است) و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است با این حال وزارت نیرو به دلیل سیاست‌های غلط، اعتماد بخش خصوصی را نیز از بین برده است.»

عبدالله رحیم‌لو تحلیلگر و کارشناس اقتصادی نیز گفته «محاسبات نشان می‌دهد که اوایل سال نقطه عطف کسری‌ها بوده و اکنون تنها چند ماه از ورود به بحران می‌گذرد.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرده با وضعیت فعلی، قطع برق و گاز در سال آینده شدیدتر خواهد شد و کمبود منابع آبی مشکلات تولید را تشدید می‌کند.

او با اشاره به جیره‌بندی گسترده برق در بخش صنعت گفته «صنایع واقعی اقتصاد تحت فشارند و هزینه‌های تولید جبران نمی‌شود. ناچاریم با اقتصادی شکننده همراه شویم که باید خودمان آن را مدیریت و تقویت کنیم.»

وزارت نیرو در شرایطی با جیره‌بندی برق بخش صنعتی، خانگی و کشاورزی روند عادی زندگی شهروندان را مختل کرده و خسارت هنگفتی در اقتصاد ایران ایجاد کرده که در آنسو با افزایش تعرفه برق، درآمدزایی زیادی را برای دولت ایجاد کرده است. شهروندانی که با قطع مداوم برق روبرو هستند حالا باید قبوض چند میلیون تومانی را بابت برق پرداخت کنند. طی روزهای گذشته شهروندان تصاویر و گزارش‌هایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده‌اند که نشان می‌دهد هزینه قبوض آنها نسبت به ماه‌های گذشته تا پنج برابر افزایش یافته است.

تولید برق را نیز با چالش‌هایی روبرو کرده است. این در حالیست که میزان تولید در نیروگاه‌های حرارتی نیز به دلیل فرسودگی نیروگاه‌ها و کمبود سوخت با حداکثر ظرفیت انجام نمی‌شود. عقب‌ماندگی جمهوری اسلامی در سرمایه‌گذاری در صنعت برق، به ویژه در ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، سبب پیش‌بینی ادامه بحران کمبود برق در ماه‌های آینده شده است.

در همین رابطه هاشم اورعی رئیس اتحادیه انجمن‌های انرژی ایران و استاد دانشگاه در گفتگو با خبرگزاری «رکنا» گفته «اصرار دولت بر انحصار و ناکارآمدی موجود موجب شده نه ظرفیت تولید افزایش یابد و نه سرمایه‌گذاری خصوصی شکل بگیرد؛ نتیجه این روند ادامه ناترازی برق و احتمال افزایش خاموشی‌ها در سالهای آینده است.»

هاشم اورعی گفته «بر خلاف ظرفیت منصوبه ۹۴ هزار مگاواتی نیروگاه‌ها اما به دلیل مشکلات نیروگاه‌ها از جمله فرسودگی و راندمان پایین، در تابستان امسال تنها حدود ۶۰ هزار مگاوات برق در پیک مصرف تولید شده است.»

این استاد دانشگاه افزوده ۱۴ درصد ظرفیت منصوبه نیروگاهی کشور برق آبی است. یعنی باید حدود ۱۲ هزار مگاوات تولید می‌شد اما به دلیل کاهش سطح آب پشت سدها، در بهترین حالت تنها یک سوم این ظرفیت به مدار آمده است. در نتیجه ما در بخش تولید مشکل داریم.»

به گفته هاشم اورعی تقاضای واقعی برق در بخش خانگی، صنعت، کشاورزی و غیره ۸۰ هزار مگاوات است و تولید به دلیل مشکلات موجود حداکثر ۶۰ هزار مگاوات است و در نتیجه کمبود ۲۰ هزار مگاواتی شکل گرفته است. رئیس اتحادیه انجمن‌های انرژی تداوم بحران کمبود برق در پاییز و زمستان پیش رو را جدی عنوان کرده و گفته «این تصور که در زمستان به دلیل کاهش برق مصرف کولرها مشکل کمبود برق نداریم، غلط است. دو مسئله در زمستان وجود دارد: نخست این که، تولید برق به دلیل توقف فعالیت بخشی از نیروگاه‌ها برای اورهال و تعمیرات اساسی حدود یک سوم کاهش خواهد یافت و دوم، عدم تأمین سوخت کافی (گاز، گازوئیل و مازوت) از سوی وزارت

● جدیدترین آمارها از میزان بارش در سال آبی جاری نشان می‌دهند که حجم بارش در ۳۰ استان از ۳۱ استان کشور نسبت به متوسط درازمدت (سال‌های نرمال) منفی و کاهشی بوده است.

● مدیریت ناکارآمد منابع آبی طی چهار دهه گذشته بیش از افزایش دما و کاهش بارندگی‌ها بر بروز تنش آبی در ایران موثر بوده و عامل اصلی خشکی رودها، تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور به شمار می‌رود.

● عقب‌ماندگی جمهوری اسلامی در سرمایه‌گذاری در صنعت برق، به ویژه در ایجاد نیروگاه‌های خورشیدی و بادی، سبب پیش‌بینی ادامه بحران کمبود برق در ماه‌های آینده شده است.

● عبدالله رحیم‌لو تحلیلگر و کارشناس اقتصادی گفته با وضعیت فعلی، قطع برق و گاز در سال آینده شدیدتر خواهد شد و کمبود منابع آبی مشکلات تولید را تشدید می‌کند.

سال آبی رو به پایان است و آمارها نشان می‌دهند که میزان بارندگی در کشور به شدت کاهش یافته و به عقیده برخی کارشناسان بحران کمبود آب همچنان ادامه خواهد داشت. کارشناسان همچنین هشدار می‌دهند وعده دولت برای پایان خاموشی‌ها هم عملی نخواهد شد و کمبود برق و جیره‌بندی دست‌کم در بخش صنعت ادامه می‌یابد.

جدیدترین آمارها از میزان بارش در سال آبی جاری نشان می‌دهد حجم بارش در ۳۰ استان از ۳۱ استان کشور نسبت به متوسط درازمدت (سال‌های نرمال) منفی و کاهشی بوده است. فقط در استان گیلان بارندگی نسبت به متوسط درازمدت افزایش ۴ درصدی داشته است.

بر اساس این آمار، میزان بارش‌های کشور از ابتدای سال آبی جاری (شروع مهر ۱۴۰۳) تا ۱۴ شهریورماه امسال به ۱۴۸/۵ میلیمتر رسیده که نسبت به بارش‌های مدت مشابه سال آبی گذشته کاهشی ۴۱ درصدی و نسبت به بارش‌ها در مدت مشابه بطور متوسط در درازمدت (سال‌های نرمال) کاهش ۳۹ درصدی داشته است.

رکورددار کاهش بارش‌ها استان سیستان و بلوچستان با کاهش ۷۷ درصدی نسبت به سال‌های نرمال و کاهشی ۸۵ درصدی نسبت به سال گذشته است. همچنین استان‌های هرمزگان، بوشهر و خوزستان با کاهش به ترتیب ۵۴، ۵۰ و ۵۶ درصدی نسبت به آمار متوسط بارش‌ها، رتبه‌های بعدی رکوردهای کاهش بارش را در سال آبی جاری به نام خود ثبت کردند. برخی کارشناسان سال آبی پیش رو که از مهرماه ۱۴۰۴ آغاز خواهد شد را هم با بارش کم پیش‌بینی کرده‌اند و معتقدند بحران کمبود آب که امسال سبب جیره‌بندی آب در بخش خانگی شده بود ادامه خواهد داشت.

کاهش بارش‌ها، افزایش دما، مدیریت ناکارآمد منابع آب زیرزمینی سبب شده تنش آبی به ۳۰ استان کشور گسترش پیدا کند و ۵۲ شهر کشور را با تنش آبی شدید روبرو کند. فرونشست زمین و حتی ورشکستگی آبی از پیامدهای بحران کمبود آب است. مدیریت ناکارآمد منابع آبی طی چهار دهه گذشته بیش از افزایش دما و کاهش بارندگی‌ها بر بروز تنش آبی در ایران موثر بوده و عامل اصلی خشکی رودها، تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور به شمار می‌رود.

از سوی دیگر کاهش بارندگی سبب خالی ماندن ده‌ها سد در ایران شده است. از آنجا که نیروگاه‌های آبی نقش برجسته‌ای در تولید برق در ایران دارند، خالی ماندن سدها

رتبه ناامیدکننده ایران در اقتصاد دیجیتال



● بر اساس گزارش «مجمع جهانی اقتصاد» در سال ۲۰۲۴ میلادی، ایران با امتیاز ۵۱/۴۵ در جایگاه ۷۹ جهان در «شاخص آمادگی شبکه‌ای» قرار دارد.

● کارشناسان تأکید دارند «شاخص آمادگی شبکه‌ای» به عنوان قطب‌نما برای دولت‌ها عمل می‌کند و نشان می‌دهد که همکاری‌های عمومی- خصوصی دیجیتال می‌توانند محرک کلیدی تحول دیجیتال باشند.

● به گفته فعالان بخش اقتصاد دیجیتال، بدون دسترسی گسترده به اینترنت پرسرعت، شبکه‌های فیبر نوری و ظرفیت‌های پردازشی کافی، امکان شکل‌گیری زیست‌بوم دیجیتال پویا و رقابتی فراهم نمی‌شود.

● مضحک آنکه بر اساس برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی برای نخستین بار سهم مشخصی برای اقتصاد دیجیتال تعیین شده و هدف‌گذاری شده این بخش بتواند سهمی ۱۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی را تا سال ۱۴۰۷ کسب کند!

اقتصاد دیجیتال ایران با وجود پتانسیل بالا و کارآفرینان موفقی که در سال‌های گذشته در این بخش فعال شده‌اند، به دلیل مشکلات تحمیل شده از سوی جمهوری اسلامی نتوانسته به جایگاه قابل قبولی دست پیدا کند.

بر اساس گزارش «مجمع جهانی اقتصاد» در سال ۲۰۲۴ میلادی، ایران با امتیاز ۵۱/۴۵ در جایگاه ۷۹ جهان در «شاخص آمادگی شبکه‌ای» قرار دارد. این شاخص که ۱۳۳ کشور جهان را ارزیابی می‌کند، آمادگی کشورها را برای بهره‌برداری از فرصت‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (فاوا) می‌سنجد و شامل چهار بعد، ۱۲ شاخص و ۵۴ سنجه است.

کارشناسان تأکید دارند «شاخص آمادگی شبکه‌ای» به عنوان قطب‌نما برای دولت‌ها عمل می‌کند و نشان می‌دهد که همکاری‌های عمومی- خصوصی دیجیتال می‌توانند محرک کلیدی تحول دیجیتال باشند.

فعالان بخش اقتصاد دیجیتال اما از شرایط و بسترهای موجود در ایران ناراضی هستند و معتقدند تا زمانی که حکومت مشکلات مختلفی از محدودیت گسترده اینترنت تا قوانین دست‌وپاگیر و نگاه امنیتی را برای این بخش ادامه دهد، اقتصاد دیجیتال نمی‌تواند به بهره‌وری لازم دست پیدا کند. فعالان بخش اقتصاد دیجیتال همچنین می‌گویند بدون دسترسی گسترده به اینترنت پرسرعت، شبکه‌های فیبر نوری و ظرفیت‌های پردازشی کافی، امکان شکل‌گیری زیست‌بوم دیجیتال پویا و رقابتی فراهم نمی‌شود.

مضحک آنکه بر اساس برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی برای نخستین بار سهم مشخصی برای اقتصاد دیجیتال تعیین شده و هدف‌گذاری شده این بخش بتواند سهمی ۱۰ درصدی از تولید ناخالص داخلی را تا سال ۱۴۰۷ کسب کند!

عملکرد یک ساله دولت مسعود پزشکیان هم نشان می‌دهد آمیدی نسبت به وزارت ارتباطات دولت او نتواند تا سه سال دیگر بتواند نیازهای بخش اقتصاد دیجیتال را پاسخ دهد و بسترهای لازم برای رشد و توسعه آن را فراهم کند.

اگر چه وزیر ارتباطات و معاونان او وعده‌هایی همچون توسعه زیرساخت‌های ارتباطی و داده‌ای از جمله فیبر نوری، اینترنت پهن‌بند ثابت و سیار، ابر دولت، مخابرات فضایی و اپراتورهای لنگر هوش مصنوعی را مطرح کرده‌اند اما در عمل محدودیت‌ها از جمله محدودیت‌های اینترنتی طی

الکترونیک ایران در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار پایان دادن به نگاه امنیتی به فضای اقتصاد دیجیتال کشور شدند. انجمن صنفی کسب و کارهای اینترنتی نیز در بیانیه‌ای «کم‌سابقه نسبت به موج تازه فشارها و محدودیت‌ها علیه پلتفرم‌های آنلاین کشور هشدار داد.

اکنون نیز فعال شدن مکانیزم ماشه و بازگشت تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی به دغدغه فعالان بخش اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. رضا الفت نسب رئیس اتحادیه کسب و کارهای اینترنتی موضوع «اخراج نیروی کار» را به عنوان یکی از پیامدهای اجرای مکانیزم ماشه در اقتصاد دیجیتال و یکی از ابزارهای مدیران برای کاهش هزینه‌ها در شرایط بحران مورد تأکید قرار داده است.

او افزوده «در حال حاضر نیز به دلیل التهاب ناشی از بازگشت تحریم‌ها قیمت دلار رو به افزایش است که تأثیر مستقیمی بر قیمت کالاها خواهد داشت. هر چه تورم بیشتر باشد قدرت خرید مردم کاهش یافته و کسب و کارهای اینترنتی و خرده‌فروشی‌های آنلاین آسیب خواهند دید.»

رضا الفت نسب همچنین موضوع «اخراج نیروی کار» را به عنوان یکی از پیامدهای اجرای مکانیزم ماشه در اقتصاد دیجیتال و یکی از ابزارهای مدیران برای کاهش هزینه‌ها در شرایط بحران مورد تأکید قرار داده است.

او گفته «در بحران‌های اقتصادی اینچنینی از آنجا که با کاهش فروش و افزایش هزینه‌ها مواجه شوند، ممکن است به عنوان یکی از آخرین راهکارها به سراغ گزینه تعدیل نیرو هم بروند تا از این طریق هزینه‌های پرداخت حقوق و بیمه را کاهش دهد. در شرایط بحرانی اقتصادی شاهد بودیم نیروی کار آسیب دیده است.»

فعالان بخش اقتصاد دیجیتال می‌گویند یکی از مهمترین مشکلات ناشی از تحریم‌ها برای کسب و کارهای آنلاین در ایران، قطع ارتباط با درگاه‌های پرداخت بین‌المللی است؛ درگاه‌هایی مانند پی‌پال، اسکریل و نتلر. این موضوع نه تنها پرداخت‌های کاربران خارجی به استارت‌آپ‌های ایرانی را غیرممکن کرده بلکه حتی گردشگران خارجی را هم در ایران برای پرداخت آنلاین با مشکل روبرو می‌کند.

یک سال نخست فعالیت دولت پزشکیان تشدید شده است. احسان چیت ساز معاون سیاستگذاری و برنامه‌ریزی توسعه اقتصاد دیجیتال وزارت ارتباطات هم مدعی شده «هدف ما ارتقای رقابت‌پذیری، جلوگیری از انحصار، ایجاد بازارگاه‌های دیجیتال و حمایت از شرکت‌های صادراتی است تا ایران به بازیگری جدی در اقتصاد دیجیتال منطقه تبدیل شود.»

او همچنین گفته تربیت ۵۰۰ هزار نیروی ماهر دیجیتال، توسعه سواد دیجیتال عمومی، حمایت مالی از آموزش‌های مهارتی و تقویت پژوهش و مراکز تحقیق و توسعه در دستور کار قرار دارد. این در حالیست که محدودیت‌های گسترده از جمله سرعت پایین اینترنت و فیلترینگ سبب خروج کارآفرینان و متخصصان اقتصاد دیجیتال از ایران شده است.

با آغاز جنگ ۱۲ روزه میان جمهوری اسلامی و اسرائیل محدودیت‌های اینترنتی افزایش پیدا کرد؛ اینترنت برای روزهای متوالی خاموش بود و پس از اتصال دوباره شبکه، کاهش سرعت و فیلترینگ تشدید شد. دولت علت این محدودیت‌ها را ملاحظات امنیتی عنوان کرده است.

گزارش «اسپیدتست» از وضعیت اینترنت جهان در ژوئیه ۲۰۲۵ نشان می‌دهد سرعت اینترنت سیار در کشور کاهش پیدا کرده است. انجمن تجارت الکترونیک به تازگی در پنجمین گزارش وضعیت کیفیت اینترنت ایران اعلام کرد «ایران با قرارگرفتن در رتبه ۹۵ بدترین وضعیت کیفیت اینترنت در میان صد کشور اول GDP یا همان بزرگ‌ترین کشورها در حوزه اقتصاد را دارد.»

بر اساس گزارش انجمن تجارت الکترونیک، استفاده اینترنت در ایران فقط از کشورهای کوبا، ترکمنستان، کامرون، آنگولا، سودان، کنگو و اتیوپی وضعیت بهتری دارد. در آنسو اما نگاه امنیتی شدیدی به کسب و کارهای اقتصاد دیجیتال کشور به راه افتاده که فعالان اقتصاد دیجیتال بارها در اینباره هشدار داده‌اند.

ماه گذشته بیش از ۱۰۰ شرکت و استارت‌آپ پیشرو در اقتصاد دیجیتال کشور، با امضای بیانیه‌ای خواستار پایان دادن به سیاست‌های محدودکننده اینترنت شدند. چند روز پیشتر نیز مدیران چند شرکت بزرگ تجارت

جیره‌بندی و افزایش قیمت برق اثر نداشت؛ بحران کمبود برق ادامه دارد!



گذشته در حوزه تأمین انرژی خبر داده و گفته «برنامه‌های دولت قبل و دولت چهاردهم و طرح‌های دستگاه‌های مسئول، از جمله وزارت نیرو، دریافت شده تا دلایل ناترازی انرژی [کمبود انرژی] مشخص شود.»

ذبیح‌الله خداییان افزوده: «در برنامه هفتم توسعه تکالیفی برای دستگاه‌های مختلف تعیین شده است که سازمان بازرسی اجرای آنها را رصد می‌کند تا مشخص شود کدام دستگاه‌ها به وظایف خود عمل نمی‌کنند.»

تداوم کمبود برق نه تنها سبب ادامه جیره‌بندی برق در بخش خانگی خواهد شد بلکه خسارت‌های سنگین اقتصادی در بخش صنعت را نیز افزایش می‌دهد. بخش‌های مختلف صنعت و تولید از ابتدای سال تا کنون با جیره‌بندی گسترده برق روبرو بوده‌اند. صنایع با کاهش تولید، کاهش صادرات، اخراج نیروی کار و خطر حذف از بازارهای جهانی روبرو هستند و مشخص نیست تا چه زمانی توانایی ایستادگی در این شرایط را با توجه به بحران رکود تورمی در اقتصاد کشور دارند. برای نمونه علی‌اکبر الوندیان دبیر سندیکای سیمان با اشاره به کاهش ۴ میلیون تنی تولید سیمان در سال جاری گفته محدودیت‌های انرژی به ویژه قطع برق، مهمترین عامل کاهش تولید بوده است.

دبیر سندیکای سیمان با بیان اینکه وضعیت تأمین برق کارخانه‌های سیمان‌سازی بدتر از سال قبل شده، هشدار داد اگر روند فعلی ادامه یابد، حتی تأمین نیاز داخلی سیمان نیز با مشکل روبرو خواهد شد.

ابراهیم شیخ معاون صنایع عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز با انتقاد از قطعی برق صنایع، اعلام کرده که «با برادران در وزارت نیرو به شدت اختلاف نظر داریم و کلاً اعتمادمان را نسبت به سیاست‌های این وزارتخانه از دست داده‌ایم و حرف آنها را قبول نداریم.»

او تأکید کرده «هزینه برق صنایع ۶ برابر شده اما ناترازی [کمبود] برق کاهش نیافته و سیاست‌های فعلی، تولید و برنامه‌ریزی صنعتگران را مختل کرده است.»

گفت «می‌دانم!»

اکبر حسن‌یکلو مدیرعامل شرکت توزیع برق استان تهران گفته: «با توجه به پیش‌بینی‌های صورت گرفته، انشاءالله با کاهش دما شاهد خاموشی‌ها نخواهیم بود.»

اوایل شهریورماه جاری نیز همایون حائری معاون وزیر نیرو در امور برق و انرژی مدعی شده بود: «خاموشی‌های برنامه‌ریزی شده امسال رفته رفته کاهش می‌یابد و پرونده خاموشی‌ها تا یک‌ماه آینده بسته می‌شود.»

احمد مرادی عضو کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی هم گفته وزیر نیرو قول داده که از پایان شهریور وضعیت بهتر شده و خاموشی‌ها به حداقل ممکن برسد.

روزنامه «دنیای اقتصاد» در شماره روز دوشنبه ۱۷ شهریورماه ۱۴۰۴ در مطلبی با اشاره به تداوم کمبود تولید برق تأکید کرده بحران برق در کشور تنها با عبور از پیک [اوج] مصرف تابستان حل نخواهد شد.

در این مطلب آمده حجم بالای ناترازی [کمبود]، کمبود سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، فرسودگی تجهیزات و کاهش تولید نیروگاه‌های برق‌آبی نشان می‌دهد که حل ریشه‌ای مشکل نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی، توسعه نیروگاه‌های نوین و مدیریت بهینه مصرف و از همه مهم‌تر مدیریت درست انرژی است.

«دنیای اقتصاد» نوشته کارشناسان تأکید می‌کنند که بدون تغییر جدی در رویکرد تأمین و توزیع انرژی، خطر تکرار خاموشی‌های گسترده در سال‌های آینده همچنان جدی است. از این رو، پایان دائم خاموشی‌ها بیش از هر زمان دیگری به تصمیم‌های راهبردی، جذب سرمایه و استفاده از فناوری‌های نوین وابسته است؛ مسیری که اگر امروز آغاز نشود، ممکن است تابستان‌های آینده را نیز با بحران قطعی برق بیشتر روبرو کند.

کمبود گسترده انرژی همچنین پای سازمان بازرسی کشور را نیز به میان کشیده است. ذبیح‌الله خداییان رئیس سازمان بازرسی کل کشور از ورود این سازمان به بررسی کوتاهی‌های

عباس علی‌آبادی وزیر نیرو چند روز پس از آنکه در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد از ابتدای پاییز قطع برق پایان خواهد یافت، در پاسخ به خبرنگاران درباره زمان پایان خاموشی‌ها گفت «می‌دانم!»

ابراهیم شیخ معاون صنایع عمومی وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز با انتقاد از قطع برق صنایع، اعلام کرده «هزینه برق صنایع ۶ برابر شده اما ناترازی [کمبود] برق کاهش نیافته و سیاست‌های فعلی، تولید و برنامه‌ریزی صنعتگران را مختل کرده است.»

صنایع به علت جیره‌بندی برق با کاهش تولید، کاهش صادرات، اخراج نیروی کار و خطر حذف از بازارهای جهانی روبرو هستند و مشخص نیست تا چه زمانی توانایی ایستادگی در این شرایط را با توجه به بحران رکود تورمی در اقتصاد کشور دارند.

وزارت نیرو نه تنها در اجرای پروژه‌هایی برای تولید برق پایدار و حل بحران کمبود برق ناتوان بوده که در آنسو با افزایش تعرفه برق و جیره‌بندی بخش‌های مختلف خانگی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی را ناچار به کاهش مصرف برق کرده تا با کاهش برق، کمبود یا همان «ناترازی تولید و مصرف» را مدیریت کند!

همزمان با پایان اوج مصرف انرژی در روزهای گرم سال اما بحران کمبود برق همچنان پابرجاست و کارشناسان انرژی می‌گویند موانع برای افزایش تولید برق ادامه دارد. معاون وزارت صمت با هشدار درباره خسارت گسترده صنایع به علت قطع برق گفته با وجود افزایش شش برابری هزینه برق صنعتگران، کمبود آن کاهش نیافته است.

مقامات وزارت نیرو در روزهای گذشته اظهار نظره‌های ضد و نقیضی درباره پایان جیره‌بندی برق مطرح کردند. عباس علی‌آبادی وزیر نیرو چند روز پس از آنکه در مجلس شورای اسلامی اعلام کرد از ابتدای پاییز قطع برق پایان خواهد یافت، در پاسخ به خبرنگاران درباره زمان پایان خاموشی‌ها

نتایج یک پژوهش از سبک زندگی زنان در تهران: تحصیلات و وضعیت اقتصادی ارتباط مستقیم با میزان تحرک و سلامت زنان دارد



کم تحرکی و نشستن طولانی مدت، خطر ابتلا به بیماری های قلبی - عروقی، دیابت نوع ۲، برخی سرطان ها و حتی افزایش مرگ زودرس را در پی دارد.

این پژوهش برای ارتقای سلامت زنان، راهکارهایی همچون انجام فعالیت های بدنی سبک روزانه (مانند استفاده از پله به جای آسانسور، پیاده روی کوتاه، بازی فعال با فرزندان)، کاهش زمان نشستن طولانی با وقفه های کوتاه (هر نیم ساعت نشستن، ۵ دقیقه حرکت یا ایستادن)، افزایش فعالیت های هوازی متوسط (پیاده روی سریع، دوچرخه سواری سبک یا ایروبیک) دست کم ۱۵۰ دقیقه در هفته، فعالیت های شدید بدنی (دویدن، شنا، تمرینات هوازی پرشدت) حداقل ۷۵ دقیقه در هفته و انجام تمرینات قدرتی/مقاومتی برای گروه های اصلی عضلات حداقل دو روز در هفته را پیشنهاد کرده است.

همانطور که در این گزارش تأکید شده، یکی از اثرات فوری و آشکار عدم فعالیت بدنی کافی و کم تحرکی بر سلامت قلب و عروق است. فعالیت بدنی منظم برای حفظ سلامت قلب و سیستم گردش خون بسیار مهم است. عدم تحرک بدنی منجر به افزایش وزن، افزایش فشار خون و افزایش سطح کلسترول می شود که همگی از عوامل خطر بیماری قلبی هستند.

از سوی دیگر کم تحرکی بر سلامت استخوان ها اثر منفی می گذارد. زنان در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به پوکی استخوان قرار دارند. خطر ابتلا به برخی سرطان ها از جمله سرطان پستان و روده بزرگ نیز با عدم فعالیت بدنی افزایش می یابد. ورزش به تنظیم هورمون هایی مانند استروژن اثر دارد و می تواند بر ابتلا بر سرطان پستان تأثیر بگذارد.

نکته قابل توجه اینکه در حالی تأکید شده زنان کم درآمد تحرک بدنی کمتری دارند که ایندسته زنان به دلیل مشکلات اقتصادی با تغذیه نامناسب و فقر غذایی نیز روبرو هستند. این دو موضوع در کنار هم می تواند سلامت زنان کم درآمد و تنگدست را تهدید کند.

● یافته های این پژوهش نشان می دهد ۴۳ درصد زنان در تهران دچار کم تحرکی هستند و به میزان کافی ورزش یا تحرک ندارند.

● بیش از ۶۳ درصد از زنان روزانه ۸ ساعت یا بیشتر را در وضعیت نشسته (ماشای تلویزیون، استفاده از موبایل، انجام کارهای خانه یا شغل های پشت میزی) سپری می کنند.

● زنان با تحصیلات پایین تر و وضعیت اقتصادی ضعیف تر، سطح فعالیت بدنی کمتری دارند و زنان متأهل و خانه دار نسبت به زنان مجرد، تحرک کمتری دارند.

نتایج یک پژوهش درباره سبک زندگی زنان در تهران نشان می دهد ۴۳ درصد زنان ساکن تهران دچار کم تحرکی هستند و به میزان کافی ورزش یا تحرک ندارند. بیش از ۶۳ درصد از زنان نیز روزانه ۸ ساعت یا بیشتر را در وضعیت نشسته قرار دارند.

نتایج پژوهشی تازه که در نشریه «مطالعات طب ورزشی» پژوهشگاه تربیت بدنی و علوم ورزشی منتشر شده نشان می دهد بیش از نیمی از زنان ساکن تهران تحرک بدنی ندارند.

یافته های این پژوهش نشان می دهد ۴۳ درصد زنان در تهران دچار کم تحرکی هستند و به میزان کافی ورزش یا تحرک ندارند.

همچنین، بیش از ۶۳ درصد از زنان روزانه ۸ ساعت یا بیشتر را در وضعیت نشسته (ماشای تلویزیون، استفاده از موبایل، انجام کارهای خانه یا شغل های پشت میزی) سپری می کنند. این گزارش تأکید کرده زنان با تحصیلات پایین تر و وضعیت اقتصادی ضعیف تر، سطح فعالیت بدنی کمتری دارند و زنان متأهل و خانه دار نسبت به زنان مجرد، تحرک کمتری دارند. از سوی دیگر میانگین شاخص توده بدنی در گروه های کم تحرک بالاتر بوده که نشان دهنده ارتباط مستقیم میان کم تحرکی و اضافه وزن است.

یافته های این پژوهش تأکید کرده پیامدهای این الگوهای

سختان معاون وزیر صمت نیز بیانگر احتمال تداوم خاموشی ها در فصل پاییز و زمستان است: «متأسفانه تاکنون برق پایدار صنایع تأمین نشده و هر سال بر مشکلاتمان افزوده شده و هیچ گونه تضمینی هم برای تأمین برق پایدار به ما نداده اند.»

در شرایطی که وزارت نیرو بر تولید برق خورشیدی از سوی صنایع به عنوان یکی از محوری ترین برنامه های دولت برای جبران کمبود برق تأکید می کند که ابراهیم شیخ گفته «با وجود اینکه صنایع برای تأمین برق خودشان نسبت به ایجاد نیروگاه خورشیدی اقدام کردند، اما این پروژه ابرادات فراوانی دارد چرا که امکان انتقال برق وجود ندارد و یا اگر این امکان فراهم شود هیچ تضمینی برای عدم قطعی برق صنایع نیست.»

موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی نیز ابتدای شهریورماه جاری در گزارشی تأکید کرده که قیمت برق صنعتی در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۳۹۷، بطور رسمی حدود ۱۲ برابر و در عمل حدود ۳۰ برابر افزایش داشته است.

این گزارش نشان می دهد وزارت نیرو نه تنها در اجرای پروژه هایی برای تولید برق پایدار و حل بحران کمبود برق ناتوان بوده که در آنسو با افزایش تعرفه برق و جیره بندی بخش های مختلف خانگی، صنعتی، کشاورزی و خدماتی را ناچار به کاهش مصرف برق کرده تا با کاهش برق کمبود یا همان «ناترازی تولید و مصرف» را مدیریت کند!

در همین رابطه هاشم اورعی رئیس اتحادیه انجمن های علمی انرژی ایران هفته آنچه را به عنوان «کاهش مصرف برق» از سوی مقامات دولت ادعا می شود، مرتبط با جیره بندی دانسته و تأکید کرده بود کاهش تولید برق سبب شده برق کمتری در اختیار مردم قرار بگیرد: «وقتی مصرف برق در شرایط پیک ۳ درصد کمتر شده، این یعنی مقدار تولید هم در این شرایط ۳ درصد کاهش یافته است. بنابراین نباید کاهش ۳ درصدی مصرف را به عنوان یک دستاورد تلقی کرد، زیرا در حقیقت، این صنعت برق کشور است که میزان تولید آن ۳ درصد کاهش یافته و به همین میزان برق کمتری در اختیار مردم گذاشته است که مصرف کنند.»

رئیس اتحادیه انجمن های علمی انرژی ایران گفته بود مهمترین دلیل کاهش تولید برق در سال جاری، ناکارآمدی مدیریتی است، چرا که سیستم تولید و توزیع برق ما یک سیستم دولتی است و این سیستم دولتی نمی تواند با راندمان بالا فعالیت داشته باشد.

او توضیح داده بود که «یکی از دلایل کمتر شدن تولید برق در سال جاری، کاهش قابل توجه میزان تولید برق توسط نیروگاه های برق آبی به دلیل پایین بودن سطح آب پشت سدها است؛ به نحوی که امسال تقریباً تمام نیروگاه های برق آبی کشور از مدار خارج شده اند. دلیل دوم نیز افزایش گرما است، بطوری که هرچه گرمای هوا بیشتر شود، تلفات شبکه برق نیز افزایش می یابد.»

به گفته هاشم اورعی، دلیل سوم نیز فرسودگی شبکه برق کشور و عدم سرمایه گذاری توسط بخش خصوصی است. دلیل چهارم هم بی توجهی به استفاده از ظرفیت های مورد نیاز برای افزایش تولید شامل به موقع انجام ندادن تعمیرات و ناچیز بودن سهم انرژی های تجدیدپذیر در تولید برق کشور است.

او افزوده بود «دلیل پنجم کاهش تولید برق کشور در سال جاری که از همه مهمتر است، ناکارآمدی مدیریتی است، چراکه سیستم تولید و توزیع برق ما یک سیستم دولتی است و این سیستم دولتی نمی تواند با راندمان بالا فعالیت داشته باشد.»

کاهش تقاضا؛ تهدیدی برای صنعت مونتاژ لوازم خانگی در ایران



خرید یا تعمیر را پیچیده‌تر می‌کند. علی‌سعدوندی اقتصاددان در توصیف تغییر رفتار اقتصادی شهروندان در شرایط تورمی توضیح داده «خریدار باید بین خرید کالاهای اساسی مانند مواد غذایی و صرفه‌جویی برای خرید کالاهای بادوام مثل یخچال یا ماشین لباسشویی یکی را انتخاب کند. در چنین فضایی، اگر فروشندگان کالاهای لوازم خانگی دست به نوآوری‌های مالی و غیرمالی زنند، با ممانعت خریدار یا به عبارتی اعتصاب مصرف‌کننده روبه‌رو خواهند شد.»

علی‌سعدوندی همچنین گفته بازارهایی مانند لوازم خانگی که با ممانعت از واردات به انحصار رسیده‌اند، در چنین وضعیتی بیشتر صدمه می‌بینند. دلیل این وضع، آگاهی خریداران از اجحافی است که در حق آن‌ها شده است. به همین دلیل، خریداران در این شرایط خواستار امکانات، خدمات و تخفیف‌های بیشتر از سوی فروشندگان خواهند بود.

اشاره این اقتصاددان به قانون مصوب سال ۱۳۹۷ است که با توهم «خودکفایی» واردات لوازم خانگی خارجی را ممنوع اعلام کرد. سیاستی که اکنون پس از سال‌ها مشخص شده نه تنها در خودکفایی و توسعه صنعت لوازم خانگی در داخل کشور اثر نداشته بلکه رکود در بازار لوازم خانگی را نیز افزایش داده است.

صنعت لوازم خانگی ایران اکنون به یک صنعت مونتاژکار تبدیل شده است. وبسایت «زومیت» در اینباره نوشته شواهد نشان می‌دهد که سیاست حمایتی حاکمیت، به‌جای ایجاد عمق در تولید، عموماً به گسترش سطحی و مونتاژکاری دامن زده؛ اکثر قطعات کلیدی و فناوریانه، از موتور یخچال و کمپرسور کولر گازی گرفته تا پیل تلویزیون و بردهای الکترونیکی، همچنان وارداتی هستند؛ به‌عنوان مثال، «عمق ساخت داخل» در محصولی مانند تلویزیون تنها حدود ۳۰ درصد است و تولید ملی اغلب به مونتاژ قطعات

شرایط بی‌سابقه‌ای در بازار ایجاد کرده است. از سوی دیگر خروج برندهای خارجی به علت تحریم و ممنوعیت واردات لوازم خانگی، و محدودیت تولید داخلی لوازم خانگی، تنوع محصولات را کاهش داده و قیمت‌ها را بالا برده است. بسیاری از مناطق با کمبود کالا روبه‌رو هستند و گزینه‌های محدود مصرف‌کنندگان، گرایش به تعمیر وسایل موجود را تشدید کرده است.

شهروندان به دلیل کاهش قدرت خرید و افزایش قیمت‌ها در بازار، ترجیح می‌دهند لوازم خانگی قدیمی را تعمیر کنند. با اینهمه هزینه تعمیرات نیز پا به پای تورم افزایش یافته و برخی خانوارها حتی توان پرداخت هزینه تعمیر لوازم خانگی را نیز ندارند.

به گزارش وبسایت «خبرآنلاین» کمبود برخی قطعات یدکی و وابستگی به مواد اولیه داخلی، تأمین قطعات را با چالش مواجه کرده است. برخی تعمیرکاران گزارش می‌دهند که تأمین قطعات برای وسایل پرمصرف مانند یخچال، لباسشویی و ماشین ظرفشویی، در برخی مناطق زمان‌بر شده است و همین موضوع کیفیت خدمات را تحت‌تأثیر قرار داده است.

در ماه‌های اخیر و به علت جیره‌بندی گسترده برق، لوازم برقی شهروندان دچار آسیب‌دیدگی می‌شوند. از جمله سوختن موتور یخچال و ماشین‌لباسشویی یا سوختن بُرد لوازم برقی از جمله هود آشپزخانه!

گرایش شهروندان به تعمیر لوازم خانگی به جای خرید در شرایطی تقاضا در بازار لوازم خانگی نو را کاهش داده که فروشندگان ناچار هستند شرایط جذابی برای فروش اقساطی ایجاد کنند تا شاید بتوانند فروش خود را بالا ببرند. «خبر آنلاین» نوشته فروش اقساطی لوازم خانگی برای فروشندگان راهکاری برای حفظ نقدینگی و کاهش حجم کالاهای انبار شده محسوب می‌شود، اما در عین حال، فشار مالی خانوارها را نیز طولانی‌تر کرده و تصمیم‌گیری درباره

● بازار لوازم خانگی در ایران به علت کاهش قدرت خرید شهروندان و نبود مشتری با رکود شدیدی روبرو شده است. ● خروج برندهای خارجی به علت تحریم و ممنوعیت واردات لوازم خانگی، و محدودیت تولید داخلی لوازم خانگی، تنوع محصولات را کاهش داده و قیمت‌ها را بالا برده است.

● شهروندان به دلیل کاهش قدرت خرید و افزایش قیمت‌ها در بازار، ترجیح می‌دهند لوازم خانگی قدیمی را تعمیر کنند. با اینهمه هزینه تعمیرات نیز پا به پای تورم افزایش یافته و برخی خانوارها حتی توان پرداخت هزینه تعمیر لوازم خانگی را نیز ندارند.

● بحران کمبود انرژی و تأمین نشدن منابع انرژی مورد نیاز تولیدکنندگان سبب کاهش تولید لوازم خانگی شده بطوری که تولید صنعت لوازم خانگی در سه ماهه اول سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد.

● ممنوعیت واردات لوازم خانگی از سال ۱۳۹۷ و با توهم «خودکفایی» اجرا شد؛ سیاستی که اکنون پس از سال‌ها مشخص شده نه تنها در خودکفایی و توسعه صنعت لوازم خانگی در داخل کشور اثر نداشته بلکه رکود در بازار لوازم خانگی را نیز افزایش داده است.

صنعت لوازم خانگی با مشکلاتی چون بحران کمبود انرژی، افزایش قیمت ارز، و افزایش هزینه تولید روبروست. کاهش شدید تقاضا به علت کاهش قدرت خرید شهروندان نیز به مشکلی مضاعف برای این صنعت تبدیل شده است. بازار لوازم خانگی در ایران به علت کاهش قدرت خرید شهروندان و نبود مشتری با رکود شدیدی روبرو شده است. به گزارش رسانه‌های داخلی برخی از فروشندگان لوازم خانگی برای جلوگیری از برگشت چک‌ها، کالاهای خود را پایین‌تر از قیمت واقعی عرضه می‌کنند و این موضوع نیز

نتایج یک پژوهش از سبک زندگی زنان در تهران: تحصیلات و وضعیت اقتصادی ارتباط مستقیم با میزان تحرک و سلامت زنان دارد



قلبی - عروقی، دیابت نوع ۲، برخی سرطان‌ها و حتی افزایش مرگ زودرس را در پی دارد. این پژوهش برای ارتقای سلامت زنان، راهکارهایی همچون انجام فعالیت‌های بدنی سبک روزانه (مانند استفاده از پله به جای آسانسور، پیاده‌روی کوتاه، بازی فعال با فرزندان)، کاهش زمان نشستن طولانی با وقفه‌های کوتاه (هر نیم ساعت نشستن، ۵ دقیقه حرکت یا ایستادن)، افزایش فعالیت‌های هوازی متوسط (پیاده‌روی سریع، دوچرخه‌سواری سبک یا ایروبیک) دست‌کم ۱۵۰ دقیقه در هفته، فعالیت‌های شدید بدنی (دویدن، شنا، تمرینات هوازی پرشدت) حداقل ۷۵ دقیقه در هفته و انجام تمرینات قدرتی/مقاومتی برای گروه‌های اصلی عضلات حداقل دو روز در هفته را پیشنهاد کرده است. همانطور که در این گزارش تأکید شده، یکی از اثرات فوری و آشکار عدم فعالیت بدنی کافی و کم‌تحرکی بر سلامت قلب و عروق است. فعالیت بدنی منظم برای حفظ سلامت قلب و سیستم گردش خون بسیار مهم است. عدم تحرک بدنی منجر به افزایش وزن، افزایش فشار خون و افزایش سطح کلسترول می‌شود که همگی از عوامل خطر بیماری قلبی هستند.

از سوی دیگر کم تحرکی بر سلامت استخوان‌ها اثر منفی می‌گذارد. زنان در معرض خطر بیشتری برای ابتلا به پوکی استخوان قرار دارند. خطر ابتلا به برخی سرطان‌ها از جمله سرطان پستان و روده بزرگ نیز با عدم فعالیت بدنی افزایش می‌یابد. ورزش به تنظیم هورمون‌هایی مانند استروژن اثر دارد و می‌تواند بر ابتلا بر سرطان پستان تأثیر بگذارد. نکته قابل توجه اینکه در حالی تأکید شده زنان کم‌درآمد تحرک بدنی کمتری دارند که ایندسته زنان به دلیل مشکلات اقتصادی با تغذیه نامناسب و فقر غذایی نیز روبرو هستند. این دو موضوع در کنار هم می‌تواند سلامت زنان کم‌درآمد و تنگدست را تهدید کند.

● یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ۴۳ درصد زنان در تهران دچار کم‌تحرکی هستند و به میزان کافی ورزش یا تحرک ندارند. ● بیش از ۶۳ درصد از زنان روزانه ۸ ساعت یا بیشتر را در وضعیت نشسته (ماشای تلویزیون، استفاده از موبایل، انجام کارهای خانه یا شغل‌های پشت‌میزی) سپری می‌کنند. ● زنان با تحصیلات پایین‌تر و وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر، سطح فعالیت بدنی کمتری دارند و زنان متأهل و خانه‌دار نسبت به زنان مجرد، تحرک کمتری دارند.

نتایج یک پژوهش درباره سبک زندگی زنان در تهران نشان می‌دهد ۴۳ درصد زنان ساکن تهران دچار کم‌تحرکی هستند و به میزان کافی ورزش یا تحرک ندارند. بیش از ۶۳ درصد از زنان نیز روزانه ۸ ساعت یا بیشتر را در وضعیت نشسته قرار دارند. نتایج پژوهشی تازه که در نشریه «مطالعات طب ورزشی» پژوهشگاه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی منتشر شده نشان می‌دهد بیش از نیمی از زنان ساکن تهران تحرک بدنی ندارند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد ۴۳ درصد زنان در تهران دچار کم‌تحرکی هستند و به میزان کافی ورزش یا تحرک ندارند.

همچنین، بیش از ۶۳ درصد از زنان روزانه ۸ ساعت یا بیشتر را در وضعیت نشسته (ماشای تلویزیون، استفاده از موبایل، انجام کارهای خانه یا شغل‌های پشت‌میزی) سپری می‌کنند. این گزارش تأکید کرده زنان با تحصیلات پایین‌تر و وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر، سطح فعالیت بدنی کمتری دارند و زنان متأهل و خانه‌دار نسبت به زنان مجرد، تحرک کمتری دارند. از سوی دیگر میانگین شاخص توده بدنی در گروه‌های کم‌تحرک بالاتر بوده که نشان‌دهنده ارتباط مستقیم میان کم‌تحرکی و اضافه‌وزن است. یافته‌های این پژوهش تأکید کرده پیامدهای این الگوهای کم‌تحرکی و نشستن طولانی‌مدت، خطر ابتلا به بیماری‌های

وارداتی و ساخت بدنه‌ی فلزی و پلاستیکی محدود می‌شود.

یکی از کارشناسان لوازم خانگی در گفتگو با زومیت گفته «شکوفایی» اغلب به معنای واردات محصولات بی‌نام‌ونشان و ارزان‌قیمت چینی و الصاق برند ایرانی روی آن‌ها بوده: «۹۰ درصد محصولاتی که به اسم ایرانی فروخته می‌شوند، در اصل کالایی چینی هستند که صرفاً در ایران مونتاژ می‌شوند».

مدیر یکی از شهرهای لوازم خانگی در تهران در گفتگو با خبرگزاری «ایرنا» گفته «ما با یک «رکود دووجهی» روبرو هستیم. از یک طرف تقاضا کاهش یافته و از طرف دیگر هزینه‌های عملیاتی روزبه‌روز در حال افزایش است. اما جالب اینجا است که مساله اصلی ما کاهش فروش نیست، بلکه تغییر الگوی خرید مشتریان است. مردم دیگر مثل قبل برای خرید عجله ندارند، هر محصول را با دقت بررسی می‌کنند و گاهی تا ۶ ماه برای یک خرید تحقیق می‌کنند. این یعنی ما باید کاملاً استراتژی‌های فروش و موجودی انبارمان را تغییر دهیم».

با اینهمه کاهش تقاضا در بازار لوازم خانگی این صنعت را نیز با تهدیدهایی روبرو کرده است. به ویژه آنکه صنعت لوازم خانگی پیشتر نیز تحت فشار مشکلات ساختاری و بحران‌های اقتصادی قرار داشت.

خبرگزاری «تسنیم» در گزارشی نوشته رکود موجود در بازار لوازم خانگی را می‌توان حاصل همزمان دو عامل اساسی دانست؛ «کاهش تقاضا از سوی مصرف‌کنندگان» و «کاهش عرضه از سوی تولیدکنندگان». از یک طرف، مردم به دلایل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تمایل کمتری به خرید لوازم خانگی نشان می‌دهند و از طرف دیگر، تولیدکنندگان نیز با موانع جدی در تأمین مواد اولیه، سرمایه در گردش و انرژی روبرو هستند.

به گزارش «تسنیم» نبود منابع ارزی در دست تولیدکنندگان نیز یکی دیگر از بحران‌ها در صنعت لوازم خانگی اسن. بانک مرکزی به بهانه کنترل تورم عملاً تخصیص منابع برای سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی را کاهش داده است. بر اساس این گزارش صنایع مختلف از جمله صنعت لوازم خانگی به شدت از این سیاست آسیب دیده‌اند. کاهش سرمایه در گردش به معنای کاهش توان خرید مواد اولیه، محدود شدن نقدینگی برای تولید و در نهایت افت تولید و عرضه در بازار است.

جیره‌بندی برق صنایع نیز بر تولید لوازم خانگی اثر منفی داشته است. در همین رابطه خبرگزاری «تسنیم» نوشته کارخانجات تولید لوازم خانگی برای فرآیندهای تولیدی خود به انرژی برق وابسته‌اند و هرگونه اختلال در تأمین برق، به کاهش ساعات کاری و افت بهره‌وری منجر می‌شود. گزارش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از خطوط تولید به دلیل قطعی‌های چند ساعته برق عملاً نیمی از ظرفیت خود را از دست داده‌اند. این موضوع در کنار مشکلات ارزی و مالی، فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان وارد کرده است.

«تسنیم» تأکید کرده بر اساس شاخص شدت تکانه اقتصادی، خسارت ناشی از قطع برق در بخش صنعت ۳۶۹۷ برابر بیشتر از بخش فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی، ۱۸۴۷ برابر فعالیت‌های آب‌رسانی و مدیریت پسماند و فاضلاب و همچنین چندین برابر سایر بخش‌ها است. این اعداد نشان می‌دهد که کوچک‌ترین وقفه در تأمین برق صنایع، ضربه‌ای فلج‌کننده به کل اقتصاد کشور وارد می‌کند. آمارهای ارائه شده از سوی دولت نیز بحران در تولید لوازم خانگی را نشان می‌دهد. بر اساس آمار موجود، تولید صنعت لوازم خانگی در سه ماهه اول سال ۱۴۰۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۱۰ درصد کاهش نشان می‌دهد.

هزینه‌های سرسام‌آور مدرسه در سال تحصیلی جدید و سردرگمی خانواده‌های دانش‌آموزان



● گزارش‌های میدانی حاکی از رکود در بازار نوشت‌افزار و کیف مدرسه است؛ قیمت‌های بالا و قدرت خرید نازل خانوارها سبب شده بیشتر متقاضیان در بازار تماشاگر باشند تا خریدار.

● قیمت کیف مدرسه از ۳۰۰ هزار تومان شروع و تا بیش از ۳۰ میلیون تومان هم می‌رسد. کیف‌های ۳۰۰ هزار تومانی استانداردهای لازم را ندارد و به حدی بی‌کیفیت هستند که نا نیمه سال تحصیلی هم دوام نمی‌آورند.

● قیمت جامدادی در ساده‌ترین حالت خود از ۱۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و به چند میلیون تومان می‌رسد. گران‌ترین جامدادی موجود در پلتفرم‌های خرید و فروش آنلاین، ۲۵ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است.

● ارزان‌ترین مداد سیاه در بازار ۲۵ هزار تومان است و در برندهای با کیفیت به بیش از ۱۰۰ هزار تومان هم می‌رسد.

● قیمت یک عدد پاک‌کن از ۴۴ هزار تومان شروع و در برخی موارد میلیونی هم می‌شود. به عنوان مثال پاک‌کن فابریکاسل ۴ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان قیمت دارد.

● هزینه سرویس مدارس و کتاب‌های درسی هم با افزایش ۴۰ درصدی روبرو شده و حتی مدارس دولتی هم هزینه‌های میلیونی به اسم «کمک به مدرسه» دریافت می‌کنند.

● هزینه‌های سرسام‌آور مدرسه در سال تحصیلی جدید در مقایسه با حقوق حدود ۵/۱۶ میلیون تومانی یک کارگر بیانگر فشار شدیدی است که اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران برای تحصیل فرزندان‌شان مجبورند تحمل کنند.

سال تحصیلی جدید در حالی آغاز می‌شود که هزینه‌های رفتن به مدرسه با افزایش چشمگیری نسبت به سال گذشته روبرو شده است؛ تهیه رپوش و لباس فرم، کیف، کفش، و نوشت‌افزار به چندین میلیون تومان هزینه نیاز دارد. در آنسو شهریه‌ها حتی در مدارس دولتی افزایش یافته و هزینه سرویس رفت و آمد نیز با افزایش ۴۰ درصدی روبرو شده است.

گزارش‌های میدانی حاکی از رکود در بازار نوشت‌افزار و کیف مدرسه است؛ قیمت‌های بالا و قدرت خرید نازل خانوارها سبب شده بیشتر متقاضیان در بازار تماشاگر باشند تا خریدار.

قیمت کیف مدرسه از ۳۰۰ هزار تومان شروع و تا بیش از ۳۰ میلیون تومان هم می‌رسد. کیف‌های ۳۰۰ هزار تومانی استانداردهای لازم را ندارد و به حدی بی‌کیفیت هستند که نا نیمه سال تحصیلی هم دوام نمی‌آورند.

قیمت جامدادی در ساده‌ترین حالت خود از ۱۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و به چند میلیون تومان هم می‌رسد. گران‌ترین جامدادی موجود در پلتفرم‌های خرید و فروش آنلاین، ۲۵ میلیون تومان قیمت‌گذاری شده است.

دفتر مشق بسته به تعداد برگ‌ها، کیفیت کاغذ و طرح جلد متفاوت است. دفتر مشق ۴۰ برگ در بازار آنلاین حدود ۴۵ هزار تومان، دفتر ۵۰ برگ ۵۵ هزار، دفتر ۶۰ برگ ۱۲۳ هزار، دفتر ۷۰ و ۸۰ برگ ۱۱۰ هزار، دفتر ۱۰۰ برگ ۱۴۰ و دفتر ۲۰۰ برگ ۱۶۱ هزار تومان قیمت دارد. این دفاتر البته از برندهای گران‌قیمت نیستند و قیمت دفتر از برندهای لوکس به نیم میلیون تومان هم می‌رسد. هر دانش‌آموز چند دفتر نیاز دارد و در نتیجه هزینه تهیه دفتر مشق، در

قیمت سرویس‌ها را بالا می‌برد.

قیمت کتب درسی هم هنوز از سوی آموزش و پرورش اعلام نشده، اما این وزارتخانه از افزایش ۶۰ درصدی قیمت‌ها نسبت به سال گذشته خبر داده است. قیمت کتب درسی برای هر پایه متفاوت است، اما برای مقطع ابتدایی در سال تحصیلی گذشته از ۷۰ تا ۱۰۰ هزار تومان متغیر بود؛ بنابراین با افزایش ۶۰ درصدی امسال، این بازه قیمتی از ۱۱۲ تا ۱۶۰ هزار تومان را شامل می‌شود.

شهریه مدارس غیردولتی و غیرانتفاعی از ۵۰ میلیون تومان در شهرستان‌ها تا ۲۵۰ میلیون تومان در شهرهای بزرگ را شامل می‌شود. این شهریه شامل مواردی مانند اردو، فعالیت‌های فوق برنامه یا حتی تغذیه نیست. با احتساب این هزینه‌ها، رقمی که خانواده‌ها در شهرهای بزرگ به مدارس غیرانتفاعی می‌پردازند تا بیش از ۳۰۰ میلیون تومان افزایش می‌یابد.

مدارس دولتی هم که قاعدتا بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی باید رایگان باشند، هزینه‌های میلیونی دریافت می‌کنند!

در همین رابطه خبرگزاری «رکنا» گزارش داده رقمی که مدارس دولتی برای ثبت‌نام دانش‌آموزان طلب می‌کنند، از چند میلیون تا بیش از ۱۵ میلیون تومان متغیر است؛ برای مثال یک مدرسه در شهر تهران به والدین اعلام کرده است که می‌بایست ۱۵ میلیون تومان کمک به مدرسه پرداخت کنند. همچنین این پیشنهاد را هم در نظر گرفته اند که می‌توانند ۵ میلیون تومان در لحظه ثبت نام، ۵ میلیون تومان در طول سال و ۵ میلیون تومان در زمان دریافت کارنامه پرداخت کنند! در مدارس دیگر، رقم‌ها ۱۲ میلیون یا ۸ میلیون تومان است.

هزینه‌های سرسام‌آور مدرسه در سال تحصیلی جدید در مقایسه با حقوق حدود ۵/۱۶ میلیون تومانی یک کارگر بیانگر فشار شدیدی است که اقشار کم‌درآمد از جمله کارگران برای تحصیل فرزندان‌شان مجبورند تحمل کنند.

ساده‌ترین مدل‌ها هم برای خانوارها بیش از یک میلیون تومان هزینه خواهد داشت.

ارزان‌ترین مداد سیاه در بازار ۲۵ هزار تومان است و در برندهای با کیفیت به بیش از ۱۰۰ هزار تومان هم می‌رسد. همچنین قیمت یک عدد پاک‌کن از ۴۴ هزار تومان شروع و در برخی موارد میلیونی هم می‌شود. به عنوان مثال پاک‌کن فابریکاسل ۴ میلیون و ۴۵۰ هزار تومان قیمت دارد.

ساده‌ترین مدادترش در بازار ۲۵ هزار تومان است و قیمت مدادتراش رومیزی از یک میلیون تومان شروع می‌شود. مدارنگی هم در برندهای چینی و نامرغوب از ۳۰۰ هزار تومان شروع می‌شود و در برندهایی مانند برای یک بسته ۴۲ تایی فابریکاسل یک و نیم میلیون تومان هزینه دارد. مدارنگی‌های ۱۲۰ عددی فابریکاسل هم بیش از ۱۷ میلیون تومان قیمت دارد.

خط کش هم در ارزان‌ترین حالت ۳۵ هزار تومان است و البته قیمت آن در برخی مدل‌ها به ۲۰۰ هزار تومان هم می‌رسد.

یک بسته پنج عددی خودکار ایرانی ۶۰ هزار تومان قیمت دارد و در برندهای معروف‌تر به ۳۵۰ هزار تومان هم می‌رسد.

قیمت‌های موجود نشان می‌دهد تهیه یک کیف، چند دفتر، چند مداد، پاک‌کن و تراش، یک بسته خودکار و یک بسته مدارنگی، یک خط کش از برندهای ارزان قیمت برای هر دانش‌آموز دست‌کم دو میلیون تومان هزینه خواهد داشت. قیمت همین مجموعه کالا از برندهای متوسط چینی تا پنج میلیون تومان و از برندهای معروف و با کیفیت تا ده‌ها میلیون تومان می‌رسد.

هزینه کتاب درسی، لباس فرم و شهریه هم از هزینه‌های اصلی دانش‌آموزان برای آغاز سال تحصیلی است.

سپیل میرمهدی رئیس اتحادیه صنف مسافری از افزایش ۴۰ درصدی هزینه سرویس مدارس خبر داده و افزوده «سامانه سپند سرویس مدارس هر سال به صورت غیرقانونی

خشک شدن سریالی رودخانه‌ها و سدها؛ ترک خوردن خانه‌ها در جنوب تهران بر اثر فرونشست



سالانه ۲۵ تا ۲۷ سانتیمتر، یکی از بالاترین نرخ‌های فرونشست در جهان را تجربه می‌کند، این رقم در برخی مناطق خاص، مانند دشت ورامین، حتی به ۳۶ سانتیمتر در سال نیز می‌رسد، که شش برابر میانگین جهانی محسوب می‌شود.

رضا شهبازی، هشدار داده «وضعیت فرونشست به حدی بحرانی است که باید از عبارت «فاجعه ملی» استفاده کنیم.» او گفته ما در تهران شاهد تخلیه مخازن آب زیرزمینی در مقیاسی وسیع هستیم، وقتی آب این سفره‌ها را بیرون می‌کشید، مانند آن است که اسفنجی را فشار دهید؛ زمین منقبض می‌شود و برای همیشه ظرفیت ذخیره‌سازی خود را از دست می‌دهد.

رضا شهبازی تأکید کرده ادامه این روند می‌تواند به ترکیدن لوله‌های اصلی آب و فاضلاب، آسیب به خطوط ریلی و مترو، و حتی بی‌ثبات کردن شالوده ساختمان‌ها و برج‌ها منجر شود. کارشناسان محیط زیست هشدار می‌دهند که ادامه این روند می‌تواند منجر به غیرقابل سکونت شدن بخش‌هایی از تهران در آینده نزدیک شود. به گفته علی بیت‌اللهی، متخصص علوم زمین، استان‌های تهران، اصفهان، البرز و کرمان که ۴۰ درصد جمعیت کشور را در خود جای داده‌اند، در کانون فرونشست قرار دارند.

محمد آقامیری رئیس کمیته عمران شورای اسلامی شهر تهران هفته گذشته به خبرنگاران گفته بود «آمار فرونشست تهران محرمانه است و نمی‌توانم آن را بیان کنم. همین قدر بدانید که این آمار وحشتناک است.»

رئیس کمیته عمران شورای اسلامی شهر تهران گفته بود که در منطقه ۱۸ شهرداری تهران که از نقاط اصلی روی آبخوان زیر شهر تهران به شمار می‌رود، برداشت بی‌رویه آب از سفره زیرزمینی به حدی بوده که این منطقه اکنون با ۲۰ سانتی‌متر فرونشست مواجه شده است.

آمارها نشان می‌دهد بیشترین میزان فرونشست، به دشت بهرامان در استان کرمان با ۳۱ سانتی‌متر و نیز یکی از مناطق تهران با حدود ۳۰ سانتیمتر مربوط می‌شود.

به سال گذشته ۱۰۰ درصد کاهش یافت. او افزوده «در حوضه کرخه که از تلاقی «سپهر» و «کشکان» در جنوب پلدختر تشکیل می‌شود متوسط دبی سرشاخه‌ها در مرداد سال آبی جاری حدود ۰.۲ مترمکعب بر ثانیه بوده که نسبت به مرداد سال قبل با حدود ۱.۶ مترمکعب بر ثانیه، حدود ۸۹ درصد و نسبت به متوسط بلندمدت با حدود ۳ مترمکعب بر ثانیه، حدود ۹۴ درصد کاهش داشته است.»

بر اساس آخرین تصاویر منتشر شده از سوی ناسا، دریاچه ارومیه بطور کامل خشک شده و دیگر اثری از این دریاچه در تصاویر هوایی دیده نمی‌شود. پیشتر کارشناسان نسبت به احتمال خشک شدن کامل دریاچه ارومیه هشدار داده بودند. یکی از آثار خشکسالی بی‌سابقه‌ای که در سال‌های گذشته و زیر سایه بی‌اعتنایی مقامات جمهوری اسلامی به بحران‌های زیست محیطی کشور را فرا گرفته، گسترش فرونشست است.

فرونشست زمین که کارشناسان از آن به عنوان «زلزله خاموش» نام می‌برند همه استان‌های ایران را درگیر کرده و در برخی از استان‌ها شرایطی هشدارآمیز را ایجاد کرده است.

برای نمونه فرونشست در استان ۱۸ میلیونی تهران و اطراف به تهدیدی جدی علیه جان شهروندان تبدیل شده است. رضا شهبازی مدیرکل سابق مرکز زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی منطقه شمال شرق کشور اعلام کرده «اطراف فرودگاه بین‌المللی «امام» شکاف‌های عمیقی در زمین پدیدار شده است. یکی از ساکنان کهریزک در جنوب تهران گفته دیوارهای خانه ما در طول پنج سال گذشته چندین بار ترک خورده است، اول فکر می‌کردیم به دلیل ساخت و ساز مترو است، اما همسایه‌ها می‌گویند، زمین دارد پایین می‌رود.»

بر اساس داده‌های مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرداری ایران، دشت جنوب و جنوب غربی تهران با نرخ متوسط

● سدهای وشمگیر، گلستان و بوستان در استان گلستان و سد رودبال داراب فارس و سد شمیل و نیان در استان هرمزگان کاملاً خشک شده‌اند.

● ۱۹ سد شامل سدهای لار در استان تهران با ۳ درصد پرشدگی، سدهای لتیان و ماملو با ۱۴ درصد پرشدگی و سدهای دوستی و طرق در استان خراسان «رضوی» هرکدام با ۵ درصد پرشدگی دچار خشکی شده‌اند.

● مظفر زیودار مدیر مطالعات شرکت آب منطقه‌ای لرستان هم از خشک شدن کامل رودخانه «کشکان» در شهرستان پلدختر خبر داده است.

● بر اساس آخرین تصاویر منتشر شده از سوی ناسا، دریاچه ارومیه بطور کامل خشک شده و دیگر اثری از این دریاچه در تصاویر هوایی دیده نمی‌شود.

بحران کمبود آب با خشک شدن سریالی رودخانه‌ها، سدها، تالاب‌ها و دریاچه‌ها ادامه دارد. فرونشست به عنوان یکی از عوارض خشکسالی در کشور گسترده شده و آخرین آمارها از ترک خوردن خانه‌ها در جنوب استان تهران به علت فرونشست حکایت دارد.

در آخرین روزهای سال آبی، خشکسالی شدید سدهای کشور را یکی پس از دیگری بی‌آب کرده است. آخرین آمارها نشان می‌دهد سدهای وشمگیر، گلستان و بوستان در استان گلستان و سد رودبال داراب فارس و سد شمیل و نیان در استان هرمزگان کاملاً خشک شده‌اند.

در کنار خشکی کامل پنج سد مهم کشور، سدهای دیگر نیز وضعیت خوبی ندارند و ۱۹ سد بزرگ دیگر کشور نیز پرشدگی کمتر از ۱۵ درصد دارند. همچنین چاه نیمه‌های سیستان و بلوچستان هم ۱۳ درصد پرشدگی دارند.

بر اساس آمارهای شرکت مدیریت منابع آب ایران از ابتدای این سال آبی یعنی مهر ۱۴۰۳ تا ۱۵ شهریورماه از مجموع سدهای بزرگ کشور ۱۹ سد شامل سدهای لار در استان تهران با ۳ درصد پرشدگی، سدهای لتیان و ماملو با ۱۴ درصد پرشدگی و سدهای دوستی و طرق در استان خراسان رضوی هرکدام با ۵ درصد پرشدگی دچار خشکی شده‌اند.

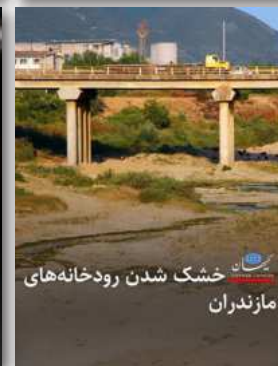
سدهای «پانزده خرداد» در حوضه آبریز قمرود که ۸ درصد پرشدگی و سد بوکان در آذربایجان غربی ۱۴ درصد پرشدگی دارد؛ سدهای استقلال، سرنی به ترتیب ۳ درصد و ۱۲ درصد پرشدگی دارند.

سدهای سفیدرود گیلان ۳ درصد پرشدگی دارد، سد تهم زنجان ۹ درصد پرشدگی دارد، سد تنگ‌گوشه سیرجان با ۷ درصد و سد نسا کرمان هم با ۷ درصد پرشدگی در شرایط آبی بغرنجی به سر می‌برند.

خشکی سدها در استان‌های مختلف نشان‌دهنده کاهش بارندگی‌ها است؛ موضوعی که در کنار از بین رفتن منابع آب زیرزمینی و مدیریت ناکارآمد جمهوری اسلامی در مدیریت آب، سبب خشک شدن رودخانه‌ها و تالاب‌ها و دریاچه‌ها نیز شده است.

مظفر زیودار مدیر مطالعات شرکت آب منطقه‌ای لرستان هم از خشک شدن کامل رودخانه «کشکان» در شهرستان پلدختر خبر داده است.

مدیر مطالعات شرکت آب منطقه‌ای لرستان گفته دبی رودخانه «کشکان» در محل پلدختر در امرداد امسال نسبت







عکس هفته | تا زمان آزادی ایران دوشادوش همه شما مبارزه می‌کنم

شاهزاده رضا پهلوی در چهارمین «کنفرانس ایران» که توسط «اتحادیه ملی برای دموکراسی در ایران» (نوفدی)

در دو روز ۱۸ و ۱۹ شهریورماه ۱۴۰۴ در واشنگتن دی سی برگزار شد.